

## «فهرست»

| صفحه | عنوان                                    |
|------|------------------------------------------|
| ۵    | مقدمه                                    |
| ۱    | خدا                                      |
| ۴    | اما در باره وجود خدا                     |
| ۴    | عبادت خدا                                |
| ۷    | توحید کلید آزادی واقعی انسان             |
| ۸    | علاقه انسان‌ها به شرک                    |
| ۸    | صفات خدا در قرآن                         |
| ۱۰   | هدف اصلی و اساسی احکام قرآن              |
| ۲۶   | عدالت در قرآن                            |
| ۲۷   | عدالت بالاتر از تمام دوستی‌ها و دشمنی‌ها |
| ۲۹   | عدالت خدا در طبیعت                       |
| ۳۵   | عدالت خدا در قرآن                        |
| ۳۸   | حمد: مدح، ثناء، ستایش، تمجید             |
| ۴۱   | درستکاری                                 |
| ۴۳   | جهاد: کوشش                               |
| ۴۷   |                                          |

|    |                            |
|----|----------------------------|
| ۵۵ | تبلیغ دین                  |
| ۵۸ | دعوت اهل کتاب              |
| ۶۲ | دعوت دیگران                |
| ۶۳ | انسان در گروی اعمال خود    |
| ۶۶ | قرآن کامل و کافی است       |
| ۶۹ | اسلام دین شادی است         |
| ۷۱ | اسلام                      |
| ۷۲ | پیغمبر ص مسلمان بود        |
| ۷۳ | پیغمبران همگی مسلمان بودند |
| ۷۵ | ایمان                      |
| ۷۸ | پیروی                      |
| ۸۲ | هدایت                      |
| ۸۷ | ضلالت                      |
| ۸۸ | علم                        |
| ۹۰ | توکل                       |
| ۹۲ | اطاعت                      |
| ۹۶ | سنت: روش: طرز کار          |
| ۹۹ | امام                       |

|     |                                |
|-----|--------------------------------|
| ۱۰۱ | نماز                           |
| ۱۰۲ | نماز قَصْر (نماز شکسته)        |
| ۱۰۳ | وضو                            |
| ۱۰۴ | طرز خواندن نماز و ذکر نماز     |
| ۱۰۴ | روزه                           |
| ۱۰۶ | حجّ                            |
| ۱۰۷ | زکات                           |
| ۱۰۹ | انفاق                          |
| ۱۱۱ | فقرا و مساکین                  |
| ۱۱۵ | اسراف                          |
| ۱۱۷ | تبذیر                          |
| ۱۱۸ | فخر فروشی                      |
| ۱۱۸ | افزون (زیاده) طلبی             |
| ۱۱۹ | راکد گذاشتن سرمایه (گنج ساختن) |
| ۱۲۰ | * نتیجه بحث‌های گذشته *        |
| ۱۲۱ | احتیاجات طبیعی                 |
| ۱۲۲ | صبر                            |
| ۱۲۵ | دعا                            |

- ۱۲۶ چه نسبت‌هایی به پیغمبران داده می‌شد؟
- ۱۲۶ چه حرف‌ها و تهمت‌هایی به پیغمبران زده می‌شد؟
- ۱۲۶ می‌گفتند: پیغمبر دیوانه است.
- ۱۲۸ می‌گفتند: پیغمبر ساحر (جادوگر) است.
- ۱۳۰ می‌گفتند: شاعر است.
- ۱۳۱ می‌گفتند: کاهن است.
- ۱۳۱ می‌گفتند: به او یاد داده‌اند.
- ۱۳۲ می‌گفتند: افسانه پیشینیان است.
- ۱۳۲ می‌گفتند: دروغگو هستند.
- ۱۳۴ می‌گفتند: چرا محمد ص رسول خدا شود؟
- ۱۳۴ می‌گفتند: پیغمبران هم بشری مثل ما هستند.
- ۱۳۶ پیغمبران را مسخره می‌کردند.
- ۱۳۷ \* علت این حرفها \*
- ۱۴۱ کتمان: پنهان کردن و به مردم نگفتن حقیقت چیزی

# بسم الله العليم الحكيم

## مقدمه

آنچه در طول تاریخ اسلام وجود داشته دین نبوده بلکه شرک مطلق بوده «و یک دسته افکار سست و واهی و بی اثر بوده» که توسط یک دسته افراد دنیاپرست به مردم تزریق و تلقین شده. علامه طباطبائی در صفحه ۷۴ و ۷۵ کتاب «اسلام و احتیاجات واقعی هر عصر» چاپ انتشارات محمدی مینویسد: «البته این آقایان (یعنی حکومت‌ها) با کمال تیزبینی نقاط ضعف کار خود را می‌دیدند و به دست یک عده مزدور ماده پرست که مورد ارادت عامه مردم بودند (یعنی پیرها و مرشدها و قطب‌ها و ثقه‌الاسلام‌ها و آیت‌الله‌های عظام) فکر واقع بینی و حقیقت‌شناسی را از مغزهایشان (مغز عامه مردم) بیرون کشیده و با تزریق و تلقین «یک دسته افکار سست و واهی و بی اثر سرگرمشان کردند ... و اگر احیاناً کسی (یا کسانی) سربلند کرده و با ندای وجدان نامی از حقایق قرآن به زبان می‌آورد پاسخش به دم شمشیر و چوبه دار و شکنجه‌هایی که در کنج زندان‌های تاریک در انتظار آنان بسر می‌برد موکول میشد. این‌ها حقایقی است که هیچ مورخ منصف نمی‌تواند پرده به رویش بکشد.» لذا آنچه بنام دین در طول تاریخ وجود داشته «یک دسته افکار سست و واهی و بی اثر» بوده نه دین واقعی که قرآن نشان دهنده آن است.

آیت‌الله مطهری در صفحه ۱۸۴ و ۱۸۵ کتاب «بحثی در باره مرجعیت و روحانیت» مینویسد: «...آفتی که جامعه روحانیت ما را فلج کرده «عوام زدگی» است ... این آفت عظیم معلول نظام مالی ما است ... حکومت عوام منشاء رواج بی حد و حصر ریا و مجامله و تظاهر و کتمان حقایق و آرایش قیافه و پرداختن به هیکل و شیوع عناوین و القاب بالا بلند در جامعه روحانیت ما شده.» ایشان یکی از صفات روحانیت ما را کتمان حقایق بیان می‌کنند. کتمان حقایق یعنی «پنهان کردن حقایق و نگفتن آن به مردم.» آیه ۱۵۹: ۲ (سوره بقره) میفرماید: «کسانی که دلیل‌های روشن و راهنمایی‌های ما را بعد از اینکه برای مردم در کتاب شرح دادیم کتمان (پنهان) میکنند و به مردم نمی‌گویند افرادی هستند که خدا و لعنت کنندگان آنها را لعنت می‌کنند.» و ملعون هستند یعنی از رحمت خدا دور شده‌اند. در طول تاریخ

مردم افسار عقل خود را به دست این ملعون‌ها سپرده بودند و حالا هم می‌سپارند. اسلام تسلیم خدا بودن است. المنجد در معنی اسلام می‌نویسد: «اسلام انقیاد (اطاعت بی چون و چرا) از امر و نهی امر کننده بدون اعتراض است» در طول تاریخ مردم بجای اطاعت بی چون و چرا از خدا، بنده و مطیع مجتهدان بوده‌اند و هستند.

من سعی کرده‌ام در این کتاب با ساده‌ترین جملات که قابل فهم همه باشد تعالیم واقعی اسلام را به شما نشان بدهم. می‌توانید مطالب آن را با تمام ترجمه‌های قرآنی که در دسترس دارید تطبیق دهید.

اولین حکمی که امروزه در دست مردم است حکم آیه ۲۱ و ۲۲ بقره سوره ۲ است که می‌فرماید: «ای مردم، اربابان (فرمان فرمایان، وجودی که به شما می‌گوید چه کاری بکنید و چه کاری نکنید) وجودی که شما و کسانی که قبل از شما بودند را (همه افراد به اضافه پدرانان را) آفرید بندگی (اطاعت بی چون و چرا بکنید) تا متقی و مسلط بر نفس و پرهیزگار بشوید، وجودی که زمین را برای شما فرش و آسمان را بنائی کرد، (میدانیم که بنای یک خانه و بنا و ساختمان یک درخت و یک جاندار و یک کشتی با هم فرق دارد) و از آسمان آب (باران) را نازل کرد و از زمین بوسیله آن رزق (خوراک) شما را به وجود آورد، بنابراین برای خدا مثل و مانندی درست نکنید در صورتی که خود این را می‌دانید.» میدانیم خدائی که ۲۵۰ میلیارد کهکشان را با تمام قوانینی که در آن است بوجود آورده از تمام قوانینی که خودش در آن و در وجود انسان گذاشته اطلاع دارد و در راه نمائی خود (نشان دادن راه صحیح زندگی به انسان‌ها) اشتباه نمی‌کند. بقول آیه ۱۴ ملک سوره ۶۷: «آیا وجودی که چیزی را خلق کرده (آفریده و درست کرده) از آنچه بوجود آورده اطلاع ندارد؟» لذا در مقابل راهنمائی‌های او باید بدون چون و چرا تسلیم بود، ولی در مقابل دستورهای دیگران از طرف هر کس و هر مقام و هر سازمانی که باشد باید دلیل آن را پرسید. چون میدانیم که معلومات انسان‌ها محدود است و از طرف دیگر انسان‌ها تحت تأثیر دشمنی‌ها و دوستی‌ها و خودخواهی‌ها و خوشامدگوئی‌ها و تهدیدها قرار دارند و از گفتن حقیقت خودداری میکنند. ربّ یعنی آقا و صاحب اختیار و مالک که به انسان دستور میدهد انسان چه کاری بکند و چه کاری نکند. جمع رب ارباب است که در فارسی به معنی مفرد یعنی بمعنی مالک و کارفرما بکار میرود؛ مثل اینکه می‌گویند ارباب ده یعنی صاحب و فرمان‌فرما و کارفرمای ده که به رعایا می‌گوید (یا میگفت) اینکار را بکنید و اینکار را نکنید، فلان تخم را اینجا بکارید و آنجا نکارید یا می‌گویند ارباب کارخانه یعنی مالک و کارفرمای کارخانه که به

هر یک از کارگران میگویند اینکار را بکنید یا اینکار را نکنید. اگر این صاحبان کارخانه چند نفر باشند مثلاً میگویند اربابان کارخانه چنین دستوری دادند. انسان وقتی بنده کسی شد دیگر به دستورهای دیگران توجهی ندارد. اگر هزاران نفر به او دستوری بدهند و ارباب و صاحب اختیار او به او دستوری برخلاف دستور آنها بدهد او موظف است از دستور ارباب خود اطاعت کند. کسی که بنده خدا شود از بندگی تمام قدرتمندان و دیکتاتورانی که بر مردم فرمانروائی می کنند آزاد میشود. عبادت خدا انسان را از بندگی تمام انسانها آزاد میکند. بخاطر همین است که تمام قدرتمندان و تمام دیکتاتوران تاریخ و امروزه جهان با یگانگی خدا مخالفت میکنند و به تمام جیره خواران خود دستور میدهند مردم را از قرآن و از توحید و یگانگی خدا (صاحب اختیار مردم) دور کنند. خدا در فارسی یعنی مالک و صاحب مثل خداوند بستان یعنی مالک و صاحب باغ. ده خدا یعنی مالک و فرمان فرمای ده. ناو خدا (ناخدا) یعنی صاحب و فرمانده کشتی که به کارکنان کشتی دستور میدهد چه کاری بکنند و چه کاری نکنند. برای خدا مثل و مانندی قرار ندهید یعنی مردم با وجود اینکه میدانند کسی که انسان و جهان را خلق کرده و روزی مردم را با قوانینی که در جهان نهاده تهیه کرده فقط یکی است و بقیه مخلوق خدا هستند که در مقابل قوانین خدا از خود اختیاری ندارند و باید بدون چون و چرا از قوانینی که خدا در جهان گذاشته پیروی کنند ولی باز از آنها هم بدون چون و چرا فرمان می برند در صورتی که نباید این کار را بکنند. البته در قوانین تشریعی که توسط پیغمبران به مردم گفته شده انسانها اختیار دارند که آن را بکنند یا نکنند. چون آیه ۳ دهر (انسان) سوره ۷۶ میفرماید: «ما راه را به انسان نشان دادیم او یا قدردان (سپاسگزار) است یا قدرشناس.» آیه ۲۹ کهف سوره ۱۸ میفرماید: «حق از طرف خدای شما است. هر کس خواست ایمان می آورد و هر که خواست منکر میشود. (اما) ما برای ستمکاران (که منکر میشوند) آتشی ..... آماده کرده ایم.» این آتش در دنیا مجبور بودن به اطاعت بی چون و چرا از دستورهای دیکتاتوران است، اگرچه بمباران شهرها باشد و به هم زدن اقتصاد جهان و چه اطاعت از دستور روحانی نماهائی باشد که دین را وسیله تأمین مخارج زندگی خود کرده اند و مریدان خود را برای حفظ آن و حفظ درآمد خود از دیگران جدا میکنند و بین دینداران جهان تفرقه می اندازند و نتیجه این خیانت و این جنایت بزرگ را در تمام جهان می بینیم.

## خدا

آیات سوره اخلاص (سوره قل هو الله) سوره ۱۱۲ میفرماید: «بگو: او خدای یگانه است، خدا بی نیاز و برآورنده نیازها است، نزاده (فرزند ندارد) و زائیده نشده، و مثل و مانند و همتایی ندارد.» چون خداوندی که خالق آسمانها و زمین است، آسمانها که شامل ۲۵۰ میلیارد کهکشان است که کهکشان ما (کهکشان راه شیری) آنطور که میگویند ۲۰۰ میلیارد منظومه شمسی دارد و اگر کسی در مرز منظومه شمسی بایستد زمین ما را نمی بیند، همانطور که ما بسیاری از سیاره های منظومه شمسی خودمان را نمی بینیم، مسلماً چنین خدائی انسانی نیست که پدر و مادر و فرزند (و دائی و عمو و خاله و عمه و عروس و داماد و نوه و نتیجه) داشته باشد.

حالا اگر دهاتی های بیسواد خدا را انسان تصوّر میکنند تقصیر کوتاه فکری خودشان است و گرنه قرآن در آیه ۱۱ شوری سوره ۴۲ میفرماید: «... هیچ چیز مثل او نیست. و او شنوا و بینا است.» مسلماً گوش و چشم ندارد و هیچکس از نحوه شنیدن و دیدن او اطلاع ندارد. آیه ۱۰۳ انعام سوره ۶ میفرماید: «چشمها او را نمی بیند (درک نمی کند) در صورتیکه او چشمها را می بیند (درک میکند) و او دقیق و آگاه است.» آیه ۳۵ نور سوره ۲۴ میفرماید: «خدا نور آسمانها و زمین است ....» ما از درک چگونگی آن عاجزیم. مسلماً کسی که جهان را با ۲۵۰ میلیارد کهکشان آن آفریده انسان نیست و فرزند و پدر و مادری ندارد.

## اما در باره وجود خدا

در گذشته در باره وجود خدا از لحاظ فلسفی و آسمان و ریسمان بهم بافتن شک میکردند، ولی امروزه روابط ریاضی قرآن وجود خدا را قابل تجربه کرده. چون در ۴ کلمه بسم. الله. الرحمن. الرحیم. لا اقل ۲۱ رابطه ریاضی وجود دارد که ۱۹ رابطه آن در آخر کتاب «ترجمه روان فارسی قرآن»، - ترجمه نویسنده، - آمده و ۲ رابطه آن را در سایت عبدالله اریک میتوانید ببینید.

در این ۴ کلمه بیشتر از ۵۸ رابطه ریاضی وجود دارد که برای مثال در رابطه ۱۱ و ۱۲ این ۴ کلمه در کتاب «ترجمه روان فارسی قرآن» یک عدد ۷۳ رقمی بدست می آید که ضریب ۱۹ دارد. یعنی اگر



تقسیم به ۱۹ شود باقیمانده‌ای نخواهد داشت. یعنی امکان آن  $10^{-73}$  میباشد یعنی کسری که صورت آن یک (۱) و مخرج آن یک با ۷۳ صفر در طرف راست آن باشد. باید توجه داشته باشید که برای اینکه هر رقم آن درست در جای خود قرار گیرد امکان (یکدهم) دارد چون رقم‌ها بین صفر تا ۹ یعنی ۱۰ رقم میباشد و ۷۳ بار یکدهم مساوی  $10^{-73}$  میباشد. اگر ۲۱ بار رقم را در هم ضرب کنیم کسری در حدود  $10^{-30}$  بدست می‌آید یعنی کسری که صورت آن یک و مخرج آن نیز یک با ۳۰ صفر در طرف راست آن باشد. با توجه به اینکه در آن زمان حتی چرتکه هم در عربستان وجود نداشت هر انسان عاقلی متوجه میشود که اینکار، کار یک آدم بیسواد ۱۴ قرن پیش عربستان نبوده و کار یک عقل بی نهایت بزرگ بوده است. چون آیه ۴۸ عنکبوت سوره ۲۹ به پیغمبر میفرماید: «تو قبلاً کتابی (هیچ کتابی) نخوانده بودی و با دست خودت چیزی ننوشته بودی، چون در آن صورت کسانی که در صدد ابطال (باطل ساختن) رسالت تو بودند شک میکردند.» این واقعیت که توسط هر کس بوسیله کامپیوتر یا یک ماشین حساب ساده قابل بررسی و تجربه است ۳ چیز را ثابت می‌کند: ۱- الهی بودن قرآن، ۲- رسالت (پیامبری) محمد ص و ۳- اثبات وجود خدا.

در قرآن ۷ سوره است که با ح و م (حم) شروع میشود که عبارتند از سوره‌های ۴۰ تا ۴۶ به نام‌های غافر (مؤمن)، فصلت (سجده)، شوری، زخرف، دخان، جاثیه و احقاف که بطور عجیبی وجود خدا و رسالت پیغمبر و الهی بودن قرآن را اثبات می‌کنند. تعداد دفعات تکرار ح و م در این ۷ سوره به این صورت است: در سوره غافر یا مؤمن تعداد (ح) ۶۴ و تعداد (م) ۳۸۰ و در سوره فصلت تعداد (ح) ۴۸ و تعداد (م) ۲۷۶ و در سوره شورا (شوری) تعداد (ح) ۵۳ و تعداد (م) ۳۰۰ و در سوره زخرف تعداد (ح) ۴۴ و تعداد (م) ۳۲۴ و در سوره دخان تعداد (ح) ۱۶ و تعداد (م) ۱۵۰ و در سوره جاثیه تعداد (ح) ۳۱ و تعداد (م) ۲۰۰ و در سوره احقاف تعداد (ح) ۳۶ و تعداد (م) ۲۲۵ میباشد. اگر این اعداد را با هم جمع کنید عدد ۲۱۴۷ بدست می‌آید که مساوی  $113 \times 19$  میباشد و اگر رقم‌های آن‌ها را با هم جمع کنید درست عدد ۱۱۳ بدست می‌آید بدون یک عدد کم یا یک عدد زیاد. فراموش نکنید که مثلاً عدد ۶۴، شصت و چهار میباشد ولی رقم‌های آن ۶ و ۴ میباشد و عدد ۳۸۰، سیصد و هشتاد ولی رقم‌های آن ۳ و ۸ و صفر (۰) میباشد. رقم‌ها در عددها عبارتند از صفر تا ۹ یعنی ده رقم هستند. چه جزو یکان (آحاد) باشند و چه جزو دهگان (عشرات) باشند و چه جزو صدگان (مئات) باشند. اگر عددهای ۳ سوره اول را با

هم جمع کنید عدد ۱۱۲۱ بدست می‌آید که مساوی  $۵۹ \times ۱۹$  میباشد و اگر رقم‌های آن را جمع کنید درست همان ۵۹ یعنی ضریب ۱۹ یعنی درست خارج قسمت ۱۱۲۱ بر ۱۹ بدست می‌آید.

اگر اعداد ۴ سوره بعد را با هم جمع کنید عدد ۱۰۲۶ بدست می‌آید که مساوی  $۵۴ \times ۱۹$  میباشد و اگر رقم‌های این اعداد این ۴ سوره را با هم جمع کنید درست عدد ۵۴ بدست می‌آید که ضریب ۱۹ یعنی خارج قسمت ۱۰۲۶ بر ۱۹ میباشد.

اگر اعداد ۳ سوره ۴۱ و ۴۲ و ۴۳ را با هم جمع کنید عدد ۱۰۴۵ بدست می‌آید که مساوی  $۵۵ \times ۱۹$  است و اگر رقم‌های آن را با هم جمع کنید درست همان عدد ۵۵ یعنی خارج قسمت ۱۰۴۵ بر ۱۹ بدست می‌آید.

حال اگر همین کار را با سوره‌های ۴۴ و ۴۵ و ۴۶ و ۴۱ بکنید عدد ۱۱۰۲ بدست می‌آید که اگر تقسیم به ۱۹ کنید عدد ۵۸ بدست می‌آید و اگر رقم‌های اعداد این ۴ سوره را با هم جمع کنیم درست عدد ۵۸ بدست می‌آید که خارج قسمت ۱۱۰۲ بر ۱۹ است.

کدام آدم عاقلی است که فکر کند اینکار کار یک آدم بیسواد ۱۴ قرن پیش عربستان بوده است که سواد خواندن و نوشتن نداشته. اینکار را برای یک آدم که استاد کامپیوتر است طرح کنید که ۱۴ رقم پیدا کند که این ۵ خاصیت را داشته باشد آن هم با وجود کامپیوتر.

حالا فکر کنید اگر بخواهید ۷ مقاله بنویسید که این خاصیت بین دو حرف آن وجود داشته باشد چقدر سخت است.

حالا فکر کنید که اگر بدون مقدمه بخواهید ۷ سخنرانی بکنید که بین دو حرف آن این ۵ خاصیت وجود داشته باشد چقدر سخت یا محال است.

افراد متعصب که حتی ادعای عدم تعصب و ادعای تحقیق میکنند به علل مختلف از تجربه اینکار ساده خودداری میکنند، چون دشمنی‌ها و تعصب‌ها چشم حقیقت بین انسان را کور میکند و نمی‌خواهد واقعیت‌ها را ببیند و آن را بررسی و درک کند.

# عبادت خدا

عبادت یعنی بندگی کردن. یعنی اطاعت بی چون و چرا کردن از دستور کسی که به آن در فارسی ارباب میگویند.

در قرآن ۱۶ بار جمله اَعْبُدُوا اللَّهَ «خدا را بندگی (اطاعت بی چون و چرا) بکنید.» آمده است. آیات ۳۶ نساء و ۷۲ و ۱۱۷ مائده و ۵۹ و ۶۵ و ۷۳ و ۸۵ اعراف و ۵۰ و ۶۱ و ۸۴ هود و ۳۶ نحل و ۲۳ و ۳۲ مؤمنون و ۴۵ نمل و ۳۶ عنکبوت و ۳ نوح را ببینید.

در قرآن ۲ بار آمده است که خداوند میفرماید: «مرا بندگی (اطاعت بی چون و چرا) بکنید.» آیه‌های ۲۵ انبیاء و ۵۶ عنکبوت را ببینید.

در قرآن ۶ بار آمده است اَعْبُدُوهُ «(او را (خدا را) بندگی (اطاعت بی چون و چرا) بکنید.» آیه‌های ۵۱ آل عمران، ۱۰۲ انعام، ۳ یونس، ۳۶ مریم، ۱۷ عنکبوت و ۶۴ زخرف را ببینید.

در قرآن ۶ بار آمده است که لا تعبدوا الا الله (الا اياه) : «غیر از خدا را (غیر از او که خدا باشد را) بندگی (اطاعت بی چون و چرا) نکنید.» آیه‌های ۲ و ۲۶ هود و ۴۰ یوسف و ۲۳ اسراء و ۱۴ فصلت و ۲۱ احقاف را ببینید.

در قرآن ۲۶۷ بار از عبادت کردن و بندگی صحبت شده ولی امروزه اگر درست و با کمی دقت به جهان نگاه کنیم، می‌بینیم که در حدود بیش از ۹۹۹ در هزار مردم از فرمان یکنفر یا یکدسته که آنها هم عملاً از یکنفر پیروی میکنند بدون چون و چرا اطاعت می‌کنند، چه آن یک نفر رهبر انقلاب باشد یا رهبر کودتا یا منتخب مجلس.

این اطاعت بی چون و چرا از افراد باعث بوجود آمدن دیکتاتوران جهانی بوده و هست. دیکتاتورانی که به عناوین مختلف به دیگران حمله کرده‌اند و میلیون‌ها انسان را کشته‌اند و آواره کرده‌اند و هزاران خانه را بر سر ساکنان آن خراب کرده‌اند و میلیون‌ها کودک را یتیم و میلیون‌ها زن و شوهر را بی همسر کرده‌اند.

روزی انسان‌ها به خود خواهند آمد و طوق بندگی هیچکس جز خدا را بگردن نخواهند انداخت. طوق بندگی خدایی که ۲۵۰ میلیارد کهکشان بوجود آورده و احتیاجی به کسی یا ترسی از کسی ندارد

که بخاطر آن دروغ بگویند و در راهنمایی خود اشتباهی نمیکنند. روزی دهنده همه است و خودش احتیاج به غذا ندارد.

## توحید کلید آزادی واقعی انسان

کلمه لا اله الا الله «معبودی (وجودی که انسان بدون چون و چرا از تمام فرمان‌هایش اطاعت کند و خود را در مقابل او کوچک ببیند) غیر از خدا وجود ندارد.» یعنی انسان مسلمان بنده خدا است تا بنده و مطیع بدون و چرای هیچکس و هیچ مقام و هیچ سازمانی در صورتیکه فرمانش برخلاف فرمان خدا است نباشد. چون بنده کسی است که اگر اربابش به او دستوری بدهد و بقیه افراد جهان دستور دیگری به او بدهند خود را موظف میدانند که از دستور اربابش اطاعت کند نه کلیه افراد جهان.

## علاقه انسان با شرک

آیه ۱۳ لقمان سوره ۳۱ میفرماید: «لقمان در حالیکه به فرزندش نصیحت می کرد گفت: فرزندم، بخدا شرک نیاور (شریکی برای خدا درست نکن) چون شرک ظلم بزرگی است.»

آیه ۳۶: ۴ (سوره نساء) میفرماید: «خدا را بندگی (اطاعت بی چون و چرا) نکنید (تا از بندگی انسان‌هایی مثل خود نجات پیدا کنید. چون وقتی انسان بنده کسی شد دیگر بنده کس دیگری نمیشود و از دستورهای او بی چون و چرا اطاعت نمیکند) و چیزی را (در این اطاعت بی چون و چرا) شریک خدا نسازید.» و از دستور هیچکس و هیچ مقام و سازمانی در صورتیکه برخلاف دستور خدا باشد اطاعت نکنید.

آیه ۶۴: ۳ (سوره آل عمران) میفرماید: «بگو: ای اهل کتاب، بسوی کلمه‌ای بیائید که بین ما و شما مساوی است که بندگی (اطاعت بی چون و چرا) کسی را نکنیم و (در این اطاعت بی چون و چرا) چیزی را شریک خدا نکنیم (از کسی غیر از او اطاعت بی چون و چرا نکنیم) و بعضی از ما بعضی را غیر از خدا ارباب (آقا و مالک و دستور بده خود که از هر بکن یا نکن او اطاعت کنیم) نگیریم ...» ولی

آیه ۳۱ : ۹ (سوره توبه) میفرماید: «دانشمندان دینی و زاهدان دیرنشین خود و پیغمبرشان مسیح ابن مریم را ارباب (آقا و کارفرمای) خود گرفتند در صورتیکه به آنها فقط امر شده بود که خدای واحد را عبادت (بندگی بی چون و چرا) بکنند. معبودی (کسی که بنده و مطیع بی چون و چرای تمام دستورهایش باشید) غیر از خدا وجود ندارد. خدا خیلی بالاتر از این چیزهائی است که شریک او میسازند.» این اطاعت بی چون و چرا از دانشمندان دینی و زاهدان دیرنشین و پیغمبر خدا مطابق این آیه شرک است که خدا میفرماید: «خدا خیلی بالاتر از این چیزهائی است که شریک خدا میسازند.»

در اسلام اطاعت بی چون و چرا از دانشمندان حتی از پیغمبر خدا شرک است، شرک. چون آیه ۳۶: ۱۷ (سوره اسراء) میفرماید: «از آنچه نمیدانی دنباله‌روی (پیروی) نکن. چون گوش و چشم و دل مسئول این پیروی جاهلانه میباشند.»

آیه ۳: ۷ (سوره اعراف) میفرماید: «از آنچه از خداوندتان (اربابتان که به شما میگوید این کار را بکن و این کار را نکن) به شما نازل شده (یعنی از قرآن) پیروی کنید و از اولیائی غیر از آن پیروی نکنید...» هر کس که میخواهد باشد. ولی مردم مطابق آیه ۳۱: ۹ (سوره توبه) دانشمندان دینی و زاهدان دیرنشین خود و حتی پیغمبرشان مسیح ابن مریم را ارباب خود گرفتند و اینکار شرک است.

آیه ۴۵ : ۳۹ (سوره زمر) میفرماید: «وقتی فقط صحبت از خدا در میان باشد، دل افرادی که به آخرت ایمان ندارند دچار اشمئزاز (چندش) میشود و بدشان می‌آید. ولی وقتی صحبت از کسانی غیر از او شود حظ می‌کند و شادمان میشوند.» نگاه کنید چه کسانی به آخرت ایمان ندارند. چون اگر به خدا و آخرت ایمان داشتند وحی او را به پیغمبر که بصورت قرآن در آمده میخواندند و از آیات و احکام و نظرهای خدا اطلاع کامل داشتند.

آیه ۴۶ : ۱۷ (سوره اسراء) میفرماید: «وقتی در قرآن خدا را به تنهایی یاد کنی با نفرت از تو رو میگردانند.»

آیه ۱۲ : ۴۰ (سوره غافر: مؤمن) میفرماید: «وقتی فقط خدا به تنهایی خوانده شود منکر آن میشوید. و اگر شریکی برای او ساخته شود چیزی شریک او شود (صحبت از دیگری بکنید) ایمان می‌آورید.» مردم در اثر تربیت و تلقینات غلطی که روحانی‌نماها به آنها کرده‌اند در شرک مطلق فرو رفته‌اند. چون آیت‌الله العظمی آنها همان اول رساله خود (شماره ۵) مینویسد: «مقلد باید از مجتهد خود

بدون چون و چرا اطاعت کند.» در صورتیکه مسلمان مطابق دستور خدا در آیه ۳۶ اسراء نباید از چیزی (که در باره آن تحقیق نکرده و برای او ثابت نشده که از خدا است) و به آن علم ندارد پیروی کند.

همه پیغمبران برای تصحیح اعتقادات غلط و انحرافی مردم می‌آمدند و به آنها می‌گفتند: «خدا را بندگی (اطاعت بی چون و چرا) بکنید، معبودی (کسی که بنده و مطیع بدون چون و چرای فرمانش باشید) غیر از خدا برای شما وجود ندارد.» (آیه ۵۹ اعراف) ولی عالم نماهای دکاندار با مغالطات و مبالغه‌گوئی‌های خود آنها را از حقیقت دین منحرف می‌کردند و پیغمبر بعدی برای بازگرداندن مردم از این انحراف می‌آمد ولی باز این روحانی‌نماها مردم را پس از مرگ او دچار انحراف می‌کردند که این زمان معمولاً به یک قرن نمی‌رسید. این روحانی‌نماها مطابق آنچه آقای علامه طباطبائی در صفحه ۷۵ کتاب «اسلام و احتیاجات واقعی هر عصر» می‌نویسد: «با تزریق و تلقین یک دسته افکار سست و واهی و بی اثر» مردم را سرگرم می‌کردند و به آنها اجازه نمی‌دادند که با فهم حقیقت دین و اتحاد با هم شرّ این فریبکاران و دیکتاتورانی را که می‌ساختند از سر خود دفع کنند. همانطور که امروز این افکار سست و واهی و بی اثر بنام دین در مردم است و به آن ایمان و اعتقاد کامل دارند. تا چه موقع مسلمانان واقعی که تسلیم احکام و نظرهای خدا در کتاب الهی هستند متحد شوند و این فریب‌خوردگان را آگاه و متحد کنند.

## صفات خدا در قرآن

**۱- خدا خالق آسمان‌ها و زمین با ۲۵۰ میلیارد کهکشان آن است.** در قرآن ۲۶ بار گفته شده: «خدا

آسمان‌ها و زمین را آفرید.» آیا وجودی که آسمان‌ها و زمین را آفریده توانائی آن را دارد که مثل آن را بیافریند؟

**۲- خدا آفریننده انسان است.** قرآن ۱۶ بار می‌فرماید: «خدا شما را آفرید.» آیا وجودی که انسان را

آفریده نمیتواند مثل آنها را بیافریند؟ همانطور که آیه ۹۹ اسراء سوره ۱۷ و آیه ۸۱ یس سوره ۳۶ می‌فرماید: «آیا ندیدند (توجه نداشتند) که خدا که آسمان‌ها و زمین را آفریده میتواند مثل انسان‌ها را بیافریند.» و «آیا خدائی که آسمان‌ها و زمین را آفرید قادر نیست که مثل آنها (مثل انسان‌ها) را بیافریند؟»

### **۳- خدا روزی دهنده تمام موجودات زنده است.** آیه ۶ هود سورة ۱۱ میفرماید: «هیچ جاننداری در

زمین نیست مگر اینکه رزق آن (خوراک آن) به عهده خدا است.» در قرآن ۷ بار گفته شده «روزی شما ساختم.» و ۱۳ بار گفته شده «روزی ایشان کردیم.» آیه ۵۷ و ۱۷۲ و ۲۵۴ بقره و ۱۶۰ اعراف و ۸۱ طه و ۲۸ روم و ۱۰ منافقون و آیه‌های ۳ بقره و ۳ انفال و ۹۳ یونس و ۲۲ رعد و ۳۱ ابراهیم و ۷۰ اسراء و ۳۵ حج و ۵۴ قصص و ۱۶ سجده و ۲۹ فاطر و ۳۸ شوری و ۱۶ جاثیه را ببینید. آیه ۱۴ انعام سورة ۶ میفرماید: «بگو: آیا پشتیبانی غیر از خدا که آفریننده آسمان‌ها و زمین است بجویم؟ او به دیگران غذا میدهد و کسی به او غذا نمیدهد. بگو: به من دستور داده شده که اولین کسی که خود را تسلیم خدا (دستورهای قرآن) میکند خود من باشم و دستور داده شد که مشرک نباش.» از هیچکس غیر از خدا، در صورتیکه دستورش برخلاف دستور خدا باشد، اطاعت نکن. حرف و فرمان خدا از دهان هر کس که بیرون آید دستور خدا است ولی اگر خلاف نظر و دستور خدا بود از دهان هر کسی و هر سازمانی که باشد اطاعت نکن. ولی امروزه در اثر بی اطلاعی مردم از احکام و نظرهای خدا و نداشتن اتحاد دینداران افراد مجبورند از دیکتاتوران فردی و اجتماعی بدون چون و چرا اطاعت کنند. چون دیکتاتوران بدست «عده‌ای مزدور ماده پرست» با «یک دسته افکار سست و واهی و بی اثر آنها را سرگرم کرده‌اند.» کتاب (اسلام و احتیاجات واقعی هر عصر) صفحه ۸۴ و ۸۵ را ببینید. این کتاب نوشته علامه طباطبائی است.

### **۴- خدا همه چیز را میداند.** قرآن ۲۰ بار میفرماید: «خدا همه چیز را میداند.» و ۱۲ بار میفرماید:

«خدا از آنچه در دل‌ها است (در سینه‌ها و در فکرها است) اطلاع دارد.» آیه ۱۱۹ و ۱۵۴ آل عمران و ۷ مائده و ۴۳ انفال و ۵ هود و ۲۳ لقمان و ۳۸ فاطر و ۷ زمر و ۲۴ شوری و ۶ حدید و ۴ تغابن و ۱۳ ملک و ۴ بار میفرماید: «خدا علم غیب را خیلی زیاد میداند.» آیه ۱۰۹ و ۱۱۶ مائده و ۷۸ توبه و ۴۸ سبا و ۷ بار میفرماید: «خدا آنچه را مخفی میکنید و میکنند و آنچه را آشکار میکنید و میکنند میداند.» آیه ۷۷ بقره و ۵ هود و ۱۹ و ۲۳ نحل و ۷۶ یس و ۱ ممتحنه و ۴ تغابن را ببینید. و در آیه ۳۶ یونس و ۹۱ نحل و ۴۱ نور و ۷۰ زمر و ۲۵ شوری میفرماید: «خدا از کارهایی که میکنید و میکنند اطلاع دارد.»

### **۵- خدا با خبر و آگاه است.** قرآن ۳۳ بار از آگاهی و با خبر بودن خدا سخن میگوید. از جمله ۱۷

بار میفرماید: «خدا از کارهایی که میکنید با خبر (آگاه) است.» کسی که به چنین خدائی با این صفات ایمان داشته باشد (ایمان واقعی نه ایمان اسمی) سعی میکند از وقتی که آن را میداند کوچکترین کار

خطائی نکند چون با وجود روابط ریاضی قرآن کوچکترین شکی برای او در وجود داشتن خدا و بودن این صفات در او باقی نمی‌ماند. اینکار به نفع تمام مردم جهان است. چه دیندار باشند چه نباشند. کسانی که ندانسته در اثر تعصب جاهلانه با چنین ایمانی می‌جنگند افراد جاهلی هستند که از منافع خود و خانواده خود اطلاعی ندارند. وای بر این همه جهل و بی‌شعوری.

#### **۶- خدا شاهد و مراقب کارهای انسان‌ها و هر چیزی است.** قرآن ۸ بار می‌فرماید: «خدا شاهد

(بیننده) هر چیزی است.» آیه ۳۳ نساء، ۱۱۷ مائده، ۱۷ حج، ۵۵ احزاب، ۴۷ سبأ، ۵۳ فصلت، ۶ مجادله و ۹ بروج را ببینید. قرآن در آیه ۹۸ آل عمران و ۴۶ یونس می‌فرماید: «خدا شاهد کارهایی است که می‌کنید.» و «خدا شاهد کارهایی است که می‌کنند.»

آیه ۱ نساء سوره ۴ می‌فرماید: «خدا مراقب کارهای شما است.» آیه ۵۲ احزاب سوره ۳۳ می‌فرماید: «خدا مراقب هر چیزی است.» مسلمان واقعی که به قرآن ایمان دارد مراقب کارهای خود می‌باشد که کار خلافی نکند. چون خدا مراقب کارهای اوست.

#### **۷- خدا مالک روز جزا است.** آیه ۱ تا ۴ فاتحه، (سوره حمد)، سوره اول قرآن می‌فرماید: «بنام

خداوند بخشنده مهربان. حمد (ستایش و ثنا و تمجید) فقط اختصاص به خدا دارد که صاحب اختیار جهانیان است. بخشنده و مهربان و صاحب (مالک) روز جزا است.» در قرآن ۱۲ بار یوم الدین (روز جزا، روز قیامت که جزای افراد داده میشود) آمده است. غیر از آیات اول سوره فاتحه آیه ۳۵ حجر و ۸۲ شعراء و ۲۰ صافات و ۷۸ ص و ۱۲ ذاریات و ۵۶ واقعه و ۲۶ معارج و ۴۶ مدثر و ۱۵ و ۱۷ و ۱۸ انفطار و ۱۱ مطففین را هم ببینید. آیه اول تا آخر سوره انفطار، سوره ۸۲ راجع به قیامت است. آیه ۱۳ تا ۱۵ آن می‌فرماید: «بدون شک نیکان در بهشت پر نعمت هستند و بدکاران در جهنم. روز دین (روز جزای اعمال) آنها (بدکاران) وارد آن (وارد جهنم) میشوند.» و آیه ۱۷ تا ۱۹ انفطار می‌فرماید: «از کجا فهمیدی (چه چیز تو را آگاه ساخت) که روز جزا چیست؟ بعد چه چیز تو را آگاه ساخت که روز جزا چیست؟ روز جزا روزی است که هیچکس برای کسی مالک چیزی نیست (نمی‌تواند کاری بکند) و فرمان در آن روز فقط اختصاص به خدا دارد.» روز دین (روز جزا) روزی است که صدائی از کسی شنیده نمی‌شود، غیر از صدائی آهسته. همانطور که آیه ۱۰۸ طه سوره ۲۰ می‌فرماید: «روزی که در صور دمیده شود ... صداها برای خداوند رحمان پائین می‌آید و جز صدائی آهسته چیزی نمی‌شنوی.» آیه ۱۶ غافر (مؤمن) در باره روز



قیامت که مردم برای رسیدگی به حساب خود در مقابل خدا می‌ایستند میفرماید: «روزی است که همه ظاهر میشوند. چیزی از آنها بر خدا پوشیده نیست. گفته میشود: امروز مال چه کسی است؟ گفته میشود: امروز مال خداوند قهار است.» فراموش نکنید که صدائی از هیچکس شنیده نمیشود، از هیچکس. به داستان‌هایی که سر هم کرده‌اند توجهی نکنید. قرآن، وحی الهی، کتاب اصلی و اساسی مسلمان‌ها میفرماید: در آن روز غیر از صدائی آهسته چیزی نمیشنوی. چون پرونده اعمال هر کس به دست خودش داده میشود. آیه ۷۱ اسراء سوره ۱۷ و آیه ۱۹ و ۲۵ حاقه سوره ۶۹ و آیه ۷ و ۱۰ انشقاق سوره ۸۴ را ببینید.

آیه ۳۳ لقمان سوره ۳۱ می‌فرماید: «ای مردم، از نافرمانی خداوندتان حذر کنید و از روزی بترسید که پدری ذره‌ای جزای فرزندش را نمی‌دهد و فرزند ذره‌ای جزای پدرش را نمی‌دهد (پدر و فرزند نمی‌توانند برای هم کاری بکنند) وعده خدا درست است. روابط زندگی دنیا شما را فریب ندهد و شیطان فریبکار شما را نفریبد.» چون در آن روز مطابق آیه ۳۸ مدثر سوره ۷۴ «هر کسی گروهی کارهایی است که کرده است.» مطابق آیه ۳۳ لقمان پیغمبر ص هم برای فاطمه ع نمی‌تواند کاری بکند. همانطور که آیت‌الله مطهری در کتاب «عدل الهی» نوشت پیغمبر ص به فاطمه ص گفت: «ای فاطمه، برای خودت کاری بکن. چون من نمی‌توانم برای تو کاری بکنم.» چون «هر کسی گروهی کارهایی است که کرده است.»

#### **۸- خدا وضع جامعه را تغییر نمی‌دهد مگر اینکه افراد جامعه طرز فکر و عمل خود را تغییر بدهند.**

چون آیه ۱۱ رعد سوره ۱۳ میفرماید: «خدا وضع قومی را تغییر نمی‌دهد مگر اینکه خود آن قوم فکر و عمل خود را که مربوط به خودشان است تغییر بدهند.» این تغییر فکر و عمل چه در جهت درست باشد چه در جهت غلط. چون عقب مانده در اثر تغییر طرز فکر و عمل در حال پیشرفت و صنعتی شدن است و در اثر کنترل جامعه بالاترین پیشرفت اقتصادی و صنعتی را دارد. آدم بیسواد با سواد نمی‌شود مگر اینکه فکر و عمل خود را تغییر دهد و دنبال یادگیری خواندن و نوشتن برود. در باره هر یک از رشته‌های علمی و هنری همین حقیقت وجود دارد.

#### **۹- خدا شنوا (سمیع) است و تمام حرف‌هایی را که انسان‌ها می‌زنند می‌داند نمی‌دانیم چطور ولی آیه**

۱۲۷ بقره میفرماید: «وقتی ابراهیم و اسماعیل ع پایه‌های خانه کعبه را بالا بردند گفتند: خداوندا (ای

صاحب اختیار و فرمان فرمای ما) از ما بپذیر. چون تو شنوا و دنائی.» در قرآن در حدود ۵۰ بار از این صفت خدا سخن گفته شده. مسلمانی که این را میداند همیشه در زندگی سعی می‌کند حرفی نزنند که برخلاف حق باشد و در صدد فریب دیگران و تهمت زدن به این و آن و دروغ گفتن بر نمی‌آید.

#### ۱۰- خدا بینا (بصیر) است و کارهای تمام شما را می‌بیند. نمی‌دانم چطور؟ ولی آیه ۹۶ بقره سوره

۲ میفرماید: «خدا به تمام چیزهایی که انسان‌ها میکنند بینا است.» قرآن ۱۳ بار میفرماید: «خدا به کارهایی که میکنید بصیر (بینا) است.» آیه ۱۱۰ و ۲۳۳ و ۲۶۵ بقره و ۱۵۶ آل عمران و ۷۲ انفال و ۱۱۲ هود و ۱۱ سبا و ۴۰ فصلت و ۲۴ فتح و ۴ حدید و ۳ ممتحنه و ۲ تغابن را ببیند. قرآن ۵۱ بار از بصیرت (بینایی) خدا صحبت می‌کند. مسلمان واقعی که این حقیقت را میداند همیشه در زندگی مواظب کارها و سخنان خود میباشد که کاری برخلاف حق و عدالت و فرمان خدا نکند. چون این خدای بینا را حاکم فردای خود در روز قیامت میداند و میداند که چنین خدائی با اطلاع کامل در باره او حکم می‌کند و او را مجازات میکند و به جهنم میفرستد یا به او پاداش کارهایش را میدهد و او را به بهشت میفرستد. و بنابراین مسلمان مواظب است کار خلافی نکند.

#### ۱۱- خدا قادر و توانا است. چون آیه میگوید خدا قادر و قدیر است. آیه ۸۱ یس میفرماید: «آیا

خدائی که آسمان‌ها و زمین را آفریده قادر نیست که مثل آنها را بیافریند؟ آری قادر است و میتواند. او آفریدگار داناست.» آیه ۱۴۸ بقره میفرماید: «هر کسی قبله‌ای دارد که رو به سوی آن می‌کند. بنابراین در کارهای خیر با هم مسابقه بدهید و از هم جلو بزنید. هر کجا باشید خدا همه شما را پای حساب می‌آورد. چون خدا به هر کاری توانا است.» آیه ۸۱ یس در جواب کسانی است که میگویند چه کسی استخوان‌های پوسیده را زنده می‌کند؟ کسی که به آن ایمان دارد متوجه کارهای خود میباشد که خلاف نکند. کسانی که میخواهند منکر قیامت شوند و مسئولیت خودشان را انکار کنند و هر کاری که خواستند بکنند و از غرائز حیوانی خود بی‌کم و کاست استفاده کنند، چنین حرفی میزنند ولی فکر نمی‌کنند که اگر دیگران هم بی مسئولیت باشند چه به روز آنها می‌آورند. آنها در اثر بی توجهی به ضرر خود کار میکنند. چون فقط میل خود را در نظر میگیرند و متوجه میل طبیعی و غرائز انسان‌ها نیستند. خداوند به این افراد در آیه ۵۶ اعراف سوره ۷ میفرماید: «در زمین بعد از اصلاح آن فساد نکنید و خدا را از روی ترس و امید بخوانید. چون رحمت خدا به افراد نیکوکار نزدیک است.»

## **۱۲- خدا قدردان است.** چون آیه ۱۴۷ نساء سوره ۴ و آیه ۲۳ شوری سوره ۴۲ میفرماید: «خدا

سپاسگزار و قدردان» و «بسیار قدردان» میباشد. در قرآن در باره شکرگزاری و قدردانی ۷۵ بار صحبت شده است. مسلمان هم شکرگزار و قدردان نعمت‌هایی که خدا به او داده و کمک‌هایی که انسانها به او کرده‌اند میباشد ولی در این راه مبالغه و گزافه‌گوئی نمی‌کند که مداح این و آن باشد چون مدح فقط اختصاص به خدا دارد که هر چه در باره او بگویند کم است. بقول سعدی «از دست و زبان که بر آید کز عهده شکرش بدر آید.» چون «هر نفسی که فرو میرود ممد حیات است (به زندگی طول میدهد) و چون بر می‌آید مفرح ذات (انسان را شاد میکند) از دست و زبان که بر آید کز عهده شکرش بدر آید.» چون «در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب.»

## **۱۳- خدا حلیم است.** حلیم یعنی بردبار و با تحمل در مقابل ناملایمات و آنچه برخلاف میل او

است. آیه ۵۱ احزاب سوره ۳۳ میفرماید: «خدا دانا و پر تحمل است.» از بردباری و تحمل خدا ده بار در قرآن صحبت شده. مسلمان که از تحمل خدا در مقابل تخلفات بشر آگاه است، تحمل خدا را دلیلی بر خلافت‌های خود نمیداند و سعی میکند در زندگی کار خطائی نکند. چون خدا او را در کارهایش آزاد گذاشته. چون آیه ۳ دهر سوره ۷۶ میفرماید: «ما راه را به انسان نشان دادیم او یا قدردان است یا ناسپاس.» آیه ۲۹ کهف سوره ۱۸ میفرماید: «بگو: حقیقت از جانب خداوندتان است. هر کس بخواهد ایمان می‌آورد و هر کس که بخواهد قبول نمیکند.» انسان‌ها در کار خود مختار هستند و اختیار دارند. این اختیار را خدا به آنها داده. در نتیجه مسئول کارهای خود میباشند. اگر اختیاری در کارهای خود نداشتند و کارها را به حکم اجبار انجام میدادند مسئولیتی نداشتند و مجازات و پاداشی در کار نبود. سراسر قرآن این کار و این مسئولیت و اختیار انسان را نشان میدهد. ایمان آوردن و نیلوردن به وحی الهی و قرآن در اختیار انسان است و قرآن در باره افراد با ایمان و کافر و فاسق و منافق و متقی و کوشش کننده در راه ساختن یک دنیای پاک (مجاهد) زیاد صحبت میکند. اینها همه اختیار انسان را در کارها نشان میدهد.

## **۱۴- خدا آمرزنده است.** چون آیه ۱۷۳ بقره سوره ۲ میفرماید: «خدا آمرزنده و مهربان است.» در

قرآن ۱۰۵ بار در باره آمرزندگی خدا صحبت شده. چون خدا از ضعف و وسوسه‌های شیطانی و طبیعت اماره بالسوء انسان مطابق آیه ۵۳ یوسف سوره ۱۲ اطلاع دارد. آیه ۳ غافر (مؤمن) در باره خدا میفرماید:

«خدا آمرزنده گناه و قبول کننده توبه میباشد. مجازاتش شدید، صاحب قدرت و نعمت است. معبودی (کسی که انسان بنده و مطیع بی چون و چرای فرمانش باشد) غیر از او وجود ندارد. بازگشت همه بسوی او است.»

**۱۵- خدا توبه‌پذیر است.** توبه یعنی بازگشت. ایاب و ذهاب یعنی برگشتن و رفتن. در دین توبه یعنی برگشتن از گناه و کار خلاف و برگشتن به اطاعت از دستورهای خدا و ساختن یک دنیای پاک. توبه با کلمه الی بازگشت انسان به سوی خدا است و توبه با کلمه علی بازگشت خدا به سوی انسان و قبول توبه او میباشد. آیه ۱۵۹ و ۱۶۰ بقره سوره ۲ میفرماید: «کسانی که دلائل روشن و راهنمایی‌های ما را که نازل کردیم بعد از اینکه آن را در کتاب برای مردم بیان کردیم پنهان میکنند (و به مردم نمیگویند) افرادی هستند که خدا و لعنت کنندگان آنها را لعنت می‌کنند (لعنت دور ساختن از نعمت خدا است) بجز کسانی که توبه کردند (به اطاعت از خدا و احکام و راهنمایی‌های او برگشتند) و کار خود را اصلاح (درست) کردند و حقایق کتاب را بیان کردند (به مردم گفتند) من توبه آنها را می‌پذیرم. من توبه‌پذیر مهربان هستم.»

در قرآن ۸ بار در باره توبه پذیری خدا صحبت شده. آیه ۱۷ و ۱۸ نساء سوره ۴ میفرماید: «توبه برای کسانی است که از روی نادانی کار بد میکنند و بعد خیلی زود توبه میکنند. من توبه چنین کسانی را می‌پذیرم. خدا دانا و حکیم است. توبه برای کسانی نیست که کارهای بد را میکنند تا وقتی که مرگ یکی از آنها فرا رسد و بگوید من حالا توبه کردم. و نیز مال کسانی که در حال کفر می‌میرند نیست. برای آنها عذاب دردناکی آماده کرده‌ایم.»

**۱۶- خدا هدایت می‌کند و گمراه می‌کند.** آیه ۸ فاطر سوره ۳۵ میفرماید: «آیا کسی که بدکاری او در نظرش زینت داده شده و آن را خوب می‌بیند (مثل کسی است که این طور نیست؟) خدا هر کس را که بخواهد گمراه میکند و هر کس را که بخواهد هدایت میکند. برای آنها افسوس نخور چون خدا کارهایی را که می‌کنند میداند.» می‌بینیم که این گمراهی بخاطر خودشان است که کارهای بد در نظرشان خوب است. آیه ۲۶ و ۲۷ آل عمران سوره ۳ میفرماید: «بگو: خدایا، ای صاحب فرمان فرمائی، فرمان فرمائی را به هر کسی که بخواهی میدهی و فرمان فرمائی را از هر کسی که بخواهی پس می‌گیری، هر کس را که بخواهی عزیز و توانا میکنی و هر کس را که بخواهی ذلیل و خوار میسازی. خیر به دست تو

است. تو بر هر کاری توانایی. شب را در روز داخل میکنی و روز را در شب داخل میکنی. جاندار را از موجود بی جان خارج میکنی و مرده را (موجود بیجان) را از جاندار بیرون میآوری و به هر کس بخواهی بی حساب روزی میدهی.» می بینیم که روز را وارد شب کردن و شب را وارد روز کردن مطابق قانونی که خدا در طبیعت نهاده صورت میگیرد. عزیز کردن و ذلیل کردن و به فرمان فرمائی رسیدن و فرمان فرمائی از شخص گرفته شدن نیز مطابق قوانینی است که خدا در جهان نهاده. چون خدا عادل است یعنی پاداش اعمال انسانها را درست متناسب با کاری که کرده اند به آنها میدهد. خدا آدمهای ظالم و اسراف کننده و شکاک و سرکش و هواپرست را گمراه میکند. آیه های ۱۸۶ اعراف و ۲۷ ابراهیم و ۲۶ ص و ۳۴ مؤمن را ببینید. چون سرشان گرم جاهای دیگر است. خدا کسی را که توبه کند و به سوی او برگردد و در راه او کوشش کند و دنبال رضایت خدا بگردد هدایت میکند. آیه های ۱۶ مائده و ۱۳ شوری و ۶۹ عنکبوت را ببینید. و کافران و ظالمان و فاسقان و خائنان و دروغگویان و اسرافکاران را هدایت نمیکند. آیه های ۲۵۸ بقره ۸۶ آل عمران، ۱۰۸ مائده، ۵۲ یوسف، ۵۰ قصص و ۲۸ غافر (مؤمن) را ببینید. خداوند در آیه ۱۱ رعد سوره ۱۳ میفرماید: «خدا وضع قومی را تغییر نمیدهد مگر اینکه خود آن قوم فکر و عمل خود را که به آنها بستگی دارد تغییر بدهند.» تمام این هدایت کردنها، گمراه کردنها، عزیز کردنها، ذلیل کردنها، به فرمان فرمائی رساندنها، از فرمان فرمائی بر کنار ساختن انسانها مطابق قوانینی است که خود خدا خواسته بر طبیعت حکومت کند. قوانین طبیعی مطابق خواست خدا در طبیعت نهاده شده. وقتی خدا میخواست جهان را بیافریند خواسته این قوانین در جهان وجود داشته باشد. قوانین طبیعی خواست خدا است. هر کاری که در جهان صورت میگیرد مطابق خواست خدا یعنی مطابق قوانینی است که خدا خواسته بر جهان حکومت کند. البته بسیاری از قوانینی که در طبیعت وجود دارد ممکن است ما نشناخته باشیم و بعداً خواهیم شناخت.

#### **۱۷- خدا رحیم است یعنی رحم دارد.** خدا در قرآن ۱۱۴ بار با صفت رحیم ذکر شده است. رحم

یعنی دلسوزی نسبت به ناراحتی دیگران. مسلمانان نماز خود را با بسم الله الرحمن الرحیم شروع میکنند و میگویند «به نام خداوند بخشنده مهربان دلسوز.» البته یکبار کلمه رحیم در مورد پیغمبر بکار رفته. چون در آیه ۱۲۸ توبه سوره ۹ آمده است که «رسولی از خودتان برای شما آمد. چیزهایی که شما را ناراحت میکند برای او سخت است. به شما خیلی علاقه دارد. نسبت به افراد با ایمان رحیم و رئوف است.»

مسلمانان هم نسبت به هم رحیم هستند. همانطور که آیه آخر سوره فتح سوره ۴۸ قرآن میفرماید: «محمد پیغمبر خدا و کسانی که با او هستند نسبت به کفار سخت گیر هستند و بین خودشان دلسوز و مهربان هستند....»

#### **۱۸- خدا رحمان است و رحمت و بخشندگی دارد.** در قرآن خدا ۵۷ بار با صفت رحمان یاد شده.

صفت رحمان در قرآن فقط در باره خدا ذکر شده. آیه ۱۶۳ بقره سوره ۲ میفرماید: «معبود شما (کسی که باید از او بی چون و چرا اطاعت کنید) معبود واحدی است (فقط یک معبود واحد) معبودی غیر از او وجود ندارد. (پیغمبران و علما و فرمانروایان معبود شما نیستند و نباید از آنها بدون چون و چرا اطاعت کنید) او که رحمان و رحیم است.»

#### **۱۹- خدا بر هر چیزی محیط است و احاطه دارد.** آیه ۱۲۰ آل عمران سوره ۳ میفرماید: «خدا به

کارهائی که میکنند احاطه دارد.» آیه ۱۰۸ نساء و ۴۷ انفال و ۹۲ هود را هم ببینید. آیه ۱۹ بقره سوره ۲ میفرماید: «خدا به کافران که منکر قرآن هستند احاطه دارد.» آیه ۱۲۶ نساء سوره ۴ میفرماید: «خدا به هر چیزی احاطه دارد.» مسلمان واقعی که به قرآن ایمان دارد میداند که خدا به تمام کارهائی که میکند احاطه دارد و از کارهای او غافل نیست و در تمام طول عمر خود متوجه است که کار خلاف نکند. چون جزای آن را بطور دقیق خواهد دید. چون آیه ۴۹ کهف میفرماید: «روز قیامت پرونده اعمال گذاشته میشود و گناهکاران را می بینی که از آنچه در آن است هراسان می باشند. میگویند این چه پرونده ای است، هیچ کار بزرگ و کوچکی نیست که از قلم افتاده باشد. همه به حساب آمده و هر کاری را که کرده اند حاضر می یابند. خدای تو به کسی ظلم نمی کند.» مسلمان واقعی که به قرآن ایمان دارد و با توجه به روابط ریاضی قرآن کوچکترین شکی برای او باقی نمانده که قرآن ساخته دست بشر نیست و وحی الهی است در تمام مدت عمر خویش از زمانی که قدرت تشخیص و درک قرآن را پیدا کرده سعی میکند خطائی مرتکب نشود. چون می داند که مجازات آن را خواهد دید. البته مدعیان مسلمانی زیاد هستند ولی مسلمان واقعی کم است. مسلمانان واقعی باید با اتحاد خود آنها را نیز با حقیقت دین و ارزش اجتماعی و انسانی تعالیم دین آشنا کنند و آنها را از مباحث بیهوده که ربطی به ساختن یک دنیای پاک ندارد برکنار دارند. اگر حقیقت دین و ارزش اجتماعی آن برای ساختن یک دنیای پاک برای مردم امروزه روشن شود در بین افراد عاقل و متفکر مخالفی نخواهد داشت.

**۲۰- خدا یگانه است.** قرآن لا اقل ۲۵ بار از «معبود یگانه» اسم میبرد. مثل آیه ۷۳ مائده سوره ۵

که میفرماید: «معبودی غیر از معبود یگانه وجود ندارد.»

**۲۱- خدا از کار انسان‌ها غافل نیست.** آیه ۷۴ بقره سوره ۲ میفرماید: «خدا از کارهایی که میکنید

غافل نیست.» این جمله ۱۰ بار در قرآن آمده تا مسلمانان متوجه باشند که خدا از کارهای آنها غافل نیست و جزای تمام آنها را دقیقاً به آنها خواهد داد مگر آنهایی که استثناء کرده.

**۲۲- خدا دوست دارد.** «خدا نیکوکاران را دوست دارد.» آیه ۱۹۵ بقره. «خدا توبه کنندگان را

دوست دارد.» آیه ۲۲۲ بقره. «خدا پاکان را دوست دارد.» آیه ۲۲۲ بقره. «خدا افراد با تقوا را دوست دارد.» آیه ۷۶ آل عمران. «خدا افراد صبور با استقامت را دوست دارد.» آیه ۱۴۶ آل عمران. «خدا افرادی را که بر او توکل میکنند دوست دارد.» ۱۵۹ آل عمران. «خدا عادلان را دوست دارد.» آیه ۴۲ مائده. «خدا افرادی را که در راه او (یعنی در راه ساختن دنیای پاکی که او میخواهد) میجنگند دوست دارد.» آیه ۴ صف.

**۲۳- خدا دوست ندارد.** «خدا متجاوزین را دوست ندارد.» آیه ۱۹۰ بقره. «خدا فساد را دوست

ندارد.» آیه ۲۰۵ بقره. «خدا هر ناسپاس گناهکار را دوست ندارد.» آیه ۲۷۶ بقره. «خدا کافرهای را دوست ندارد.» آیه ۳۲ آل عمران. «خدا افراد ظالم را دوست ندارد.» آیه ۵۷ آل عمران. «خدا کسی را که خودپسند و فخرکننده باشد دوست ندارد.» آیه ۳۶ نساء. «خدا آدم خیانتکار گناهکار را دوست ندارد.» آیه ۱۰۷ نساء. «خدا سخن زشت آشکار را جز از طرف مظلوم دوست ندارد.» آیه ۱۴۸ نساء. «خدا افراد خرابکار را دوست ندارد.» آیه ۶۴ مائده. «خدا اسراف کنندگان را دوست ندارد.» آیه ۱۴۱ انعام. «خدا افراد متکبر را دوست ندارد.» آیه ۲۳ نحل. «خدا آدم خیانتکار حق ناشناس را دوست ندارد.» آیه ۳۸ حج. «خدا افراد فَرِح (مغرور) را دوست ندارد.» آیه ۷۶ قصص. مسلمان واقعی دوست دارد که خدا او را دوست داشته باشد و از او بدش نیاید بنابراین سعی میکند کارهایی را که خدا دوست دارد بکند و کارهایی را که خدا دوست ندارد نکند. لذا کاری نمیکند که باعث خرابی اجتماع شود و افراد از دست او ناراحت باشند.

**۲۴- مجازات خدا شدید است.** آیه ۱۹۶ بقره سوره ۲ میفرماید: «مجازات خدا شدید است.» این

جمله در قرآن ۱۱ بار تکرار شده تا مردم متوجه باشند که مجازات خدا شدید است تا مرتکب خلاف و تباهی نشوند و جامعه پاک و آلوده باشد.

## ۲۵- خدا پیمان گرفته است. آیه ۱۸۷ آل عمران سوره ۳ میفرماید: «زمانی که خدا از اهل کتاب

پیمان (تعهد) گرفت که آن را برای مردم بیان کنند و آن را پنهان نکنند (به مردم بگویند) ولی پیمان خود را به پشت سر افکندند (اعتنائی به پیمان خود نکردند) و آن را به بهای ناچیزی فروختند آنچه خریداری کردند بسیار بد است.» مسلمانان نیز اینکار را کردند و حقایق دین را به قیمت ناچیزی فروختند و سعادت مردم را از ایشان گرفتند که هنوز ادامه دارد و به کسی که حقایق قرآن را بگوید میگویند برخلاف علمای اسلام صحبت میکنی. این علما بقول علامه طباطبائی «یکدسته افکار سست و واهی و بی‌اثر را به مردم تزریق و تلقین کردند» که تا امروز ادامه دارد و مسلمانان در صورتیکه تعداد زیادی از ایشان سواد خواندن و نوشتن دارند و ترجمه قرآن به زبان هر قومی در کشورشان وجود دارد قرآن را که پیام الهی و دستورالعمل زندگی است نمی‌خوانند و می‌گویند فلانی چنین گفته یا چنین نوشته. در صورتیکه قرآن در آیه ۷۹ بقره می‌فرماید: «وای بر افرادی که با دست خود کتاب می‌نویسند و به مردم می‌گویند این از جانب خدا است (دین چنین می‌گوید) تا آن را به قیمت ناچیزی بفروشند. وای بر آنها بخاطر آنچه دست‌هایشان نوشت و وای بر آنها از آنچه بدست می‌آوردند.» شماره ۳ باب ۲۴ سفر خروج - کتاب دوم عهد عتیق مشهور به تورات - میگوید: «موسی آمده همه سخنان خداوند و همه این احکام را به قوم باز گفت و تمامی قوم به یک زبان در جواب گفتند همه سخنانی که خداوند گفته است بجا خواهیم آورد.» شماره ۷ باب ۲۴ خروج هم میگوید: «گفتند هر آنچه خدا گفته است خواهیم کرد و گوش خواهیم گرفت.» شماره ۳۲ باب ۱۲ تثنیه، کتاب پنجم عهد عتیق، میگوید: موسی گفت: «هر آنچه به شما امر می‌فرمایم متوجه شوید تا آن را به عمل آورید. چیزی بر آن می‌فزائید و چیزی از آن کم نکنید.» ولی عالم نماهای یهودی تلمود را ساختند.

مسلمانان نیز وقتی پیمان بستند و گفتند تسلیم حکم خدا شده‌ایم و اطاعت میکنیم برخلاف قرآن به حدیث و فقه رو آوردند و قرآن را ترک کردند. چون آیه ۷ مائده سوره ۵ میفرماید: «نعمت خدا را بر خودتان و پیمانی که شما را به آن متعهد کرد به یاد آورید وقتی گفتید شنیدیم و اطاعت کردیم. از نافرمانی خدا حذر کنید. چون خدا آنچه را در سینه‌ها است (افکار انسان‌ها را) می‌داند.» و در آیه ۳ اعراف سوره ۷ به مسلمانان میفرماید: «از آنچه از خداوندتان به شما نازل شده پیروی کنید و از اولیائی غیر از قرآن پیروی نکنید ...» ولی آنها به جای قرآن از حدیث که در اهل سنت لااقل دو قرن بعد از پیغمبر



توسط ایرانی‌ها تدوین شده بود و در شیعیان پس از ۳ قرن تدوین شده بود یعنی از کتاب صحیح بخاری و از کتاب کافی پیروی کردند و فقه خود را بر پایه آن احادیث بنا نهادند. در صورتیکه قرآن زیاده‌تر از وظیفه حتمی مسلمانان است چون آیه ۳۱ نساء سوره ۴ میفرماید: «اگر شما در بین آنچه از آن نهی شده اید از بزرگ‌هایش اجتناب (کناره‌گیری) کنید (و انجام ندهید) گناهان دیگر شما را می‌بخشیم و شما را با احترام وارد جای پر ارزشی (یعنی وارد بهشت) میکنیم.» خدا دروغ نمیگوید و به آنچه گفته عمل میکند. مسلمان وقتی در نماز خود میگوید اِيَّاكَ نَعْبُدُ «فقط تو را عبادت (یعنی بندگی و اطاعت) میکنیم.» تعهد میکند که از هیچکس و هیچ مقام و سازمانی بی چون و چرا اطاعت نکند.

## **۲۶- فقط خدا غیب می‌داند.** آیه ۵۹ انعام سوره ۶ میفرماید: «کلیدهای غیب پیش خدا است.

هیچکس جزا و غیب نمیداند. آنچه را که در خشکی و دریا است میداند. هیچ برگی نمی‌افتد مگر اینکه خدا آن را میداند (چون بر هر چیزی احاطه دارد و همه جا هست). هیچ دانه‌ای در تاریکی‌های زمین و هیچ تر و خشکی نیست مگر اینکه در کتابی روشن وجود دارد.» در آیه ۵۰ انعام به پیغمبر میفرماید: «بگو: به شما نمی‌گویم گنج‌های خدا پیش من است و غیب نمیدانم و به شما نمی‌گویم فرشته‌ام (من انسانی مثل شما هستم با تمام اعضاء و جوارح و غرائز و احتیاجات شما) من فقط از آنچه به من وحی میشود پیروی میکنم. آیا کور و بینا مساوی هستند؟ آیا فکر نمی‌کنید؟»

آیه ۲۶ تا ۲۸ جن سوره ۷۲ میفرماید: «خدا دانای غیب است (غیب میداند). کسی را جز پیغمبرانی که می‌پسندد به غیبش آگاه نمیکند. و مراقبی جلو و عقب او قرار میدهد تا بداند رسالات خداوندشان را ابلاغ کرده‌اند یا نه؟ و به آنچه پیش آنها است احاطه دارد و تعداد هر چیز را حساب کرده است.»

همانطور که می‌بینیم این غیبی که پیغمبرانش را بر آن آگاه میکند مربوط به رسالت آنان است نه چیز دیگر. آیه ۴۴ آل عمران وقتی در باره مریم صحبت میکند به پیغمبر ص میفرماید: «این از اخبار غیب است که به تو وحی می‌کنیم. وقتی آنها قلم‌هایشان را (برای قرعه‌کشی برای تکفل مریم) می‌انداختند تو پیش آنها نبودی و وقتی با هم اختلاف نظر داشتند تو با آنها نبودی.» آیه ۴۹ هود وقتی صحبت از ابراهیم است به پیغمبر ص میفرماید: «این از اخبار غیب است که آن را به تو وحی می‌کنیم. تو و قوم تو قبل از این آن را نمی‌دانستید. پایان کار مال افراد با تقوا است.» آیه ۱۰۲ یوسف وقتی در باره یوسف و

برادرانش صحبت میکند به پیغمبر ص میفرماید: «این از اخبار غیب است که به تو وحی میکنیم. وقتی آنها در باره یوسف تصمیم می گرفتند و نقشه می کشیدند که با او چه کنند تو پیش آنها نبودی.» تمام اخباری که از آینده افراد و اجتماعات به پیغمبر نسبت میدهند، دروغ و تهمت به پیغمبر است. جز آنچه در قرآن است مثل شکست ایران از روم.

## **۲۷- خدا فرمانده و فرمانرواست و وظایف انسان را برای ساختن یک دنیای پاک و آسایش بخش**

**تعیین میکند.** آیه ۲۳ حشر سوره ۵۹ میفرماید: «خدا کسی است که معبودی (وجودی که ارزش آن را داشته باشد که انسان مطیع بدون چون و چرای او باشد) غیر از خدا وجود ندارد. او فرمان فرما و پاک و ... است.» فرمان فرمائی و دستور انجام کارها فقط اختصاص به او دارد پیغمبر خدا فقط پیامبر (پیامبر) خدا بود و وظیفه داشت پیام خدا را به مردم برساند.

آیه ۵۴ نور سوره ۲۴ میفرماید: «وظیفه پیغمبر فقط ابلاغ صریح و روشن وحی (ما) است.» این مطلب ۱۳ بار در قرآن تکرار شده. خود پیغمبر هم مسلمان یعنی تسلیم حکم و نظر خدا بود. همانطور که آیه ۱۴ انعام به او میفرماید: «بگو: به من دستور داده شده که اولین مسلمان (در آنچه به من وحی میشود) خودم باشم.»

پیغمبر پیرو آنچه به او وحی میشد، بود. چون آیه ۱۰۶ انعام به او میفرماید: «از آنچه از طرف خداوندت به تو وحی شده (یعنی از قرآن) پیروی کن. معبودی (وجود قابل اطاعت بی چون و چرائی) غیر از او وجود ندارد و از مشرکین رو بگردان.» چون فقط او است که همه چیز را میداند. چون خودش همه چیز را خلق کرده و قوانین طبیعی را در طبیعت گذاشته که به آن قوانین تکوینی می گفتند. علم انسانها محدود است به آنچه می بینند و می شنوند و می چشند و می بویند و لمس و حس می کنند و همه آنها بسیار محدود است. در ثانی انسانها تحت تأثیر خواسته های نفسانی و جسمانی خود و تهدیدها و خوش آمد گوئی ها و خواهش های اطرافیان خود میباشند. و بسیاری از اوقات از گفتن نظر خود خودداری میکنند. با تعیین وظیفه از طرف خدا قانونگذاری از دست دیکتاتوران و عوامل آنها خارج میشود و با یک نشست و برخاست قانون عوض نمیشود و مطابق دلخواه دیکتاتور زمان تغییر نمیکند و قانون بازیچه دست دیکتاتوران نمیشود. بندگی خدا آزاد شدن از بند بندگی انسانهای دیکتاتور و نادان است.

عده‌ای از افراد که روی غرض‌های شخصی در صدد خراب کردن اعتقادات مردم هستند نفهمی خود را به دینداران نسبت می‌دهند و با لفظ دیکتاتوری می‌خواهند در اعتقادات دینداران خدشه وارد کنند. از اینها باید پرسید آیا کسی که جهان را با قوانین آن خلق کرده از قوانینی که خلق کرده اطلاع دارد یا انسان‌ها با علم محدود خود؟ عقل سالم چه حکم می‌کند؟ آیا هیچ انسانی وجود دارد که تمام قوانین طبیعی جهان را بداند و در قضاوت خود اشتباه نکند؟ آیا انسان‌ها تحت تأثیر دلخواه‌های خود و دیگران نیستند؟ فکر سالم چه می‌گوید؟ به قول آیه ۱۴ ملک سوره ۶۷ «آیا کسی که خلق کرده نمیداند چه خلق کرده؟» انسان‌ها ضعیف هستند و از قدرت‌های زمان خود می‌ترسند. انسان‌ها احتیاجاتی دارند و برای رفع آن میکوشند و به دروغ و تقلب متوسل میشوند. انسان‌ها در نقطه ضعف متملق و چاپلوس هستند و در نقطه قدرت دیکتاتور و طغیانگر. چون همانطور که آیه ۶ و ۷ علق سوره ۹۶ می‌فرماید: «انسان وقتی خود را بی نیاز ببیند حتماً طغیان میکند.» همانطور که چنگیزها، استالین‌ها، هیتلرها، فرعون‌ها، قیصرها، کسری‌ها و فرعونک‌های ریز و درشت نشان داده‌اند.

## ۲۸ = خدا مستعان است یعنی از او کمک خواسته میشود نه از غیر او. البته وسائلی که خدا در

زندگی قرار داده جزو این کمک گرفتن نیست.

آیه ۱۱۲ انبیاء سوره ۲۱ می‌فرماید: «بگو: خدایا بحق حکم کن. از خداوند، در آنچه می‌گویند کمک خواسته میشود.» مسلمانان هر روز در نماز خود لااقل ۱۰ بار می‌گویند اِیَاکَ نَسْتَعِیْنُ «خدایا فقط از تو کمک می‌خواهیم» نه از ارواح مردگانی که خودشان از تو کمک می‌خواستند. از تو کمک می‌خواهیم چون آنها در زندگی نتوانستند از خود دفع ضرر کنند.

در آیه ۱۸۸ اعراف سوره ۷ به پیغمبر ص گفته میشود: «بگو: من مالک نفع و ضرری برای خودم نیستم مگر تا جائی که خدا بخواهد. بر او توکل کرده‌ام. اگر غیب میدانستم خیر بیشتری به دست می‌آوردم و آسیبی به من نمی‌رسید. من فقط برای افراد با ایمان هشدار دهنده (از عواقب کارهای بد) و مژده دهنده (برای کارهای خوب) هستم.» آیه ۴۹ یونس سوره ۱۰ را هم ببینید.

ظاهراً این کمک خواستن در نماز برای هدایت و شناختن راه است چون دنبال آن می‌گویند: «خدایا ما را به راه راست هدایت فرما.» اگر دعا این باشد اجابت شده چون قرآن راهنمای مردم است. مطابق آیه ۱۸۵ بقره. و به بهترین راه هدایت میکند. مطابق آیه ۹ سوره اسراء سوره ۱۷ قرآن. فقط ما باید قرآن را

بخوانیم تا این راه را بشناسیم. من در کتاب «هدف دین» این راه قرآن را در آورده و نشان داده‌ام که در هیچ یک از مسالک هم چنین راهی وجود ندارد.

آیه ۱۲۸ اعراف میگوید: «موسی به قومش گفت: از خدا کمک بخواهید و استقامت داشته باشید. زمین مال خدا است آن را به هر کس از بندگان که بخواهد می‌دهد. پایان کار مال آدم‌های با تقوا است.» تقوا یعنی تسلط بر نفس و زمان نفس را در دست داشتن.

**۲۹- خدا مستغاث است.** استغاثه یعنی کمک خواستن و به فریاد رسیدن. مستغاث یعنی کسی که به درمانده‌ای کمک میکند و به فریادش میرسد. آیه ۹ و ۱۰ انفال سوره ۸ میفرماید: «وقتی از خداوندان کمک و فریادرسی خواستید و خدا دعای شما را اجابت کرد که من شما را به هزار فرشته پشت سر هم کمک میکنم. خدا آن را فقط برای مژده و برای اینکه دل‌های شما اطمینان پیدا کند قرار داده. یاری فقط از جانب خدا است. خدا عزیز و حکیم است.»

**۳۰- خدا ولی است.** ولی به معنی دوست، علاقه‌مند و دوستدار، پشتیبان، مددکار و سرپرست میباشد. و جمع آن اولیاء است. آیه ۵۵ مائده سوره ۵ میفرماید: «ولی (پشتیبان و مددکار) شما خدا و پیغمبرش و مؤمنینی هستند که نماز را بپا میدارند و زکات میدهند و رکوع کننده هستند.» چون آیه ۴۳ بقره میفرماید: «نماز را بپا دارید و زکات بدهید و با رکوع کنندگان به رکوع بروید.» آیه ۵۶ و ۵۷ مائده سوره ۵ میفرماید: «کسانی که خدا و پیغمبرش و افرادی را که (به پیغمبر ص) ایمان آوردند پشتیبان خود میگیرند دسته غالب و غلبه کننده هستند. (احتیاجی به پشتیبانی دیگران ندارند.) ای افرادی که (به رسالت پیغمبر ص) ایمان آورده‌اید، اهل کتاب قبل از خودتان (یهود و مسیحیانی که آنوقت در عربستان بودند) که دین شما را به مسخره و بازی گرفتند و کافران را پشتیبان خود نگیرید. اگر مؤمن هستید از نافرمانی و عذاب خدا احتراز کنید.» چون آیه ۱۱۸ آل عمران سوره ۳ میفرماید: «ای افرادی که (به رسالت پیغمبر ایمان آورده‌اید) دوست صمیمی و همراهی غیر از خودتان نگیرید. آنها از خرابکاری در کار شما فروگذاری نمی‌کنند. رنج و ناراحتی شما را دوست دارند. کینه و نفرت از دهانشان پیدا است و آنچه قلب ایشان پنهان میکند خیلی بزرگتر از آن چیزی است که آشکار می‌کنند. اگر عاقل هستید نشانه‌ها را برای شما بیان کردیم.» چون یهودیان نژادپرست هستند و کتابشان آنها را برگزیده خدا و نخست زده خدا معرفی می‌کند. و مسیحیان مسیح را خدا و پسر یگانه خدا میدانند و به کمتر از آن راضی نمیشوند و

یکدیگر را مطابق آیه ۱۱۳ بقره قبول ندارند. چون اعتقادات همدیگر را ندارند. آیه ۱۱۳ بقره می‌فرماید: «یهودی‌ها گفتند مسیحیان دین ندارند و مسیحیان گفتند یهودیان دین ندارند. تمام افراد نادان هم عین همین حرف را می‌زنند.» (از جمله مسلمانان بی اطلاع از قرآن). چون آیه ۶۲ بقره و آیه ۶۹ مائده می‌فرماید: «کسانی که به خدا و آخرت ایمان دارند و کار درست میکنند (درستکارند و فاسد نیستند) پاداششان پیش خداوندشان محفوظ است. نه ترسی دارند نه غصه می‌خورند.» آیه ۱۲۰ بقره سوره ۲ می‌فرماید: «تا از آئین یهودیان و مسیحیان پیروی نکنی از تو راضی نمی‌شوند. بگو: هدایت خدا هدایت است. اگر بعد از اینکه علم برای تو حاصل شد از دلخواه آنان پیروی کردی، هیچ پشتیبان و مددکاری که تو را از عذاب خدا حفظ کند وجود ندارد.» آیه ۱۳۵ بقره می‌فرماید: «گفتند یهودی یا مسیحی باشید تا هدایت شوید. بگو: آئین ابراهیم یکتاپرست برای هدایت کافی است. او مشرک نبود.» آیه ۶۵ آل عمران می‌فرماید: «ای اهل کتاب، چرا در باره ابراهیم بحث و بگو مگو میکنید؟ تورات و انجیل بعد از او نازل شد. آیا درک نمی‌کنید؟» آیا نمی‌فهمید که تورات و انجیل در زمان او نبود تا ابراهیم از آنها پیروی کند. دین آمده تا دنیای پاکی بسازد و مردم درستکار باشند و حقوق یکدیگر را حفظ کنند. ولی دکانداران دین فروش مردم را با «یک دسته افکار سست و واهی و بی اثر سرگرم کردند.» و بین دینداران تفرقه انداختند و مردم را برای نفع شخصی خود از ساختن یک دنیای پاک و زندگی آسوده و بی اضطراب خاطر محروم کردند. در صورتیکه تمام دینداران خواستار درستکاری و عدالت مردم هستند. چنین دنیایی را فقط با اتحاد تمام دینداران و اصلاح طلبان واقعی میتوان ساخت و بس. اتحاد برای ساختن یک دنیای پاک، نه دست برداشتن از اعتقادات دینی خود. چون آیه ۴۸ مائده می‌فرماید: «برای هر دسته از شما (یهودیان و مسیحیان و مسلمانان) راه و رسمی قرار دادیم. اگر خدا می‌خواست شما را امت واحدی میکرد. ولی میخواهد شما را با آنچه به شما داده امتحان کند. (یهودیان را با تورات، مسیحیان را با انجیل و مسلمانان را با قرآن که هیچکدام مطابق آنها عمل نمی‌کنند) بنابراین در کارهای خیر با هم مسابقه دهید و از هم جلو بزنید.» و وقتتان را صرف مطالبی که با این هدف ارتباطی ندارد نکنید و باعث تفرقه نشوید.

اگر مسلمانان واقعاً مسلمان و تسلیم حکم خدا باشند و قرآن را بخوانند و مطابق آیه ۲۵ حدید سوره ۵۷ درصدد ساختن دنیائی باشند که در آن ظلم نباشد و بدانند تمام پیغمبران برای ساختن چنین دنیائی آمده‌اند و دینداران دنیا را با این هدف دینشان آشنا کنند و اینکار را مطابق آیه ۱۲۵ نحل سوره

۱۶ با حکمت و اندرز نیکو و به بهترین وجه انجام دهند و مطابق آیه ۶۴ آل عمران آنها را به اتحاد در اینکار دعوت کنند و با مال و جان خود مطابق آیه ۱۵ حجرات سوره ۴۹ کوشش (جهاد) کنند حتماً موفق میشوند و احتیاجی به کمک مخالفان ندارند.

**۳۱- خدا عادل است.** آیه ۴۰ نساء سوره ۴ میفرماید: «خدا به اندازه ذره‌ای ظلم نمی‌کند...» آیه ۴۴ یونس سوره ۱۰ میفرماید: «خدا ذره‌ای به مردم ظلم نمی‌کند، ولی مردم (در اثر نادانی) به خود ظلم میکنند.» آیه ۷۰ توبه و ۴۰ عنکبوت و ۹ روم میفرماید: «سزاوار خدا نیست که به مردم ظلم کند. این خود مردم هستند که (در اثر نادانی) بخود ظلم میکنند.» چون در اثر نادانی کارهائی میکنند که به ضررشان تمام میشود مثل بت‌سازی‌هایی که از افراد در جامعه میشود و افراد در مقابل آن ساکت می‌نشینند و حرفی نمی‌زنند و وقتی که کار از کار گذشت و بتی که ساخته شد آنها را مجبور به اطاعت از دستوره‌ای خود کرد صدای واویلائی آنها بلند میشود.

خدا عادل است. قوانینی در جهان گذاشته، هر کس آن را مراعات نکند نتیجه آن را خواهد دید. چه دیوانه باشد چه عاقل، چه عمداً بکند یا از روی غفلت. آتش میسوزاند. اگر دیوانه‌ای به آن دست بزند میسوزد و اگر آدم عاقلی عمداً یا سهواً و از روی غفلت و نادانی به آن دست بزند، میسوزد. اگر کسی آتش را بدست او بچسباند باز هم دستش میسوزد. اگر بخواهیم دست کسی نسوزد باید به او فهماند که آتش میسوزاند و به دیگران باید فهماند که عادل باشند و دست کسی را با آتش نسوزانند. در قرن بیست و یکم می‌بینیم که در اثر بی دینی افراد و بی اطلاعی از کتابهای الهی خود و دیگران و عدم اتحاد افراد برای ساختن یک دنیای پاک، دنیا غرق بی‌عدالتی شده و خانه‌های مردم بر سرشان خراب میشود و بدن‌ها سوراخ سوراخ و قطعه‌قطعه میشود و از خانه و سرزمین خود آواره میشوند و باز فریاد حقوق بشر سر میدهند. تا عدالت نباشد حقوق بشر حرف فریبکارانه‌ای است که با بهانه‌های مختلف و اسم‌های مختلف زیر پا گذاشته میشود.

## هدف اصلی و اساسی احکام قرآن

هدف اصلی و اساسی تمام ادیان عدالت است، عدالت. عدالت آرزوی تمام افراد عاقل و فهمیده است. چون در سایه عدالت دزدی وجود نخواهد داشت، کم فروشی و گران‌فروشی و فروش جنس تقلبی و

کلاهبرداری و دروغگوئی و فریبکاری و بی ناموسی و پایمال کردن حقوق دیگران به نام کشور و ملت وجود نخواهد داشت و همه برادروار بدون تجاوز به حقوق هم در رفاه و آسودگی خیال کامل زندگی خواهند کرد. چون عدالت یعنی رعایت تمام حقوق کلیه افراد بشر. البته هیچکس در چنان جامعه‌ای حق ندارد کاری کند که باعث خرابی و آلودگی اجتماعی شود، و هر کس واقعاً چنین کاری بکند باید به شدیدترین وجه مجازات شود. ولی تا آن زمان فاصله زیادی در پیش است. چون انسان‌ها در اثر بی اطلاعی و خوش باوری به سادگی گول حرفهای فریبکاران را می‌خورند. همانطور که آیه ۲۰۴ تا ۲۰۶ بقره می‌فرماید: «از مردم کسی است که سخنش در باره زندگی دنیا تو را به تعجب و امیدارد (با خود می‌گوئی چنین آدم‌هائی وجود داشته‌اند و ما خبر نداشتیم) و خدا را بر آنچه در دلش است شاهد می‌گیرد. (می‌گوید خدا شاهد است که این حرف‌ها را از صمیم قلب می‌زنم) در صورتیکه او سرسخت‌ترین دشمن است. وقتی از پیش تو برود (یا قدرتی بدست آورد و کارهای بشود) سعی در فساد در زمین و نابودی کشت (اقتصاد) و نسل (خانواده) می‌کند. در صورتیکه خدا فساد را دوست ندارد. وقتی به او گفته شود از نافرمانی و عذاب خدا حذر کن (احتراز کن) غرور او را به گناه بیشتر و امیدارد. جهنم برای او کافی است (جای او جهنم است) و جهنم جای بدی است.»

## عدالت در قرآن

آیه ۲۵ حدید سوره ۵۷ می‌فرماید: «بدون هیچگونه شک و تردیدی پیغمبرانمان را با دلیل‌های روشن فرستادیم و با ایشان کتاب و میزان نازل کردیم برای اینکه مردم عدالت را برقرار کنند و آهن را که در آن سختی بسیار و منفعتی برای مردم وجود دارد نازل کردیم برای اینکه خدا افرادی که او و پیغمبرانش را از صمیم قلب (در راه ساختن یک دنیای پاک و برقراری عدالت) یاری میکنند بشناسد. خدا نیرومند و توانا است.» اگر می‌خواست خودش انسان‌ها را طوری می‌آفرید که ظلم نکنند و عدالت برقرار باشد.

می‌بینیم که خداوند می‌فرماید پیغمبرانمان را برای برقراری عدالت فرستادیم نه فقط پیغمبر اسلام را برای برقراری عدالت فرستادیم بلکه همه پیغمبران برای برقراری عدالت فرستاده شده‌اند. اگر پیروان این پیغمبران متوجه باشند که همه آنها برای برقراری عدالت فرستاده شده‌اند همه با هم همکاری

میکنند تا عدالت در جوامع بشری برقرار شود. چون ۵ فرمان ۶ تا ۱۰ ده فرمان تورات در باره عدالت یعنی رعایت تمام حقوق تمام انسان‌ها آمده است. چون شماره ۱۳ تا ۱۷ باب ۲۰ خروج (کتاب دوم عهد عتیق - مشهور به تورات -) و شماره ۱۷ تا ۲۱ باب ۵ تثنیه (کتاب پنجم عهد عتیق) میفرماید: «قتل نکن. زنا نکن. دزدی نکن. بر همسایه خود شهادت دروغ نده و بر زن همسایه‌ات طمع نورز و به خانه همسایه‌ات و به مزرعه او و به غلامش و کنیزش و گاوش و الاغش و به هر چه از آن (مال) همسایه تو باشد طمع نکن.» اینها از حقوق افراد است ولی یهودیان اینها را رعایت نکردند مثل بیشتر پیروان ادیان دیگر. همانطور که اشعیاء (یکی از انبیای بنی‌اسرائیل) در شماره ۱ و ۲ باب ۱۰ کتاب اشعیاء (کتاب بیست و سوم عهد عتیق) مینویسد: «وای بر آنانی که احکام غیر عادلانه را جاری می‌سازند و کاتبانی که ظلم را مرقوم می‌دارند تا مسکینان را از داوری منحرف سازند و حق فقیران قوم را برابند تا اینکه بیوه زنان غارت ایشان بشوند و یتیمان را تاراج نمایند.» ارمیا (یکی از انبیای بنی‌اسرائیل) در شماره ۶ باب ۶ کتاب ارمیا (کتاب بیست و چهارم عهد عتیق) مینویسد: «... این است شهری (اورشلیم) که سزاوار عقوبت است چونکه اندرونش تماماً ظلم است.» عاموس (یکی از انبیای بنی‌اسرائیل) در شماره ۶ باب ۲ کتاب عاموس (کتاب سی‌ام عهد عتیق) مینویسد: «... مرد عادل را به نقره و مسکین را به زوج (یک جفت) نعلین (کفش) فروختند.» صفیا (یکی از پیغمبران بنی‌اسرائیل) در شماره ۳ تا ۴ باب ۳ کتاب صفیا (کتاب سی و ششم عهد عتیق) مینویسد: «سرورانش (سروران یهود) در اندرونش (در داخل اورشلیم) شیران غران و داوران‌ش گرگان شب (هستند) که چیزی تا صبح باقی نمیگذارند. انبیایش مغرور و خیانتکارند. کاهنانش قدس (معبد سلیمان) را نجس می‌سازند و به شریعت مخالفت می‌ورزند.»

عیسی مسیح در شماره ۲۱ باب ۷ انجیل متی (اولین انجیل عهد جدید) میفرماید: «نه هر که مرا خداوند خداوند گوید داخل ملکوت آسمان شود بلکه آنکه (کسی که) اراده پدر مرا که در آسمان است بجا آورد.» و در شماره ۱۹ باب ۱۹ متی میفرماید: «قتل نکن. زنا نکن. دزدی نکن. شهادت دروغ نده. پدر و مادر خود را حرمت دار و همسایه خود را مثل نفس خود دوست دار.» که ششمی آن مطابق شماره ۱۸ باب ۱۹ لایوان (کتاب سوم عهد عتیق) است. عیسی مسیح در شماره ۱۳ باب ۹ متی میفرماید: «من نیامده‌ام تا عادلان را بلکه گناهکاران را به توبه (بازگشت به اجرای دستورهای خدا) دعوت کنم.» و در شماره ۱ تا ۳۰ باب ۲۳ متی در باره کاتبان و فریسیان (دو دسته از یهودیان) میفرماید: «... بالا نشستن



در ضیافت‌ها (مهمانی‌ها) و کرسی‌ها صدر (صندلی‌های بالا) در کنایس (معابد یهودیان) را دوست میدارند و تعظیم در کوچه‌ها را و اینکه مردم ایشان را آقا آقا بخوانند... وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار زیرا خانه‌های بیوه زنان را می‌بلعید و از روی ریا نماز را طویل می‌کنید... وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار زیرا که بر و بحر را می‌گردید تا مریدی پیدا کنید و چون پیدا شد او را دو مرتبه (دو بار) پست‌تر از خود پسر جهنم می‌سازید... وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار که نعناع و ثبت و زیره را عشر (زکات) می‌دهید و اعظم احکام شریعت یعنی عدالت و رحمت و ایمان را ترک کرده‌اید... ای راهنمایان کور که پشه را صافی می‌کنید و شتر را فرو می‌برید (جزئیات را عمل می‌کنید و احکام اصلی را فراموش می‌کنید) وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار از آن رو که بیرون پیاله و بشقاب را پاک مینمائید و درون آن مملو از جبر و ظلم است... وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار که چون قبور سفید شده می‌باشید که از بیرون نیکو مینماید لیکن درون آن‌ها از استخوان‌های مردگان و سایر نجاسات پر است.»

اگر درست نگاه کنید بیشتر روحانی‌نماهای ادیان دیگر از جمله روحانیون مسیحی و مسلمان نیز همین‌طور هستند.

## عدالت بالاتر از تمام دوستی‌ها و دشمنی‌ها

آیه ۱۳۵ نساء سوره ۴ می‌فرماید: «ای افرادی که (به رسالت محمد ص و الهی بودن قرآن) ایمان آورده‌اید، مراقب اجرای عدالت باشید و برای خدا شهادت بدهید، اگرچه بر ضرر خودتان یا پدر و مادر و نزدیکان شما باشد، چه بی نیاز (غنی) باشند چه فقیر. خدا به آنها سزاوارتر است. بنابراین از دلخواه خود پیروی نکنید چون از عدالت منحرف می‌شوید. اگر دو پهلوی شهادت بدهید یا از دادن شهادت خودداری کنید، خدا از کارهایی که می‌کنید با خبر است.» خدا می‌داند که نخواسته‌اید عدالت اجرا شود و ظلم کرده‌اید. می‌بینیم که در نظر مسلمان عدالت بالاتر از تمام خودخواهی‌ها و علاقه‌ها و محبت‌ها است.

آیه ۸ مائده سوره ۵ می‌فرماید: «ای افرادی که (به رسالت محمد ص و الهی بودن قرآن) ایمان آورده‌اید، در راه اجرای احکام خدا قیام کنید (مراقب آن باشید) و به عدالت شهادت دهید و دشمنی دسته‌ای شما را به بی‌عدالتی وا ندارد. در همه حال عادل باشید (عدالت را اجرا کنید) چون عدالت به تقوا نزدیکتر است. (و مطابق آیه ۱۳ حجرات سوره ۴۹ گرامی‌ترین شما پیش خدا، پرهیزگارترین شما است) از

نافرمانی خدا و عذاب او بر حذر باشید (احتراز کنید) چون خدا از کارهائی که میکنید با خبر است.» می‌بینیم که عدالت بالاتر از تمام دشمنی‌ها و نفرت‌ها است و آدم مسلمان باید عادل باشد و عدالت را بالاتر از تمام دوستی‌ها و دشمنی‌ها بداند. اگر اینکار را نکند مسلمان یعنی تسلیم خدا نیست. کار افراد را که تابع دلخواه خود هستند و عدالت را رعایت نمی‌کنند نباید دلیل مسلمانی آنها و اسلام گرفت. حکم قرآن و اجرای آن دلیل مسلمانی افراد است نه بر عکس آن.

آیه ۹۰ نحل سوره ۱۶ می‌فرماید: «بدون کوچکترین تردیدی خدا به عدالت و نیکی و کمک به خویشاوندان امر میکند و از کارهای زشت و ناپسند و تجاوز (فساد) نهی میکند. خدا شما را نصیحت میکند تا متوجه وظیفه خود باشید.» می‌بینیم که مسلمان باید عادل و نیکوکار باشد و به خویشان خود کمک کند و از کارهای زشت و ناپسند و تجاوز خودداری کنید اگر مطابق آن عمل نکند مسلمان یعنی تسلیم حکم خدا نیست.

آیه ۲۸ و ۲۹ اعراف سوره ۷ می‌فرماید: «وقتی کار زشتی کردند گفتند: پدرانمان را بر این کار یافتیم (دیدیم که پدرانمان اینکار را می‌کردند) خدا به ما چنین دستوری داده (وگرنه پدرانمان که آدم‌های دینداری بودند اینکار را نمی‌کردند) بگو: خدا هیچ وقت به کار زشت دستور نمی‌دهد. آیا ندانسته از قول خدا سخن می‌گوئید؟ بگو: خداوند من (ارباب من و کسی که به من دستور میدهد چه کاری بکنم و چه کاری نکنم) به عدالت امر کرده است و اینکه موقع هر عبادتی و در هر مسجدی رو به او آورید (برای خدا عبادت کنید) و در حالی که دین را برای او خالص کرده‌اید (به چیزی جز او توجه ندارید) او را به کمک بخوانید (و بدانید) که همانطور که خدا شما را آفریده (برای پس دادن حساب کارهائی که کرده‌اید) پیش او بر می‌گردید.»

آیه ۵۸ نساء سوره ۴ می‌فرماید: «بدون تردید خدا به شما دستور میدهد که امانت‌ها را به اهل آن (صاحب آن) برگردانید و وقتی بین مردم حکم (قضاوت یا حکومت) میکنید به عدالت حکم کنید. خدا نصیحت خوبی به شما میکند. خدا شنوا و بینا است.» حکمی که میکنید میشوند و حکومتی که میکنید می‌بیند. می‌بیند که به عدالت قضاوت و اظهارنظر و حکومت میکنید یا بر خلاف عدالت.

آیه ۱۵۲ انعام سوره ۶ میفرماید: «... هرگاه حرفی میزنید عدالت را رعایت کنید. اگرچه در باره نزدیکانتان باشد و به عهد خدا (که عهد بسته‌اید مسلمان و تسلیم خدا باشید و احکام او را اجرا کنید) وفا کنید. این سفارشی است که خدا به شما میکند تا متوجه وظیفه خود باشید.»

خداوند در آیه ۱۵ شورا سوره ۴۲ به پیغمبر ص میفرماید: «مردم را به اتحاد (تفرقه نداشتن در دین) دعوت کن و همانطور که به تو دستور داده شده استقامت داشته باش و از دلخواه مردم پیروی نکن، و بگو: من به هر کتابی که خدا نازل کرده (تمام کتاب‌های الهی و اصلی ادیان) ایمان دارم و به من دستور داده شده که بین شما به عدالت رفتار کنم. خدا ارباب ما و شما است (فرمانده ما و شما است و کسی است که به ما دستور میدهد چه کاری بکنیم و چه کاری نکنیم) کارهای ما مال ما و کارهای شما مال شما است. بحثی بین ما باقی نمانده (باید ببینیم ارباب ما و شما که خدا است چه میفرماید) خدا ما را (در قیامت) جمع میکند (متحد می‌شویم) و بازگشت (همه ما) پیش اوست.» تا حساب کارهایی که میکنیم پس بدهیم و به بهشت و یا به جهنم برویم و نعمت جاودانی یا عذابی جاودانی بباییم.

آیه ۳ نساء سوره ۴ میفرماید: «اگر می‌ترسید که در باره یتیمان (که مطابق آیه ۱۲۷ نساء میل دارید با آنها ازدواج کنید) به عدالت رفتار نکنید، با زنانی که برای شما پاک و دلخواهتان هستند با دو تا و سه تا و چهار تا ازدواج کنید، و اگر می‌ترسید بین آنها به عدالت رفتار نکنید فقط یک زن بگیرید یا با کنیزانتان ازدواج کنید. اینکار برای اینکه ظلمی نکنید بهتر است. (یا برای اینکه عائله‌مند نشوید بهتر است.)»

باید توجه داشت که یعقوب مطابق باب ۲۹ و ۳۰ پیدایش، کتاب اول عهد عتیق که ما به آن تورات می‌گوئیم ۴ زن داشت و سلیمان مطابق شماره ۳ باب ۱۱ کتاب اول پادشاهان، کتاب یازدهم عهد عتیق هزار زن داشت و پادشاه ایران مطابق باب ۲ کتاب استر، کتاب هفدهم عهد عتیق هر قدر که میخواست می‌توانست زن بگیرد.

اسلام تعدد زوجات را به ۴ زن محدود کرده و یک زن را برای عائله‌مند نشدن بهتر میدانند. در غرب در حالی زندگی می‌کنند که با آنکه زن و مرد با هم کار میکنند تا آخر عمر مقروض هستند و باید قسط ۳۰ ساله خانه را بدهند و اقساط وسائل خانهای را که تهیه کرده‌اند بپردازند.

ولی باید کسانی که توانایی مالی دارند، بتوانند تا ۴ زن بگیرند. چون میدانیم که مردها موقعی میتوانند زن بگیرند که بتوانند خرج خانواده را بدهند ولی دخترها این وظیفه را ندارند. چون کار داخل خانه بعهده آنها است و کار خارج خانه به عهده مردها. ولی امروزه در اثر منفعت جوئی سرمایه‌داران برای آنکه مزد کمتری به کارگران و کارمندان خود بدهند زن و مرد را به خدمت می‌گیرند تا در اثر زیادی متقاضیان کارمزد کمتری بپردازند و سود بیشتری داشته باشند در صورتیکه امروزه در اثر ماشینی شدن کارها ماشین کار صدها انسان را انجام میدهد. مثل یک تراکتور که کار شخم زدن زمین و برداشتن محصول را بیشتر از صد نفر انجام میدهد و احتیاجی به کار زنان در خارج خانه وجود ندارد و زنان میتوانند با خیال راحت به کار خانه و تربیت صحیح فرزندان بپردازند. تا احتیاجی به کلفت (خدمتکار) که انسانی است یا بیبی ستر که انسانی است نداشته باشند.

میدانیم که عمر متوسط مردان نسبت به عمر متوسط زنان در عالم بیشتر از ۵ سال کمتر است. مثلاً اگر عمر متوسط مردان ۷۰ سال است عمر متوسط زنان ۷۵ سال است. اگر سن متوسط مردان را برای ازدواج مطابق آنچه امروزه وجود دارد ۲۵ سال فرض کنیم و سن متوسط ازدواج دختران ۲۰ سال باشد تقریباً هر مرد میتواند ۱۰ سال کمتر از هر زن همسراری کند و بطور متوسط در مقابل هر ۵ زن باید بیشتر از ۶ مرد وجود داشته باشد که چنین حدی در جهان وجود ندارد. اگر بخواهیم هر زن و مردی تا پایان عمر در کنار همسر زندگی کند باید مردان بتوانند تا ۴ زن بگیرند. اما همانطور که دیدیم امروزه افرادی که در جهان ۴ زن داشته باشند به ندرت وجود دارند، شاید به نسبت یک در هزار هم نباشند. مردان دو زن هم در جهان کمتر از یک درصد میباشند.

اما افراد جاهلی که به اینکار اعتراض میکنند توجه ندارند که در دنیا حرمسرا برای مردان وجود دارد بدون آنکه تعهدی داشته باشند. چون فاحشه‌خانه یعنی حرمسرای قانونی در سراسر جهان وجود دارد که مردها با پرداخت مبلغی جزئی که تعهدی هم نداشته باشند می‌توانند با هر کدام آنها که خواستند همخوابگی کنند. ولی آنطور که شنیده‌ایم مردهائی که از چنین زنانی استفاده می‌کنند معمولاً با یکی از آنها همخوابگی میکنند.

چون خیال با واقعیت فرق دارد. یک زن برای یک مرد کافی است و یک مرد برای یک زن کافی است به شرط آنکه خیال‌پرداز نباشند. چون هر زنی همان چیزی را دارد که کلیه زنان عالم دارند، بقیه خیال است و خیال‌پردازی.

آیه ۱۲۹ نساء سوره ۴ میفرماید: «هرگز نمیتوانید بین زنان به عدالت (نه به مساوات) عمل کنید. اگر چه علاقه بسیاری به اینکار داشته باشید. بنابراین تمام علاقه خود را به یکی متوجه نکنید که دیگری را بلامتکلیف بگذارید (که نداند شوهر دارد یا ندارد) اگر سازش کنید و تقوا (تسلط بر نفس) داشته باشید (و از دلخواهتان پیروی نکنید) خداوند آمرزنده و مهربان است.» اگر قبلاً بدون تقوا و پیرو دلخواه خودتان بودید شما را می‌آمرزد.

آیه ۹ حجرات سوره ۴۹ میفرماید: «اگر دو دسته از مسلمانان با هم جنگیدند بین آنها را اصلاح کنید. اگر یکی از آنها به دیگری ظلم (تجاوز) کرد با دسته‌ی ظالم بجنگید تا به فرمان خدا برگردد. اگر برگشت بین آنها را به عدالت اصلاح کنید و عادل باشید. چون خدا عادل‌ها را دوست دارد.» فرمان خدا این است که مطابق آیه ۱۰ حجرات سوره ۴۹ میفرماید: «مسلمانان برادر هم هستند. بین برادرانتان را اصلاح کنید و از نافرمانی خدا احتراز کنید تا به شما رحم شود.» لذا دو دسته‌ای که با هم می‌جنگند مسلمان واقعی نیستند و دیگری را - بر خلاف حکم خدا - برادر خود نمیدانند.

آیه ۲۸۲ بقره سوره ۲ در باره قرض میفرماید: «... وقتی قرضی را برای مدت معلومی به هم میدهید نویسندگی بین شما باید آن را به عدالت بنویسید ... و اگر کسی که قرض میگیرد سفیه (کم عقل) باشد یا نمیتواند شرایط را بگوید تا نوشته شود ولی او (سرپرست او که از او پشتیبانی میکند) باید به عدالت بگوید تا نوشته شود ... و از نوشتن آن چه کم باشد چه زیاد و از نوشتن مدت آن خودداری نکنید. اینکار پیش خدا عادلانه‌تر و برای شهادت بهتر و برای اینکه شک نکنید مطمئن‌تر است ...» این دستور، دستوری است که مسلمانان به هیچ وجه آن را رعایت نمی‌کنند و در نتیجه به خاطر ضعف حافظه انسان یا به خاطر منفعت‌جویی بعضی از افراد نامسلمانی که ادعای مسلمانی میکنند اختلافاتی در مورد چگونگی آن پیدا میشود.

آیه ۲ طلاق سوره ۶۵ میفرماید: در مورد طلاق و جدائی زن و شوهر از هم «وقتی آنها (زنان) به پایان عده رسیدند (و در مدت عده در خانه شوهر زندگی کردند) یا آنها را بخوبی نگه دارید (طلاق ندهید

و از هم جدا نشوید) یا با خوبی از هم جدا شوید و دو نفر عادل را (در موقع جدائی) شاهد بگیرید و برای خدا شهادت بدهید...» در موقع ازدواج گرفتن شاهد مقرر نشده ولی در موقع طلاق وجود دو شاهد عادل لازم است. در ازدواج فقط یک مهمانی برای اعلام ازدواج و شروع زندگی خانوادگی کافی است.

آیه ۹۵ مائده سوره ۵ میفرماید: «ای افرادی که (به رسالت محمد ص و الهی بودن قرآن) ایمان آورده‌اید، وقتی در لباس احرام (در طی مراسم حج) هستید شکار را نکشید هر کس عمداً آن را بکشد جزای آن چهار پایی مثل آنچه کشته می‌باشد که دو نفر از افراد عادل خودتان در باره آن حکم کنند...» آیه ۱۰۶ مائده سوره ۵ میفرماید: «ای افرادی که (به رسالت محمد ص و الهی بودن قرآن) ایمان دارید، وقتی مرگ یکی از شما فرا رسید موقع وصیت دو شاهد عادل را به شهادت بگیرید یا دو شاهد عادل از غیر مسلمانان را به شهادت بگیرید...» امروزه با تحصیل افراد و با سواد بودن آنها و نوشتن وصیت به خط خود شخص یا با وجود دفاتر اسناد رسمی این مسئله حل است.

عدل به معنی تاوان و معادل جرمی که صورت گرفته نیز می‌باشد مثل آیه ۴۸ و ۱۲۳ بقره سوره ۲ که میفرماید: «از روزی حذر کنید که کسی ذره‌ای جزای کسی را نمی‌دهد و شفاعتی از کسی قبول نمیشود، و از کسی تاوانی پذیرفته نمیشود، و کمکی به آنها نخواهد شد.» آیه ۷۰ انعام، سوره ۶ را هم ببینید.

عدل به معنی عدول و انحراف هم در قرآن آمده است. برای مثال آیه ۶۰ نمل سوره ۲۷ را ببینید. آیه ۸ ممتحنه سوره ۶۰ میفرماید: «خدا شما را از نیکی کردن و رفتار عادلانه با کسانی که در دین با شما نجنگیدند و شما را از سرزمین خودتان بیرون نکردند نهی (و منع) نمی‌کند، چون خدا افراد عادل را دوست دارد.» این آیه دو سال قبل از رحلت پیغمبر نازل شد.

آیه ۴۲ مائده سوره ۵ میفرماید: «یهودیانی که به دروغ گوش میدهند (جاسوسی میکنند) و مال حرام میخورند وقتی برای اظهار نظر پیش تو آمدند بین آنها حکم کن یا اظهار نظر نکن (حکم نکن). اگر اظهار نظر نکردی (حکم نکردی) ذره‌ای به تو ضرر نمیزنند، ولی اگر حکم کردی بین آنها به عدالت حکم کن. چون خدا افراد عادل را دوست دارد.»

آیه ۲۱ آل عمران سوره ۳ میفرماید: «به کسانی که منکر آیات خدا میشوند و بناحق پیغمبران و افرادی را که به عدالت امر میکنند می‌کشند مژده عذاب دردناکی بده.»

آیه ۱۵۲ انعام سوره ۶ میفرماید: «به مال یتیم جز به بهترین طرز (برای اداره اموالش) نزدیک نشوید (دخالت نکنید) تا به رشد خود برسد (و بتواند خودش اموالش را اداره کند). ترازو و پیمان را (که با آن پیمان می‌کنند، مثل بنزین و شیر) به عدالت بکار برید. هیچکس را جز به اندازه توانائی او موظف (مکلف) نمی‌کنیم. (مته به خشخاش نگذارید). و وقتی حرف زدید به عدالت حرف بزنید اگرچه در باره خویشاوندان و نزدیکانتان باشد و به عهدی که با خدا بسته‌اید (که از دستورها و نظرهایش بدون چون و چرا اطاعت کنید) وفا کنید. این سفارشی است که خدا به شما می‌کند تا وظیفه خود را بخاطر داشته باشید.»

آیه ۱۲۷ نساء سوره ۴ میفرماید: «... در مورد یتیمان به عدالت رفتار کنید. هر کار خوبی که بکنید خدا آن را میدانند.» و پاداش آن را به شما میدهد.

آیه ۴۷ انبیاء سوره ۲۱ میفرماید: «وسیله سنجش عادلانه خود را روز قیامت می‌گذاریم. به هیچکس به اندازه ذره‌ای ظلم نمیشود (جزای هر کس دقیقاً مطابق کارهایی که کرده است به او داده میشود) اگر کار او به اندازه دانه خردلی باشد آن را به حساب می‌آوریم. ما برای حسابرسی کافی هستیم.» کسی که به چنین حسابرسی‌ای معتقد باشد سعی میکند در تمام عمر کار خطائی نکند و کارهای خوب را تا آنجائی که بتواند انجام دهد.

من نمیدانم آدم‌هائی که ادعای فهم و شعور میکنند چرا با تعالیم دین که افراد را این چنین پرورش میدهد مخالفت میکنند و نفع خود و خانواده خود و تمام افراد پاک جهان را به خطر می‌اندازند؟ اسلام چنین افرادی پرورش میدهد. کسانی که آن را انجام نمی‌دهند مسلمان یعنی تسلیم خدا نیستند.

## عدالت خدا در طبیعت

در قرآن ۲۸۹ بار در باره ظلم صحبت شده و بارها از ظلم نکردن خدا به مردم سخن گفته شده. چون خدا هنگام خلقت جهان قوانین آن را هم در جهان گذاشته. در طبیعت می‌بینیم که هر کس کاری بکند که خلاف طبیعت باشد جزایش را می‌بیند چه به عمد آن کار را بکند یا در اثر غفلت، چه دانا باشد، چه نادان. چه خودش بکند یا دیگری آن کار را انجام دهد. مثلاً در مورد آتش می‌بینیم چه انسان عمداً دست به آتش بزند یا آتش را بدستش بزند یا دیگری با او اینکار را بکند چه از روی غفلت و عدم توجه،

چه عالم باشد و نتیجه آن را بداند چه نداند دستش میسوزد. در مورد خفه شدن در آب همینطور، در مورد بت سازی از افراد همینطور. چه انسان خودش اینکار را بکند چه دیگران، و او جلوگیری نکند افرادی که بت شده‌اند دیکتاتورانی می‌شوند که دنیا را بخاک و خون میکشند و خانه‌های افراد را بسرشان خراب میکنند و زنان را بی شوهر و مردان را بدون همسر و کودکان را یتیم میکنند همانطور که در تاریخ دیده‌ایم و در زمان حال می‌بینیم. قانون خدا بی چون و چرا اجرا میشود. بعضی‌ها در اثر بی‌اطلاعی خیال می‌کنند بت فقط مجسمه‌هایی هستند که از چوب یا فلز یا گل و امثال آن ساخته میشوند در صورتیکه خدا در آیه ۱۹۴ اعراف سوره ۷ میفرماید: «کسانی را که غیر از خدا به کمک میخوانید (به درگاهشان دعا میکنید) بندگان مثل شما هستند...» و آیه ۳۱ توبه سوره ۹ میفرماید: «دانشمندان و زاهدان تارک دنیای خود و پیغمبرشان مسیح ابن مریم را ارباب خود گرفتند (فرمان فرما و کسی که هر بکن یا نکنی که گفت بدون چون و چرا اجرا کردند) در صورتیکه به آنها دستور داده شده بود که فقط معبود واحد را عبادت کنند (یعنی فقط عبادت و بندگی بدون چون و چرای خدا را بکنند و از کسی یا مقامی یا سازمانی غیر از خدا بدون چون و چرا اطاعت نکنند) معبودی (وجودی که از دستورش بدون چون و چرا اطاعت شود و انسان بنده و مطیع محض او باشد) غیر از خدا وجود ندارد. خدا خیلی بالاتر از این چیزهایی است که شریک او میسازند.» می‌بینیم که اینکار در اسلام شرک است ولی تمام دینداران عالم در اثر بی‌اطلاعی از حقیقت دین، در این شرک می‌لوند و غرق هستند. این وجود چه فردی بنام رهبر انقلاب یا رهبر کودتا، شاه، نخست وزیر، مجلس شورا و یا مجلس سنا باشد فرقی نمیکند. هر حکمی که بر خلاف حکم خدا از طرف او یا آنها صادر شود و مردم موظف باشند که آن را بدون چون و چرا اجرا کنند در اسلام شرک است. البته اگر درست نگاه کنیم در احزاب هم یکی رهبر یا تئوریسین و مغز متفکر حزب است. در صورتیکه میدانیم هیچکس نیست که همه چیز را بداند و با علم و اطلاع کامل در باره آن اظهار نظر کند. لذا چشم بسته از نظر دیگری پیروی میکنند و اقتصاد و خانواده و نظم جامعه را به هم میزنند. در صورتیکه خدائی که قوانین جهان را در طبیعت انسان گذاشته در راهنمایی خود برای ساختن یک دنیای پاک اشتباه نمیکند. دنیای پاکی که در آن عدالت حکمفرمائی کند و تمام حقوق تمام افراد محترم و محفوظ باشد و کسی و جامعه‌ای به دیگران ظلم نکند.



امروزه وجود خدا با توجه به روابط ریاضی قرآن برای کلیه افراد بشر قابل فهم و تجربه است. روابطی که خیلی بالاتر از محاسبات بشری بخصوص یک فرد بیسواد چهارده قرن پیش عربستان است. اگر درست نگاه کنیم مردم جهان غرق در شرک و کفر میباشند. مسلمانان واقعی باید با اتحاد خود و دوری از تفرقه و استفاده از تمام وسائل ارتباط جمعی مثل کتاب و روزنامه و مجله و فیلم و تئاتر و داستان و شعر و رادیو و تلویزیون و اینترنت و ویدیو و آی دیو و CD و DVD و امثال آن دیگران را بیدار و آگاه کنند و با اتحاد با هم زمینه را برای ساختن یک دنیای پاک که در آن عدالت اجرا شود فراهم کنند و افرادی را به مجلس بفرستند که بخواهند احکام خدا در قانون ذکر و جاری شود و هیچ حکمی برخلاف عدالت و برخلاف استحکام بنیان خانواده صادر و در آن نوشته نشود. اینکار خیلی ساده است و با اتحاد دینداران و اصلاح طلبان واقعی بدون زحمت زیاد عملی است. با شرکت در انتخابات و فرستادن وکلای دیندار و اصلاح طلب واقعی به مجلس اینکار پس از چندی بدون خونریزی و خرابکاری عملی میشود. فقط مردم باید از هدف اصلی و اساسی دین که عدالت است آگاه شوند و با مال و جان خود در راه اجرای آن متحد شوند و کوشش کنند. چون میدانیم مطابق آیه ۲۵ حدید سوره ۵۷ خداوند میفرماید: «بدون تردید تمام پیغمبرانمان را با دلیل‌های روشن فرستادیم و با ایشان کتاب و وسیله سنجش (کار درست و غلط) نازل کردیم تا مردم عدالت را (در جوامع بشری) برقرار کنند ....» این وظیفه مردم یعنی تمام انسان‌ها است که در این راه متحد شوند. چون آیه ۱۱ رعد سوره ۱۳ میفرماید: «تا قومی آنچه مربوط به خودشان است (یعنی فکر و عمل خود) را تغییر ندهند خدا وضع آنها را تغییر نخواهد داد.» و آیه ۱۵ حجرات، سوره ۴۹ میفرماید: «افراد با ایمان واقعی فقط کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان آوردند و با مال و جان‌شان در راه خدا جهاد (یعنی کوشش) کردند. آنها افرادی هستند که (در ادعای ایمان خود) راستگو هستند.» راست میگویند و واقعاً ایمان دارند. با وجود چنین افرادی که متوجه ارزش عدالت در جهان و رفاه واقعی خود و خانواده خود و تمام افراد میباشند ساختن یک دنیای پاک خالی از ظلم و تبعیض بیجا کار بسیار آسانی است به شرط آنکه اینکار عاقلانه صورت بگیرد و به افراد فهمانده شود که وجود چنین دنیائی به نفع تمام افراد بشر است و انسان را از اضطراب و دغدغه خاطر آسوده میکند. چون دیگر دزدی و بی ناموسی و کلاهبرداری و کم‌فروشی و گران‌فروشی و فروش جنس تقلبی و کم‌کاری در مقابل دستمزدی که افراد میگیرند وجود نخواهد داشت. این شما و این وظیفه دینی شما که بیدار کردن

دیگران و متحد ساختن آنها برای چنین کاری است. چون آیه ۱۲۵ نحل سوره ۱۶ میفرماید: «مردم را با حکمت و پند و اندرز نیکو به راه خداوندت (ساختن یک دنیای پاک) دعوت کن و با بهترین روش با آنها بحث و گفتگو کن ...» و آیه ۳۹ احزاب سوره ۳۳ میفرماید: «کسانی که رسالت‌های خدا را (احکام و نظرهایی که خدا بیان کرده) به مردم میرسانند و از خدا میترسند و از کسی غیر از خدا نمیترسند، در صورتیکه خدا برای حسابرسی (بکار انسان) کافی است.» لذا برای شناختن احکام و نظرهای خدا تمام افراد جامعه باید کتاب الهی خود و دیگران را بخوانند تا بفهمند خدا چه دستورها و نظرهایی برای ساختن یک دنیای پاک داده است. چون آیه ۲۰ مزمل سوره ۷۳ میفرماید: «... تا آنجا که میتوانید قرآن بخوانید خدا میداند که بعضی از شما مریض می‌شوند و بعضی برای کسب معاش در سفر هستند و بعضی در جبهه‌های جنگ مشغول جنگ در راه خدا می‌باشند، با تمام این احوال تا آنجا که می‌توانید قرآن بخوانید.» چون حافظه انسان ضعیف است، اگر به اینکار ادامه ندهد پس از چندی وظائف خود را فراموش میکند و آلت دست فربکاران دینی و سیاسی می‌گردد. با آزادی عقیده و آزادی قلم و بیان نسبی که وجود دارد اینکار بسیار ساده و آسان است. امروزه قرآن به تمام زبان‌های زنده دنیا ترجمه شده و انسان می‌تواند آن را به هر زبانی که می‌فهمد مطالعه کند. نباید فراموش کرد که آیه ۱۸۵ بقره سوره ۲ میفرماید: «... قرآن راهنمای مردم و دلیل‌های روشنی از هدایت و جدا کننده (درست و غلط) میباشد ...» مردم شامل تمام مردم حتی کودکان ترن افراد میباشد.

## عدالت خدا در قرآن

همانطور که گفته شد در قرآن ۲۸۹ بار صحبت از ظلم شده است. در آیه ۱۰۱ هود سوره ۱۱، و آیه ۱۱۸ نحل سوره ۱۶ و آیه ۷۶ زخرف سوره ۴۳ خداوند میفرماید: «... ما به آنها (به مردم) ظلم نکردیم ولی آنها (در اثر نادانی) بخودشان ظلم کردند.» چون ما انسان‌ها در اثر کمی معلوماتمان کارهایی میکنیم که به ضرر خودمان تمام میشود. آیه ۱۱۷ آل عمران سوره ۳ و آیه ۳۳ نحل سوره ۱۶ میفرمایند: «... خدا به آنها ظلم نکرد ولی آنها (در اثر نادانی) بخودشان ظلم کردند.»

آیه ۴۰ نساء سوره ۴ میفرماید: «بدون تردید خدا به اندازه ذره‌ای ظلم نمیکند...»

آیه ۴۴ یونس سوره ۱۰ و آیه ۴۹ کهف سوره ۱۸ میفرمایند: «بدون تردید خدا ذره‌ای به مردم ظلم نمیکند، ولی مردم (در اثر نادانی) بخودشان ظلم میکنند.» و «خداوند تو به کسی ظلم نمی‌کند.»

آیه ۷۰ توبه سوره ۹ و آیه ۴۰ عنکبوت سوره ۲۹ و آیه ۹ روم سوره ۳۰ میفرمایند: «سزاوار خدا نیست که به مردم ظلم کند، ولی مردم (در اثر بی اطلاعی) به خودشان ظلم میکنند.»

آیه ۴۷ انبیاء سوره ۲۱ میفرماید: «وسائل سنجش عادلانه (کارهای انسان را) برای روز قیامت میگذاریم و به کسی ذره‌ای ظلم نمیشود. اگر کار او به اندازه دانه خردلی باشد آن را پای حساب می‌آوریم. ما برای رسیدگی افراد کافی هستیم.»

آیه ۵۴ یس سوره ۳۶ می‌فرماید: «امروز (روز قیامت و رسیدگی به حساب انسان‌ها) به کسی ذره‌ای ظلم نمی‌شود و فقط به اندازه کارهایی که می‌کردید به شما جزا داده می‌شود.»

آیه ۲۸۱ بقره سوره ۲ و آیه ۲۵ و ۱۶۱ آل عمران سوره ۳ و ۱۱۱ نحل سوره ۱۶ و آیه ۲۲ جاثیه سوره ۴۵ و آیه ۱۹ احقاف سوره ۴۶ میفرمایند: «جزای هر کسی درست مطابق کارهایی که کرده است به او داده میشود و ظلمی به آنها نمیشود.»

آیه ۵۷ بقره سوره ۲ و آیه ۱۱۷ آل عمران سوره ۳ و آیه ۱۶۰ اعراف سوره ۷ و آیه ۷۰ توبه سوره ۹ و آیه ۴۴ یونس سوره ۱۰ و آیه ۳۳ و ۱۱۸ نحل سوره ۱۶ و آیه ۴۰ عنکبوت سوره ۲۹ و آیه ۹ روم سوره ۳۰ میفرمایند: «مردم (در اثر نادانی) بخودشان ظلم می‌کنند.»

در اثر نادانی کاری میکنند که به ضررشان تمام میشود. مثل اینکه در اثر بی‌توجهی به امور جهان و در اثر علاقه و غلو خود یا دیگران بتی ساخته میشود و در اثر آن حقوق انسان‌ها پایمال میشود و اگر کسی بخواهد در برابر او مقاومت کند با زور و اجبار مجبورش میکنند که در مقابل او سر تعظیم خم کند. خدا پاداش اعمال هر کس را درست متناسب با کارهای خودش و دیگران به او میدهد. انسان‌ها میدانند که اگر کسی به سر آنها سنگ بزند سرش را می‌شکند یا ورم میکند یا لااقل درد می‌آید ولی سعی در تربیت افراد نمی‌کنند که سنگی به سر کسی نزنند و گلوله‌ای به مغز یا قلب کسی نزنند. در نتیجه سرها شکسته یا سرها و قلب‌ها سوراخ می‌شود و بدن‌ها قطعه‌قطعه می‌گردد و خانه افراد به سرشان خراب میشود. خدا به کسی ظلم نمی‌کند ولی پاداش کارهای افراد را درست مطابق قانونی که در جهان گذاشته به آنها میدهد چه توجه داشته باشند چه نداشته باشند.

آیه ۱۶۰ و ۱۶۱ نساء سوره ۴ میفرماید: «به سبب ظلمی که یهودیان میکردند و مردم را به مقدار زیاد از راه خدا باز میداشتند و ربا میخوردند، در صورتیکه از آن نهی شده بودند، و مال مردم را بناحق میخوردند، خوردنی‌های پاکی را که برای آن‌ها حلال بود، بر آنها حرام کردیم. ما برای افراد کافر آنها عذاب دردناکی فراهم کرده‌ایم.»

آیه ۱۳۱ انعام سوره ۶ میفرماید: «سزاوار خدا نیست که اهل شهرها را در صورتیکه غافل هستند نابود کند.» چون در آیه قبل از آن میفرماید: «آیا پیغمبرانی از خودتان برای شما نیامدند که آیات ما را بر شما بخوانند.» آیه ۱۵ اسراء سوره ۱۷ میفرماید: «ما تا پیغمبر نفرستیم (جامعه‌ای را) عذاب نمی‌کنیم.» آیه ۱۱۷ هود سوره ۱۱ را هم ببینید.

آیه ۱۳ لقمان سوره ۳۱ میفرماید: «لقمان در حالی که فرزندش را نصیحت میکرد به او گفت: فرزندم! چیزی را شریک خدا نساز. چون شرک ظلم بزرگی است.» نتیجه آن وجود دیکتاتوران بزرگ جهانی است.

آیه ۱۰۸ آل عمران سوره ۳ و آیه ۳۱ غافر سوره ۴۰ میفرماید: «خدا ظلمی برای بندگان نمی‌خواهد.» این افراد هستند که در اثر نادانی به خود ظلم می‌کنند. مسلمانان واقعی باید قرآن را بخوانند و در آیات قرآن و نتیجه آن فکر کنند و دیگران را متوجه آن کنند و مطابق آیه ۱۰۳ آل عمران آنها را متحد کنند تا بتوانند دنیای پاکی که عدالت در آن حکمفرمایی کند بسازند و افراد نتوانند به بهانه‌های مختلف و با فریب دادن افراد، حقوق دیگران را پایمال کنند و بدانند جنگ بجز پایمال کردن حقوق دیگران نیست. جنگهای اسلامی بخاطر دفاع از اسلام و ساختن یک دنیای پاک بود. چون آیه ۱۳ توبه سوره ۹ میفرماید: «آنها اولین بار جنگ را با شما شروع کردند.» و آیه ۲۱۷ بقره سوره ۲ میفرماید: «.. دائماً با شما می‌جنگند تا اگر بتوانند شما را از دینتان برگردانند.» مسلمانان در مقابل اینکار آنها، دو کار میتوانند بکنند: یا از اسلام و ساختن یک دنیای پاک دست بردارند یا از خود دفاع کنند. مسلمانان راه دوم را انتخاب میکنند و از ساختن یک دنیای پاک دفاع میکنند. امروزه هم مثل همیشه می‌بینیم که آنها با تمام نیرو به اسلام حمله میکنند و از بی اطلاعی افراد سوءاستفاده میکنند. لذا مسلمانان باید قرآن را با دقت کامل و فکر در نتیجه احکام و نظرهای آن بخوانند و دیگران را با حقیقت دین و هدف پر ارزش آن و ساختن یک دنیای پاک آگاه کنند.

مسلمان واقعی میدانند با آرزو کاری درست نمی‌شود بلکه باید قوانین طبیعی که خداوند در جهان برای ساختن یک دنیای پاک گذاشته اجرا شود تا جهان اصلاح شود. تا افراد بی اطلاع وجود دارند، فریبکاران از بی اطلاعی آنها سوءاستفاده می‌کنند ولی اگر مسلمانان متحد شوند و شروع به کار کنند هر ساله صدها نفر و در آینده هزارها نفر و در آینده دورتر میلیون‌ها نفر با حقیقت دین آشنا خواهند شد و بدون توسل به کارهای تند و بدون خشونت زمینه ساختن یک دنیای پاک فراهم می‌شود. با دانستن حقایق دین و متوجه ساختن دیگران و متحد بودن و شرکت در انتخابات در آینده میتوانند نمایندگانی را به مجلس بفرستند که قوانینی که برای ساختن یک دنیای پاک لازم است وضع کنند و نیروی مجریه را در راه اجرای آن بکار برند. بدون اینکه خونی از دماغی در این راه ریخته شود.

آیه ۵۷ و ۱۴۰ آل عمران سوره ۳ و آیه ۴۰ شوری سوره ۴۲ می‌فرماید: «خدا افراد ظالم را دوست

ندارد.»

## حمد: مدح، ثنا، ستایش، تحمید

در قرآن کلمه مدح و هیچکدام از مشتقات آن نیامده ولی کلمه حمد ۳۸ بار یعنی ۲×۱۹ آمده

است.

آیه ۲۵ لقمان سوره ۳۱ می‌فرماید: «بگو: حمد اختصاص به خدا دارد ولی بیشتر مردم (این را) نمیدانند.» و مداح این و آن میشوند و نمیدانند با اینکار خود دیکتاتوران جهانی را ساخته‌اند و دنیا را بخاک و خون کشیده‌اند و میکشند. چون این مداحی‌ها انسان‌ها را به اشتباه می‌اندازند و افراد خیال میکنند، هرگز اشتباه نمی‌کنند ولی هرکس میداند علمش در باره حقایق جهان قطره در مقابل دریا و ذره در مقابل زمین هم نیست چه رسد به ۲۵۰ میلیارد کهکشان. ولی مداحی‌ها در انسان جاهل غرور ایجاد میکنند.

آیه ۱۱۱ اسراء سوره ۱۷ می‌فرماید: «بگو: ستایش فقط اختصاص به خدا دارد که فرزندی نگرفته (چون انسان نیست که فرزند یا پدر و مادر داشته باشد) و در فرمان‌روائی (فرمانروائی) خود شریکی ندارد و بخاطر کوچکی مددکاری ندارد و او را تکبیر بگو.» بزرگ ساز. البته هر قدر هم او را بزرگ سازی حق

عظمت خدائی را که ۲۵۰ میلیارد کهکشان را بوجود آورده به جا نمی‌آوری. آیه ۲۸ مؤمنون سوره ۲۳ و آیه ۵۹ و ۹۳ نمل سوره ۲۷ را هم ببینید.

آیه ۲ فاتحه (حمد) سوره ۱ و آیه ۱ و ۴۵ انعام سوره ۶ و آیه ۴۳ اعراف سوره ۷ و آیه ۱۰ یونس سوره ۱۰ و آیه ۷۵ نحل سوره ۱۶ و آیه ۱ کهف سوره ۱۸ و ۲۸ مؤمنون سوره ۲۳ و آیه ۱۵ نمل سوره ۲۷ و آیه ۷۰ قصص سوره ۲۸ و آیه ۶۳ عنکبوت سوره ۲۹ و آیه ۱۸ روم سوره ۳۰ و آیه ۱ سبا سوره ۳۴ و آیه ۱ و ۳۴ فاطر سوره ۳۵ و آیه ۱۸۲ صافات سوره ۳۷ و آیه ۲۹ و ۷۴ و ۷۵ زمر سوره ۳۹ و آیه ۶۵ غافر (مؤمن) سوره ۴۰ و آیه ۳۶ جاثیه سوره ۴۵ میفرماید: «ستایش فقط اختصاص به خدا دارد.» که ۷ بار آن با صفت «خداوند جهانیان» میباشد.

آیه ۹۸ حجر سوره ۱۵ و آیه ۱۳۰ طه سوره ۲۰ و آیه ۵۵ غافر (مؤمن) سوره ۴۰ و آیه ۳۹ ق سوره ۵۰ و آیه ۴۸ طور سوره ۵۲ و آیه ۳ نصر سوره ۱۱۰ میفرماید: «با ستایش (مدح و ثنا و تمجید) خداوندت او را تسبیح کن.»

آیه ۱۵ سجده سوره ۳۲ و آیه ۷۵ زمر سوره ۳۹ و آیه ۷ غافر (مؤمن) سوره ۴۰ و آیه ۵ شوری سوره ۴۲ میفرماید: «مدح خداوندشان را میگویند» که سه تای آخری در باره مدح گفتن فرشتگان است. در قرآن کلمه حمد (مدح و ثنا و ستایش و تمجید) فقط برای خدا بکار رفته و برای هیچکس و هیچ پیغمبری بکار نرفته.

آیه ۷۰ قصص سوره ۲۸ و آیه ۱۸ روم سوره ۳۰ و آیه ۱ سبا سوره ۳۴ و آیه ۱ تغابن سوره ۶۴ میفرماید: «حمد (مدح و ثنا و ستایش و تمجید) فقط برای اوست.» فقط برای خداست. در صورتیکه بیشتر شاعران ما مداح پادشاهان و امرای کشور بوده‌اند. وای بر این نامسلمانی.

آیه ۳۰ بقره سوره ۲ میفرماید: فرشتگان به خدا گفتند: «آیا در زمین کسی را قرار میدهی (می‌آفرینی) که در آن فساد و خونریزی کند؟ در صورتی که ما با ستایش تو، تو را تسبیح می‌گوییم و تقدیس می‌کنیم ...»

آیه ۱۳ رعد سوره ۱۳ و آیه ۴۴ و ۵۲ اسراء سوره ۱۷ و آیه ۵۸ فرقان سوره ۲۵ میفرماید: «به حمد او یعنی به حمد خدا.» حمد فقط در مورد خدا بکار رفته. مسلمانان لااقل روزی ۲۲ بار در نماز خود در سوره حمد و در تشهد میگویند: «الحمد لله رب العالمین.» «ستایش فقط اختصاص به خدا دارد که

خداوند (صاحب اختیار و فرمانفرمای) کلیه افراد بشر است.» ولی چون معنی آن را نمیدانند بنده و مطیع و مداح هر صاحب قدرتی میشوند و از این و آن مداحی میکنند و بت میسازند، تا حقوق افراد را از بین ببرند و دنیا را به خاک و خون بکشند. چون آیه ۶ و ۷ علق، سوره ۹۶ میفرماید: «انسان وقتی خود را بی نیاز ببیند حتماً طغیان میکند.» همانطور که در طول تاریخ دیده‌ایم و امروزه می‌بینیم. «بگو: حمد فقط برای خدا است.» و بس. (آیه ۵۹ نمل، سوره ۲۷).

## درستکاری

صلاح یعنی درستی. فساد یعنی خرابی. اصلاح یعنی درست کردن و افساد یعنی خراب کردن. صالح یعنی درستکار. فاسد یعنی خراب. مصلح یعنی درست کننده. مفسد یعنی خراب کننده، خرابکار، تبه‌کار. در قرآن در باره اصلاح و کار درست ۱۶۰ بار آمده است.

آیه ۵۱ مؤمنون سوره ۲۳ میفرماید: «ای پیغمبران، از خوردنی‌های پاک بخورید و کار درست بکنید. من کارهایی را که می‌کنید میدانم.» و مجازات و پاداش آن را دقیقاً در دنیا و آخرت میدهم.

آیه ۸۸ هود سوره ۱۱ از قول شعیب پیغمبر خدا میفرماید: «شعیب گفت ... در آنچه شما را از آن نهی میکنم نمیخواهم با شما مخالفت بکنم. من جز اصلاح تا آنجا که بتوانم چیزی نمی‌خواهم. موفقیت من در اینکار با خدا است. (چون نمیدانم چقدر مرا در اینکار یاری میکنند) بر خدا توکل کرده‌ام و به درگاه او برمی‌گردم.» می‌بینیم که فعالیت خود را میکند و در آنچه نمیداند بر خدا توکل می‌کند. گفته‌اند: «با توکل زانوی اشتر ببند.»

دینداران جهان از خوردنی‌های پاک می‌خورند و درویش بازی و زهدفروشی نمی‌کنند ولی کارهای درست را انجام میدهند و در اصلاح جامعه با جان و مال خود کوشش میکنند و اینکار را متحداً و عاقلانه و با توجه به تمام امکانات و موانع و مشکلات موجود انجام میدهند. دینداران واقع بین هستند و با توجه به واقعیات و حقایق موجود در اصلاح اجتماعی دستجمعی و با اتحاد کامل کوشش میکنند.

آیه ۵۵ نور سوره ۲۴ میفرماید: «خدا به کسانی از شما که (به رسالت محمد ص و الهی بودن قرآن) ایمان آورده‌اند و کارهای درست میکنند وعده داده است که همانطور که قبلی‌ها را جانشین قدرت قبل از خود کرد شما را در زمین جانشین قدرت‌های زمان میکند و دینی را که برای آنها پسندیده به

قدرت میرساند (حاکم بر اجتماع میکند) و ترسشان را به امنیت خاطر تبدیل میکند. (آنوقت) فقط مرا بندگی (اطاعت بی چون و چرا) میکنند و چیزی را (در این اطاعت بی چون و چرا) شریک من نمی‌کنند (از فرمان هیچ دیکتاتوری اطاعت بدون چون و چرا نمی‌کنند. برخلاف آنچه که امروزه در سراسر جهان این اطاعت از دیکتاتوران وجود دارد) کسی که در آن زمان کافر شود از فرمان خدا اطاعت نکرده.» ولی در این زمان مجبورند وگرنه به حکم تخلف از قانون دیکتاتوران مجازات میشوند. برای رهایی از این وضع باید درستکار باشند و عاقلانه و با توجه به تمام امکانات و موانع و مشکلات این کوشش و مبارزه را با جان و مال خود و با اتحاد کامل انجام دهند و تمام دینداران جهان و اصلاح طلبان واقعی را به این اتحاد و مبارزه و کوشش دعوت کنند. چون آیه ۱۵ حجرات سوره ۴۹ میفرماید: «افراد با ایمان واقعی فقط کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان دارند و با مال و جان خود در راه خدا (در راه ساختن یک دنیای پاک) کوشش میکنند. چنین افرادی در ادعای ایمان خود صادق هستند.» راست می‌گویید و واقعاً ایمان دارند و ایمان آنها زبانی نیست بلکه عملاً ایمان دارند.

و آیه ۱۰۳ آل عمران سوره ۳ میفرماید: «همگی به رشته الهی (یعنی به قرآن) بچسبید و تفرقه نداشته باشید.» به رشته قرآن که کلام خدا است نه به حدیث که گفته افراد بی اطلاع بشر و پر از دروغ است. آیه ۱۲۵ نحل سوره ۱۶ میفرماید: «مردم را با حکمت و پند و اندرز نیکو به راه خداوندت دعوت کن و با بهترین روش با آنها بحث و گفتگو کن.» برای آنها ثابت کن که ساختن یک دنیای پاک به نفع همه است و اینکار به سادگی با اتحاد افراد عملی است. چون گفته‌اند: «آری به اتفاق (با اتحاد) جهان میتوان گرفت.» همانطوری که گرفته‌اند. باید از کار دیگران که موفق شده‌اند درس عبرت گرفت. این اتحاد فقط با گفتن و روشن کردن ارزش ساختن یک دنیای پاک عملی میشود.

زهد یعنی بی میلی، بی علاقه‌گی، بی رغبتی. و وقتی میگویند زهد یعنی زهد به دنیا، بی علاقه‌گی به دنیا. فرد با ایمان به دنیا بی علاقه نیست بلکه بالاترین کوشش را برای ساختن یک دنیای پاک و رفاه کامل خود و خانواده خود و تمام افراد بشر میکند.

زهد در قرآن فقط یک بار آمده است آنهم زهد به دنیا نیست بلکه زهد و بی رغبتی به یوسف بوده همانطور که در آیه ۲۰ یوسف سوره ۱۲ میفرماید: «یوسف را به قیمت کمی به چند درهم فروختند. چون علاقه‌ای به او نداشتند.» این همه از زهد به دنیا صحبت کرده و می‌کنند خلاف قرآن بوده است و هست و



فقط از بی اطلاعی مردم سوء استفاده شده. آیه ۳۲ اعراف سوره ۷ میفرماید: «چه کسی زینتی را که خدا برای بندگانش بوجود آورده و خوردنی‌های پاک را حرام کرده (خدا که آنها را حرام نکرده و برای استفاده بندگانش بوجود آورده) بگو: آنها در زندگی دنیا برای افراد با ایمان است (ولی افراد بی ایمان هم از آن استفاده میکنند) ولی روز قیامت فقط برای افراد با ایمان است. آیات را برای افرادی که میدانند اینگونه توضیح میدهیم.»

افراد با ایمان بالاترین علاقه را به دنیا دارند ولی خود را و آخرت را به دنیا نمی‌فروشند و برای بدست آوردن دنیا به هر جرم و خیانت و جنایتی دست نمی‌زنند بلکه با کار درست خود درصدد ساختن یک دنیای پاک هستند و با شادی کامل در این راه کوشش میکنند. چون آیه ۵۷ و ۵۸ یونس سوره ۱۰ میفرماید: «ای مردم موعظه‌ای (نصیحتی) و شفای (داروی) آنچه در سینه‌ها است (در دل‌ها است) برای شما از جانب خداوندتان (کارفرمایتان که به شما میگوید برای رفاه خود چه کارهایی بکنید و چه کارهایی نکنید) و هدایت (راهنمایی و نشان دادن راه صحیح) و رحمت برای افراد با ایمان آمد. بگو: بفضل (به لطف) خدا و بخاطر رحمت او و بخاطر این راهنمایی (هدایت) باید (افراد با ایمان) شاد باشند. فضل و رحمت خدا بهتر از تمام چیزهایی است که جمع میکنند.»

در قرآن ۱۲ بار جمله «ترسی و حزنی (غم و غصه‌ای) برای افراد با ایمان (که مطابق دستورها و نظرهای خدا عمل می‌کنند) وجود ندارد.» آمده است.

خداوند در آیه ۲۹ فتح سوره ۴۸ میفرماید: «خدا به کسانی از شما که (به رسالت محمد ص و الهی بودن قرآن) ایمان آورده‌اند و کار درست کرده‌اند وعده داده است که آمرزش الهی و پاداش بزرگی دارند.» در قرآن ۲۲ بار گفته شده است که افراد با ایمان که کار درست میکنند اهل بهشت هستند و بهشت‌هایی دارند که در آن نهرها روان است و هر چه بخواهند در آن وجود دارد. آیه ۲۵ و ۸۲ بقره سوره ۲ و آیه ۵۷ و ۱۲۴ نساء سوره ۴ و آیه ۴۲ اعراف سوره ۷ و ۱۱ و ۲۳ هود سوره ۱۱ و ۲۳ ابراهیم سوره ۱۴ و آیه ۳۰ تا ۳۱ و ۱۰۷ کهف سوره ۱۸ و آیه ۷۵ تا ۷۶ طه سوره ۲۰ و آیه ۱۴ و ۵۶ حج سوره ۲۲ و آیه ۵۸ عنکبوت سوره ۲۹ و آیه ۱۵ روم سوره ۳۰ و آیه ۸ لقمان سوره ۳۱ و آیه ۱۹ سجده سوره ۳۲ و آیه ۲۲ شوری سوره ۴۲ و آیه ۱۲ محمد سوره ۴۷ و آیه ۱۱ طلاق سوره ۶۵ و آیه ۱۱ بروج سوره ۸۵ را ببینید.

خداوند در آیه ۵۷ آل عمران سوره ۳ و آیه ۱۷۳ نساء سوره ۴ میفرماید: «خدا پاداش کسانی را که (به رسالت محمد ص و الهی بودن قرآن) ایمان آوردند و کارهای درست کردند به طور کامل به آنها میدهد.»

خداوند در آیه ۹ مائده سوره ۵ و آیه ۱۱ هود سوره ۱۱ و آیه ۵۰ حج سوره ۲۲ و آیه ۴ سبا سوره ۳۴ و آیه ۷ فاطر سوره ۳۵ و ۲۹ فتح سوره ۴۸ میفرماید: «کسانی که (به رسالت محمد ص و الهی بودن قرآن) ایمان آوردند و کارهای درست کردند آمرزش الهی و روزی پر ارزش و پاداشی بزرگ دارند.»

آیه ۲۵ انشقاق سوره ۸۴ و آیه ۶ تین سوره ۹۵ میفرماید: «کسانی که (به رسالت محمد ص و الهی بودن قرآن) ایمان آوردند و کارهای درست کردند پاداش بی منت و بدون انتها دارند.»

آیه ۹۴ انبیاء سوره ۲۱ میفرماید: «کسی که کارهای درست میکند و (به رسالت محمد ص و الهی بودن قرآن) ایمان دارد نسبت به کوشش و کار او ناسپاسی و قدرشناسی نمی‌شود...» و آیه ۹۷ نحل سوره ۱۶ میفرماید: «به کسی که کار درست بکند و مؤمن باشد (به رسالت محمد ص و الهی بودن قرآن) ایمان داشته باشد چه مرد باشد چه زن به او زندگی پاکی میدهیم و پاداش آنها را بهتر از کارهایی که میکردند میدهیم.»

افراد با ایمان به رسالت محمد ص و الهی بودن قرآن ایمان دارند. چون روابط ریاضی قرآن کوچکترین شک و تردیدی باقی نمیگذارد که محمد ص پیغامبر و فرستاده (رسول) خدا بوده و قرآن وحی الهی است و کار یک انسان بیسواد ۱۴ قرن پیش عربستان نبوده و انسان‌های قرن ۲۱ هم با وجود کامپیوتر نمیتوانند مثل آن را بیاورند.

افراد با ایمان درستکارند. من نمیدانم چگونه افرادی که ادعای عقل (خرد) میکنند با وجود چنین افرادی مخالفت میکنند و میخواهند ایمان آنها را خدشه‌دار کنند؟! در صورتیکه وجود چنین افرادی به نفع آنها و خانواده آنها و تمام افراد بشر است. ولی قرآن در آیه ۱۱ و ۱۲ بقره سوره ۲ در باره چنین افرادی میفرماید: «وقتی به آنها گفته میشود در زمین فساد نکنید (باعث فساد افراد با ایمان و خرابی اجتماع نشود) میگویند ما مصلح هستیم (درصد اصلاح اجتماع هستیم) بدانید که آنها خرابکارند ولی شعور آن را ندارند.» نمی‌فهمند و حس نمیکنند که با اینکار خود باعث خرابی اجتماع میشوند. چون می‌بینند با وجود چنین افرادی وضع جهان چگونه است و چه جنایات و خیانت‌هایی در جوامع بشری

صورت میگیرد. چون بیشتر این مدعیان دینداری از تعالیم واقعی دین اطلاعی ندارند و با اسم آن دلخوش هستند. در صورتیکه از نظر خدا کافر هستند. چون خدا در آیه ۴۴ مائده سوره ۵ میفرماید: «کسانی که مطابق آنچه خدا نازل کرده (وحی و کتاب الهی) حکم نمیکنند (اظهارنظر نمیکنند) کافر هستند.» این نظر خدا است نه نظر فلان روضه خوان و مسئله‌گو و آیت‌الله و حجت‌الاسلام و ثقه‌الاسلام. کسی که از قرآن اطلاعی ندارد و قرآن را برای فهم دستورهای خدا نخواند، چگونه میتواند مطابق آن حکم کند؟!

## جهاد: کوشش

جهاد یعنی کوشش کردن . جهاد در قرآن ۴۰ بار آمده است.

آیه ۷۸ حج سوره ۲۲ میفرماید: «در راه خدا (ساختن یک دنیای پاک) آنطور که سزاوار آن است کوشش کنید...»

سبیل الله یعنی راه خدا. راه خدا جاده‌ای نیست که دو نقطه را به هم وصل کند، بلکه منظور از راه خدا راهی است که خدا برای ساختن یک دنیای پاک که در آن عدالت حکمفرمائی کند به انسان‌ها نشان میدهد و منظور از جهاد در راه خدا کوشش کردن در راه ساختن یک دنیای پاک است که در آن عدالت حکمفرمائی کند و حق هیچکس در آن پایمال نشود. درست است که انسان‌ها در اثر نادانی یا غفلت مرتکب بی عدالتی و تجاوز به حقوق دیگران میشوند ولی هر قدر انسان‌ها به ساختن یک دنیای پاک نزدیک‌تر شوند موفقیت بزرگی است.

آیه ۸۶ توبه سوره ۹ میفرماید: «وقتی سوره‌ای نازل شود که به خدا ایمان بیاورید و باتفاق رسولش جهاد کنید، ثروتمندان جامعه گفتند: بگذار ما با کسانی که به جهاد نمیروند بمانیم.» چون به پول و ثروت خود دلبستگی دارند و نمیخواهند نعمتی را که دارند از دست بدهند.

آیه ۴۱ توبه سوره ۹ میفرماید: «با وسائل سبک و سنگین حرکت کنید و با مال و جانتان در راه خدا (در راه ساختن یک دنیای پاک) کوشش کنید. اگر حقیقت را بدانید متوجه میشوید که اینکار به نفع شما است.» و دنیائی میسازید که خودتان و خانواده‌تان و تمام افراد بشر در آن راحت و با خیال راحت زندگی میکنند.

آیه ۳۵ مائده سوره ۵ میفرماید: «ای افرادی که (به رسالت محمد ص و الهی بودن قرآن) ایمان دارید، از نافرمانی خدا حذر کنید و وسیله‌ای برای نزدیکی به او پیدا کنید و در راه او (در راه ساختن یک دنیای پاک) کوشش کنید تا موفق شوید.» موفق شوید و دنیای پاکی بسازید که در آن براحتی خیال نفس بکشید. این وسیله‌ای که خدا برای زندگی راحت نشان میدهد کوشش در راه خدا (یعنی کوشش در راه ساختن یک دنیای پاک) است.

آیه ۱۰ تا ۱۳ صف سوره ۶۱ میفرماید: «ای افرادی که (به رسالت محمد ص و الهی بودن قرآن) ایمان آورده‌اید، آیا شما را به تجارتی که شما را از عذاب دردناک (ذلت و اسارت در دست دیکتاتوران در دنیا و عذاب دردناک آخرت) نجات دهد راهنمایی بکنم؟ (راه آن را به شما نشان بدهم؟) بخدا ایمان داشته باشید (ایمان واقعی نه ایمان اسمی و ادعائی) و با مال و جانتان در راه خدا (در راه ساختن یک دنیای پاک که در آن عدالت حکمرانی کند) کوشش کنید. اگر حقیقت را بدانید متوجه میشوید که اینکار برای شما بهتر است. در مقابل آن خدا گناهان شما را می‌بخشد و شما را وارد بهشت‌هایی می‌کند که در آن نهرها روان است و وارد منزل‌های پاک در بهشت جاوید میکند. این موفقیت بزرگی است. به اضافه چیز دیگری که شما دوست دارید، آن یاری خدا و پیروزی زودرس است. بشارت آن را به افراد با ایمان بده.» چند سال بعد از آن بود که مسلمانان پیروز شدند و بانک لا اله الا الله (معبودی که انسان بنده و مطیع فرمان او باشد، غیر از خدا وجود ندارد) از هر خانه و خیمه‌ای در دنیای شرک عربستان بلند بود.

آیه ۱۵ حجرات سوره ۴۹ میفرماید: «افراد مؤمن (با ایمان واقعی) کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان آوردند و بعداً هم شکی نکردند و با مال و جانشان در راه خدا (در راه ساختن یک دنیای پاک) جهاد کردند.»

آیه ۲۱۸ بقره سوره ۲ میفرماید: «بدون شک کسانی که (به رسالت محمد ص و الهی بودن قرآن) ایمان آوردند و (برای پیوستن به مسلمانان) مهاجرت کردند و در راه خدا (در راه ساختن یک دنیای پاک) کوشش کردند، امید رحمت خدا را دارند. خدا آمرزنده و مهربان است.» گناهانی را که قبلاً در اثر بی‌اطلاعی انجام میدادند می‌بخشد. چون خدا که شاهد کارهای انسان‌ها است و آن را می‌بیند، حاکم فردای قیامت است و از روی علم و اطلاع کامل مطابق کارهایی که انسان‌ها کرده‌اند به آنها پاداش و جزا میدهد.

آیه ۷۴ انفال سوره ۸ میفرماید: «کسانی که (به رسالت محمد ص و الهی بودن قرآن) ایمان آوردند (و برای پیوستن به مسلمانان) مهاجرت کردند و در راه خدا (در راه ساختن یک دنیای پاک) کوشش کردند و کسانی که (به آنها) جا دادند و آنها را یاری کردند افراد با ایمان حقیقی هستند. آنها آمرزش الهی و روزی پر ارزشی دارند.»

آیه ۱۴۲ آل عمران سوره ۳ میفرماید: «آیا خیال کرده‌اید که وارد بهشت میشوید در صورتیکه هنوز خدا افراد مجاهد (کوشش کننده) شما و افراد صبور را نشناخته است؟»

آیه ۹۵ نساء سوره ۴ میفرماید: «افراد با ایمانی که بدون این که ضرری به آنها رسیده باشد (یعنی سالم هستند) در خانه می‌نشینند (به جهاد نمیروند) و افرادی که در راه خدا (در راه ساختن یک دنیای پاک) با مال و جانشان کوشش میکنند مساوی نیستند. خدا مجاهدین را که در راه خدا با مال و جانشان کوشش میکنند بر کسانی که در خانه می‌نشینند (به جهاد نمیروند) برتری داده است. ولی خدا به هر کدام آنها وعده خوبی داده است، و خدا مجاهدین را (کسانی را که در راه ساختن یک دنیای پاک کوشش میکنند) بر افرادی که به جهاد نمیروند با پاداش بزرگی برتری داده.»

آیه ۵۲ فرقان سوره ۲۵ میفرماید: «از افراد کافر (که منکر کتاب الهی هستند) اطاعت نکن و با آنها شدیداً مبارزه کن.»

آیه ۲۴ توبه سوره ۹ میفرماید: «اگر پدرانتان و فرزندانان و برادرانتان و همسرانتان و قبیله شما (خانواده شما) و اموالی که بدست آورده‌اید و تجارتی که از کساد آن می‌ترسید و خانه‌هایی که می‌پسندید پیش شما محبوب‌تر از خدا و پیغمبرش و کوشش در راه او (ساختن یک دنیای پاک) است انتظار بکشید تا خدا فرمانش را صادر کند. خدا افراد نافرمان را هدایت نمیکند.»

آیه ۱۵ لقمان سوره ۳۱ میفرماید: «اگر پدر و مادرت کوشش کردند که به من شرک آوری (و از کس دیگری غیر از من بدون چون و چرا اطاعت کنی) که علمی به آن نداری، از آنها اطاعت نکن، ولی در دنیا بخوبی با آنها رفتار کن و از راه کسی که به سوی من برگشته پیروی کن. چون بازگشت شما (برای پس دادن حساب کارهایی که کرده‌اید) پیش من است و من شما را از تمام کارهایی که کرده‌اید آگاه میکنم.» چون در تمام لحظات زندگی شما شاهد کارهایتان بوده‌ام.

مسلمانان واقعی که به خدا و روز آخرت و دیدن جزای کارهایشان ایمان دارند سعی میکنند تمام دستوره‌های خدا را اجرا کنند و با مال و جانشان در راه ساختن یک دنیای پاک که در آن عدالت حکمرانی کند کوشش میکنند. چون آیه ۲۵ حدید سوره ۵۷ میفرماید: «بدون تردید ما پیغمبرانمان را با دلیل‌های روشن فرستادیم و با ایشان کتاب و وسیله سنجش (درست و غلط) نازل کردیم، تا مردم عدالت را (در جوامع بشری) برقرار کنند ....» عدالتی که تا به حال یعنی تا ابتدای قرن ۲۱ در دنیا بوجود نیامده و افراد و کشورهای قوی به افراد و کشورهای ضعیف زور میگویند و انتظار دارند آنها از دستوره‌هایشان بدون چون و چرا اطاعت کنند.

مسلمانان واقعی این کوشش و مبارزه را با توجه به تمام امکانات و موانع و مشکلات عاقلانه انجام میدهند و در این راه با تمام دینداران و اصلاح طلبان واقعی متحد و همکاری میکنند. این مبارزه با وسائل امروزی ساده است. چون فتوکپی و چاپ و کتاب و روزنامه و مجله و فیلم و تئاتر و CD , DVD و رادیو و تلویزیون و E.Mail اینکار را ساده کرده و مسلمانان با اتحاد خود میتوانند از این وسائل استفاده کنند و دیگران را با هدف اصلی دین که حکمرانی عدالت بر اجتماعات بشری است آشنا و آگاه کنند.

این شما و این وظیفه شما و این هدف اصلی دین شما.

## اتحاد: تفرقه نداشتن

آیه ۴ صف سوره ۶۱ میفرماید: «خدا افرادی را دوست دارد که یکپارچه مثل ستونی آهنین در راه او (در راه ساختن یک دنیای پاک) می‌جنگند.» باید توجه داشت که مطابق آیه ۱۳ توبه سوره ۹ مشرکین اولین بار جنگ را شروع کردند، چون آیه میفرماید: «آیا با عده‌ای که تعهدشان (پیمانشان) را شکستند و تصمیم به بیرون کردن رسول خدا (از سرزمین او) گرفتند و اولین بار آنها با شما شروع به جنگ کردند نمی‌جنگید؟ آیا از آنها میترسید؟ در صورتیکه سزاوار است اگر به خدا ایمان دارید از (مجازات شدید و نافرمانی) او بترسید.» می‌بینیم که علت آنهم معلوم است، چون پیغمبر اسلام به آنها میگفت: «شما و پدران‌تان در گمراهی آشکاری (روشنی) بودید.» آیه ۵۴ انبیاء سوره ۲۱ که این حرف را از قول ابراهیم می‌گوید. چون روحانی‌نماهای هر دسته‌ای مردم را از راه راست منحرف میکردند. چون همه پیغمبران می‌آمدند و به مردم میگفتند: «خدا را بپرستید (بندگی و اطاعت بی چون و چرای خدا را بکنید)، زیرا

معبودی (کسی که بدون چون و چرا از تمام حرف‌های او اطاعت کنید) غیر از خدا وجود ندارد.» آیه ۵۹ و ۶۵ و ۷۳ و ۸۵ اعراف سوره ۷. ولی روحانی‌نماهای هر دین و آئینی دین را دکان میکردند و مردم را از حقیقت دین که ساختن افرادی آزاده است که بنده و مطیع محض کسی جز خدا نباشند، منحرف میکردند. همانطور که آیه ۳۴ توبه میفرماید: «ای افرادی که (به رسالت محمد ص و الهی بودن قرآن) ایمان دارید عده زیادی از دانشمندان دینی و زاهدان گوشه‌گیر (دیرنشین و تارک دنیا) مال مردم را بناحق میخورند و مردم را از راه خدا منحرف میکنند (باز میدارند)» مثل علمای اسلامی (علمائی که به عنوان علمای اسلامی معروف شده‌اند) که بنام اسلام مردم را از اسلام حقیقی دور کرده‌اند و بجای ساختن یک دنیای پاک آنها را به زهد و گوشه‌گیری وا داشته‌اند. در صورتیکه کلمه زهد مطابق آیه ۲۰ سوره یوسف سوره ۱۲ فقط در باره یوسف بکار رفته و زهد به معنی بی رغبتی به دنیا در سراسر قرآن نیامده، در صورتیکه می‌بینیم شعر شعرای ما و دروس دانشگاه‌های ما در باره تصوف و درویشی و عرفان بافته‌های هندی بوده. بقول علامه طباطبائی «حکومتها به دست عده‌ای مزدور که مورد ارادت مردم بودند فکر واقع‌بینی و حقیقت جوئی را از مغزها بیرون کشیدند و با تزریق یک دسته افکار سست و واهی و بی اثر مردم را سرگرم کردند.» (صفحه ۷۴ و ۷۵ کتاب «اسلام و احتیاجات واقعی هر عصر»). چون مردم به پیغمبران میگفتند: «آیا آمده‌اید که ما را از آنچه دیدیم پدرانمان بر آن بودند باز دارید و منحرف کنید و بزرگی در زمین مال شما باشد؟ ما حرف شما را قبول نداریم و به آن ایمان نداریم.» حرفی که فرعون در آیه ۷۸ یونس سوره ۱۰ به موسی و هارون زد. آیه ۷۰ اعراف سوره ۷ و آیه ۶۲ و ۸۷ هود سوره ۱۱ و آیه ۱۰ ابراهیم سوره ۱۴ را هم ببینید. در صورتیکه بارها قرآن میفرماید: «شما و پدرانتان در گمراهی آشکار و روشنی بودید.» (آیه ۵۴ انبیاء سوره ۲۱) و «پدران شما عقل خود را بکار نمی‌بردند و راه صحیح را نشناخته بودند.» (آیه ۱۷۰ بقره سوره ۲ و آیه ۱۰۴ مائده سوره ۵).

بنابراین مطابق آیه ۲۱۷ بقره سوره ۲ «.... دائماً (همیشه) با شما می‌جنگند تا اگر بتوانند شما را از دینتان برگردانند.» جنگی که امروزه هم در سراسر جهان با دین می‌بینیم. لذا مسلمانان باید دو کار میکردند یا تسلیم آنها میشدند و دست از ساختن یک دنیای پاک که در آن مردم آزاده باشند و از اطاعت بی چون و چرا از دیکتاتوران و روحانی‌نماهای دینی رها شوند، بردارند یا به کار خویش برای رسیدن به هدف ارزشمند خود ادامه دهند که در آن صورت جنگ شروع میشد. همانطور که شد ولی باز

روحانی‌نماها به قول علامه طباطبائی «یک دسته افکار سست و واهی و بی‌اثر را به مردم تزریق و تلقین کردند و آنها را سرگرم نمودند.» در مقابل این حمله گروهی آنها، مسلمانان باید متحد بودند و چون ستونی آهنین در راه خدا (ساختن یک دنیای پاک) می‌جنگیدند.

آیه ۱۰۲ تا ۱۰۵ آل عمران سوره ۳ می‌فرماید: «ای افرادی که (به رسالت محمد ص و الهی بودن قرآن) ایمان دارید، آنطوری که سزاوار ترس از نافرمانی خدا است از نافرمانی او بترسید (حذر و احتراز کنید) و فقط در حالی که تسلیم خدا هستید بمیرید و از دنیا بروید و همگی به رشته الهی (یعنی به قرآن) بچسبید، (نه به احادیث ساختگی و احکام فقهی که بر پایه آن بنا شده) و تفرقه نداشته باشید (چون این احادیث و فقه همانطور که می‌بینیم چیزی جز تفرقه به بار نیاورده) و نعمت خدا را بر خودتان به یاد آورید که دشمن هم بودید (یکدیگر را غارت می‌کردید) (خدا و قرآن) بین دل‌های شما محبت ایجاد کرد (یکدل شدید تا دنیای پاکی بسازید) و به نعمت آن برادر (دینی) هم شدید و کنار گودالی از آتش (آتش اختلافات) بودید و خدا شما را از آن نجات داد. خدا آیاتش را اینطور برای شما بیان می‌کند تا راه صحیح را بشناسید. (هدایت شدن شناختن راه صحیح است). باید از شما امتی باشند که مردم را به کارهای خیر دعوت کنند و امر به معروف و نهی از منکر کنند. چنین افرادی موفق و رستگارند. (در دنیا از اطاعت بی‌چون و چرای دیگران رسته و رها شده‌اند و در آخرت از آتش جهنم). شما مثل افرادی نباشید که پس از اینکه دلیل‌های روشن هم (در مورد نتیجه بد تفرقه) برای آنها آمد باز دچار تفرقه و اختلاف شدند. آنها عذاب بزرگی دارند.» در دنیا عذاب اطاعت بدون چون و چرا از دیکتاتوران و بجان هم افتادن‌ها و جنگ‌ها و خرابکاری‌ها و کشتن یکدیگر و خراب کردن خانه‌ها بر سر هم همانطور که در قرن بیستم شنیده‌ایم و در فیلم‌ها می‌بینیم یا خودمان شاهد آن بوده‌ایم. ولی روحانی‌نماها این برادری را برای رونق دکان خود به دشمنی تبدیل کردند همانطور که در طول تاریخ دیده‌ایم و امروزه می‌بینیم که مسلمانان بجای اتحاد در گوشه و کنار دنیا به جان هم افتاده‌اند و با بی‌رحمی کامل همدیگر را میکشند و اینکار را جهاد در راه خدا میدانند.

آیه ۴۶ انفال سوره ۸ می‌فرماید: «از خدا و پیغمبرش اطاعت کنید (چون پیغمبر خدا در راه اجرای حکم خدا دستور میداد) و با هم منازعه نکنید (اختلاف و کشمکش نداشته باشید). چون سست می‌شوید و قدرتتان از بین می‌رود (عظمت و قدرت خود را از دست می‌دهید) صبر (استقامت و حوصله) داشته



باشید. چون خدا با افرادی است که صبر داشته باشند.» صبر دست روی دست گذاشتن نیست بلکه صبر حوصله و استقامت در کار داشتن است.

آیه ۱۳ شوری سوره ۴۲ میفرماید: «خدا برای شما از دین همان چیزی را قانونگذاری کرد که نوح را به آن سفارش کرد و همان چیزی است که به تو وحی کردیم (به پیغمبر اسلام ص) و همان چیزی است که ابراهیم و موسی و عیسی را به آن سفارش کردیم که دین را اجرا کنید. (یک دنیای پاک بسازید) و در دین دچار تفرقه نشوید. قبول این چیزی که مشرکین را به آن دعوت میکنی برای آنها سخت و سنگین است. (فکر آنها را نکن) خدا هر کس را که بخواهد (شایستگی آن را داشته باشد و خواستار حق و یک دنیای پاک باشد) انتخاب میکند و هر کس را که به سوی او (به اطاعت از فرمان و نظر او) برگردد هدایت میکند.»

آیه ۱۵۹ انعام سوره ۶ میفرماید: «تو با کسانی که دینشان را فرقه فرقه کردند و بصورت گروه‌ها درآمدند (هر دسته‌ای از یک نفر پیروی کرد) رابطه‌ای نداری (چون مسلمان و متحد نیستند) کار آنها با خدا است و خدا آنها را از نتیجه کارهایی که میکردند با خبر میکند.»

آیه ۱۴ شوری سوره ۴۲ میفرماید: «تفرقه آنها فقط بعد از این بود که حقیقت را فهمیدند (علم برای آنها حاصل شد) ولی از روی حسادت (و ریاست طلبی) و تجاوز به هم بود که تفرقه ایجاد کردند. اگر سخنی که خدا (در باره آزادی انسان‌ها) گفته بود نبود خدا بین آنها قضاوت کرده بود (کارشان تمام بود). کسانی که بعداً کتاب به آنها رسیده (کتاب را به ارث می‌برند، در مورد کارها و گفته‌های ایشان) به سختی دچار شک شده‌اند.» همانطوری که مسلمانان بی اطلاع از قرآن نمیدانند کدامیک از آنها راست میگویند. در صورتیکه اگر از قرآن اطلاع داشتند میدانستند فقط کسانی راست میگویند که مطابق کتاب الهی نظر میدهند. چون خداوند در آیه ۴۴ مائده سوره ۵ قرآن میفرماید: «کسانی که مطابق آنچه خدا نازل کرده (حکم الهی) حکم نکنند کافر هستند.» اگر اندکی توجه کنید می‌بینید بسیاری از کسانی که به مسلمانی مشهور هستند کافر بوده‌اند و کافر از دنیا رفته‌اند و می‌روند.

آیه ۱۵۰ تا ۱۵۲ نساء سوره ۴ میفرماید: «کسانی که منکر خدا و پیغمبرانش می‌شوند و می‌خواهند بین خدا و پیغمبرانش جدائی (تفرقه) بیاندازند و میگویند به بعضی از آنها ایمان داریم و بعضی را قبول نداریم و راهی بین این دو میجویند (دنبال راهی بین این دو حالت میگردند) حقیقتاً کافر هستند. ما برای

افراد کافر (کسانی که منکر یگانگی وظیفه پیغمبران هستند) عذاب خوار کننده‌ای آماده کرده‌ایم. و کسانی که به خدا و پیغمبرانش (و یکی بودن وظیفه آنها که برقراری عدالت است) ایمان آوردند و فرقی بین هیچکدام آنها نگذاشتند، پاداش آنها را خواهیم داد. چون خدا آمرزنده و مهربان است.» اگر افراد بعد از این بین پیغمبران خدا فرقی نگذارند خدا آنها را می‌آمرزد. ولی امروزه می‌بینیم روحانی‌نماها بجای تشویق مردم به اتحاد برای برقراری عدالت، سعی میکنند هرچه بیشتر تفرقه ایجاد کنند تا مریدان خود را از دیگران جدا کنند و درآمد خود را از دست ندهند. چون از این راه مخارج زندگی خود و خانواده خود را کسب میکنند و شغل دیگری ندارند که مخارج زندگی را کسب کنند. در صورتیکه خداوند در آیه ۲۱ یس سورۀ ۳۶ میفرماید: «از کسانی پیروی کنید که از شما مزدی نمی‌خواهند و خودشان حقیقت را شناخته باشند.» در صورتیکه این روحانی‌نماها از مردم مزد می‌خواهند و از اول برای حرف زدن قیمت آن را تعیین میکنند و از طرف دیگر حقیقت احکام دین و هدف آن را نمی‌شناسند (اگر هم بشناسند آن را پنهان می‌کنند و به مردم نمی‌گویند. چون اگر میگفتند مردم دیگر احتیاجی بوجود آنها نمی‌دیدند و دکان کسب مخارج زندگی آنها بسته میشد و چنین افرادی از نظر خدا ملعون هستند. چون خدا در آیه ۱۵۹ بقره سورۀ ۲ میفرماید: «کسانی که دلیل‌های روشن و راهنمایی‌هایی را که ما نازل کردیم بعد از اینکه آن را در کتاب برای مردم بیان کردیم کتمان میکنند. (پنهان می‌کنند و به مردم نمی‌گویند) ملعون هستند.» از رحمت خدا دور هستند).

آیه ۱۳۶ و ۲۸۵ بقره سورۀ ۲ و آیه ۸۴ آل عمران سورۀ ۳ میفرماید: بگو، بگویید و میگویند: «ما فرقی بین هیچکدام از پیغمبران خدا نمی‌گذاریم.» چون همه آنها برای ساختن یک دنیای پاک که در آن عدالت حکمفرمائی کند آمده‌اند. آیه ۲۵ حدید سورۀ ۵۷ را ببینید.

ولی آیه ۲۵۳ بقره سورۀ ۲ میفرماید: «ما بعضی از پیغمبران را بر بعضی از آنها برتری دادیم. با کسی از آنها (موسی) خدا صحبت کرد و بعضی از آنها را به درجات بالا برد و به عیسی ابن مریم دلیل‌های روشن دادیم و او را با روح پاک تأیید (تقویت) کردیم...»

آیه ۵۱ شوری سورۀ ۴۲ میفرماید: «هیچ بشری نبوده که خدا با او صحبت کند مگر بصورت وحی یا از پشت پرده‌ای (مانعی، مثل موسی) یا فرستاده‌ای به سوی او بفرستد و به اذن خدا به او وحی کند.» (مثل پیغمبر اسلام که جبرئیل آن را مطابق آیه ۹۷ بقره سورۀ ۲ و آیه ۱۹۳ تا ۱۹۴ شعراء سورۀ ۲۶ بر

قلب پیغمبر نازل مینمود.) اما مطابق آیه ۲۵ حدید سوره ۵۷ همه پیغمبران برای این فرستاده شدند که «مردم عدالت را (در جوامع بشری) برقرار کنند.» و در این مورد مسلمانان فرقی بین پیغمبران خدا نمیگذاشتند و همه را پیغمبر خدا میدانستند که برای برقراری عدالت در جوامع بشری فرستاده شده‌اند. خداوند در آیه ۱۵۱ تا ۱۵۳ انعام سوره ۶ ده سفارش میکند و در سفارش دهم میفرماید: «این راه راست من است، از آن پیروی کنید و از راه‌های دیگر پیروی نکنید چون شما را از راه خدا پراکنده (متفرق) میکند. این سفارش من به شما است تا متقی (با تقوا) شوید.» تسلط بر نفس پیدا کنید و بنده هواهای بیجای دل خود نباشید.

## تبلیغ دین

بلوغ یعنی رسیدن. ابلاغ و تبلیغ یعنی رساندن.

آیه ۶۷ مائده سوره ۵ میفرماید: «ای پیغمبر، آنچه از خداوندت به تو نازل شده به مردم بگو. اگر اینکار را نکنی رسالت خود را انجام نداده‌ای. خدا تو را از شرّ مردم حفظ میکند. خدا افراد بی ایمان را هدایت نمی‌کند.»

فریبکاران با آیات قرآن بازی میکنند و میگویند این آیه در باره توصیه در باره وصایت علی ع است تا بعد از پیغمبر خلیفه مسلمین باشد. آنها از بی اطلاعی مردم سوءاستفاده کرده و میکنند. چون مردم سواد خواندن قرآن و ترجمه آن را نداشتند. ولی امروزه ترجمه قرآن به تمام زبانهای زنده دنیا وجود دارد و بیشتر مردم با سواد هستند و در آینده با سوادتر خواهند شد و ترجمه قرآن را خواهند خواند و مشقت فریبکاران بیشتر باز میشود.

چون آیه ۶۸ یعنی آیه بعد از این آیه میفرماید: «بگو: ای اهل کتاب، تا مطابق تورات و انجیل و آنچه از طرف خداوندتان به شما نازل شده عمل نکنید، دین ندارید. البته این مطلبی که از طرف خداوندت به تو نازل شده بر طغیان و کفر عده زیادی از آنان خواهد افزود. به خاطر افراد بی ایمان غمگین نباش.» آیه ۶۵ و ۶۶ این سوره را بخوانید تا ببینید مطلب سر چه چیزی است.

بطور کلی ۸۹ درصد مطالب آیات این سوره در هیچ جای قرآن نیامده و بسیاری از لغات این سوره در سوره‌های دیگر نیامده است.

آیه ۳۹ احزاب سوره ۳۳ میفرماید: «کسانی که پیغام‌های خدا را به مردم می‌رسانند و از خدا می‌ترسند و از هیچکس غیر از خدا نمی‌ترسند، و میدانند که خدا برای رسیدگی به حساب‌ها کافی است.»  
وظیفه پیغمبران فقط ابلاغ پیغام خدا به مردم بود، همانطور که آیه ۵۴ نور سوره ۲۴ می‌فرماید:  
«... وظیفه پیغمبر فقط رساندن پیغام خدا به طور روشن به مردم است.» و آنها وظیفه دارند مثل تمام مردم درصدد اجرای پیغام خدا در جهان و ساختن یک دنیای پاک باشند.

ایه ۲۰ آل عمران سوره ۳ و آیه ۹۲ و ۹۹ مائده سوره ۵ و آیه ۴۰ رعد سوره ۱۳ و آیه ۵۲ ابراهیم سوره ۱۴ و آیه ۳۵ و ۸۲ نحل سوره ۱۶ و آیه ۱۸ عنکبوت سوره ۲۹ و آیه ۱۷ یس سوره ۳۶ و آیه ۴۸ شوری سوره ۴۲ و آیه ۱۲ تغابن سوره ۶۴ را ببینید تا اطمینان کامل پیدا کنید وظیفه پیغمبران فقط ابلاغ (یعنی رساندن پیغام خدا به مردم) بوده و خودشان مثل هر فرد بشری موظف بودند درصدد اجرای پیغام خدا و ساختن یک دنیای پاک باشند، دنیای پاکی که عدالت در آن حکمفرمائی کند و حقوق هیچ انسانی پایمال نشود چه رسد به حقوق ملت‌ها که از افراد بشر تشکیل شده‌اند.

مسلمانان وظیفه دارند با مال و جانشان در راه خدا (ساختن یک دنیای پاک که عدالت بر آن حکمفرمائی کند) کوشش کنند. چون آیه ۱۵ حجرات سوره ۴۹ میفرماید: «مسلمانان (افراد با ایمان) واقعی فقط کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان دارند و بعداً هم شکی در آن نمیکنند و با مال و جانشان در راه خدا (در راه ساختن یک دنیای پاک) جهاد (یعنی کوشش) میکنند. چنین افرادی (در ادعای ایمان داشتن خود) صادقند.» مسلمانان میدانند ساختن چنین دنیائی بدون اتحاد تمام دینداران و اصلاح طلبان جهان امکان ندارد و نیروئی که امروزه صرف جنگ عقیدتی با یکدیگر می‌شود باید در راه ساختن یک دنیای پاک بکار افتد و از کارشکنی در کار هم خودداری شود.

در این راه مسلمانان باید دینداران دیگر و همه اصلاح طلبان را آگاه کنند که همه پیغمبران آمده‌اند که مردم دنیائی بسازند که در آن عدالت حکمفرمائی کند و حقوق واقعی هیچ انسانی پایمال نشود چه رسد به اینکه دینداران عادل عدالت خواه و اصلاح طلبان با هم مبارزه کنند.

امروزه مسلمانان با وجود استفاده از فتوکپی و چاپ و رادیو و تلویزیون و اینترنت و E.Mail میتوانند با نوشتن یک مقاله تحقیقی و ترجمه آن به زبان‌های مختلف در عرض یک روز تمام مردم دنیا را از آن با خبر کنند همانطور که یک روزه یک خبر به تمام مردم دنیا میرسد.

فقط با اتحاد مردم که وظیفه آنان است و همکاری لازم که وظیفه تمام مسلمانان دنیا است اینکار خیلی ساده است. آیه ۱۰۳ آل عمران سوره ۳ و آیه ۲ مائده سوره ۵ را ببینید. این بی اطلاعی مردم از قرآن و سرگرم شدن آنها با «یکدسته افکار سست و واهی و بی اثر» چیزی است که حکومت‌های دیکتاتور به دست «عده‌ای مزدور ماده‌پرست» برای سرگرمی مردم به آنها تزریق و تلقین کرده‌اند و سر آنها را با این بازی‌ها بنام دین گرم نموده‌اند.

آیه ۱۸۷ آل عمران سوره ۳ میفرماید: «خدا از کسانی که کتاب الهی به آنها داده شد پیمان گرفت که آن را برای مردم بیان کنند و آن را پنهان نکنند. ولی آنها پیمان خود را به پشت سر افکندند (به آنها اعتنا نکردند) و آن را به قیمت ناچیزی فروختند. بد خرید و فروشی کردند.»

شما مختارید که تعهد و پیمان خود را به بهای ناچیزی بفروشید و حقایق کتاب خدا را به دیگران نگوئید. ولی وقتی میگوئید ایمان داریم و تسلیم حکم و نظر خدا هستیم باید به تعهد و پیمان خود عمل کنید. چون وقتی کسی میگوید من مسلمان (یعنی تسلیم حکم و نظر خدا) هستم. باید به این حرف خود و تعهد خود عمل کند.

چون آیه ۷ مائده سوره ۵ میفرماید: «نعمت خدا و پیمانی که با خدا بستید (تعهدی که کردید که تسلیم حکم و نظر خدا باشید) و خدا شما را به آن متعهد و پایبند ساخت بخاطر داشته باشید وقتی که گفته شنیدیم و اطاعت کردیم. از نافرمانی و عذاب خدا حذر کنید، چون خدا از آنچه در سینه‌ها است (از افکار شما) اطلاع دارد.» وقتی کسی میگوید من مسلمان (یعنی تسلیم حکم و نظر خدا) هستم باید واقعاً مسلمان (تسلیم حکم و نظر خدا) باشد و گرنه خود و دیگران را گول زده است.

شما اختیار دارید که مسلمان (تسلیم حکم و نظر خدا) باشید یا نباشید. چون آیه ۲۹ کهف سوره ۱۸ میفرماید: «بگو حق از خداوندتان (فرمان‌فرمایان و کسی که واقعاً حق دارد به شما بگوید اینکار را بکنید و اینکار را نکنید. چون در راهنمایی و دستور خود به هیچ وجه اشتباه نمیکند. زیرا از تمام قوانینی که خودش در جهان گذاشته اطلاع دارد) می‌باشد هر کس خواست ایمان می‌آورد و هر کس خواست کافر میشود (قبول نمیکند) ما برای ستمکاران (افرادی که منکر شدند) آتشی آماده کرده‌ایم که شعله‌هایش آنها را در بر گرفته ...».

امروزه با توجه به روابط ریاضی قرآن هر عاقلی که اهل تحقیق و بررسی باشد، هیچ شکی نمیکند که قرآن کلام خدا است و افرادی که کافر و منکر آن هستند عذاب دردناکی دارند. چون آیه ۱۶۱ نساء سوره ۴ و بسیاری از آیات دیگر میفرماید: «... ما برای افراد کافر (که منکر آیات ما میباشند) عذاب دردناکی فراهم کرده‌ایم.»

شما مختارید که این حقیقت را به مردم بگویید یا نگوئید ولی اگر نگوئید عذاب ابدی درد آوری دارید و هیچ راه گریزی از آن پیدا نمی‌کنید.

امروزه با E.Mail و فتوکپی می‌توانید این حقایق را به مردم بگوئید و آنان را برای ساختن یک دنیای پاک که در آن عدالت حکومت کند و از ظلم و اجحاف و تبعیض بیجا اثری نباشد آماده کنید که خود شما و خانواده شما و تمام افراد بشر بتوانند با خیال راحت زندگی کنند. چون اگر عدالت باشد آدمکشی و دزدی و بی ناموسی و دروغ و کلاهبرداری و کم‌فروشی و گران‌فروشی و تهمت و اذیت و آزار دیگران و بمب و موشک و هواپیما و کشتی جنگی و کشتن افراد بیگناه و خراب کردن خانه‌ها بر سر ساکنان آن وجود نخواهد داشت که افراد دغدغه خاطر و اضطرابی داشته باشند و همگی می‌توانند برادروار در کنار هم زندگی کنند و از زندگی واقعاً لذت ببرند و شاد باشند، بدون اینکه قطره خونی از بینی کسی به زمین بریزد. چون هر قدر تعداد دینداران زیادتر شود با شرکت در انتخابات نمایندگان مجلس و انتخابات ریاست جمهوری بهتر می‌توانند نمایندگان خود را به مجلس و به مرکز قدرت بفرستند.

## دعوت اهل کتاب

آیه ۶۴ آل عمران سوره ۳ میفرماید: «بگو: ای اهل کتاب (ای کسانی که کتاب الهی دارید) بسوی کلمه‌ای بیایید که بین ما و شما مساوی است که فقط خدا را بندگی (اطاعت بی چون و چرا) بکنیم و در اینکار چیزی را شریک او نسازیم (از دیگری بدون چون و چرا اطاعت نکنیم) و بعضی از ما بعضی را غیر از خدا ارباب (فرمان‌فرمای) خود نگیرند...»

ولی آیه ۳۱ توبه سوره ۹ میفرماید: «دانشمندان دینی و زاهدان تارک دنیای خود و پیغمبرشان مسیح ابن مریم را ارباب خود گرفتند. در صورتیکه به آنها دستور داده شده بود که فقط خدای یگانه را بندگی (اطاعت بی چون و چرا) بکنند. معبودی غیر از خدا وجود ندارد. خدا خیلی بالاتر از چیزهائی است

که شریک او میسازند.» همانطور که می‌بینیم از نظر اسلام ارباب گرفتن (فرمانفرما و کسی که دستور میدهد چه کاری بکن چه کاری نکن) دانشمندان دینی و زاهدان دیرنشین حتی پیغمبر خدا شرک و خلاف توحید است. در صورتیکه بیشتر مدعیان مسلمانی هم مثل آنها در اثر بی اطلاعی در شرک میلوند ولی خود را موحد میدانند. تا آنها با قرآن آشتی نکنند و قرآن را نخوانند و در نتایج دستورها و نظرهایش فکر نکنند وضع همین‌طور خواهد بود و آلت دست فریبکاران اجتماعی خواهند شد. چه فریبکاران دینی، چه فریبکاران سیاسی، چه فریبکاران فلسفی. در آیه می‌بینیم که تقلید و ارباب گرفتن این و آن حتی پیغمبر خدا شرک و خلاف توحید (یکتاپرستی) است. بزرگان شیعه و سنی همگی این را گفته‌اند ولی مردم بی اطلاع از گفته آنها در این شرک غرق هستند.

آیت‌الله بهشتی در کتاب «خدا از نظر قرآن» مینویسد: «توحید در سرسپردگی و اطاعت: از نظر قرآن اطاعت بر دو گونه است:

۱- اطاعت همراه با سرسپردگی و تسلیم بی قید و شرط در برابر آنچه به آدمی گفته شود. از نظر قرآن این نوع اطاعت در حقیقت «عبودیت» (بردگی و بندگی) است که مخصوص خداست و هیچ موجود دیگری شایسته آن نه. (شایسته آن نیست).

۲- اطاعت کسانی که به حق بر ما ولایت دارند و رعایت مصلحت خود ما و مصلحت عموم، یا رعایت عواطف پاک انسان ایجاب میکند که فرمانبردار آنان باشیم؛ نظیر اطاعت پیغمبر و امام و زمامداران و پیشوایانی که به فرمان پیغمبر و امام، یا بر طبق موازین معتبر در عصر غیبت به این منصب رسیده باشند. یا اطاعت پدر و مادر و .... شرط وجوب این نوع اطاعت این است که دستور صاحبان این مناصب از حدود عدل و قانون تجاوز نکند و اطاعت کننده خود موظف است هر دستوری را که دریافت میکند از این نظر ارزیابی کند، تا اگر آن را بر خلاف عدل و قانون یافت از اجرای آن خودداری کند. به این ترتیب اینگونه اطاعت، اطاعت مطلق نیست و به هیچ وجه آهنگ «خودباختگی» و «سرسپردگی» ندارد. (منظور از قانون، قرآن و قوانین الهی است)

آیه ۳۱ توبه سوره ۹ میفرماید: «غیر از خدا علمای دینی و تارکان دنیا را که در میان آنها بودند خداوندگاران (ارباب‌های) خود گرفتند (که به آنها دستور میدادند اینکار را بکنید و اینکار را نکنید) همین‌طور (پیغمبرشان) عیسی ابن مریم را (ارباب خود گرفتند) در صورتیکه به آنها چنین دستور داده

شده بود که فقط خدای یکتا را پرستند (عبادت و بندگی کنند و مطیع بی چون و چرای دستورهایش باشند) (یعنی اینکاری که می‌کردند خلاف توحید است و عبادت و بندگی غیر خدا است) جز او خدائی (معبودی که انسان از تمام دستورهایش بدون چون و چرا و پرسیدن علت آن، اطاعت کند) نیست، پیراسته باد از آنچه شریک او می‌شمزند.»

محمد ابن یعقوب کلینی ... در کافی از ابوبصیر چنین روایت کرده است: به او (یعنی به امام صادق) گفتم (منظور از) اتخذوا احبارهم و رهبانهم اربابا من دون الله (چیست) و او گفت: به خدا سوگند که آنها ایشان را (مردم را) به پرستش خود دعوت نکردند و اگر هم دعوت میکردند آنها نمی‌پذیرفتند، ولی آنها حرامی را بر ایشان حلال و حلالی را حرام میکردند، بنابراین ناخودآگاه به بندگی آنان در آمده بودند (کاری که امروزه تمام مسلمانان بنام تقلید میکنند. بجز عده بسیار کمی که با قرآن آشنا شده‌اند) کلینی همین روایت را به سند دیگری هم نقل کرده که در آن پاسخ امام (ع) به این صورت آمده است: به خدا سوگند آنها (مردم) برای آنان نه روزه می‌گرفتند، نه نماز می‌خواندند، ولی حرام را برای آنها حلال می‌کردند و حلال را حرام و آنها هم «بی چون و چرا» می‌پذیرفتند و عمل میکردند. مفسران شیعه عموماً در تفسیر این آیه همین مطلب را گفته و همین روایت را نقل کرده‌اند. امام فخر رازی (که سنی بود) ... نیز در توضیح این آیه گوید: بدان که خدای متعال با این سخن خود «اتخذوا ...» یهود و نصاری را به نوعی دیگر از شرک وصف کرده (شرکی که مسلمانان امروزی اسیر آن هستند) و در این آیه چند مسأله است ... مسأله دوم بیشتر مفسرین (سنی) گفته‌اند مقصود از اربابا (که در آیه آمده است) این نیست که آنها در باره علمای دینی یا زاهدان تارک دنیا این عقیده را داشتند که ایشان خدای جهانند، مقصود این است که آنها (مردم) فرمانبردار ایشان بودند و هر بکن یا نکن را که آنان می‌گفتند «بی چون و چرا» می‌پذیرفتند. روایت شده که عدی بن حاتم مسیحی بود. روزی به حضور پیغمبر آمد، او سوره براءت (سوره توبه) را می‌خواند و به این آیه رسید. عدی گوید: به پیغمبر گفتم: ما آنها را نمی‌پرستیدیم (عبادت و بندگی). پیغمبر گفت: آیا آنها حلال خدا را حرام نمی‌کردند و شما هم آن را حرام می‌شمردید؟ (مثل تمام مسلمانان امروزی و در طول تاریخ) گفتم چرا. گفت: همان عبادت (بندگی و پرستش) آنان بود.

ربیع می‌گوید: به ابوالعالیه گفتم این خداوندگاری (احبار و رهبان) در بنی‌اسرائیل چگونه بود؟ گفت: چه بسا آنها در کتاب خدا مطلبی می‌یافتند که با گفته احبار و راهبان مخالف بود و آنها گفته



ایشان را می‌پذیرفتند، ولی آن را که در کتاب خدای متعال بود قبول نمی‌کردند.» کاری که همه مسلمانان کرده و میکنند.

به احتمال قوی تو هم یکی از این افراد بوده‌ای که مطابق تعلیمات غلطی که به تو داده‌اند تقلید را واجب میدانسته‌ای و نمیدانستی اینکار در اسلام مطابق آیه ۳۱ توبه شرک و خلاف توحید است و عبادت و بندگی غیر خدا است. ولی حالا که دانسته‌ای هر چه زودتر توبه کن. چون خدا توبه‌پذیر مهربان است. چون خدا در آیه ۳۷ و ۵۴ و ۱۲۸ و ۱۶۰ بقره سوره ۲ و آیه ۱۶ و ۶۴ نساء سوره ۴ و آیه ۱۰۴ و ۱۱۸ توبه سوره ۹ و ۱۰ نور سوره ۲۴ و آیه ۱۲ حجرات سوره ۴۹ و آیه ۳ نصر سوره ۱۱۰ می‌فرماید: «...خدا توبه پذیر است...» ولی فراموش نکن که آیه ۱۷ نساء سوره ۴ می‌فرماید: «توبه مال کسانی است که از روی نادانی کار بدی میکنند و بعد (از اینکه متوجه اشتباه خود شدند) خیلی زود توبه میکنند. خدا توبه آنان را می‌پذیرد. خدا دانا حکیم است.»

توبه کن و بدان که خدا توبه‌پذیر مهربان است. انسان‌ها جاهل و نادان دنیا می‌آیند مگر اینکه به آنها یاد داده شود و یاد بگیرند تا متوجه اشتباه خود بشوند.

آیه ۴۶ عنکبوت سوره ۲۹ می‌فرماید: «با اهل کتاب فقط با بهترین طرز گفتگو و بحث کنید. مگر با ستمکاران آنها (چون آنها زبانی جز زورگوئی ندارند) و بگوئید: ما به آنچه به ما و آنچه به شما نازل شده ایمان داریم و خدای ما و خدای شما یکی است (خدای خالق آسمان‌ها و زمین است) و ما تسلیم حکم و نظر او هستیم.»

آیه ۱۳۶ بقره سوره ۲ و آیه ۸۴ آل عمران سوره ۳ می‌فرماید: «بگوئید: ما به خدا و قرآنی که به ما نازل شده و آنچه به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و فرزندان و نسل یعقوب نازل شده و آنچه به موسی و عیسی داده شده (یعنی به تورات و انجیل) و آنچه به پیغمبران (بنی‌اسرائیل) از جانب خداوندشان داده شده ایمان داریم و فرقی بین هیچکدام آنها نمی‌گذاریم (چون همه آنها پیغمبر خدا بوده‌اند و برای ساختن یک دنیای پاک فرستاده شده‌اند) و ما تسلیم حکم و نظر او هستیم.»

برای این دعوت باید کتاب الهی خود (یعنی قرآن) و کتاب الهی آنها (مثل تورات و انجیل) را بخوانیم تا بتوانیم با اطلاع دقیق با آنها گفتگو و بحث کنیم و به آنها بفهمانیم که همه خواستار عدالت در کلیه جوامع بشری هستیم. فقط دکانداران دینی بین مردم تفرقه انداخته‌اند و سیاست بافان از این

تفرقه‌ها سوءاستفاده میکنند. باید از تفرقه دست برداشت. چون بدون اتحاد ساختن یک دنیای پاک عملی نخواهد شد. چون افراد از روی حسادت در کار یکدیگر اخلاف کرده مشکل ایجاد می‌کنند.

آیه ۱۳ شوری سوره ۴۲ می‌فرماید: «خدا برای شما از دین همان چیزی را قانون‌گذاری کرد که به نوح سفارش کرد و همان چیزی است که به تو وحی کردیم و همان چیزی است که خدا ابراهیم و موسی و عیسی را به آن سفارش کرد که دین را اجرا کنید (برپا دارید) و در دین اختلاف و تفرقه نداشته باشید. قبول این چیزی که مردم را به آن میخوانی برای افراد مشرک سخت است ولی خدا کسانی را که میخواهد انتخاب میکند و هر کس را که به سوی او برگردد (به راه راست) هدایت می‌کند.»

در دین تفرقه نداشته باشید. همه پیغمبران برای اجرای عدالت فرستاده شده‌اند. آیه ۲۵ حدید سوره ۵۷ را ببینید.

## دعوت دیگران

آیه ۱۲۵ نحل سوره ۱۶ می‌فرماید: «مردم را با حکمت و پند و اندرز نیکو به راه خداوندت (فرمانفرمایت و کسی که به تو میگوید چه کاری بکن و چه کاری نکن) دعوت کن و با بهترین روش با آنها گفتگو کن ...» این حکم خدا است. کسی که مسلمان است دیگران را به راه خدا دعوت میکند. اگر کسی این کار را نکند مسلمان نیست یعنی تسلیم حکم و نظر خدا نیست. چون مسلمان کسی است که دستور خدا را بدون چون و چرا انجام میدهد. راه خدا مطابق دستورها و راهنمایی‌های خدا در قرآن ساختن یک دنیای پاک است. نه جاده‌ای که دو شهر را به هم متصل کند.

آیه ۶۷ حج سوره ۲۲ می‌فرماید: «... مردم را به راه خداوندت دعوت کن. تو بر راه درستی قرار داری.» مسلمان این وظیفه را انجام میدهد.

آیه ۱۵ شوری سوره ۴۲ می‌فرماید: «مردم را به اینکار (اتحاد در دین و تفرقه نداشتن در دین) دعوت کن، و همانطور که به تو دستور داده شده در اینکار استقامت داشته باش، و از دلخواه آنان پیروی نکن، و بگو: من به هر کتابی که خدا نازل کرده ایمان دارم، و به من امر شده که بین شما به عدالت رفتار کنم. صاحب اختیار ما و شما خدا است. کارهای ما مال ما و کارهای شما مال شما است. بحثی بین ما باقی نمانده. خدا بین ما را جمع میکند. بازگشت ما (برای پس دادن حساب) به پیشگاه اوست.» مسلمان

حقیقی مردم را به اتحاد در دین و تفرقه نداشتن در آن دعوت می‌کند، نه اینکه برخلاف آن سعی در تفرقه اندازی و جداسازی مسلمانان از هم بکند. کسانی که اینکار را میکنند دین ندارند و از حقیقت دین بی اطلاع هستند و به اسم اسلام دلخوش می‌باشند.

آیه ۳۳ تا ۳۵ فصلت سوره ۴۱ می‌فرماید: «گفتار چه کسی بهتر از سخن کسی است که مردم را بسوی خدا میخواند و کار درست میکند و میگوید من از کسانی هستم که تسلیم حکم و نظر خدا هستند. خوبی با بدی مساوی نیست. بدی را با خوبی جواب بده. چون در آنصورت بین تو و بین کسی که با او دشمنی وجود دارد دوستی صمیمانه‌ای بوجود می‌آید. البته به این مرحله فقط افراد شکیب (پُر حوصله) میرسند و فقط کسی که سهم بزرگی از اخلاق دارد به آن میرسد.» مسلمان تابع حکم و نظر خدا است و سعی میکند حوصله بخرج دهد و در مقابل تندی طرف شکیب باشد و به حرف‌های او بخوبی گوش دهد و اشتباهات او و دلائل او را به ذهن بسپارد یا یادداشت کند و اگر او خواست جواب آن را به نرمی بدهد. اگر نخواست گوش کند مثل آن است که با او صحبتی نداشته‌ای. ولی نرمی تو در خاطره او اثر پایداری میگذارد.

آیه ۱۰۸ یوسف سوره ۱۲ می‌فرماید: «بگو: این راه من است. من و پیروانم مردم را با بینائی به سوی خدا دعوت میکنیم...»

مسلمان کسی است که مطابق دستور آیه ۲۰ مزل سوره ۷۳ تا آنجا که بتواند قرآن میخواند و مطابق آیه ۸۲ نساء سوره ۴ و آیه ۲۴ محمد سوره ۴۷ در نتیجه آیات قرآن فکر کرده و با بینائی کامل مردم را به راه خدا (یعنی به راه ساختن یک دنیای پاک که در آن عدالت حکومت کند و حقی از کسی پایمال نشود) دعوت میکند و با لطف و ملایمت دیگران را با نفع بزرگ چنین جامعه‌ای که به نفع او و خانواده او و تمام افراد بشر است آشنا میکند.

## انسان در کړو اعمال خود

آیه ۲۱ طور سوره ۵۲ و آیه ۳۸ مدثر سوره ۷۴ می‌فرمایند: «هر کس گرو کارهائی است که کرده.»  
آیه ۲۸۱ بقره سوره ۲ و آیه ۱۶۱ آل عمران سوره ۳ و آیه ۱۱۱ نحل سوره ۱۶ می‌فرمایند: «جزای هر کسی بطور کامل مطابق کاری که کرده داده میشود و به آنها ظلمی نمیشود.»

آیه ۲۵ آل عمران میفرماید: «جزای هر کسی بطور کامل مطابق کاری که کرده به او داده میشود و ظلمی به آنها نمیشود.» و آیه ۷۰ زمر سوره ۳۹ میفرماید: «جزای هر کسی بطور کامل مطابق آنچه کرده به آنها داده میشود و خدا کارهائی را که کرده اند بهتر از همه میداند.» چون شاهد اعمال تمام افراد بوده است. آیه ۹۸ آل عمران سوره ۳ و آیه ۳۳ نساء سوره ۴ و ۴۶ یونس سوره ۱۰ و آیه ۱۷ حج سوره ۲۲ و آیه ۵۵ احزاب سوره ۳۳ و آیه ۴۷ سبا سوره ۳۴ و آیه ۵۳ فصلت سوره ۴۱ و آیه ۶ مجادله سوره ۵۸ و آیه ۹ بروج سوره ۸۵ را هم ببینید.

آیه ۵۷ آل عمران سوره ۳ و آیه ۱۷۳ نساء سوره ۴ میفرماید: «کسانی که ایمان آوردند و کار درست کردند خدا مزد (پاداش) آنها را بطور کامل میدهد.»

آیه ۱۹ احقاف سوره ۴۶ میفرماید: «هر کس درجاتی مطابق آنچه کرده دارد و خدا پاداش جزای کارهایشان را مطابق کارهایشان به آنها میدهد و به آنها ظلمی نمیشود.»

آیه ۱۵ هود سوره ۱۱ میفرماید: «هر کس زندگی دنیا و زینت آن را بخواهد بطور کامل پاداش کارهایشان را به آنها میدهیم و در آن مورد به آنها کم داده نمی شود.» این پاداش دقیقاً مطابق کار انسان ها است نه بیشتر و نه کمتر. چون آیه ۱۸ تا ۲۱ اسراء سوره ۱۷ میفرماید: «کسی که دنیای زودگذر را بخواهد ما هم در جزای اعمالش مطابق آنچه بخواهیم برای کسی که بخواهیم زود به او می دهیم. بعد جهنم را برای او قرار میدهیم که مذمت (سرزنش) شده و رانده شده وارد آن میشود. و کسی که آخرت را بخواهد و کوشش لازم را بکند و ایمان داشته باشد، از کوشش آنها قدردانی میشود. ما به این ها و آنها از اعطای خداوندت کمک میکنیم. عطای خداوندت از هیچکدام آنها باز داشته نمیشود. نگاه کن در دنیا چقدر بعضی از افراد را بر بعضی برتری داده ایم. بدون شک درجات و برتری افراد در آخرت بیشتر است.»

آیه ۱۱۱ مؤمنون سوره ۲۳ میفرماید: «ما امروز (یعنی روز قیامت) جزای (بندگان خودمان) را بخاطر صبری که داشتند به آنها میدهیم. آنها موفق و رستگارند.»

آیه ۴۸ و ۱۲۳ بقره سوره ۲ میفرماید: «از روزی حذر کنید که هیچکس ذره ای جزای کسی را نمیدهد (چون کار هر کس مربوط به خودش است) و از کسی شفاعتی پذیرفته نمیشود و از کسی تاوانی گرفته نمیشود و یاری نخواهند شد.» هیچکس نمیتواند به آنها کمک و یاری کند.

چون آیه ۳۳ لقمان سوره ۳۱ میفرماید: «ای مردم از (نافرمانی و عذاب) خداوندتان (مالک و کارفرمای خودتان) حذر کنید (خود را حفظ کنید) و از روزی بترسید که پدری جزای فرزندش را نمیدهد و فرزندی ذره‌ای جزا دهنده پدرش نیست. وعده خدا حقیقی است. زندگی دنیا (روابط دنیائی) و شیطان فریبکار شما را فریب ندهد.» که خدا رحیم و رؤوف و آمرزنده است. چون اینها همانطور که می‌بینیم به کار افراد بستگی دارد و گرنه عذاب شدید جهنم برای گناهکاران وجود دارد، و مجازات خدا شدید است. چون مطابق آیه ۱۹۶ و ۲۱۱ بقره «عذاب خدا شدید است». آیه ۱۱ آل عمران سوره ۳ و آیه ۲ و ۹۸ مائده سوره ۵ و آیه ۱۳ و ۲۵ و ۴۸ و ۵۲ انفال سوره ۸ و آیه ۶ رعد سوره ۱۳ و آیه ۳ و ۲۲ غافر (مؤمن) سوره ۴۰ و آیه ۴ و ۷ حشر سوره ۵۹ را ببینید.

آیه ۱۵۷ انعام سوره ۶ میفرماید: «... چه کسی ظالم‌تر از کسی است که منکر آیات خدا شود و از آن روبرگرداند؟ کسانی را که از آیات ما روگردان باشند، بخاطر روگردانی آنها، با عذاب بدی مجازات می‌کنیم.»

آیه ۱۴۵ آل عمران سوره ۳ میفرماید: «... کسی که پاداش دنیائی را بخواهد (و برای آن کوشش لازم را بکند) از آن به او می‌دهیم و کسی که پاداش آخرت را بخواهد (و برای آن کوشش لازم را بکند) از آن به او می‌دهیم. ما جزای افراد قدردان را خواهیم داد.»

هر کس در آخرت مسئول اعمال خودش می‌باشد و نمیتواند کاری برای دیگری بکند. حرفهائی که افراد فریبکار زده‌اند آنچه را خداوند گفته عوض نمیکند و فریب خوردگان جزای کارهائی را که کرده‌اند خواهند دید همانطور که آیه ۶۶ و ۶۷ احزاب سوره ۳۳ میفرماید: «روزی که صورتهایشان در آتش برگردانده شود میگویند: ای کاش ما از خدا و رسول پیروی میکردیم. و گفته بودند که خداوند ما از آقایان و بزرگانمان اطاعت کردیم. آنها ما را گمراه کردند.» می‌بینیم که خداوند میفرماید اطاعت از آقایان و بزرگان دلیل درستی راه نیست. انسان باید خودش کتاب الهی خود را بخواند و ببیند خدا به او چه دستورهائی داده است. البته کسانی که سواد خواندن نداشته‌اند کارشان با خدا است و خدا میداند که امکان با سواد شدن برای آنها وجود داشته یا نداشته و آنها در حال امکان داشتن قصور و کوتاهی و تنبلی کرده‌اند یا نکرده‌اند. ولی امروزه که بیشتر مردم با سوادند اگر کتاب الهی را نخوانند مقصرند.

# قرآن کامل و کافی است

آیه ۳ مائده سوره ۵ میفرماید: «... امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خودم را بر شما تمام

کردم و اسلام (تسلیم خدا بودن) را برای شما دین برگزیدم...»

۱- دین اسلام کامل است و احتیاج به حدیث‌های ساختگی که دو قرن یا سه قرن بعد از اسلام

نوشته شده ندارد. چون محمد ابن اسماعیل بخاری نویسنده صحیح بخاری در سال ۲۵۶ از دنیا رفت و

محمد ابن یعقوب کلینی در سال ۳۲۸ یا ۳۲۹ از دنیا رفت و این کتابها دو قرن یا سه قرن بعد از پیغمبر

نوشته شده‌اند. معلوم است که چه مقدار آن ممکن است صحیح باشد.

۲- آیه میفرماید «دین شما را» «نه دین را» چون اگر به آیه ۱ و ۲ سوره مائده نگاه کنید مورد

خطاب مسلمانان (افرادی که به رسالت پیغمبر ایمان آورده‌اند) میباشند.

بعضی میگویند درست است که دین اسلام کامل است «ولی» ... اگر کامل است دیگر «ولی» ندارد.

این افراد در اثر مغالطه‌ای که برای آنها شده دچار اشتباه شده‌اند.

چون خداوند در آیه ۲۵ حدید سوره ۵۷ میفرماید: «بدون تردید پیغمبرانمان (همه پیغمبرانمان) را

با دلیل‌های روشن فرستادیم ... تا مردم عدالت را برپا دارند ...» وقتی خدا هدف دین را عدالت میداند

قرآن در باره اجرای عدالت در سراسر جهان کافی است و کامل است یعنی کمبودی ندارد. قرآن توضیح

المسائل نیست بلکه راه ساختن یک دنیای پاک را که در آن عدالت باشد به مردم نشان میدهد نه اینکه

نماز را چطور بخوانید و مفطرات روزه چه چیزهایی است که فقها (یعنی افرادی که بنام فقیه مشهور

شده‌اند) گفته‌اند. از ابتدا بقول علامه طباطبائی در بند آخر صفحه ۸۴ کتاب «اسلام و احتیاجات واقعی

هر عصر» «آقایان یعنی حکومت‌ها ... بدست عده‌ای مزدور ماده‌پرست که مورد ارادت مردم بودند فکر

واقع‌بینی و حقیقت‌شناسی را از مغزها بیرون کشیدند و با تزریق و تلقین (یکدسته افکار سست و واهی و

بی اثر) مردم را سرگرم کردند ... اگر کسی احیاناً به ندای وجدان نامی از حقایق قرآن به زبان می‌آورد

پاسخش به دم شمشیر و چوبه دار و شکنجه‌های جهنمی در کنج زندان‌های تاریک که در انتظارشان به

سر میرد موکول میشد. هیچ مورخ منصف نمیتواند پرده به روی آن بکشد.» چون آیه ۶ و ۷ علق سوره

۹۶ میفرماید: «بدون تردید وقتی انسان خود را بی‌نیاز بیند طغیان میکند.» لذا افرادی که بقدرت

میرسیدند طغیان میکردند و میخواستند هر دستوری که دادند بدون چون و چرا شود اگر چه دستورشان حمله به شهرها و کشورها و کشتن مردم آنها باشد. بقول امروزی‌ها اگرچه دستورشان بمباران شهرها باشد همانطور که امروزه در قرن بیست و یکم می‌بینیم.

قرآن در آیه ۲۱ آل عمران سوره ۳ میفرماید: «به کسانی که پیغمبران را به ناحق میکشند و کسانی از مردم را هم که امر به عدالت کنند، میکشند مژده عذاب دردناکی را بده.» تا وقتی مردم بنده خدا نشوند تا از بندگی انسان‌هایی مثل خود رها شوند وضع همینطور خواهند بود. چون مداحان چاپلوس با تعریف و تمجید از افراد، آنها را به پایه خدائی و نیمه خدائی می‌رسانند و از انسان‌ها دیکتاتورانی می‌سازند که انتظار مخالفت با هیچ یک از دستورات خود را ندارند.

علی علیه السلام در مورد کامل بودن قرآن در سخن کوتاه ۱۰۲ یا ۱۰۵ نهج البلاغه (ترجمه حاج سید علینقی فیض الاسلام یا شرح صبحی صالح) میگوید: «خدا واجباتی را بر شما واجب کرده آنها را ضایع نکنید، (آنها را انجام دهید) و حدودی تعیین کرده از آن تجاوز نکنید، و در باره چیزهائی شما را از آن نهی کرده، حرمت آن را ندرید (آن کارها را نکنید) و در باره چیزهائی بدون اینکه فراموش کند ساکت مانده خودتان را در باره آنها به زحمت نیندازید.» و در خطبه ۱۷۵ نهج البلاغه گوید: «... کسی بعد از قرآن کمبودی ندارد و کسی قبل از قرآن (در مورد دین) بی نیاز نیست...»

و در خطبه ۱۸ نهج البلاغه میفرماید: «... خدای آنها (خدای فقها) یکی است و پیغمبرشان یکی است و کتابشان یکی است، آیا خدا به آنها دستور اختلاف نظر داده است و آنها هم از دستور خدا اطاعت کرده‌اند؟ یا خدا آنها را از اختلاف (مطابق آیه ۱۰۵ آل عمران سوره ۳) نهی کرده و آنها نافرمانی و سرکشی کرده‌اند؟ یا خداوند سبحان دین ناقص نازل کرده و از آنها کمک خواسته آن را کامل و تمام کنند؟ یا آنها (در قانونگذاری) شریک خدا هستند و حق دارند هر چه خواستند بگویند و خدا وظیفه دارد هر چه آنها گفتند قبول کند؟ (در صورتیکه آیه ۲۶ کهف سوره ۱۸ میفرماید: «خدا در حکم (قانونگذاری خود) کسی را شریک نمیکند.») یا خدا دین کامل فرستاده و پیغمبر ص از تبلیغ و رساندن آن به مردم کوتاهی کرده.» که هیچکدام آنها نیست مگر سرکشی و بی اعتنائی آنها به حکم خدا. فراموش نکنیم که علی ع امام اول شیعیان و خلیفه چهارم اهل سنت است.

عمر خلیفه دوم مسلمانان در حدیث ۴۰۸ جلد ۴ صحیح بخاری کتاب اعتصام بالکتاب والسّنه میگوید: «خدا برای پیغمبرش همان چیزی را که پیش او بود و پیش شما است انتخاب کرد، و این کتاب است که خدا بوسیله آن پیغمبر شما را هدایت کرده، آن را بگیرید تا هدایت شوید. خدا فقط بوسیله آن پیغمبرش را هدایت کرد.» و در حدیث ۴۶۸ جلد ۹ صفحه ۳۴۶ صحیح بخاری میگوید: «قرآن پیش شما است. کتاب خدا برای ما کافی است.» این سخن خلیفه دوم و چهارم اهل سنت و این سخن امام اول شیعیان برای کسانی که شیفته حدیث هستند. ولی

خداوند در آیه ۳ اعراف سوره ۷ میفرماید: «از آنچه از خداوندتان برای شما نازل شده (یعنی از قرآن) پیروی کنید و از اولیائی غیر از آن پیروی نکنید...» مسلماً پیغمبر خدا هم از اولیائی بود غیر از قرآن و تابع قرآن بود و سنت یعنی طرز کار او مطابق آیه ۱۰۶ انعام پیروی از قرآن بود. چون آیه به او میفرماید: «از آنچه از خداوندت (کسی که حق دارد به تو بگوید چه کاری بکن و چه کاری نکن» به تو نازل شده (یعنی از قرآن) پیروی کن...» و آیه ۵۰ انعام به پیغمبر میفرماید: «بگو: به شما نمیگویم که گنجهای خدا پیش من است، و غیب نمیدانم، و به شما نمیگویم من فرشته‌ام، من فقط از آنچه به من وحی میشود پیروی میکنم...» پیغمبر دروغ نمی‌گفت و فقط از قرآن پیروی میکرد و کاری بر خلاف آن نمیکرد و حرفی برخلاف آن نمیزد. فریبکاران به مردم دروغ گفته‌اند و میگویند. آیه ۲۰۳ اعراف سوره ۷ و آیه ۱۵ و ۱۰۹ یونس سوره ۱۰ و آیه ۲ احزاب سوره ۳۳ و آیه ۹ احقاف سوره ۴۶ را ببینید تا بدانید این دروغگویان از قول پیغمبر دروغ گفته‌اند.

آیه ۱۰۱ مائده سوره ۵ میفرماید: «ای افرادی که (به رسالت محمد ص و الهی بودن قرآن) ایمان آورده‌اید، در باره چیزهائی که اگر برای شما روشن شود شما را ناراحت میکند (چون بار وظیفه شما را سنگین میکند) سؤال نکنید. اگر موقع نزول قرآن در باره آن سؤال کنید برای شما روشن می‌شود (و شما را ناراحت میکند) خدا از آنها گذشت کرده. خدا آمرزنده و بردبار (صبور و پر حوصله) است.»

فراموش نکنید که قرآن برای ساختن یک دنیای پاک که عدالت در آن حکمفرما باشد فرستاده شده نه جزئیات. چون آیه ۳۱ نساء سوره ۴ میفرماید: «اگر شما از گناهان بزرگی که از آن نهی شده‌اید خودداری کنید گناهان دیگر شما را (چه متوسط چه کوچک) می‌بخشیم (ندیده میگیریم) و شما را با احترام وارد بهشت (جای پر ارزش) میکنیم.»



آیه ۶۲ بقره سوره ۲ و آیه ۶۹ مائده سوره ۵ میفرمایند: «افرادی که (به رسالت محمد ص و الهی بودن قرآن) ایمان آورده‌اند و یهودیان و مسیحیان و پیروان یحیی ع بطور کلی کسانی که به خدا و روز آخرت (روز رسیدگی بحساب کارهای افراد) ایمان دارند و کار صحیح و درست میکنند (به حقوق دیگران تجاوز نمیکنند) پاداششان پیش خداوندشان محفوظ است نه ترسی دارند نه غصه میخورند.» غصه را کسانی باید بخورند که کار صحیح و درست نمیکنند و درستکار نیستند، وگرنه درستکاران مطابق آنچه خدا میفرماید غصه‌ای ندارند.

## اسلام دین شادی است

دیدیم که آیه ۶۲ بقره و ۶۹ مائده میفرمایند: «درستکاران از هر دین و آئینی که باشند، ترسی ندارند و غصه (غم و اندوه و حزنی) ندارند.»

آیه ۵۷ و ۵۸ یونس سوره ۱۰ میفرماید: «ای مردم، نصیحتی از خداوندتان (وجودی که به شما میگوید برای خوشبختی و راحتی خیال خود چه کاری بکنید و چه کاری نکنید) و شفای سینه‌ها و راهنمایی و رحمت برای افراد با ایمان آمد. بگو: به فضل خدا و رحمت او و بخاطر آمدن قرآن که برای شما آمد باید شادی کنند و شاد باشند. اینکار از تمام چیزهایی که جمع میکنند، بهتر است.» در قرآن ۱۴ بار جمله «ترسی ندارند و غصه نمی‌خورند» در باره درستکاران آمده است. آیه ۳۸ و ۶۲ و ۱۱۲ و ۲۶۲ و ۲۷۴ و ۲۷۷ بقره سوره ۲ و آیه ۱۷۰ آل عمران سوره ۳ و آیه ۶۹ مائده سوره ۵ و آیه ۴۸ انعام سوره ۶ و آیه ۳۵ و ۴۹ اعراف سوره ۷ و ۶۲ یونس سوره ۱۰ و آیه ۶۸ زخرف سوره ۴۳ و آیه ۱۳ احقاف سوره ۴۶ را ببینید.

باز فریبکاران دین فروش که از راه دین فروشی مخارج زندگی خود را تأمین میکنند مردم را فریب بدهند و فریب خوردگان بی اطلاع از قرآن به سر و سینه بکوبند و زنجیر و قمه بزنند و مثل مسیحیان و دین‌های خیالی قبل از آن خودشان را آزار بدهند و خود را از یک زندگی لذت بخش محروم کنند. مسلمانان واقعی از زندگی لذت میبرند و با مال و جانشان در راه ساختن یک دنیای پاک که در آن عدالت حکمفرمائی کند و حق هیچکس پایمال نشود کوشش می‌کنند و میدانند غم و غصه دردی را دوا نمی‌کند بلکه باید برای اجرای دستورهای خداوند در قرآن عاقلانه و متحداً و با توجه به تمام مشکلات و موانع و

امکانات خود در راه ساختن یک دنیای پاک خالی از ظلم و اضطراب کوشش کنند. بزرگترین گناه از نظر قرآن بی اطلاعی از قرآن است و دومین گناه بزرگ تفرقه داشتن در دین است چون انسان‌ها را از ساختن یک دنیای پاک باز میدارد. گناهان بزرگ گناهی است که به حقوق افراد بشر تجاوز شود یا بتی و نیمه خدائی یا خدایانی ساخته شود که با دیکتاتوری و فوق قانون بودن آنها حقوق انسان‌ها پایمال شود.

آیه ۱۵۵ تا ۱۵۷ بقره سوره ۲ روحیه مسلمانان واقعی را بیان میکند و میفرماید: «شما را به وسیله‌ای مثل ترس (ناامنی که در سراسر جهان وجود دارد) و گرسنگی (کمبود غذا و قحطی) و کم کردن از اموال و جان‌ها (عزیزان شخص) و محصولات امتحان میکنیم. در این امتحان به افراد صبری که وقتی مصیبتی به آنها رسید میگویند ما مال خدا هستیم و به سوی او بر میگردیم مژده بده. درود و رحمت خدا بر چنین افرادی است (چون با غم و غصه دردی دوا نمیشود) و چنین افرادی راه صحیح را شناخته‌اند.» چون میدانند کسی که مرده با گریه و زاری زنده نمیشود. ولی فریبکاران با فریبکاری خود دین شادی و نشاط را به دین عزا و گریه و زاری تبدیل کرده‌اند. مسلمان باید با شادی کامل در راه ساختن یک دنیای پاک که هدف تمام پیغمبران است و برای آن فرستاده شده‌اند کوشش کند. کوششی عاقلانه و با در نظر داشتن تمام موانع و تمام امکانات و با اتحاد کامل با تمام مسلمانان و تمام دینداران و تمام اصلاح‌طلبان واقعی. چون بسیاری از مدعیان اصلاح‌طلبی آن را بهانه رسیدن به قدرت قرار میدهند و با خرابکاری‌های خود میخواهند بقدرت برسند.

آیه ۱۶۹ تا ۱۷۱ آل عمران سوره ۳ میفرماید: «کسانی را که در راه خدا (در راه ساختن یک دنیای پاک) کشته شده‌اند مرده حساب نکن، بلکه زنده هستند و پیش خداوندشان روزی میخورند. نسبت به آنچه خدا از فضل خودش به آنها داده شادمانند و به کسانی که (در راه ساختن یک دنیای پاک) هنوز (کشته نشده و) به آنها نپیوسته‌اند شادی می‌کنند که ترسی بر آنها نیست و غصه‌ای ندارند. به نعمت و لطف خدا و این که خدا پاداش افراد با ایمان را ضایع نمیکند خوشحال هستند.» در صورتیکه اینان بخاطر امام حسین ع گریه میکنند که او خود از فضل خدا شادمان است.

امام حسین ع در مورد قیام خود گفت: «من روی سرمستی و ظلم و فساد قیام نکرده‌ام. من برای اصلاح امت جدّم قیام کردم تا امر به معروف و نهی از منکر کنم.» اینها اگر امام حسین ع امامشان است

باید در صدد اصلاح امت جدّ او یعنی اصلاح مسلمانان برآیند نه اینکه به سینه بکوبند و زنجیر و قمه بزنند. حماقت هم حدّی دارد.

اسلام دین شادی است «باید شاد باشند» نه اینکه مثل پیر زنان گریه و زاری کنند.

## اسلام

اسلام یعنی تسلیم کردن؛ در دین یعنی تسلیم کردن خود به خدا یعنی تسلیم خدا شدن و تسلیم خدا بودن بدون چون و چرا. چون مسلمان میدانند خدائی که جهان را با تمام قوانین آن خلق کرده، در راهنمایی خود اشتباه نمیکند و از کسی هم ترسی ندارد و به کسی هم طمع و امیدی ندارد که بخواهد دروغ بگوید.

آیه ۳۴ حج سوره ۲۲ میفرماید: «معبود شما (وجودی که باید بدون چون و چرا تسلیم و مطیع فرمانش باشید) معبود یگانه‌ای است (کس دیگری وجود ندارد که مطیع بدون چون و چرای او باشید) بنابراین تسلیم او باشید به افراد فروتن (متواضع) بشارت بده.»

آیه ۵۳ و ۵۴ زمر سوره ۳۹ میفرماید: «بگو: ای بندگان من (ای کسانی که بدون چون و چرا از دستورهای من اطاعت میکنید. چون بنده بدون چون و چرا از دستور ارباب خود اطاعت میکند) که نسبت به خودتان زیاده‌روی کرده‌اید از رحمت خدا مأیوس (ناامید) نباشید. چون خدا تمام گناهان را (به استثنای شرک) میبخشد (به شرط توبه کردن یعنی دست از آن کشیدن و کسی را در اطاعت بی چون و چرا شریک خدا نساختن) چون خدا آمرزنده و مهربان است (میداند که انسان در اثر نادانی و بنده هواهای نفسانی و خواهش‌های دل بودن خطا میکند ولی اگر توبه کند و دیگر آن‌ها را انجام ندهد خدا گناهان او را می‌بخشد. مثل تمام مشرکینی که مسلمان شدند) و به اطاعت خدا و احکام او برگردید و تسلیم (بدون چون و چرای) او باشید، قبل از اینکه عذاب سراغ شما بیاید و کسی را که به شما کمک کند پیدا نکنید.»

آیه ۱۲۵ نساء سوره ۴ میفرماید: «چه کسی دینش بهتر از دین کسی است که خود را تسلیم خدا کرده و نیکوکار است و از کیش (آئین ابراهیم) مخلصانه پیروی می‌کند. خدا ابراهیم را دوست خود گرفت.» چون مشرک نبود و مسلمان بود. آیه ۶۷ آل عمران سوره ۳ را نگاه کنید.

آیه ۱۱۲ بقره سوره ۲ میفرماید: «آری هر کس (چه مسلمان مصطلح امروزی چه غیر از آن) که خود را تسلیم (بدون چون و چرای) خدا کرد و نیکوکار بود پاداشش پیش خداوندش محفوظ است نه ترسی دارد نه غصه میخورد.»

آیه ۲۲ لقمان سوره ۳۱ میفرماید: «هر کس خود را تسلیم (دستورهای) خدا کند و نیکوکار باشد به دست‌آویز (دست‌آویز) محکمی چسبیده. عاقبت کارها با خدا است.»

آیه ۸۳ آل عمران سوره ۳ میفرماید: «آیا دنبال دینی غیر از دین خدا میگردند؟ در صورتیکه تمام کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند چه با میل و چه بدون میل تسلیم (قوانین) او هستند، و بسوی او برمیگردند.» تا حساب کارهایی را که کرده‌اند بدهند و به بهشت یا جهنم بروند.

آیه ۲۰ آل عمران سوره ۳ میفرماید: «اگر با تو بگویم که (بحث و مجادله کردند) بگو: من و پیروان من (مسلمانان) خود را تسلیم خدا کرده‌ایم. و به اهل کتاب (کسانی که به آنها کتاب دینی داده شده) بگو: آیا تسلیم (بدون چون چرای) خدا شده‌اید؟ اگر تسلیم شده‌اند بدون تردید هدایت شده‌اند (راه صحیح زندگی و ساختن یک دنیای پاک را شناخته‌اند). ولی اگر روبرگردانند (قبول نکردند و تسلیم خدا نشدند) وظیفه تو فقط ابلاغ حکم و نظر خدا است، و خدا کارهای بندگان را می‌بیند.»

آیه ۷۱ انعام سوره ۶ میفرماید: «... بگو هدایت واقعی هدایت خدا است و به ما دستور داده شده که تسلیم حکم خداوند جهانیان باشیم.»

چون راهنمایی‌ها و اظهارنظر کردن دیگران در اثر محدودیت اطلاع ایشان از تمام قوانین خدا و ترس از مخالفت دیگران و جلب خوش‌آمد دیگران خالی از اشتباه نیست.

## پیغمبر ص مسلمان بود

پیغمبر ص مسلمان و تسلیم بدون چون و چرای حکم و نظر خدا بود و کاری برخلاف آن نمی‌کرد و حرفی برخلاف آن نمی‌زد. سنت یعنی طرز کار پیغمبر پیروی بدون چون و چرا از احکام و نظرهای خدا بود. کسی که سنت (طرز کار) پیغمبر را در احادیث می‌جوید اشتباه میکند آنهم احادیثی که دو قرن یا سه قرن بعد از پیغمبر نوشته شده و پر از احادیثی است که برخلاف قرآن است.

آیه ۶۶ غافر (مؤمن) سوره ۴۰ به پیغمبر میفرماید: «بگو: من از اینکه کسانی را که غیر از خدا به کمک میخوانید عبادت کنم منع (نهی) شده‌ام. چون دلیل‌های روشنی برای اینکار برای من از طرف خداوند آمده و به من دستور داده شده که تسلیم خداوند (فرمانفرمای) کلیه افراد بشر باشم.»

آیه ۲۰ آل عمران سوره ۳ میفرماید: «اگر با تو بگویم (بحث و جدل) کردند بگو: من و پیروان من (مسلمانان) خود را تسلیم خدا کرده‌ایم.»

آیه ۱۶۲ تا ۱۶۴ انعام سوره ۶ میفرماید: «بگو: نماز من و عبادات من و زندگی من و مرگ من برای خداوند (مالک و صاحب اختیار) مردم جهان است. شریکی ندارد و چنین دستوری به من داده شده و اولین مسلمان (به قرآن) خود من هستم. بگو آیا اربابی (کارفرمائی) که به من بگویند چه کاری بکنم و چه کاری نکنم) غیر از خدا بجویم؟ در صورتیکه او ارباب (کارفرمای) هر چیز است ...»

آیه ۹۱ و ۹۲ نمل سوره ۲۷ میفرماید: «بمن دستور داده شده که فقط خداوند (مالک و صاحب اختیار و فرمانفرمای) این سرزمین را عبادت (بندگی و اطاعت بدون چون و چرا) بکنم. سرزمینی که خدا آن را محترم ساخته و هر چیزی مال او است و به من دستور داده شده که از کسانی باشم که تسلیم او هستند و قرآن بخوانم. هر کس هدایت شد به نفع خودش هدایت شده و هر کس راه را گم کرد (نشناخت) پس بگو: من فقط از کسانی هستم که افراد را از وجود خطر آگاه و برحذر میدارم.» مسئولیت گمراهی او با من نیست.

## پیغمبران همگی مسلمان بودند

نوح مسلمان بود. چون آیه ۷۲ یونس سوره ۱۰ میفرماید: «اگر قبول نکردید (روگردان شدید) من از شما مزدی نخواسته‌ام. مزد من فقط بر عهده خدا است. به من دستور داده شد که از مسلمانان (از کسانی که تسلیم بدون چون و چرای خدا هستند) باشم.»

ابراهیم مسلمان بود. چون آیه ۶۷ آل عمران سوره ۳ میفرماید: «ابراهیم یهودی و مسیحی نبود. ولی یکتاپرست و مسلمان بود...» آیه ۱۲۸ بقره سوره ۲ میفرماید: ابراهیم و اسماعیل گفتند: «خداوندا (ای ارباب و فرمانفرمای ما) ما را دو مسلمان قرار بده و از نسل ما امتی بوجود آور که تسلیم (حکم و نظر) تو باشند و آداب عبادی ما را به ما نشان بده و توبه ما را بپذیر. چون تو توبه‌پذیر مهربان هستی.»

یعقوب مسلمان بود. چون آیه ۱۳۲ بقره سوره ۲ میفرماید: «ابراهیم و یعقوب به فرزندان خود سفارش کردند که ای فرزندان من خدا برای شما دین را انتخاب کرده. فقط در حالی که تسلیم (بدون چون و چرای) او هستید از دنیا بروید.»

فرزندان یعقوب هم مسلمان بودند. چون آیه ۱۳۳ بقره سوره ۲ میفرماید: «آیا وقتی مرگ یعقوب فرا رسید حاضر بودید؟ وقتی که به فرزندانش گفت: بعد از من چه چیزی را عبادت (بندگی بدون چون و چرا) میکنید؟ آنها گفتند: معبود تو و معبود پدران تو ابراهیم و اسماعیل و اسحاق را که معبود یگانه‌ای است عبادت میکنیم و ما مسلمان (تسلیم بدون چون و چرای) او هستیم.»

یوسف هم مسلمان بود. چون آیه ۱۰۱ یوسف سوره ۱۲ میفرماید: «یوسف گفت: «خداوندا (ای ارباب و کارفرمای من) به من فرمانروائی دادی و به من تأویل خواب را یاد دادی. ای آفریننده آسمان‌ها و زمین، تو پشتیبان من در دنیا و آخرت هستی، مرا مسلمان (کسی که تسلیم بی چون و چرای تو است) از دنیا ببر، و مرا جزو افراد درستکار قرار بده.»

موسی هم مسلمان بود. چون آیه ۸۴ یونس سوره ۱۰ میفرماید: «موسی گفت: ای قوم من، اگر به خدا ایمان آورده‌اید و اگر تسلیم او هستید بر او توکل کنید.»

حواریون (شاگردان مسیح) هم مسلمان بودند. چون آیه ۵۲ آل عمران میفرماید: «چون عیسی احساس کفر از یهودیان کرد گفت: چه کسانی در راه خدا مرا یاری میکنند؟ حواریون گفتند: ما یار و مددکار خدا هستیم. به خدا ایمان آورده‌ایم، شاهد باش که ما مسلمان (تسلیم بدون چون و چرای) خدا هستیم.»

ساحران زمان فرعون که با موسی مبارزه میکردند به فرعون گفتند: «آیا غیر از این است که چون وقتی آیات خداوندمان (ارباب و کارفرمایان) برای ما آمد به آن ایمان آوردیم از ما انتقام می‌گیری؟ خداوندا (ای ارباب و کارفرمای ما که به ما میگوئی چه کاری بکنیم و چه کاری نکنیم) به ما صبر بده و ما را مسلمان (کسانی که تسلیم بدون چون و چرای تو هستند) از دنیا ببر.» (آیه ۱۲۶ سوره اعراف سوره ۷) فرعون هم گفت من مسلمانم. چون آیه ۹۰ و ۹۱ یونس سوره ۱۰ میفرماید: «... وقتی فرعون در حال غرق شدن بود گفت: من ایمان آوردم که معبودی غیر از معبود بنی‌اسرائیل وجود ندارد و من

مسلمان هستیم. (خدا به او گفت) حالا ایمان آوردی؟ در صورتیکه قبلاً نافرمانی و سرکشی میکردی و از خرابکاران بودی.»

آیه ۱۷ حجات سوره ۴۹ میفرماید: «بر تو منت میگذارند که مسلمان (تسلیم حکم و نظر خدا شده‌اند) بگو منتّ اسلامتان را بر سر من نگذارید بلکه اگر راست میگوئید (ایمان دارید و مسلمان هستید) خدا بخاطر اینکه شما را هدایت کرده بر شما منتّ دارد.»

## ایمان

ایمان از امن است. امن یعنی امنیت داشتن و خاطر جمع بودن. ایمان یعنی امن ساختن و امنیّت بخشیدن و خاطر جمع ساختن. یعنی انسان خاطر خود را جمع سازد و خاطر جمع شود و شکّ و تردیدی نداشته باشد.

آیه ۱۳۶ نساء سوره ۴ میفرماید: «ای افرادی که (به رسالت محمد ص و الهی بودن قرآن) ایمان دارید، واقعاً به خدا و رسولش و کتابی که بر رسولش نازل کرده (یعنی به قرآن) و کتابی که قبلاً نازل کرده ایمان بیاورید. کسی که به خدا و فرشتگان او و کتابهای الهی و پیغمبرانش و روز آخرت کافر شود (آنها را قبول نداشته و منکر آنها شود) بدون شکّ خیلی گمراه شده.» امروزه با پیدا شدن روابط ریاضی قرآن و با استفاده از ماشین حساب و کامپیوتر برای هیچ عاقلی شکی باقی نمی‌ماند که قرآن کار یک انسان ۱۴ قرن پیش عربستان و تمام مردم آن زمان هم نبوده و کار یک وجود بی نهایت بزرگ است. امروزه با وجود روابط ریاضی قرآن که برای هر انسانی قابل بررسی و تجربه است شکّی در اینکه قرآن کار خدا است و کلام خدا است و محمد ص رسول خدا بوده باقی نمی‌ماند.

آیه ۱۷۰ نساء سوره ۴ میفرماید: «ای مردم، پیغمبر حقیقت را از جانب خداوندتان برای شما آورد. بنابراین ایمان بیاورید. اینکار برای شما بهتر است (چون راه صحیح ساختن یک دنیای پاک را که خدا به شما نشان داده خواهید شناخت) اگر قبول نکنید (منکر آن و کافر به آن شوید) آنچه در آسمان‌ها و زمین است مال خدا است و خدا دانا و حکیم است.» دستورهایش از روی علم و حکمت است و احتیاجی به ایمان شما ندارد. این شما هستید که برای ساختن یک دنیای پاک به ایمان به راهنمایی‌های او احتیاج دارید. چون آنچه در آسمان و زمین است مال او است و احتیاجی ندارد بلکه این شما هستید که به

راهنمائی‌های او برای ساختن یک دنیای پاک احتیاج دارید تا دنیائی داشته باشید که خودتان و خانواده‌تان و تمام افراد بشر بتوانید بدون اضطراب خاطر از نامردمی مردمان زندگی کنید و از زندگی لذت ببرید. چون مطابق آیه ۲۵ حدید سوره ۵۷ همه پیغمبران برای این فرستاده شده‌اند که مردم عدالت را در تمام جهان برقرار کنند و اگر عدالت باشد کلیه حقوق انسان‌ها حفظ میشود و کسی به حقوق دیگران چشمداشت و طمع ندارد و هر چه میخواهد سعی میکند با فعالیت و کار صحیح خود بدست آورد. انسانی از کشته شدن و بی‌ناموسی افراد و دزدی و دروغگوئی و کلاهبرداری و کم‌فروشی و گران‌فروشی و فروش اجناس تقلبی و حملات هواپیماهای جنگی و کشتی‌های جنگی ترس و اضطرابی نخواهد داشت و دیگر خانه‌های مردم با بمب و موشک بر سرشان خراب نخواهد شد و سینه‌ها با مسلسل سوراخ نخواهد شد و بدن‌ها با توپ و موشک و بمب قطعه قطعه نخواهد شد و مردم برادروار با هم زندگی خواهند کرد. چون اگر دینداران بفهمند که تمام پیغمبران برای برقراری عدالت در جهان فرستاده شده‌اند با هم در راه ساختن چنین دنیائی همکاری خواهند کرد و فریب روحانی‌نماهای ادیان که با دین فروشی و فریب مردم بین آنها تفرقه می‌اندازند را نخواهند خورد و دیگران را همفکر خود خواهند دید که بجای جدال در سر مطالب بیهوده که ربطی به برقراری عدالت ندارد همه برای برقراری عدالت با هم همکاری خواهند کرد و سیاستمداران با تفرقه اندازی بین افراد بشر بنام ملت و کشور نخواهند توانست مردم را فریب دهند. چون همه توجه خواهند داشت که همه جا زمین خدا است و هیچ جای دنیا خطی برای جدائی ملت‌ها و افراد وجود ندارد و این مرزها را قدرت‌های زمان بوجود آورده‌اند و همه افراد، انسان و بنده خدا هستند و بخاطر خود حقوق دیگران را پایمال نمیکنند و با وجود اینکه دم از حقوق افراد بشر میزنند به کشورهای دیگر حمله نمی‌کنند و خانه‌های مردم را بر سر آنها خراب نمی‌کنند. ای مردم واقعاً به خدا و دستورها و راهنمائی‌های او ایمان بیاورید.

آیه ۲۸ حدید سوره ۵۷ میفرماید: «ای افراد با ایمان از (نافرمانی و عذاب) خدا حذر کنید و به پیغمبرش ایمان بیاورید تا خدا از رحمت خودش دو برابر به شما پاداش دهد و برای شما نوری قرار دهد که با آن در جامعه راه بروید (و با دیدن راه صحیح زندگی آلت دست فریبکاران دینی و سیاسی نشوند) و گناهان شما را (که در اثر نادانی انجام میدادید) برای شما بیامرزد. خدا آمرزنده و مهربان است.»



آیه ۱۰۶ یوسف سوره ۱۲ میفرماید: «بیشتر مردم درحالی به خدا ایمان می‌آورند که هنوز مشرک هستند.» چون معنی توحید و شرک را نشناخته‌اند و نمیدانند اطاعت بی چون و چرا حتی از پیغمبر خدا در اسلام شرک و بندگی غیر خدا و خلاف توحید است. چون آیه ۳۱ توبه سوره ۹ میفرماید: «دانشمندان دینی و زاهدان تارک دنیای خود و پیغمبرشان مسیح ابن مریم را ارباب (فرمانفرما و صاحب اختیار) خود گرفتند، در صورتیکه به آنها دستور داده شده بود که فقط معبود واحد را بندگی کنند (اینکار آنها خلاف توحید و بندگی خدا است. چون پیغمبران میگفتند ما پیغمبر خدا هستیم و فقط موظف هستیم پیغام خدا را به شما برسانیم و خودمان هم موظف هستیم پیغام خدا را اجرا کنیم و یک دنیای پاک بسازیم، معبودی (وجودی که از تمام دستوره‌ای او بدون چون و چرا اطاعت کنید و بنده و مطیع او باشید) غیر از خدا وجود ندارد. خدا خیلی بالاتر از این چیزهائی است که شریک او میسازند.» اینکارها در اسلام شرک و خلاف توحید است و عبادت و بندگی غیر خدا است و خدا خیلی بالاتر از این چیزها است. خدای آفریننده جهان با ۲۵۰ میلیارد کهکشان کجا و یک انسان ضعیف و محتاج که غذا میخورد و زن و بچه دارد و مازاد غذای خود را دفع میکند و مریض میشود و دچار یبوست و لنت مزاج میشود و غریزه جنسی دارد و آن را با همسر خود دفع میکند کجا؟

آیه ۱۷۷ بقره سوره ۲ میفرماید: «نیکی آن نیست که صورتتان را بطرف مشرق و مغرب برگردانید (چون مطابق آیه ۱۱۵ بقره به هر طرف رو کنید خدا آنجا است) ولی نیکوکار کسی است که به خدا و روز آخرت و فرشتگان و کتاب الهی و پیغمبران ایمان داشته باشد و مال را با وجود علاقه‌ای که به آن دارد بخاطر علاقه به خدا به خویشاوندان و یتیمان و تهیدستان و در راه ماندگان و تقاضا کنندگان و برای آزادسازی بردگان بدهد و نماز را بپا دارد و زکات بدهد و وقتی عهدهی بستند به عهد (قراردادها) ایشان وفا کنند (عهدهشکنی نکنند) و در سختی‌ها و ضررها و در موقع جنگ صبور باشند (صبر داشته باشند) چنین افرادی (در ادعای ایمان و نیکوکاری خود) راست میگویند و افراد با تقوائی هستند.»

در قرآن ایمان به خدا و روز آخرت ۴۷ بار آمده است. ایمان به فرشتگان و کتاب‌های الهی و پیغمبران برای ایمان به خدا و روز آخرت میباشد.

آیه ۸ و ۶۲ و ۱۲۶ و ۱۷۷ و ۲۲۸ و ۲۳۲ و ۲۶۴ بقره سوره ۲ و آیه ۱۱۴ آل عمران سوره ۳ و آیه ۳۸ و ۳۹ و ۵۹ و ۱۳۶ و ۱۶۲ نساء سوره ۴ و آیه ۶۹ مائده سوره ۵ و آیه ۱۸ و ۱۹ و ۲۹ و ۴۴ و ۴۵ و

۹۹ توبه سوره ۹ و آیه ۲ نور سوره ۲۴ و آیه ۳۶ عنکبوت سوره ۲۹ و آیه ۲۱ احزاب سوره ۳۳ و آیه ۲۲ مجادله سوره ۵۸ و آیه ۶ ممتحنه سوره ۶۰ و آیه ۲ طلاق سوره ۶۵ را ببینید تا متوجه شوید هر جا صحبت از روز آخرت شده، صحبت از خدا هم شده است.

آیه ۱۰۵ مائده سوره ۵ میفرماید: «ای افرادی که (به رسالت محمد ص و الهی بودن قرآن) ایمان آورده‌اید، وظیفه شما حفظ ایمان خودتان است. وقتی هدایت شده باشید (راه صحیح ساختن یک دنیای پاک را شناخته باشید) کسی که گمراه شده نمیتواند به ایمان شما ضروری بزند. بازگشت همگی شما (برای رسیدگی به حساب کارهایتان) پیش خدا است و خدا شما را از کارهائی که می‌کردید خبردار میکند.»

آیه ۱۷۰ بقره سوره ۲ میفرماید: «وقتی به افراد گفته شود از آنچه خدا نازل کرده پیروی کنید میگویند نه، بلکه ما از آنچه پدرانمان را بر آن یافتیم پیروی میکنیم، اگرچه پدرشان ذره‌ای عقل خود را بکار نبرده باشند و راه صحیح را نشناخته باشند.» کاری که در قرن ۲۱ از بیشتر مردم جهان می‌بینیم. آیه ۱۰۴ مائده سوره ۵ و آیه ۲۱ لقمان سوره ۳۱ و آیه ۲۲ و ۲۳ زخرف سوره ۴۳ را هم ببینید.

## پیروی

آیه ۱۰۶ انعام سوره ۶ و آیه ۱۰۹ یونس سوره ۱۰ و آیه ۲ احزاب سوره ۳۳ میفرمایند: «از آنچه از طرف خداوندت (فرمانفرما: کسی که به تو دستور میدهد چه کاری بکن و چه کاری نکن) به تو وحی میشود پیروی کن ....» هر فرد مسلمانی هم مثل پیغمبر موظف است از قرآنی که به پیغمبر وحی شده پیروی کند و دنیائی بسازد که مطابق آیه ۲۵ حدید سوره ۵۷ در آن عدالت برقرار باشد و به حق کسی ظلم نشود نه اینکه به نام امنیت ملی به کشورها و مردم دیگر تجاوز شود.

مسلمانان روزی بخود خواهند آمد و وظیفه خود خواهند دانست که فقط از قرآن پیروی کنند و از احادیثی که دو قرن و سه قرن بعد از پیغمبر ساخته شده پیروی نکنند و مطابق آیه ۱۰۳ آل عمران سوره ۳ که میفرماید: «همگی به قرآن بچسبید و تفرقه نداشته باشند.» و مطابق آیه ۶۴ آل عمران سوره ۳ تمام دینداران جهان را در اطاعت از دستور خدا که برقراری عدالت است به اتحاد و همکاری دعوت کنند و

اصلاح‌طلبان واقعی را که فقط بخاطر بازی‌هایی که بنام دین ساخته شده خود را بی‌دین معرفی می‌کنند آگاه سازند تا اسیر این بازی‌هایی که خلاف عقل و دین است نگردند.

آیه ۳ اعراف سوره ۷ می‌فرماید: «از قرآنی که از طرف خداوندتان به شما نازل شده پیروی کنید و از اولیائی غیر از قرآن پیروی نکنید ....» فراموش نمی‌کنیم که پیغمبر ص هم از اولیائی است که غیر از قرآن هستند. قرآن و احکام و نظرهای آن از دهان هر کسی که در آید قرآن است و آنچه خلاف قرآن است و بنام دین زده میشود خلاف قرآن است از دهان هر کسی که در آید.

آیه ۲۱ یس سوره ۳۶ می‌فرماید: «از کسانی پیروی کنید که از شما مزدی نمی‌خواهند و راه صحیح را (که خدا به آنها نشان داده) می‌شناسند.»

البته باید در نظر داشت که بیشتر مردم از روش پدران و اجداد خود که از قرآن بی‌اطلاع بودند و اسیر حرف‌هایی بودند که دکانداران دین فروش بنام دین به آنها می‌گفتند پیروی می‌کردند. چون آنها هم پیرو پدران بی‌اطلاع‌تر از خودشان بودند. هر چه به گذشته دورتری برویم این بی‌اطلاعی از قرآن بیشتر میشود. چون در زمان ابوبکر یک قرآن جمع‌آوری و نوشته شده و زمان عمر هم فقط همان قرآن بود و آنطور که می‌گویند در زمان عثمان سه و بقولی هفت قرآن نوشته شد که به استان‌ها فرستاده شده و در دست استاندار بود و مردم به آن دسترسی نداشتند. آنچه بین مردم وجود داشت همین احادیث بود که مقداری از آن ساختگی و حتی برخلاف نص صریح قرآن بود.

آیه ۱۷۰ بقره سوره ۲ و آیه ۲۱ لقمان سوره ۳۱ می‌فرمایند: «وقتی به آنها گفته شود از آنچه از طرف خداوندتان به شما نازل شده یعنی از کتاب الهی پیروی کنید، می‌گویند نه. بلکه ما فقط از آنچه پدرانمان را بر آن یافتیم (اعتقادات و روش پدرانمان) پیروی می‌کنیم. اگرچه پدرانمان ذره‌ای عقل خود را بکار نینداخته باشند و راه صحیح را نشناخته باشند.»

پیغمبر اسلام پیرو قرآن بود و کاری برخلاف قرآن نمی‌کرد و حرفی برخلاف قرآن نمی‌زد، هر حرفی که در احادیث خلاف قرآن باشد و از قول پیغمبر گفته شود تهمت به پیغمبر است. زیرا روش پیغمبر چون مسلمان بود پیروی از قرآن بود. به طرز کار و روش پیغمبر ص سنت پیغمبر ص می‌گویند.

آیه ۵۰ انعام سوره ۶ و آیه ۲۰۳ اعراف سوره ۷ و آیه ۱۵ یونس سوره ۱۰ و آیه ۹ احقاف سوره ۴۶ میفرمایند: به پیغمبر ص دستور داده میشود که «بگو: من از آنچه از اربابم (کسی که بمن میگوید چه کاری بکن و چه کاری نکن) به من وحی میشود (یعنی از قرآن) پیروی میکنم.»

هر مسلمانی اگر تسلیم و بنده و مطیع حکم و نظر خدا باشد از قرآن پیروی میکند و کاری به احادیث ساختگی ندارد. چون معیار شناختن احادیث درست قرآن است، مستقیماً سراغ قرآن میرود و وقتی بداند دین برای برقراری عدالت در اجتماعات بشری است و قرآن برای ساختن چنین دنیائی کافی است دیگر کاری به احادیث ندارد.

ولی مسلمان مطابق آیه ۱۷ و ۱۸ زمر سوره ۳۹ از بهترین سخنی که گفته شده پیروی میکند از دهان هر کسی که در آید. چون

آیه ۱۷ و ۱۸ زمر سوره ۳۹ میفرماید: «کسانی که از بندگی (اطاعت بی چون و چرای) طاغوت (هر کس که باشد) خودداری میکنند و به (اطاعت بی چون و چرای) خدا بر می گردند مژده دارند. بنابراین به بندگان من که به حرفها گوش میدهند و از بهترین حرف پیروی میکنند مژده بده. این افراد را خدا هدایت کرده (راه صحیح را به آنها نشان داده) و چنین افرادی واقعاً عاقل هستند.»

آیه ۱۶۸ و ۲۰۸ بقره سوره ۲ و آیه ۱۴۲ انعام سوره ۶ و آیه ۲۱ نور سوره ۲۴ میفرمایند: «از روش شیطان (گامهای شیطان) پیروی نکنید.» و آیه ۱۳۵ نساء سوره ۴ میفرماید: «... از دلخواه خود پیروی نکنید چون از عدالت منحرف میشوید...» و آیه ۷۷ مائده میفرماید: «ای اهل کتاب، در دینتان بناحق غلو (مبالغه و گزافگوئی) نکنید (مثل بیشتر دینداران بی اطلاع از دین) و از دلخواه افرادی که قبلاً گمراه شدند و عده زیادی را گمراه کردند و از راه راست منحرف شدند پیروی نکنید.»

آیه ۱۵۳ انعام سوره ۶ پس از اینکه در آیه ۱۵۱ و ۱۵۲ انعام ۹ سفارش میکند در سفارش دهم میفرماید: «این راه مستقیم من است از آن پیروی کنید و از راههای دیگر پیروی نکنید، چون شما را از راه من دور و پراکنده میکند...»

آیه ۳۶ یونس سوره ۱۰ میفرماید: «بیشتر مردم از گمان پیروی میکنند. در صورتیکه گمان انسان را به اندازه ذره‌ای از حقیقت بی نیاز نمیکند...» و آیه ۱۱۶ انعام سوره ۶ میفرماید: «اگر از بیشتر افرادی که در زمین هستند اطاعت کنی تو را از راه خدا منحرف می کنند. چون آنها از گمان پیروی میکنند و

فقط حدس میزنند.» بیشتر پدران و بزرگان و استادان، همینطورند چون هر چه از دیگران و استادان خود شنیده‌اند بنام حقیقت بازگو میکنند و تحقیق نمی‌کنند که ببینند آنها درست می‌گویند یا نه. مسلمان خودش قرآن را بارها و بارها تا آنجا که بتواند مطابق آیه ۲۰ مزمل سوره ۷۳ میخواند تا ببیند خداوند او چه میگوید نه اینکه دیگران بنام او چه گفته‌اند و میگویند. اگر مسلمانان این وظیفه خود را انجام دهند و قرآن را به زبانی که می‌فهمند خدا چه میگوید بخوانند دیگر با هم اختلافی پیدا نمیکنند. چون اگر در فهم آن اشتباهی بکنند از دیگران صحیح آن را میشنوند و اشتباه خود را رفع میکنند و اختلافی نخواهند داشت تا در نتیجه آن بجان هم بیفتند و از ساختن یک دنیای پاک غافل شوند، همانطور که تا به حال غافل شده‌اند.

مسلمان قرآن را برای شناختن راهی که خدا برای ساختن یک دنیای پاک به او نشان داده میخواند. برای ساختن دنیائی که عدالت در آن حکمرمائی کند و نشانی از ظلم و اجحاف و تبعیض بیجا در آن نباشد و حق واقعی هیچکس پایمال نشود نه اینکه خانه‌ها بر سر ساکنان آن خراب شود.

مسلمان میداند که انسان مطابق آنچه قرآن میگوید خودخواه، عجول و شتاب زده، پول پرست و مقام پرست و شهوت پرست و شهرت پرست و جاهل و حق ناشناس و .... میباشد. مقاله شناخت انسان را دوباره بخوانید تا ببینید که قرآن حتی با یک صفت خوب هم از انسان صحبت نمیکند. لذا این انسان باید درست تربیت شود و از بچگی غیر از تربیت اخلاقی و دینی باید با حرفه‌ای و علمی آشنا شود تا بتواند از راه صحیح درآمدی برای تأمین مخارج زندگی داشته باشد و بداند که احتیاجات طبیعی انسان بسیار محدود است و با شناختن علمی و حرفه‌ای خیلی بیشتر از آن بدست خواهد آورد و احتیاجی به تعدی و تجاوز به حقوق دیگران ندارد که دنیا و آخرت خود را خراب کند.

آیه ۵۴ و ۵۵ زمر سوره ۳۹ میفرماید: «به سوی خدا (به اطاعت از خدا) برگردید و قبل از اینکه عذاب برای شما بیاید و هیچکس به شما کمک نکند تسلیم خدا باشید. و از بهترین چیزی که از طرف خداوندتان (فرمانفرمایان که به شما میگوید چه کاری بکنید و چه کاری نکنید) برای شما نازل شده پیروی کنید، قبل از اینکه عذاب ناگهانی سراغ شما بیاید و شما متوجه آن نباشید.»

# هدایت

مسلمان در نماز خود روزانه لااقل ۱۰ بار یا ۱۷ بار میگوید: «خداوندا، ما را به راه راست هدایت فرما.» نمیگوید: «خداوندا مرا به راه راست هدایت فرما.» چون مسلمان میداند تا مردم راه راست ساختن یک دنیای پاک را ندانند در راه ساختن آن اقدام نمیکند و متحد نمی‌شوند.

خداوند این دعای آنها را اجابت کرده و در آیه ۲ بقره سوره ۲ (پس از سوره حمد که این آیه در آن است) میفرماید: «بدون تردید این کتاب (یعنی قرآن) که شکی در الهی بودن (درست بودن) آن نیست راهنمای پرهیزگاران است.» و در آیه ۱۸۵ بقره میفرماید: «ماه رمضان ماهی است که قرآن در آن نازل شده، قرآنی که راهنمای مردم و دلیل‌های روشنی از هدایت و جدا کننده (حق و باطل) است...» کلمه مردم شامل کلیه افراد بشر حتی کودکان‌ترین افراد هم میشود، چون آنها هم انسان و جزو مردم میباشند. و فریبکاران دین فروش به مردم دروغ گفته‌اند که شما قرآن را نمی‌فهمید. امروزه قرآن به تمام زبان‌های زنده دنیا ترجمه شده و هر کس به هر زبانی که میداند میتواند قرآن را بخواند و از راهنمایی‌های آن استفاده کند، و بداند که تمام پیغمبران مطابق آیه ۲۵ حدید سوره ۵۷ برای این فرستاده شده‌اند که مردم عدالت را در جهان برقرار کنند. و میداند مردم با هر دینی که دارند باید برای اینکار متحد شوند و در جزئیات و آداب و تشریفات که ربطی به عدالت ندارد از آداب و تشریفات و مراسم دینی خود پیروی کنند. چون آیه ۴۸ مائده سوره ۵ پس از اینکه میگوید در تورات و انجیل هدایت و نور وجود دارد و قرآن مصدق (تصدیق کننده) آنها و نگهبان آنها است میفرماید: «مطابق آنچه خداوند نازل کرده حکم کن و از دلخواه آنان پیروی نکن. (چون افراد خود خواهند و میخواهند مردم به نفع آنها نظر بدهند اگرچه بر خلاف حق و عدالت باشد). برای هر یک از شما (یهودیان و مسیحیان و مسلمانان) راه و رسمی (آداب و تشریفات) قرار دادیم. اگر خدا میخواست شما را امت واحدی میکرد (مثل تمام انواع موجودات زنده، که هر دسته آنها مثل هم زندگی میکنند و لانه میسازند و بچه‌های خود را پرورش میدهند). ولی میخواهد شما در آنچه به شما داده (با کتاب الهی خودتان که ادعا میکنید آن را قبول دارید) امتحان کند. بنابراین در کارهای خیر از هم جلو بزنید. بازگشت همه شما (برای رسیدگی به حساب کارهایی که کرده‌اید) پیش خدا است و خدا شما را از آنچه در آن اختلاف نظر داشتید آگاه (با خبر) میکند.» لذا در جزئیات هر دسته از شما مطابق

راه و رسم و آداب و تشریفات و مراسم دینی خود عمل کنید ولی در ساختن یک دنیای پاک که در آن عدالت برقرار باشد و حق کسی پایمال نشود با هم متحد شوید و همکاری کنید.

آیه ۹ اسراء (بنی اسرائیل) سوره ۱۷ میفرماید: «این قرآن مردم را به بهترین راه هدایت میکند و به افراد با ایمانی که کار صحیح میکنند مژده میدهد که پاداش بزرگی دارند.» بهشت با تمام نعمت‌هایش در آخرت و یک دنیای پاک که بدون دلهره و اضطراب و ترس و وحشت در آن زندگی کنند در زندگی دنیای خود. چون وقتی عدالت باشد دیگر تجاوز به حقوق افراد و قتل و دزدی و زنا و فریبکاری و جنگ و ... وجود نخواهد داشت و خانه‌های مردم بر سر آنها خراب نخواهد شد و بدن‌ها قطعه‌قطعه نخواهد شد.

آیه ۶۹ عنکبوت سوره ۲۹ میفرماید: «کسانی که در راه ما کوشش میکنند ما راه‌های خودمان را به آنها نشان می‌دهیم. چون بدون تردید خدا با افراد نیکوکار است.» کسانی که در راه خدا کوشش میکنند شرط اول آن این است که قرآن بخوانند تا بدانند خدا چه راهی برای ساختن یک دنیای پاک که در آن راحت باشند به آنها نشان داده تا از آن پیروی کنند و یک دنیای پاک بسازند.

امروزه با وجود وسائل امروزی و استفاده از چاپ و فتوکپی و تلفن و اینترنت و رادیو و تلویزیون و فیلم و CD , DVD , E.Mail زمینه ساختن یک دنیای پاک براحته فراهم است و در عرض یک روز میتوان دنیا را رفته رفته با حقیقت دین و هدف واقعی دین که ساختن دنیای پاکی است که در آن عدالت برقرار باشد و حق کسی پایمال نشود آگاه ساخت همانطوری که امروزه اخبار هر کشوری در عرض یک روز میتواند به سراسر جهان و به تمام زبان‌های دنیا مخابره شود. مردم با آشنائی با هدف دین که ساختن یک دنیای پاک است کم‌کم متحد خواهند شد و با شرکت در انتخابات بدون جنگ و خونریزی نمایندگان را به مجلس خواهند فرستاد که در راه بسط عدالت قانون بگذرانند. در این راه میلیونرها و میلیاردرهائی که نمیدانند با مال خود چه کنند سرمایه‌گذاری خواهند کرد و سعادت خود و خانواده خود و کلیه افراد بشر را فراهم خواهند کرد و از کار خود و خدمتی که بخود و خانواده خود و کلیه افراد بشر میکنند لذت خواهند برد.

آیه ۱۲۰ بقره سوره ۲ و آیه ۷۱ انعام سوره ۶ میفرمایند: «هدایت خدا هدایت واقعی است.» چون خدائی که جهان را با تمام قوانین آن خلق کرده و از احتیاجات و غرائز بشر اطلاع کامل دارد در راهنمائی خود و نشان دادن راه صحیح زندگی اشتباه نمیکند. در صورتیکه انسان‌ها در اثر محدودیت معلومات خود

و ترس از تهدیدهای مخالفین و خوش آمدگویی‌های موافقین از گفتن حقایقی که میدانند خودداری می‌کنند و بقول آیت‌الله مطهری «زبان در کام می‌کشند و پای در دامن می‌پیچند». فراموش نکنیم بزرگترین دانشمندان هم در اثر محدودیت معلومات خود در بسیاری از مواقع اشتباه میکنند و آنکس که خطا نمیکند فقط خدا است و بس.

انسان‌ها بخاطر محدودیت معلومات خود و حفظ منافع ظاهری خود معمولاً اظهارنظرهای اشتباهی میکنند، همانطور که آیه ۲۹ غافر (مؤمن) سوره ۴۰ میفرماید: «... فرعون گفت: چیزی غیر از آنچه (به صلاح شما) می‌بینم نمی‌گویم و فقط شما را به راه راست هدایت میکنم.» و آیه ۳۸ غافر سوره ۴۰ میفرماید: «کسی که (به حرفهای موسی) ایمان آورده بود گفت: ای قوم من، از من پیروی کنید. من شما را به راه راست هدایت میکنم.»

چون انسان‌ها با مغز خود و با توجه به منافع واقعی یا خیالی خود فکر می‌کنند. چون چاره‌ای غیر از آن ندارند. اگر معلومات آنها ناقص یا غلط باشد نتیجه‌گیری آنها غلط خواهد بود. مثل اینکه در یک حساب معلومات غلطی یا ناقصی به افراد بدهند. هر چند که راهی که او در محاسبه پیش میگیرد درست باشد، جوابی که به دست می‌آورد غلط است چه رسد به آنکه در راهی که برای محاسبه پیش میگیرد یا در حساب خود اشتباه کند.

آیه ۵۰ قصص سوره ۲۸ میفرماید: «... چه کسی گمراه‌تر از کسی است که بدون اینکه راه صحیح خدائی را بشناسد از دلخواه خود پیروی کند. چون خدا افراد ظالم را هدایت نمیکند.» چون چنین افرادی کاری به حقیقت ندارند و بنده دلخواه‌های حیوانی خود هستند. چون انسان مثل هر جاندار می‌باشد که تابع هواهای نفسانی خود و دلخواه خود می‌باشد مگر اینکه درست تربیت شود و راه صحیح را بشناسد. البته بسیاری از افراد در راهنمایی خدا شک میکردند ولی روابط ریاضی قرآن امروزه به هر آدم عاقلی که اهل فکر و حساب باشد ثابت میکند که قرآن کار خدا و راهنمایی‌های آن راهنمایی‌های خدائی است که جهان را با تمام قوانین آن و انسان را با تمام احتیاجات و توانائی‌ها و غرائز آن آفریده.

آیه ۱۷۸ اعراف سوره ۷ میفرماید: «هر کس را که خدا (مطابق قوانین خود که در جهان گذاشته) هدایت کند هدایت شده و هر کس را (مطابق قوانین خود که در جهان گذاشته) گمراه کند ضرر کرده.» میدانیم که خدا دارای هوس‌های انسانی و دوستی‌ها و دشمنی‌ها و خویشاوندی‌ها نیست و به کسی ظلم



نمی‌کند بلکه عادل است و مطابق قوانینی که خودش در جهان گذاشته با انسان‌ها رفتار میکند چه با فهم و شعور رفتار کنند و چه عمداً چه سهواً رفتار کنند. بچه‌ای که نمیداند اگر دست به آتش بزند دستش میسوزد. اگر کسی سهواً و ندانسته و روی غفلت دست به آتش یا جسم داغی بزند دستش میسوزد و اگر کسی عمداً و با توجه کامل به آتش یا جسم داغی دست بزند دستش میسوزد.

افراد بشر چه از روی نادانی و چه با توجه کامل اگر بتی از انسان‌ها بسازند نتیجه آن را که بی عدالتی آنها است خواهید دید. همانطور که در قرون ۲۰ و ۲۱ می‌بینیم که با بت ساختن یک نفر و اطاعت از نظرهای او و اطرافیانش چه بلایی به سر عالم آمد و چه انسان‌های بیگناهی کشته شدند و چه خانه‌هایی خراب شد و وضع اقتصادی دنیا به چه گندابی کشیده شد. نتیجه اینکارهای انسان‌ها را در گوشه و کنار و سراسر دنیا می‌بینیم. اگر کمی دقت کنیم آن را در سراسر جهان می‌بینیم. آیه ۵۷ بقره سوره ۲ و آیه ۱۱۷ آل عمران سوره ۳ و آیه ۱۶۰ اعراف سوره ۷ و آیه ۷۰ توبه سوره ۹ و آیه ۴۴ یونس سوره ۱۰ و آیه ۱۱۸ نحل سوره ۱۶ و آیه ۴۰ عنکبوت سوره ۲۹ و آیه ۹ روم سوره ۳۰ و آیه ۷۶ زخرف سوره ۴۳ می‌فرمایند: «خدا به انسان‌ها ظلم نمی‌کند ولی انسان‌ها (در اثر نادانی کاری میکنند که) بخودشان ظلم میکنند.»

میدانیم که هیچکس نمی‌خواهد بخودش ظلم کند ولی انسان‌ها در اثر نادانی معمولاً کارهایی میکنند که بخودشان لطمه می‌زند.

باید توجه داشت اگر کسی به سر دیگری سنگی بزند مطابق قانونی که در طبیعت گذاشته شده سر خودش نمی‌شکند یا درد نمی‌آید بلکه سر کسی که سنگ به آن خورده میشکند و یا درد می‌آید. یا اگر کسی بمبی به خانه کسی بیندازد خانه خودش خراب نمیشود بلکه خانه کسی که بمب به آن انداخته شده خراب میشود.

این را میدانیم ولی باز توجه نداریم که اگر افراد ظالم وجود داشته باشند به دیگران ظلم میکنند. اگر بخواهیم ظلمی به کسی نشود باید ظالمی وجود نداشته باشد و افراد عادل باشند و حقوق دیگران را رعایت کنند ولی در اثر غفلت و نادانی به این امر روشن توجه نداریم و کاری برای آن نمی‌کنیم و نتیجه آن را می‌بینیم.

آیه ۱۱ رعد سوره ۱۳ میفرماید: «تا مردم آنچه را مربوط به خودشان است (طرز فکر و طرز عمل خود را) تغییر ندهند خدا وضع آنها را تغییر نمیدهد.»

در قرآن ۳۰۵ بار صحبت از هدایت (راهنمایی: نشان دادن راه) و راهنما شده است.

آیه ۵۴ حج سوره ۲۲ میفرماید: «تا کسانی که به آنها دانش داده شده (با قرآن آشنائی دارند) بدانند که قرآن حق (درست) و از جانب خداوند (مالک و فرمانفرمای) پیغمبر می‌باشد و دل‌هایشان نرم شود و بدانند که خدا افراد با ایمان را به راست هدایت می‌کند.» چرا شما قرآن را نخوانید و با احکام و راهنمایی‌های آن آشنا نشوید و دیگران را آشنا نکنید و دنیای پاکی نسازید؟ چرا و چرا؟ و باعث سعادت خودتان و خانواده خودتان و تمام افراد بشر نشوید؟ اینکار با وسائل امروزی کار ساده‌ای است چه فهم قرآن توسط اینترنت چه فهماندن آن بوسیله وسائل ارتباط جمعی امروزی.

چون از آیات بهشت و دوزخ می‌فهمی که انسان پاداش و جزای کارهای خود را دقیقاً در دنیا و آخرت می‌بیند و از داستان‌های قرآن و جنگی که مردم با پیغمبران داشتند متوجه می‌شوی که بعضی از افراد که اکثریت اجتماع را تشکیل میدهند به عقاید آباء و اجداد خود دلبستگی دارند و به هیچ وجه حاضر نیستند از آن دست بردارند هر چند عقاید آنها بر پایه وهم و خیال باشد.

چون آیه ۸۵ بقره سوره ۲ میفرماید: «... آیا به بعضی از (آیات و دستورهای) کتاب الهی ایمان می‌آورید و بعضی را قبول ندارید؟ ...» بطوری که می‌گویند ۴ هزار مسئله در باره نماز می‌تراشند ولی در باره عدالت که هدف دین است و راه اجرای آن صحبتی نمیکنند. نمازی که از فروع دین یعنی از جزئیات است و هدف دین نیست بلکه برای تربیت انسان‌ها جهت ساختن یک دنیای پاک است. همانطور که آیه ۱۴ طه سوره ۲۰ میفرماید خدا به موسی فرمود: «من خدا هستم معبودی (کسی که از تمام دستورهای او بدون چون و چرا اطاعت کنی) غیر از من وجود ندارد. بنابراین فقط بندگی مرا بکن (اطاعت بی چون و چرای مرا بکن. چون بنده از دستورهای اربابش بدون چون و چرا اطاعت میکند. در اسلام اطاعت بدون چون و چرا از کسی غیر از خدا مطابق آیه ۳۱ توبه سوره ۹ شرک است و بندگی غیر خدا خلاف توحید است) و نماز را برای اینکه یاد من باشی (و کاری برخلاف دستورهای من انجام ندهی) برپا دار.» و آیه ۴۵ عنکبوت سوره ۲۹ میفرماید: «آنچه از کتاب (قرآن) به تو وحی شده تلاوت کن و نماز را برپا دار چون

نماز انسان را از کارهای زشت و ناپسند باز میدارد و یاد خدا بزرگتر است. خدا کارهایی را که می‌کنید میداند.»

آیه ۸۵ بقره سوره ۲ میفرماید: «... آیا به بعضی از (آیات و دستورهای) کتاب الهی ایمان می‌آورید و بعضی را قبول ندارید؟ جزای کسانی از شما که چنین کاری کنند در دنیا خواری است (اسیر دست دیکتاتوران و اطرافیان آنها میشوند) و روز قیامت به دست شدیدترین عذابها سپرده میشوند. خدا از کارهایی که میکنید غافل نیست.» اگرچه خودتان به آن توجه نداشته باشید. درست است که این آیه به یهودیان چنین حرفی میزند ولی این یک قاعده کلی است. همانطور که آیه ۴۴ بقره میفرماید: «آیا دیگران را به نیکی امر میکنید و فراموش میکنید که خودتان هم باید آن را انجام دهید؟ در صورتیکه کتاب الهی را میخوانید!!!! آیا فکر نمی‌کنید و عقل خود را بکار نمی‌اندازید و این حقیقت واضح را تشخیص نمی‌دهید؟» چون عقل وسیله تشخیص درست از غلط و حق از باطل است.

## ضلالت

آیه ۷۷ مائده سوره ۵ میفرماید: «... از دلخواه عده‌ای که قبلاً گمراه شدند و عده زیادی را گمراه کردند و از راه راست منحرف شدند پیروی نکنید.» متأسفانه در تمام دین‌ها مردم از گمراهانی که از تعالیم واقعی دین منحرف شدند و از منحرفان قبلی خود پیروی کردند، پیروی میکنند و «یکدسته افکار سست و واهی و بی اثر» را که ربطی به هدف ارزشمند دین ندارد بنام دین پذیرفته‌اند و آن را به نام دین بازگو میکنند. افکاری که در کتاب دینی ادیان مختلف اثری از آن نمی‌بینیم بلکه برخلاف تعالیم و دستورها و نظریات صریح کتاب آسمانی آنها است.

آیه ۱۱۶ نساء سوره ۴ میفرماید: «خدا شرک به خودش را نمی‌بخشد و غیر از آن را برای کسی که بخواهد می‌بخشد. کسی که به خدا شرک بیاورد مسلماً خیلی گمراه شده است.»

آیه ۱۳۶ نساء سوره ۴ میفرماید: «ای افرادی که (به رسالت محمد ص و الهی بودن قرآن) ایمان آورده‌اید، به خدا و پیغمبرش و قرآنی که خدا به پیغمبرش نازل کرده و کتابی که قبلاً نازل کرده ایمان بیاورید. کسی که منکر خدا و فرشتگان او و کتابهای الهی و پیغمبران خدا و روز آخرت شود خیلی گمراه شده است.» چون پیغمبران برای این فرستاده شده‌اند که مردم عدالت را در جهان برقرار کنند و حق

واقعی هیچ انسانی پایمال نشود. هیچ آدم عاقلی با این هدف مخالفت نمیکند. مخالفت آنها بخاطر شناختن دین و کارهائی است که افراد بی اطلاع بنام دین انجام میدهند که خلاف دین میباشد. وظیفه افراد مسلمان که تسلیم حکم و نظر خدا هستند این است که این افراد را با نرمی و ملایمت با حقیقت دین آشنا کنند.

آیه ۱۶۷ نساء سوره ۴ میفرماید: «کسانی که کافر شدند (منکر رسالت پیغمبران شدند) و مردم را از راه خدا باز داشتند خیلی گمراه شده‌اند.» چون ملاک تشخیص آنها کاملاً غلط بوده و دین را از روی کارهای افراد بی اطلاع از دین شناختن ملاک کاملاً غلطی است. چون آنها فریب دین فروشان را خورده‌اند. آیه ۶۶ و ۶۷ احزاب سوره ۳۳ میفرماید: «روزی که صورتشان در آتش برگردانده شود میگویند: ای کاش ما از خدا و پیغمبر اطاعت میکردیم. و گفتند (خواهند گفت): خداوندا، ما از آقایان و بزرگانمان پیروی کردیم، آنها ما را گمراه کردند.» می‌بینیم که پیروی و اطاعت از گفته بزرگان دلیل درستی راه نیست و مجازات آن عذاب ابدی آتش جهنم است. چون خدا به انسان عقل داده که درست و غلط را تشخیص دهد.

آیه ۴۱ زمر سوره ۳۹ میفرماید: «ما قرآن را برای هدایت مردم به حق بر تو نازل کردیم. هر کس هدایت شد به نفع خودش است و کسی که گمراه شد بر ضرر خودش است و تو وکیل آنها نیستی.» امروزه مردم سواد خواندن و نوشتن دارند و امروزه قرآن به تمام زبانهای دنیا ترجمه شده و هر کس میتواند آن را به زبانی که می‌فهمد بخواند و از دستورها و نظرهای خدا برای ساختن یک دنیای پاک اطلاع پیدا کند.



آیه ۳۶ اسراء سوره ۱۷ میفرماید: «از آنچه نمیدانی پیروی نکن. چون گوش و چشم و دل در باره آن مورد بازخواست قرار می‌گیرند.»

آیه ۱۲۰ بقره سوره ۲ میفرماید: «یهودیان و مسیحیان تا از آیین آنها پیروی نکنی از تو راضی نمی‌شوند. بگو هدایت خدا هدایت واقعی است. اگر بعد از اینکه علم برای تو آمد (علم برای تو حاصل شد

و حقیقت را دانستی) از دلخواه آنان پیروی کنی در مقابل خدا هیچ یار و یابری برای تو وجود نخواهد داشت.»

علت راضی نشدن آنها این است که هر انسانی فکر میکند راهی که انتخاب کرده درست است و دیگران اشتباه میکنند. چون هر انسانی با معلوماتی که در ذهن خود دارد فکر می‌کند و نمیداند که ممکن است که معلومات او ناقص یا غلط باشد.

آیه ۱۴۵ بقره سوره ۲ میفرماید: «هر دلیلی که برای اهل کتاب بیاوری از قبله تو پیروی نمی‌کنند (چون با معلومات غلط یا ناقص خود فکر میکنند و نمیدانند مطابق آیه ۱۱۵ بقره: «به هر طرف رو کنید خدا همان جا هست.») تو نیز پیرو قبله آنها نیستی. آنان (یعنی یهودیان و مسیحیان) هم از قبله هم پیروی نمیکنند (قبله‌های آنها مختلف است) اگر بعد از اینکه علم برای تو حاصل شد از دلخواه و میل آنان پیروی کنی ظالم خواهی بود و ظلم کرده‌ای.»

آیه ۸ حج سوره ۲۲ میفرماید: «عده‌ای از مردم بدون اینکه علم و راهنما و کتاب روشن کننده‌ای داشته باشند در باره خدا بحث و بگومگو میکنند.» امروزه روابط ریاضی قرآن برای هر عاقلی روشن میکند که قرآن کلام خدا و محمد ص پیامبر خدا است و قرآن کار یک انسان بیسواد و حتی تمام مردم عربستان ۱۴ قرن پیش نبوده و امروزه هم با استفاده از قوی‌ترین کامپیوترها نمیتوانند نظیر آن را بسازند و بیاورند، چه رسد به یک مرد بیسواد ۱۴ قرن پیش عربستان. امروزه وجود خدا با بررسی روابط ریاضی قرآن برای هر عاقلی قابل تجربه است.

آیه ۵۴ حج سوره ۲۲ میفرماید: «تا دانشمندان بدانند که قرآن حق (درست) و از جانب خداوند (فرمان‌فرمای) تو میباشد تا به آن ایمان بیاورند و دل‌های آنها در مقابل آن نرم شود. و خدا افراد با ایمان را به راه راست (ساختن یک دنیای پاک) هدایت میکند.»

آیه ۲۳ جاثیه سوره ۴۵ میفرماید: «آیه کسی را که دلخواه خود را معبود خود ساخت دیدی که خدا روی علم او را گمراه کرده و بر گوش و دلش مهر نهاده (مهر تعصب به معلومات غلط و ناقص خودش) و پرده‌ای بر چشمش قرار داده؟ (پرده تعصب و اعتماد به معلومات غلط و ناقص خودش) چه کسی بعد از خدا (میتواند) او را هدایت کند؟ آیا متوجه نمیشوید؟»

آیه ۱۹ آل عمران سوره ۳ میفرماید: «دین پیش خدا اسلام است (تسلیم حکم و نظر خدا بودن است نه تسلیم حکم و نظر عالم نمایان بودن). اهل کتاب (کسانی که به آنها کتاب الهی داده شده) فقط بعد از اینکه علم برای آنها حاصل شد (حقیقت را دانستند) از روی حسادت و ظلم (بخاطر منافع شخصی و ریاست طلبی) (در باره آن) اختلاف پیدا کردند. کسی که منکر آیات خدا شود، خدا حسابرس سریعی است.» به سرعت به حسابش رسیدگی میکند. چون دنیا محل عمل و عکس العمل است و هر عملی نتیجه‌ای درست متناسب با آن دارد. همانطور که می‌بینیم دنیا در اثر انکار کتاب‌های الهی و پیروی از عالم نماها و سیاست بافان در شرک و کفر میلولد و اسیر دست دیکتاتوران دینی و سیاسی است و بجای پیروی از احکام کتاب الهی پیرو دیکتاتوران هستند و بدون چون و چرا از دستورهای آنها پیروی میکنند. چون اگر نکنند به جرم تخلف از قانون مجازات میشوند. تا دینداران واقعی با هم متحد نشوند و از احکام کتاب الهی پیروی نکنند وضع همین که هست خواهد بود و فقط فرمانفرمایان عوض میشوند. چه این فرمان توسط رهبر انقلاب باشد چه از طرف رهبر کودتا چه از طرف مجلس که در حقیقت از فرمان و نظر یک نفر پیروی میکنند. در تمام این قوانین و احکام نفع شخصی فرمان‌روا و اطرافیانش منظور شده.

آیه ۲۴ جاثیه سوره ۴۵ میفرماید: «گفتند: فقط زندگی، زندگی دنیائی است، می‌میریم و زنده می‌شویم و فقط روزگار ما را هلاک میکند. به آن علمی ندارند و فقط گمان میکنند.»

آیه ۳۰ نجم سوره ۵۳ میفرماید: «این مقدار علم و دانش آنها است. خداوند تو کسانی را که از راهش گمراه شده‌اند و افرادی را که راه صحیح (ساختن یک دنیای پاک) را شناخته‌اند بهتر می‌شناسد.»

## توکل

آیه ۱۵۹ آل عمران سوره ۳ به پیغمبر میفرماید: «به لطف و رحمت خدا با آنها نرمی (ملایمت) بخرج دادی. اگر خشن و سنگدل بودی از اطرافت پراکنده میشدند. آنها را ببخش و برای آنها از خدا طلب آمرزش کن و در کارها با آنها مشورت کن و وقتی تصمیمی گرفتی بخدا توکل کن. چون خدا افرادی را که به او توکل می‌کنند دوست دارد.» پیغمبر مشغول مبارزه خود در راه ساختن یک دنیای پاک که در آن عدالت حکمفرمائی کند، بود و در آنجائی که از دست او خارج بود و نمیدانست چه پیش خواهد آمد به

خدا توکل میکرد. مسلمانان هم در مبارزات خود در راه ساختن یک دنیای پاک باید بر خدا توکل کنند، چون نمیدانند در راه مبارزات خود راه صحیح را پیش گرفته‌اند یا نه.

آیه ۱۲ ابراهیم سوره ۱۴ میفرماید: «پیغمبران گفتند: چرا ما به خدا توکل نکنیم، در صورتی که خدا راه‌های ما را به ما نشان داده و در مقابل اذیتی که به ما کرده‌اید صبر میکنیم. توکل کنندگان به خدا توکل میکنند.» می‌بینیم که مبارزات خود را در راه نشر دین و ساختن یک دنیای پاک ادامه میدادند و در آنجایی که از عاقبت کار خود اطلاع نداشتند به خدا توکل میکردند.

آیه ۴۸ احزاب سوره ۳۳ میفرماید: «از افراد کافر (که منکر رسالت هستند) و از منافقین اطاعت نکن و توجهی به اذیت‌های آنها نکن و به خدا توکل کن. چون خدا برای وکالت کافی است.» پیغمبر ص مبارزات خود را در راه ساختن یک دنیای پاک ادامه میداد و به خدا توکل میکرد.

آیه ۸۴ یونس سوره ۱۰ میفرماید: «موسی گفت: ای قوم من، اگر بخدا ایمان دارید و تسلیم حکم و نظر او (و مسلمان) هستید بر خدا توکل کنید.»

آیه ۷۱ یونس سوره ۱۰ میفرماید: «داستان نوح را به آنها بگو، وقتی که به قومش گفت: ای قوم من، اگر تذکرات من در باره آیات خدا و مقام من برای شما سنگین است من به خدا توکل کرده‌ام (چون از آینده و عاقبت کار اطلاع ندارم). بنابراین فکر خود را جمع کنید و تصمیم و کارتان در باره من پوشیده نباشد، بعد در باره من حکم و قضاوت کنید و تصمیم بگیرید و مهلتی به من ندهید.» او کار و کوشش خود را در راه دین میکرد و چون از آینده و نتیجه کار خود اطلاع نداشت به خدا توکل میکرد.

آیه ۸۸ هود سوره ۱۱ میفرماید: «شعیب گفت: ای قوم من، اگر من بر دلیل روشنی از جانب خداوند باشم و خدای من روزی خوبی به من داده باشد نظر شما چیست؟ (چه میگوئید؟) من در آنچه شما را از آنچه نهی میکنم نمی‌خواهم با شما مخالفتی بکنم. من فقط خواستار اصلاح جامعه هستم، آنهم تا آنجا که از دستم برآید. موفقیت من فقط با خدا است. بر او توکل کرده‌ام و به سوی او بر میگردم.» مبارزه خود را میکرد و چون از نتیجه کار اطلاع نداشت به خدا توکل میکرد.

## اطاعت

آیه ۲۸ کهف سوره ۱۸ میفرماید: «... از کسی اطاعت نکن که دلش را از ذکر (یادآوری) خودمان غافل (بی‌توجه) کرده‌ایم و از دلخواه خود پیروی می‌کند و کار او روی افراط است.»

آیه ۵۲ فرقان سوره ۲۵ میفرماید: «از افراد بی‌ایمان (کافر) اطاعت نکن و با آنها مبارزه بزرگی انجام بده.»

آیه ۴۸ احزاب سوره ۳۳ میفرماید: «از افراد بی‌ایمان و منافق اطاعت نکن و توجهی به ادیت‌های ایشان نداشته باش و به خدا توکل کن. خدا برای وکالت کافی است.»

آیه ۳۲ و ۱۳۲ آل عمران سوره ۳ و آیه ۹۲ مائده سوره ۵ و آیه ۱ و ۲۰ و ۴۶ انفال سوره ۸ و آیه ۵۴ نور سوره ۲۴ و آیه ۳۳ محمد سوره ۴۷ و آیه ۱۳ مجادله سوره ۵۸ و آیه ۱۲ تغابن سوره ۶۴ میفرمایند: «از خدا و رسولش اطاعت کنید.»

آیه ۵۹ نساء سوره ۴ میفرماید: «ای افرادی که (به رسالت محمد ص و الهی بودن قرآن) ایمان دارید از خدا و رسول و اولیای امور مسلمانان (که از شما و مثل شما تسلیم حکم و نظر خدا هستند) اطاعت کنید. اگر در مورد چیزی (با اولیای امور) اختلاف نظر (کشمکش) دارید، آن را به خدا و رسول برگردانید (نه به اولی الامر: اولیای امور) اگر به خدا و روز آخرت ایمان دارید. اینکار بهتر و خوش عاقبت‌تر (و از نظر برگرداندن به اصل بهتر) است.»

می‌بینیم که در سه دستور اول اطاعت از خدا و رسول و اولیای امور مسلمان است ولی در صورت اختلاف نظر و کشمکش آن را باید به خدا و رسول برگرداند نه به اولیای امور. اگر اختلاف در باره دعوای شخصی است باید به قاضی اسلامی که مسئول قضاوت در کار مردم است برگرداند، ولی می‌بینیم که صحبت از برگرداندن به او در کار نیست، بلکه در مورد اختلاف با حکم و نظر اولیای امور است، که باید آن را به خدا و رسول برگرداند. چون خدا در دین قانونگذار اصلی است و پیغمبر هم از وحیی که به او شده اطلاع کامل داشته و خداوند در قرآن در آیه ۶ اعلی سوره ۸۷ به پیغمبر میفرماید: «قرآن را بر تو میخوانیم (قدرت خواندن آن را به تو می‌دهیم) و تو آن را فراموش نمی‌کنی.» لذا پیغمبر قرآن را میدانست و آن را فراموش نمی‌کرد. اما امروزه پیغمبر در میان ما نیست که به او مراجعه کنیم ولی



پیغمبر مسلمان و پیرو قرآن و مطیع حکم و نظر خداوند که در آن است بود و حرفی برخلاف آن نمی‌زد و کاری برخلاف آن نمی‌کرد. برای اینکه افراد بدانند حکم و نظر اولیای امور موافق قرآن یا برخلاف آن است باید قرآن را بدانند تا بتوانند حکم و نظر اولیای امور را با آن «ارزیابی» کنند. همانطور که آیت‌الله بهشتی در مورد «توحید در سرسپردگی و اطاعت» در صفحه ۱۳۲ کتاب «خدا از دیدگاه قرآن» مینویسد: «از نظر قرآن اطاعت بر دو گونه است:

۱- اطاعت همراه با سرسپردگی و تسلیم بی قید و شرط در برابر آنچه به آدمی گفته شود. از نظر قرآن این نوع اطاعت در حقیقت «عبودیت» است. (عبودیت یعنی بندگی کردن و بنده بدون چون و چرا و بی قید و شرط از دستور ارباب خود اطاعت میکند.) این نوع اطاعت مخصوص خدا است و هیچ موجود دیگر شایسته آن نه. (نیست) ۲- اطاعت کسانی که به حق بر ما ولایت دارند و رعایت مصلحت خود ما و مصلحت عموم، یا رعایت عواطف پاک انسانی ایجاب میکند (واجب و موظف میسازد) که فرمانبردار آن باشیم؛ نظیر اطاعت پیغمبر و امام و زمامداران و پیشوایانی که به فرمان پیغمبر و امام، یا برطبق موازین معتبر در عصر غیبت به این منصب رسیده باشند، یا اطاعت از پدر و مادر و ... (امثال آن) شرط وجوب (واجب بودن) این نوع اطاعت آن است که دستور صاحبان این مناصب از حدود عدل و قانون (قرآن) تجاوز نکند (چون در دین قانون فقط چیزی است که خدا میگوید و فرمان دیگران باید مطابق آن باشد. البته در امور دینی) و اطاعت کننده خود موظف است هر دستوری را که دریافت میکند از این نظر «ارزیابی» کند تا اگر آن را برخلاف عدل و قانون یافت، از اجرای آن خودداری ورزد. به این ترتیب اینگونه اطاعت، اطاعت مطلق (بی قید و شرط و بی چون و چرا) نیست و به هیچوجه آهنگ «خودباختگی» و «سرسپردگی» ندارد. آیت‌الله بهشتی بعد به آیه ۳۱ توبه استناد میکند و مینویسد: «... غیر از خدا، علمای دینی و تارکان دنیا (زاهدان دیرنشین خود) را که در میان آنها بودند، خداوندگاران (صاحب اختیاران خود که به آنها دستور بکن یا نکن می‌دادند) شمرند (مثل مردم امروزه سراسر دنیا چه مسلمان، چه غیر مسلمان) همچنین مسیح پسر مریم را (ارباب خود گرفتند) در صورتی که به آنها چنین دستور داده شده بود که فقط خدای یکتا را بپرستند، (عبادت و اطاعت بی چون و چرا نکنند یعنی این اطاعت آنها از علما و دانشمندان دینی حتی از پیغمبر خدا خلاف توحید و در حقیقت شرک بود) جز او خدائی نیست، پیراسته باد او از آنچه شریک او میسازند.» آیت‌الله بهشتی بعد در ادامه بحث مینویسد:

«محمد ابن یعقوب کلینی (۳۲۹ ق) در کافی از ابوبصیر روایت کرده است: به او (یعنی به امام صادق ع) گفتم: «اتخذوا احبارهم و رهبانهم ارباباً من دون الله» و او گفت: به خدا سوگند که آنها (یعنی علمای دین) ایشان را (یعنی مردم را) به پرستش خود (عبادت و بندگی خود) دعوت نکردند و اگر هم دعوت میکردند آنها نمی‌پذیرفتند، ولی آنان حرامی را بر ایشان حلال، و حلالی را حرام میکردند، بنابراین ناخودآگاه به بندگی آنان در آمده بودند. کلینی همین روایت را به سند دیگری هم نقل کرده که در آن پاسخ امام ع به اینصورت آمده است: به خدا سوگند آنها برای آنان نه روزه می‌گرفتند، نه نماز می‌خواندند، ولی حرام را برای آنها حلال می‌کردند و حلال را حرام و آنها هم «بی چون و چرا» می‌پذیرفتند و عمل میکردند (حدیث ۲ و ۳ کافی جلد ۲ ص ۵۳) مفسران شیعه عموماً در تفسیر این آیه همین مطلب را گفته و همین روایت را نقل کرده‌اند. امام فخر رازی (۵۴۳ یا ۵۴۴ - ۶۰۶ ه. ق) نیز در توضیح این آیه می‌گوید: بدان که خدای متعال با این سخن خود «اتخذوا...» یهود و نصاری را به نوعی دیگر از شرک وصف کرده است (همانطور که امروزه بیشتر قریب بر تمام مسلمانان همین شرک را دارند) و در این آیه چند مسأله است: مسأله اول... مسأله دوم: بیشتر مفسرین (اهل سنت) گفته‌اند مقصود از «أرباباً» (که در آیه آمده است) این نیست که آنها در باره علمای دینی یا زاهدان تارک دنیا این عقیده را داشتند که ایشان خدا (صاحب اختیار و فرمانفرمای) جهانند، مقصود این است که آنها فرمانبردار ایشان بودند و هر بکن و نکن را که آنان می‌گفتند «بی چون و چرا» می‌پذیرفتند. روایت شده که عدی ابن حاتم مسیحی بود. روزی به حضور پیغمبر آمد، او سوره براءت (سوره توبه) را می‌خواند و به همین آیه رسید. عدی می‌گوید: به پیغمبر گفتم: ما آنها را نمی‌پرستیدیم. (مثل مسلمان‌های امروزه) پیغمبر گفت: آیا آنها حلال خدا را حرام نمی‌کردند و شما هم آن را حرام می‌شمردید؟ (مثل مسلمانان امروزه و در طول تاریخ) گفتم: چرا. گفت: همان عبادت آنان بوده. ربیع گوید: به ابوالعالیه گفتم این خداوندگاری (احبار و رهبان: دانشمندان دینی و زاهدان تارک دنیا) در بنی اسرائیل چگونه بود؟ گفت: چه بسا آنها در کتاب خدا مطلبی می‌یافتند که با گفته احبار و راهبان مخالف بود و آنها گفته ایشان را می‌پذیرفتند، ولی آن را که در کتاب خدای متعال بود قبول نمی‌کردند (تفسیر کبیر جلد ۱۶ صفحه ۳۶ و ۳۷). امروزه هم مسلمانان و مسیحیان و پیروان ادیان دیگر همینطور هستند و دچار این نوع شرک می‌باشند. این آیه قرآن و گفته امام صادق علیه‌السلام و گفته امام فخر رازی مفسر سنی و گفته آیت‌الله بهشتی. حالا این عالم نماهای

دینی چه میگویند کارشان با خدا است و جایشان جهنم. می‌بینیم که آیت‌الله بهشتی و امام فخر رازی جرأت کرده‌اند که این حقیقت را به مردم بگویند. باید به شجاعت آن‌ها آفرین گفت که در مقابل دکانداران دین فروش و مردم عوام جرأت کرده‌اند این حقیقت را بگویند.

آیه ۵۲ نور سوره ۲۴ میفرماید: «کسانی که از خدا و رسولش اطاعت کنند و از (نافرمانی و عذاب) خدا بترسند و از (نافرمانی) او برحذر باشند موفق هستند.»

آیه ۶۹ نساء سوره ۴ میفرماید: «کسانی که از خدا و پیغمبر اطاعت کنند با کسانی خواهند بود که خدا به آنها نعمت داده از قبیل پیغمبران، راستگویان، شهداء و افراد صالح (درستکار) و آنها رفیق‌های خوبی هستند.»

آیه ۱۰۰ آل عمران سوره ۳ میفرماید: «ای افرادی که (به رسالت محمد ص و الهی بودن قرآن) ایمان آورده‌اید، اگر از عده‌ای از اهل کتاب (یهودیان و مسیحیان و ...) پیروی کنید، شما را بعد از اینکه ایمان آورده‌اید کافر میکنند.» ولی امروزه بسیاری از افرادی که ادعای مسلمانی میکنند از نویسندگان یهودی و مسیحی و نوشته‌های آنها اطاعت میکنند. چون مغالطات آنها را می‌پذیرند. چون آنها را به نام دانشمند می‌شناسند و توجه ندارند که افراد متعصبی هستند که کینه از دهانشان و نوشته‌هایشان می‌بارد. همانطور که آیه ۱۱۸ آل عمران سوره ۳ میفرماید: «ای افرادی که (به رسالت محمد ص و الهی بودن قرآن) ایمان دارید، غیر از مسلمانان دوست صمیمی (که حرف دلتان را به آنها بگوئید) برای خود نگیرید. آنها از خرابکاری در کار شما کوتاهی نمی‌کنند. آنها ناراحتی شما را می‌خواهند (پیشرفت شما را نمی‌خواهند. چون در دینشان تعصب دارند) کینه و نفرت از دهانشان (امروزه از نوشته‌هایشان) می‌بارد و پیدا است. و آنچه در دل مخفی میکنند خیلی بزرگتر و بیشتر از آن چیزی است که از دهانشان (و نوشته‌هایشان) آشکار است. ما برای اینکه فکر کنید و مطلب را درک کنید آیات (نشانه‌ها) را برای شما بیان کرده‌ایم.» البته فراموش نکنید که بعضی از آنها محقق واقعی هستند و حقایق اسلام را آنطوری که قرآن بیان میکند مینویسند و میگویند ولی تعداد آنها انگشت شمار است و کسی که از قرآن اطلاع ندارد نمیتواند تشخیص دهد که این افراد چه کسانی هستند. البته مسلمان واقعی یعنی کسی که از قرآن اطلاع دارد و مطابق آن اظهار نظر میکند از نوشته‌های آنان متوجه میشود که کدام راست میگویند و کدام

دروغ میگویند. ولی باید توجه داشت که بیشتر آنها افراد متعصبی هستند که برای جامعه متعصب مسیحی و یهودی چیز مینویسند.

مسلمان اهل تحقیق و مطالعه و علم است. چون آیه ۳۶ اسراء سوره ۱۷ میفرماید: «از آنچه نمیدانی (ندانسته) پیروی نکن. چون گوش و چشم و دل (مغز) مسئول این پیروی کورکورانه هستند.» آیه ۱۱۶ انعام سوره ۶ میفرماید: «اگر از بیشتر مردم روی زمین (چه مسلمان چه غیر مسلمان) اطاعت کنی تو را از راه خدا منحرف میکنند. آنها فقط از گمان پیروی میکنند و فقط حدس میزنند.» نه اینکه از روی مطالعه و تحقیق کتاب الهی حرف بزنند. چون به فکر این هستند که چه بخورند و چه بپوشند و چه بنوشند و چگونه غریزه جنسی خود را تسکین دهند و چه تفریحی بکنند و چطور سر خود را گرم کنند و چگونه با دیگران چشم و همچشمی و رقابت کنند و دید و بازدیدهایشان چه باشد. صدها کتاب و روزنامه میخوانند و کتاب الهی خود را که ادعا میکنند کتاب الهی ما است نمیخوانند چه رسد به کتابهای الهی ادیان دیگر. مسلمان کتاب دینی خود را میخواند و با اطلاع کامل از آن در باره دین خود صحبت میکند چون:

آیه ۴۴ و ۴۵ و ۴۷ مائده سوره ۵ میفرمایند: «... کسانی که مطابق آنچه خدا نازل کرده (کتاب الهی) حکم و اظهار نظر نکنند. کافر هستند ... ظالم هستند ... فاسق (نافرمان) هستند.» فاسق کسی است که از خدا و دستورها و نظرهای او اطاعت نمیکند.

## سنت: روش: طرز کار

سنت به معنی روش و طرز کار است. در قرآن در آیه ۳۸ و ۶۲ (۲ بار) احزاب سوره ۳۳ و آیه ۴۳ فاطر (۲ بار) سوره ۳۵ و آیه ۸۵ غافر سوره ۴۰ و آیه ۲۳ فتح (۲ بار) سوره ۴۸ سنت الله بکار رفته و در آیه ۳۸ انفال سوره ۸ و آیه ۱۳ حجر سوره ۱۵ و آیه ۵۵ کهف سوره ۱۸ و آیه ۴۳ فاطر سوره ۳۵ سنه الاولین بکار رفته و در آیه ۷۷ اسراء (بنی اسرائیل) سوره ۱۷ یکبار سنتنا بکار رفته و یکبار سنه من قد ارسلنا قبلک من رسلنا بکار رفته و در آیه ۱۳۷ آل عمران سوره ۳ و آیه ۲۶ نساء سوره ۴ لفظ سنن بکار رفته.

سُنّت الله یعنی روش و طرز کار خدا. سُنّت الاولین یعنی روش پیشینیان و گذشتگان (اولی‌ها) و سُنّتنا یعنی روش و طرز عمل ما و سنن یعنی طرز کارها و روش‌ها. در تمام آنها می‌بینیم که از سُنّت پیغمبر یعنی روش و طرز کار پیغمبر صحبتی نیست.

آیه ۷۷ اسراء سوره ۱۷ می‌فرماید: «این روش و طرز کار پیغمبران، که قبل از تو فرستادیم، بود، و دگرگونی (تحولی) در روش ما پیدا نمی‌کند.»

آیه ۲۶ نساء سوره ۴ می‌فرماید: «خدا می‌خواهد برای شما بیان کند (روشن کند) و شما را به روش و طرز کار (سنت) های کسانی که قبل از شما بودند راهنمایی کند و توبه شما را بپذیرد. خدا دانا و کارهایش از روی حکمت است.»

اما روش و طرز کار (سُنّت) پیغمبر ابلاغ رسالت بود و خودش نیز تسلیم خدا بود و از قرآنی که به او وحی شده بود پیروی میکرد و مثل هر مسلمانی وظیفه داشت در راه اجرای دستورهای خدا و ساختن دنیای پاکی که خدا خواسته کوشش کند. دنیای پاکی که در آن اثری از ظلم و فساد و فقر و جهل و خرد شدن شخصیت انسان‌ها نباشد و حقوق هیچ انسانی در آن پایمال نشود و انسان در مقابل هیچکس و هیچ مقام و هیچ سازمانی خود را کوچک نبیند و بنده و مطیع بی چون و چرا و بی قید و شرط هیچکس جز خدا نباشد. برای اینکار باید تمام مسلمانان از احکام و نظرهای خدا اطلاع کامل داشته باشند تا از دستور هیچکس و هیچ مقام و هیچ سازمانی، از دستوری که برخلاف دستور خدا است، اطاعت نکنند. به قول آیت‌الله بهشتی «اطاعت کننده خود موظف است هر دستوری که دریافت میکند، از این نظر «ارزیابی» کند تا اگر آن را بر خلاف عدل و قانون (قانون خدا در قرآن) یافت از اجرای آن خودداری کند.» صفحه ۱۳۳ کتاب «خدا از دیدگاه قرآن» در بحث «توحید در سرسپردگی و اطاعت». چون مطابق آیه ۳۱ توبه اطاعت بی چون و چرا از دانشمندان دینی و زاهدان تارک دنیا حتی پیغمبر خدا خلاف توحید است و بندگی غیر خدا و شرک است.

پیغمبر ص مطابق آنچه در بحث «پیغمبر ص مسلمان بود» این کتاب دیدیم مسلمان یعنی تسلیم دستورها و نظرهای خدا بود و حرفی برخلاف قرآن نمی‌زد و کاری برخلاف قرآن نمی‌کرد.

پیغمبر ص فقط پیغمبر یعنی پیغام‌بر خدا بود و وظیفه داشت پیغام خدا را به مردم برساند و خودش مثل هر مسلمانی از پیغام خدا و احکام و نظرهای او پیروی کند. چون آیه ۲۰ آل عمران سوره ۳ و

آیه ۴۰ رعد سوره ۱۳ و آیه ۸۲ نحل سوره ۱۶ و آیه ۴۸ شوری سوره ۴۲ به پیغمبر میفرمایند: «وظیفه تو فقط ابلاغ روشن (واضح) وحی (پیغام) خدا است.» و آیه ۹۲ مائده سوره ۵ و آیه ۱۲ تغابن سوره ۶۴ میفرمایند: «وظیفه رسول (فرستاده و پیغام‌بر) ما فقط ابلاغ روشن وحی (پیغام) خدا است.» و آیه ۹۹ مائده سوره ۵ و آیه ۵۴ نور سوره ۲۴ و آیه ۱۸ عنکبوت سوره ۲۹ میفرمایند: «وظیفه پیغمبر فقط ابلاغ (رساندن) وحی (پیغام) خدا است.» و آیه ۳۵ نحل سوره ۱۶ میفرماید: «آیا وظیفه پیغمبران چیزی غیر از ابلاغ روشن وحی است؟» آیه ۱۷ یس سوره ۳۶ میفرماید: پیغمبران می‌گفتند: «وظیفه ما فقط ابلاغ روشن وحی است.» آیه ۱۰۶ انبیاء سوره ۲۱ میفرماید: «در این سخن فقط ابلاغی برای افرادی است که عبادت (بندگی) خدا را میکنند.»

آیه ۲۰ تا ۲۳ جن سوره ۷۲ به پیغمبر ص میفرماید: «بگو: من فقط خداوند را (ارباب و کارفرمایم را که به من میگوید چه کاری بکن و چه کاری نکن) به کمک میخوانم و هیچکس را در اینکار شریک خدا نمیکنم. بگو: من مالک ضرر و هدایتی برای شما نیستم. بگو: هیچکس مرا از (عذاب) خدا پناه نمیدهد و پناهگاهی غیر از خدا پیدا نمیکنم. وظیفه من از طرف خدا فقط ابلاغ رسالت‌های او است. هر کس نافرمانی خدا و رسولش را بکند آتش جهنم سزاوار او است و همیشه در آن میماند.» پیغمبر فقط وظیفه داشت پیغام خدا را به مردم برساند و خودش هم مطابق حکم و نظر خدا عمل کند. پیغمبر ص کاری برخلاف قرآن نمی‌کرد و حرفی برخلاف قرآن نمیزد. اگر کسی بخواهد روش و طرز کار پیغمبر (سنت پیغمبر) را بداند باید قرآن را بخواند و بس، نه احادیثی را که پس از دو قرن یا سه قرن بنام روش (سنت) پیغمبر نقل کرده‌اند. اینکار بی‌دینی محض و دور شدن از کتاب الهی و باعث تفرقه مسلمانان است همانطور که در سراسر جهان می‌بینیم.

پیغمبر فقط پیرو قرآن بود. چون آیه ۱۰۶ انعام سوره ۶ و آیه ۱۰۹ یونس سوره ۱۰ و آیه ۲ احزاب سوره ۳۳ به پیغمبر ص میفرمایند: «از قرآنی که از طرف خداوندت (ارباب و کارفرمایت که به تو میگوید چه کاری بکن و چه کاری نکن) به تو وحی میشود پیروی کن.»

و آیه ۵۰ انعام سوره ۶ و آیه ۲۰۳ اعراف سوره ۷ و آیه ۱۵ یونس سوره ۱۰ و آیه ۹ احقاف سوره ۴۶ میفرماید: پیغمبر ص گفت: «من فقط از آنچه از خداوند به من وحی میشود (یعنی از قرآن) پیروی میکنم.» پیغمبر ص پیغام بر خدا بود و فقط از قرآن پیروی میکرد و بس.

## امام

قرآن تمام پیغمبران را امام (پیشوا) میدانند. همانطور که آیه ۷۳ انبیاء پس از اینکه در آیه ۵۱ تا ۷۲ آن از ابراهیم و لوط و اسحاق و یعقوب صحبت میکند میفرماید: «آنها را امامهائی (پیشوایانی) قرار دادیم که به فرمان ما مردم را هدایت میکردند، و به آنها انجام دادن کارهای خیر و برپا داشتن نماز و دادن زکات را وحی کردیم و ما را بندگان می‌کردند.» و بعد از آن از نوح و داوود و سلیمان و ایوب و اسماعیل و ادریس و ذی‌الکفل و یونس و زکریا و مریم و عیسی صحبت میکنند و در آیه ۹۲ تا ۹۴ انبیاء میفرماید: «این امت شما است امتی واحد (یک امت: یک گروه) و من ارباب شما هستم (خداوند و صاحب اختیار شما هستم که به شما می‌گویم چه کاری بکنید و چه کاری نکنید) ولی مردم کار دینشان را بین خودشان قطعه‌قطعه کردند. همه آنها (برای پس دادن حساب کارهایشان) پیش ما بر می‌گردند. و هر کس کار درست بکند و مؤمن باشد از کوشش او قدردانی میشود، ما کوشش و کار او را برای او مینویسیم.»

آیه ۵ قصص سوره ۲۸ در مورد موسی و بنی‌اسرائیل میفرماید: «ما اراده داریم (میخواهیم) بر کسانی که در مصر ضعیف شده بودند منت بگذاریم و آنها را امامها (پیشوایانی) بگردانیم و آنها را وارث زمین کنیم.»

آیه ۲۳ و ۲۴ سجده سوره ۳۲ میفرماید: «بدون تردید به موسی کتاب دادیم. از دیدار خدا (برای پس دادن حساب کارها) شک نداشته باش. و تورات را (کتابی را که به موسی دادیم) راهنمای بنی‌اسرائیل قرار دادیم. و چون استقامت (صبر) داشتند و به آیات ما یقین داشتند از آنها امامانی (پیشوایانی) ساختیم که به فرمان ما مردم را هدایت میکردند.»

آیه ۴۱ قصص سوره ۲۸ در باره فرعون و هامان میفرماید: «آنها را امامها (پیشوایانی) قرار دادیم که مردم را دعوت به آتش جهنم میکردند و روز قیامت کسی به آنها کمک نخواهد کرد.» می‌بینیم که پیشوایانی هم هستند که مردم را گمراه میکنند و مردم را به سوی آتش جهنم می‌برند.

آیه ۱۲ توبه سوره ۹ در باره مشرکین میفرماید: «اگر پس از بستن قرارداد پیمانشان را شکستند و در دین شما به شما طعنه زدند با امامها (پیشوایان و سران) کفر بجنگید آنها پایبند قسم و عهدشان (قراردادشان) نیستند، شاید از کار خود دست بردارند.» می‌بینیم که امامهای کفر هم هستند.

دعای عباد الرحمن (بندگان خداوند رحمان) در آیه ۷۴ فرقان سوره ۲۵ این است که «میگفتند خداوندا، همسران و فرزندان به ما بده که نور چشم ما باشند (نه موجب ناراحتی ما) و ما را امام (پیشوای) افراد با تقوا ساز.»

آیه ۱۲۴ بقره سوره ۲ میفرماید: «وقتی خدای ابراهیم او را با سخنانی امتحان کرد و او تمام آنها را به جا آورد به ابراهیم گفت: تو را امام مردم می‌سازم. ابراهیم گفت: آیا از نسل من (فرزندان من) هم (کسی امام میشود؟) خدا گفت: (آری) ولی عهد من شامل افراد ستمکار نمی‌شود.»

آیه ۱۷ هود سوره ۱۱ میفرماید: «آیا کسی که از جانب خداوندش بر دلیل روشنی است و شاهی از او آن را بر مردم میخواند و قبل از او کتاب موسی (تورات) امام و رحمت بوده (یعنی حالا قرآن امام است) آنها به آن ایمان می‌آورند (حالا هر کسی که از روابط ریاضی قرآن اطلاع درست پیدا کند بدون شک به آن ایمان می‌آورد. البته اگر عقل درست داشته باشد و دچار تعصب نباشد) کسی از احزاب (دستجات) که منکر آن شود آتش جهنم وعده‌گاه او است (به جهنم میرود). از اینکه قرآن حق و از طرف خداوندت میباشد شک نکن. ولی بیشتر مردم ایمان نمی‌آورند.» با معلوم شدن روابط ریاضی قرآن معلوم نیست که بیشتر مردم ایمان می‌آورند یا ایمان نمی‌آورند. چون عقل‌ها سالم نیست و تعصب‌های شدید وجود دارد که چشم واقع بینی انسان را کور میکند.

آیه ۱۲ احقاف سوره ۴۶ میفرماید: «قبل از قرآن کتاب موسی (تورات) امام (پیشوا) و رحمت بود. (یعنی حالا قرآن پیشوا و رحمت است) و این کتاب (یعنی قرآن) مصدق (کتابهای قبلی است، یعنی آنها را تصدیق میکند) و به زبان عربی است (چون بین عرب‌ها نازل شد) تا افراد ستمکار را (از کار غلط خود) بر حذر دارد و مژده‌ای برای افراد نیکوکار باشد.»

امام پیغمبر و علی ع و عمر و همه مسلمانان قرآن بود و موظف بودند از قرآن که کلام خدا است و اشتباهی ندارد پیروی کنند. چون خدائی که آن را به پیغمبر ص وحی کرده جهان را با تمام قوانین آن خلق کرده و از تمام قوانین آن و غرائز انسان و احتیاجات و امکانات او کاملاً خبر دارد و از کسی نمی‌ترسد و طمعی به کسی ندارد که بخواهد دروغ بگوید. هر مسلمان واقعی به این مطلب ایمان دارد، چون مطابق روابط ریاضی قرآن میداند که قرآن وحی خداوند است و تمام مردم ۱۴ قرن پیش عربستان که چرتکه هم



نداشتند نمی‌توانستند چنین روابطی در آن قرار دهند. امروزه هم با وجود کامپیوتر کسی نمیتواند در گفتار یا نوشته خود چنین روابطی برقرار کند.

## نماز

آیه ۱۱۴ هود سوره ۱۱ میفرماید: «نماز را در دو طرف روز و پاره‌ای از شب برپا دار. چون خوبی‌ها، بدی‌ها را از بین میبرد. این تذکری برای افرادی است که به یاد خدا هستند.» منظور از دو طرف روز ظاهراً قبل از طلوع خورشید و بعد از غروب آن است. یعنی نماز صبح و مغرب.

آیه ۷۸ اسراء سوره ۱۷ میفرماید: «نماز را موقع مالیدن خورشید، (غروب خورشید) تا تاریکی شب و سپیده صبح بخوان. نماز صبح مورد توجه است.» البته دلوک الشمس (مالیدن خورشید) را گذشتن خورشید از نصف النهار، یعنی نماز ظهر میدانند.

آیه ۱۴ طه سوره ۲۰ میفرماید: «من خدا هستم. معبودی (وجودی که قابل این باشد که در مقابلش احساس و ابراز کوچکی کنی و از تمام دستورهایش بدون چون و چرا اطاعت کنی) غیر از من وجود ندارد (از هیچ مقام و سازمانی نباید بدون چون و چرا و بی قید و شرط اطاعت کنی) و نماز را برای اینکه یاد من باشی (و خطا نکنی) بپا دار.» این سخن به موسی ع است.

آیه ۴۵ عنکبوت سوره ۲۹ میفرماید: «آنچه از کتاب (قرآن) به تو وحی شده بخوان و نماز را بپا دار. چون نماز انسان را از کارهای زشت و ناپسند باز میدارد و مسلماً ذکر خدا بزرگتر است. خدا از کارهایی که می‌کنید اطلاع دارد.» یاد خدا و اطلاع داشتن او از کارهایی که انسان‌ها می‌کنند، آنها را از انجام کارهای زشت و ناپسند باز میدارد. چون توجه دارد که خدائی که از کارهای او اطلاع دارد حاکم روز جزا است.

دستور «نماز را بپا دارید» ۹ بار در قرآن آمده است. آیه ۴۳ و ۸۳ و ۱۱۰ بقره سوره ۲ و آیه ۷۷ و ۱۰۳ نساء سوره ۴ و آیه ۷۲ انعام سوره ۶ و آیه ۷۸ حج سوره ۲۲ و آیه ۵۶ نور سوره ۲۴ و آیه ۳۱ روم سوره ۳۰ و آیه ۱۳ مجادله سوره ۵۸ و آیه ۲۰ مزمل سوره ۷۳ را ببینید. همان‌طور که در آیه ۱۱۴ هود و آیه ۷۸ اسراء لفظ نماز (صلوه) برای وقت برپا داشتن نماز ۳ بار در قرآن آمده: نماز صبح، نماز مغرب، نماز عشاء.

آیه ۱۳۰ طه سوره ۲۰ به پیغمبر میفرماید: «بر آنچه (در باره تو) میگویند صبر داشته باش و با ستایش خداوندت او را (ارباب و صاحب اختیارت را) قبل از طلوع خورشید و قبل از غروب آن و در ساعات شب و اطراف روز تسبیح گو، تا راضی شوی.»

آیه ۵۵ غافر (مؤمن) سوره ۴۰ میفرماید: «صبر داشته باش. چون وعده خدا حق است، و برای گناهت از خدا طلب آمرزش کن و با ستایش خداوندت (ارباب و صاحب اختیارت) شب و صبح او را تسبیح بگو.»

آیه ۳۹ و ۴۰ ق سوره ۵۰ به پیغمبر میفرماید: «بر آنچه میگویند صبر داشته باش و قبل از طلوع خورشید و قبل از غروب و در قسمتی از شب و پس از سجده‌ها با ستایش خداوندت، او را تسبیح گو.»

آیه ۴۸ و ۴۹ طور سوره ۵۲ به پیغمبر میفرماید: «برای حکم خداوندت صبر داشته باش. تو زیر نظر ما هستی. وقتی بلند میشوی و در قسمتی از شب و موقع پشت کردن ستارگان (ناپدید شدن آنها از نظر) با ستایش خداوندت تسبیح بگو.»

آیه ۱۷ و ۱۸ روم سوره ۳۰ میفرماید: «خدا را موقعی که روز را به شب و شب را به روز می‌رسانید به پاکی یاد کنید. و شب و ظهر در آسمان‌ها و زمین ستایش به خدا اختصاص دارد.» مداح هیچکس و هیچ مقامی نباشید و مداحی نکنید.

مسلمان صبح و شب و اطراف روز تسبیح خدا را میگوید و او را «بالا تر از خیال و قیاس و گمان و وهم و زهر چه گفته‌اند و شنیدیم و خوانده‌ایم» می‌داند تا یاد او باشد و خطائی نکند. چون خدا را شاهد کارهای خود و کسی که در روز جزا در باره او حکم میکند میداند.

## نماز قصر (نماز شگسته)

در باره نماز قَصْر (کوتاه کردن نماز) فقط یک آیه داریم، آنهم نماز سفر یا نماز مسافر نیست بلکه نماز خوف (ترس) است. چون آیه ۱۰۱ نساء سوره ۴ میفرماید: «وقتی سفر میکنید اشکالی ندارد که اگر از کافران می‌ترسید که شما را به دردسر بیندازند (صدمه‌ای به شما بزنند) از نمازتان کم کنید. چون کافران (منکران دین شما) دشمن آشکار شما هستند.»

آیه ۱۰۲ نساء سوره ۴ به پیغمبر میفرماید: «وقتی تو در موقع جنگ بین آنها هستی و اقامه نماز کردی (نماز را بپا داشتی) باید عده‌ای از آنها با تو به نماز بایستند و باید سلاح‌هایشان را با خودشان نگاه دارند. وقتی سجده کردند باید پشت سر شما بروند و عده دیگری که نماز نخوانده‌اند بیایند با تو نماز بخوانند و باید احتیاط و سلاح‌هایشان را حفظ کنند. افراد بی ایمان دوست دارند که شما از سلاح‌ها و اجناس خودتان غافل شوید تا یکباره به شما حمله کنند. اگر باران شما را اذیت میکرد یا مریض بودید اشکالی ندارد که سلاح‌هایتان را زمین بگذارید، ولی احتیاط خودتان را حفظ کنید. خدا برای افراد بی ایمان عذاب خوار کننده‌ای آماده کرده است.»

آیه ۱۰۳ نساء سوره ۴ میفرماید: «وقتی نماز را تمام کردید، خدا را ایستاده و نشسته و بر پهلو دراز کشیده یاد کنید، و وقتی اطمینان خاطر پیدا کردید (خاطراتان جمع و آسوده شد) نماز را بپا دارید. چون نماز در وقت‌های معینی بر افراد با ایمان واجب شده است.»

آیه ۲۳۹ بقره سوره ۲ میفرماید: «اگر در خطر و ترس بودید پیاده یا سواره (چه سوار اسب و شتر چه سوار کشتی چه سوار هواپیما) نمازتان را بخوانید و وقتی امنیت یافتید (خاطر جمع شدید) خدا را همانطور که به شما یاد داده و شما آن را نمی‌دانستید ذکر کنید.»

آیه ۴۳ نساء سوره ۴ میفرماید: «ای افرادی که (به رسالت محمد ص و الهی بودن قرآن) ایمان آورده‌اید، وقتی مست هستید نماز نخوانید تا اینکه بدانید چه می‌گوئید (ولی حالا مسلمانان در وقتی که مست نیستید در نماز کلماتی را طوطی‌وار می‌گویند که نمیدانند معنی آنها چیست و چه می‌گویند). وقتی جنب هستید تا وقتی غسل نکرده‌اید نماز نخوانید. اگر مریض یا بر سفر (حین سفر) بودید یا یکی از شما از مستراح آمد یا با زنان هم‌خوابگی داشتید و آب (برای شستشو) پیدا نکردید با خاک پاک تیمم کنید، و از آن بصورت و دست‌هایتان بمالید (بکشید) چون خدا آمرزنده و عفو کننده است.»

## وضو

آیه ۶ مائده سوره ۵ میفرماید: «ای افرادی که (به رسالت محمد ص و الهی بودن قرآن) ایمان آورده‌اید، وقتی به نیت خواندن نماز بلند شدید، صورت و دست‌هایتان را تا آرنج بشوئید و به سرتان مسح بکشید و پاهایتان را تا قوزک مسح بکشید (یا بشوئید) و اگر جنب بودید خودتان را تمیز کنید، و اگر

مریض یا در حین سفر بودید یا یکی از شما از مستراح آمد یا با زنان همخوابگی داشتید و آب پیدا نکردید با خاک پاک تیمم کنید (قصد وضو کنید) و از آن بصورت و دستهایتان بمالید (بکشید) خدا نمیخواهد برای شما دردسر ایجاد کند ولی میخواهد شما را تمیز کند و نعمت خود را بر شما تمام کند تا او را سپاسگزاری کنید.»

## طرز خواندن نماز و ذکر نماز

آیه ۱۱۰ و ۱۱۱ اسراء سوره ۱۷ میفرماید: «بگو: خدا یا رحمان را بخوانید. هر کدام را که بخوانید (فرقی ندارد) خدا اسمهای (صفتهای) نیکویی دارد. و نماز را بلند بخوان و آهسته هم بخوان و راهی بین این دو پیدا کن. و بگو: ستایش (حمد و ثنا) اختصاص به خدائی دارد که فرزندی ندارد و شریکی در فرمان فرمائی (دستورهای) که میدهد ندارد و مذلتی ندارد که پشتیبانی داشته باشد و او را تکبیر بگو.»

مسلمانان برای اینکار سوره حمد (فاتحه) و قل هوالله (توحید) را میخوانند و تشهد میگویند که در آن این حرفها وجود دارد.

## روزه

آیه ۱۸۳ تا ۱۸۷ بقره سوره ۲ میفرماید: «ای افرادی که (به رسالت محمد ص و الهی بودن قرآن) ایمان دارید، روزه بر شما واجب شد، همانطور که بر افرادی که قبل از شما بودند واجب شده بود، تا مسلط بر نفس (پرهیزگار) شوید. روزه روزهای معینی است. هر کدام از شما که مریض یا در حین مسافرت بود (روزه خود را بخورد و بجای آن) از روزهای دیگر (روزه بگیرد). کسانی که توانائی آن را دارند فدیهاش (جریمه‌اش) سیر کردن یک تهیدست است. کسی که نیت خیر (سیر کردن یک مسکین را) داشته باشد برای او خوب است. و اگر روزه بگیرید، اگر بدانید، برای شما بهتر است. (روزه در روزهای) ماه رمضان (است) که قرآن در آن نازل شده، قرآنی که راهنمای مردم (برای ساختن یک دنیای پاک) است و دلیل‌های روشنی از هدایت و جدا کننده (حق و باطل و درست و غلط) است. کسی که شاهد ماه رمضان (و در شهر) بود باید روزه بگیرد، ولی کسی که مریض یا در حین مسافرت بود از روزهای دیگر (بجای آن روزه بگیرد) خدا برای شما آسانی میخواهد و سختی نمیخواهد، و برای اینکه روزهای روزه را کامل کنید.

و خدا را به سبب اینکه شما را هدایت کرده (راه تسلط بر نفس و ساختن یک دنیای پاک را نشان داده) تکبیر بگوئید تا سپاسگزار باشید. وقتی بندگان من در باره من از تو سوال کردند بگو: من به آنها نزدیکم (چون در همه جا هست) دعای دعا کننده را وقتی مرا به کمک میخواند اجابت می کنم. ولی آنها هم باید دستورهایی مرا اجابت (قبول و عملی) کنند و به من ایمان بیاورند تا راه صحیح را بشناسند. شبهای ماه رمضان هم خوابگی با زنانان برای شما حلال است. (روزهای ماه رمضان نباید با زنانان هم خوابگی کنید) آنها لباس شما هستند و شما لباس آنها هستید. خدا میداندست که (اگر این اجازه را نمیداد) به خودتان خیانت میکردید (نمیتوانستید جلوی خود را بگیرید) بنابراین توبه شما را پذیرفت و شما را عفو کرد. حالا (شبها) با آنها هم خوابگی کنید و آنچه خدا بر شما واجب کرده بگوئید (چه لذت جنسی چه فرزند). و بخورید و بنوشید تا اینکه خط سفید از خط سیاه سپیده دم برای شما روشن شود. بعد روزه را تا شب ادامه دهید و تمام کنید. وقتی برای عبادت ساکن مسجد شدهاید با زنانان هم خوابگی نکنید. اینها حدود خدا است، از آن تجاوز نکنید. خدا آیاتش را اینطور برای مردم بیان میکند تا مسلط بر نفس شوند.» (پرهیزگار شوند و از کارهای خلاف حکم و نظر خدا پرهیز و خودداری کنند).

روزه نذری مطابق آیه ۲۶ مریم سوره ۱۹ وجود دارد. این آیه میفرماید: ای مریم «بخور و بنوش و چشمت را روشن ساز. اگر کسی را دیدی بگو که من روزه‌ای برای خدا نذر کرده‌ام. امروز هیچگاه با کسی حرف نمی‌زنم.»

آیه ۱۹۶ بقره سوره ۲ در باره مراسم حج میفرماید: «... و سرتان را نتراشید تا وقتی که قربانی به محل خودش برسد. اگر کسی از شما مریض و یا سرش دچار ناراحتی بود (و مجبور بود سر خود را بتراشد) کفاره آن روزه یا صدقه یا قربانی است. و وقتی امنیّت پیدا کردید، کسی که از عمره به حج دست یافت تا آنجا که میسر است قربانی کند. کسی که قربانی نکرد سه روز در حج و هفت روز بعد از برگشت از حج روزه بگیرد. این ده روز کامل است. این برای کسی است که خانواده‌اش اهل مسجدالحرام نباشد ...» آیه ۹۲ نساء سوره ۴ میفرماید: «... کسی که مؤمنی را از قومی که بین شما و آنها معاهده عدم تجاوز بود کُشت بجای آن باید خون‌بهای او را به خانواده او بپردازد و بنده با ایمانی را آزاد کند، اگر آن را نیافت دو ماه پشت سر هم روزه بگیرد ...»

آیه ۸۹ مائده سوره ۵ میفرماید: «... خدا به سبب قسم‌هایتان که با آن پیمانی بسته‌اید (تعهدی کرده‌اید) اگر عمداً شکستید شما را مؤاخذه میکند. کفاره آن سیر کردن ده تهیدست مطابق غذای متوسطی که می‌خورید و به خانواده خود می‌دهید یا پوشاندن آنها یا آزاد کردن برده‌ای است. کسی که آن را پیدا نکرد سه روز، روزه بگیرد...»

آیه ۳ و ۴ مجادله سوره ۵۸ میفرماید: «کسانی که به زنان‌شان می‌گویند تو (مثل مادر و خواهر منی) و دیگر با تو هم‌خوابگی نمی‌کنم و بعد از گفته خود بر می‌گردند (پشیمان میشوند) باید قبل از اینکه با آنها هم‌خوابگی کنند، برده‌ای را آزاد کنند. این نصیحتی است که به آن سفارش شده‌اید. خدا از کارهائی که می‌کنید خبر دارد. کسی که برده‌ای برای آزاد کردن نیافت قبل از هم‌خوابگی دو ماه پشت سر هم روزه بگیرد. کسی که توانائی آن را نداشت شصت تهیدست را سیر کند، تا بخدا و پیغمبرش ایمان بیاورید...»

آیه ۹۵ مائده سوره ۵ میفرماید: «ای افرادی که (به رسالت محمد ص و الهی بودن قرآن) ایمان آورده‌اید، در موقع حج شکار را نکشید کسی که عمداً آن را کشت جزای آن چهارپایی مثل آنچه کشته می‌باشد که دو نفر از افراد عادل خودتان در باره آن حکم کنند (که آن مطابق کدامیک از بز و گوسفند و گاو و شتر است) قربانی‌ای که به کعبه برسد یا کفاره‌ای که سیر کردن تهیدستان باشد و یا معادل آن روزه گرفتن است تا کیفر کارش را بچشد...»

## حج

آیه ۲۷ حج سوره ۲۲ میفرماید: «حج را برای مردم اعلام کن تا پیاده و سوار بر شتران لاغر از راه دور پیش تو بیایند.»

آیه ۱۹۷ بقره سوره ۲ میفرماید: «حج در ماه‌های معینی است (در ۴ ماه سال) هر کس آن را در آن ماه‌ها بر خود واجب کرد (تصمیم رفتن به حج را گرفت) بداند که هم‌خوابگی با زنان و نافرمانی (از دستوره‌ای خدا) و بگو مگو در موقع حج نباید کرد...»

آیه ۹۷ آل عمران سوره ۳ میفرماید: «... حج خانه کعبه برای خدا بر مردم واجب شده، در صورتیکه توانائی رفتن به آن را داشته باشند...»

آیه ۱۹۶ بقره سوره ۲ میفرماید: «حج و عمره را برای خدا کامل (تمام) کنید. اگر از اینکار شما جلوگیری کردند تا آنجا که میتوانید قربانی کنید، و سرتان را تا قربانی به محل خود نرسیده نتراشید. کسی که مریض بود یا سرش ناراحتی داشت کفّاره آن (بجای آن) روزه بگیرد یا صدقه بدهد و یا قربانی کند. وقتی امنیت پیدا کردید هر کس از عمره به حج دست یافت تا آنجا که میتواند (از دستش بر می‌آید) قربانی کند. کسی که پیدا نکرد سه روز روزه در حج بگیرد و هفت روز وقتی به شهر خود برگشت روزه بگیرد. این ده روز کامل است. این برای کسی است که خانواده‌اش اهل مسجدالحرام نباشد...»

آیه ۱۹ توبه سوره ۹ میفرماید: «آیا آب دادن به حاجی‌ها و آباد کردن مسجدالحرام (مسجدی که خانه کعبه در آن است) را مثل کار کسی می‌دانید که به خدا و روز آخرت ایمان آورده و در راه خدا (ساختن یک دنیای پاک) جهاد (کوشش) کرده؟ این دو کار پیش خدا با هم مساوی نیستند، خدا افراد ظالم را هدایت نمیکند.»

## زکات

زکات یعنی زکات مال، صدقه، طهارت، پاکیزگی، برگزیده، نخبه. در دین زکات یعنی مالی که انسان از مازاد مال خود یعنی آنچه بیشتر از احتیاجات طبیعی زندگی خود و خانواده‌اش میباشد در راه خدا یعنی در راه ساختن یک دنیای پاک باید بدهد. این مقدار در دین معلوم نشده و هر زمانی بستگی به نیاز اجتماعی دارد، چه در راه بهبود وضع افراد نیازمند باشد تا دیگر بخاطر فقر و نیازمندی مرتکب خلاف نشوند که بهترین راه آن سرمایه‌گذاری دسته جمعی در راه ایجاد کار برای بیکاران است و چه در راه دین و پیشرفت دین در جهان و ساخته شدن یک دنیای پاک باشد.

تزکیه یعنی پاک ساختن چه پاک ساختن نفس باشد، چه تزکیه و پاک ساختن مالی، چه پاک ساختن گوشت و حلال کردن آن و چه دادن زکات مال و پاکیزه ساختن و نیکو ساختن و اصلاح به وسیله آن باشد.

زکات در قرآن ۳۰ بار آمده است که ۲۶ بار آن با نماز است. کسی که نماز بخواند و زکات ندهد مثل این است که نماز نخوانده. چون: آیه ۸۵ بقره سوره ۲ میفرماید: «... آیا به قسمتی از آیات کتاب الهی

ایمان می‌آوردید و قسمتی از آن را قبول ندارید؟ مجازات کسانی که اینکار را بکنند در دنیا خواری است و در آخرت بدست شدیدترین عذاب‌ها سپرده میشوند.» به شدیدترین عذاب‌ها رد و سپرده میشوند.

لذا نتیجه ایمان آوردن به بعضی از آیات و دستورها و کفر و قبول نداشتن بعضی از آنها باعث خواری در دنیا است و در آخرت هم باعث عذاب ابدی جهنم است. خواری دنیائی آن را می‌بینیم که جهان اسیر یک دسته افراد ظالم و فاسد و دیکتاتور است که با اتحاد نیم‌بند خود بر مردم حکومت میکنند و مردم مجبورند از آنچه آنها گفته‌اند بدون چون و چرا اطاعت کنند. چون اگر نکنند بنام تخلف از قانون مجازات میشوند. چه حکومت آنها بنام انقلاب باشد، چه بنام کودتا و چه بنام تصویب مجلس نمایندگان مردم که در حقیقت به فرمان یک نفر صورت گرفته که مورد احترام افراد آن حزب و دسته است. عذاب آن دنیای آن را هم خواهیم دید. چون روابط ریاضی قرآن نشان میدهد که قرآن کار خدا است.

آیه ۴۳ بقره سوره ۲ میفرماید: «نماز را بپا دارید و زکات بدهید و با رکوع کنندگان رکوع کنید.» رکوع خم شدن در مقابل خدا یا هر کسی است. سر فرود آوردن در مقابل خدا یا هر کس دیگر است و نشانه تسلیم انسان در مقابل خدا یا دیگری است، چه با میل باشد چه به اجبار و اکراه. رکوع نشانه کوچکی انسان است. دستور «نماز را بپا دارید.» ۸ بار در قرآن آمده است، که تمام آنها با «زکات بدهید» همراه میباشد.

برپا داشتن نماز و دادن زکات ۲۵ بار در قرآن ذکر شده که ۸ بار آن بطور دستور خداوند است. در آیه ۸۱ کهف سوره ۱۸ و آیه ۱۳ مریم سوره ۱۹ زکات به معنی پاک و پرهیزگار بودن است که اولی در باره فرزند پدر و مادری است که فرزند آنها توسط «عبد صالح» که مجری فرمان خدا بود کشته شد و دومی در باره یحیی پسر زکریا است. و سه بار زکات بدون نماز آمده است: آیه ۱۵۶ اعراف سوره ۷ و آیه ۳۹ روم سوره ۳۰ و آیه ۷ فصلت سوره ۴۱.

زکات بصورت صدقه در آیه ۶۰ توبه سوره ۹ و بصورت حق و حق معلوم در آیه ۱۹ ذاریات سوره ۵۱ و آیه ۲۴ معارج سوره ۷۰ آمده است.

آیه ۶۰ توبه سوره ۹ میفرماید: «زکات فقط برای افراد فقیر و مسکین و مأمورین زکات (که روی زکات کار میکنند) و تألیف قلوب (تبلیغات اسلامی) و آزاد ساختن بردگان و خسارت دیدگان مقروض و



در راه خدا (تهیه وسائل مبارزه دینی و کارهای عام المنفعه) و در راه ماندگان است. از طرف خدا واجب شده و خدا دانا و دستورهایش از روی حکمت (علم همه جانبه) است. «فقیر کسی است که درآمدش به اندازه مخارج طبیعی زندگی او نیست و مسکین کسی است که درآمدی ندارد. کسانی که روی زکات کار میکنند شامل جمع‌آوری کنندگان زکات و نگهداری آن و به مصرف رساندن آن میباشند. منظور از خسارت دیدگان، خسارت دیدگان بدون تقصیر هستند، نه کسانی که اموالشان را حیف و میل کرده‌اند.

آیه ۱۹ ذاریات سوره ۵۱ میفرماید: «در اموال افراد با تقوا، حق معلومی برای تقاضا کننده مالی و محرومین وجود دارد.»

آیه ۲۴ و ۲۵ معارج سوره ۷۰ میفرماید: «در اموال (مال‌های) نمازگزاران حق معلومی برای تقاضا کنندگان کمک مالی و محرومین وجود دارد.»

با تطبیق آیات ۱ تا ۱۱ سوره مؤمنون سوره ۲۳ و آیات ۱۹ تا ۲۵ معارج سوره ۷۰ متوجه میشویم که حق معلوم همان زکات است.

با تطبیق آیه ۲۶۲ و ۲۶۳ بقره سوره ۲ متوجه میشویم که انفاق و صدقه یکی است.

و با تطبیق آیه ۳ بقره سوره ۲ و با آیه ۳ نمل سوره ۲۷ متوجه میشویم که انفاق و زکات یکی است. فقط دامنه انفاق وسیع‌تر از زکات است.

## انفاق

انفاق یعنی خرج کردن. نَفَقَه یعنی خرج. نفقه زن و فرزند یعنی مخارج زن و فرزند. انفاق در دین یعنی خرج کردن در راه خدا. یعنی خرج کردن در راه برقراری دین خدا و ساختن دنیای پاکی که در آن اثری از ظلم و فساد و فقر و جهل و از بین رفتن شخصیت انسان‌ها نباشد.

آیه ۲۵۴ بقره سوره ۲ میفرماید: «ای افرادی که (به رسالت محمد ص و الهی بودن قرآن) ایمان آورده‌اید، از آنچه روزی شما کرده‌ایم قبل از اینکه روزی بیاید که در آن خرید و فروش و رفاقت و شفاعتی وجود ندارد انفاق کنید. کسانی که آن را قبول ندارند ظالم هستند.»

آیه ۲۶۷ بقره سوره ۲ میفرماید: «ای افرادی که (به رسالت محمد ص و الهی بودن قرآن) ایمان دارید، از پاکیزه‌های آنچه کسب کرده‌اید و از آنچه از زمین برای شما خارج کردیم (چه نباتات چه معادن)

انفاق کنید و از چیزهای به درد نخور انفاق نکنید، چیزی که خودتان با اکراه آن را می‌گیرید و بدانید که خداوند بی‌نیاز و ستوده است.»

فراموش نکنید که آنچه بدست آورده‌اید تنها محصول کوشش و محصول دست شما نیست بلکه بیشتر آن محصول اجتماع شما است. چون اگر شما در ده بودید یا چادرنشین بودید درآمدی که در شهر دارید نداشتید. لذا مقداری از آن را زکات بدهید و انفاق کنید و خرج دین و ساختن یک دنیای پاک کنید تا هم خودتان، هم خانواده‌تان و هم تمام افراد بشر در رفاه و راحتی و آسایش فکری زندگی کنید و دغدغه و اضطراب خاطری نداشته باشید.

آیه ۱۰ منافقون سوره ۶۳ میفرماید: «قبل از اینکه مرگ یکی از شما فرا رسد و بگوید خدایا چرا تا مدتی مرگ مرا عقب نینداختی تا انفاق کنم و جزو افراد درستکار باشم؟»

آیه ۱۶ تغابن سوره ۶۴ میفرماید: «تا می‌توانید از نافرمانی دستورهای خدا دوری کنید و به دستور خدا گوش دهید (اجرا کنید) و از آن اطاعت کنید و انفاق کنید، که برای خود شما بهتر است. کسانی که جلوی بخل (خست و ممسک بودن) خود را بگیرند موفق و رستگارند.»

آیه ۱۲۱ توبه سوره ۹ میفرماید: «هیچ خرج کوچک و بزرگی (در راه دین خدا) نمیکنند و هیچ سرزمینی را طی نمیکنند مگر اینکه برای آنها نوشته میشود تا پاداش آنها بهتر از آنچه میکردند به آنها داده شود.» چون کارهای انسان‌ها در دیگران و نسل‌های بعدی اثر دارد همانطور که کارهای مسلمانان اولیه در وضع اعتقادی و کارهای امروز مسلمانان اثر دارد. نتیجه کار انسان ابدی میشود، و جزا و پاداش آن ابدی است.

آیه ۳۴ توبه سوره ۹ میفرماید: «ای افرادی که (به رسالت محمد ص و الهی بودن قرآن) ایمان آورده‌اید، عده زیادی از دانشمندان دینی و زاهدان گوشه‌گیر تارک دنیا مال مردم را بناحق میخورند و مردم را از راه خدا باز میدارند. کسانی را که طلا و نقره را راکد میگذارند (روی هم میگذارند و گنج میسازند) و آن را در راه خدا خرج نمیکنند به عذابی دردناک بشارت بده.»

آیه ۲۶۱ تا ۲۶۴ بقره سوره ۲ میفرماید: «کسانی که مالشان را در راه خدا (در راه ساختن یک دنیای پاک) خرج میکنند کارشان مثل دانه‌ای است که هفت خوشه از آن بروید و در هر خوشه‌ای صد دانه باشد (یعنی هفتصد برابر شود) خدا برای هر کسی که بخواهد (بستگی به نیت و هدف او دارد) آن را

دو برابر میکند (یعنی هزار و چهارصد برابر) خدا وسعت دهنده دانا است (میداند نتیجه کار انسانها چیست). کسانی که مالشان را در راه خدا (در راه ساختن یک دنیای پاک) خرج میکنند و دنبال آن منتی نمیگذارند و اذیتی نمیکنند (چون در راه خدا و انجام وظیفه دینی و انسانی خود خرج کردهاند نه برای منت گذاشتن بر دیگران و اذیت کردن آنان) پاداش آنها پیش خداوندشان محفوظ است. ترسی ندارند و غصه‌ای نمی‌خورند. زبان خوش و طلب آمرزش بهتر از انفاقی است که دنبال آن اذیتی وجود داشته باشد. خدا بی نیاز و پر حوصله است. ای افرادی که (به رسالت محمد ص و الهی بودن قرآن) ایمان آورده‌اید انفاق خود را با منت گذاشتن و اذیت کردن از بین نبرید، مثل کسی که مالش را از روی ریا (برای اینکه مردم سخاوت او را ببینند) خرج میکند و به خدا و روز آخرت ایمان ندارد...»

آیه ۳۱ ابراهیم سوره ۱۴ میفرماید: «به بندگان من که ایمان آورده‌اند بگو: نماز را بپا دارند و از آنچه روزی آنها ساخته‌ایم پنهانی و آشکارا انفاق کنند (در راه ساختن یک دنیای پاک خرج کنند). قبل از اینکه روزی بیاید که در آن خرید و فروش و رفاقت وجود ندارد.»

آیه ۲۷۲ بقره سوره ۲ میفرماید: «... آنچه (در راه ساختن یک دنیای پاک) خرج میکنید به نفع خودتان (و خانواده‌تان و تمام افراد بشر) است، و فقط برای کسب رضای خدا (فقط بخاطر رضای خدا) خرج میکنید، و هر چیز خوبی که انفاق کنید (در راه رضای خدا خرج کنید) پاداش آن بطور کامل به شما داده میشود و به شما ظلمی نمیشود.»

در قرآن ۷۴ بار در باره انفاق (خرج کردن) آمده که بعضی از آنها در باره خرج کردن افراد بی ایمان است.

خداوند در آیه ۳۶ انفال سوره ۸ در باره آنان میفرماید: «افراد بی ایمان مالشان را در راه بازداشتن مردم از راه خدا (از راه ساختن یک دنیای پاک) خرج میکنند. مالشان را خرج میکنند ولی باعث حسرت (افسوس و پشیمانی) آنها میشود و مغلوب میشوند (در راه خود موفق نمیشوند). افراد بی ایمان در جهنم جمع‌آوری میشوند.»

نقرا و مساکین

فقر یعنی تنگدستی. فقرا یعنی تنگدستان. یعنی کسانی که در آمدی دارند ولی درآمد آنها به اندازه مخارج طبیعی آنها نیست. مخارج طبیعی عبارت است از احتیاج انسان به آب و غذا و پوشاک و مسکن و همسر و فرزند. البته هوا هم جزو احتیاجات موجود زنده است ولی آن خرجی ندارد مگر اینکه انسان بخواهد برای مدتی به زیر آب برود یا جایی برود که هوا وجود نداشته باشد.

مسکین تهی دست (تهیدست) است که دستش تهی است و درآمدی ندارد. قرآن در آیه ۱۶ بلد سوره ۹۰ میفرماید: «مسکین (تهیدست) خاک نشین.»

خداوند در باره فقرا و مساکین و رسیدگی به حال آنها توصیه زیادی کرده. چون بسیاری از دزدی‌ها بعلت فقر و مسکنت است و بسیاری از زناها و انحرافات جنسی در اثر فقر و مسکنت و نداشتن توانائی ازدواج است که حتی باعث خودفروشی (تن‌فروشی) افراد میشود.

آیه ۲۷۱ بقره سوره ۲ در باره انفاق به فقرا میفرماید: «اگر انفاق را آشکارا انجام دهید (برای دیدن و تشویق دیگران نه برای ریا و خودنمائی) خوب است و اگر آن را مخفیانه به فقرا بدهید برای شما بهتر است و باعث بخشش قسمتی از گناهان شما میشود. خدا از کارهایی که میکنید خبر دارد.»

آیه ۲۷۳ بقره سوره ۲ میفرماید: «انفاق به فقیران اختصاص به کسانی دارد که در راه خدا (در راه ساختن یک دنیای پاک) محاصره و درمانده شده‌اند، و توانائی مسافرت (رفتن بجای دیگر) را ندارند. آدمی که از وضع آنها اطلاع ندارد بخاطر عفتی (حفظ شخصیت خود) که به خرج میدهند آنها را بی نیاز (بدون احتیاج مالی) می‌پندارد. آنها را از وضع ظاهریشان می‌شناسی. با اصرار از مردم تقاضای کمک مالی (گدائی) نمیکنند. هر چیز خوبی که انفاق کنید خدا آن را میداند.»

آیه ۶۰ توبه میفرماید: «زکات اختصاص دارد به فقرا (تنگدستان) و مساکین (تهیدستان) و مأمورین زکات و تبلیغات اسلامی (تألیف قلوب مخالفین) و آزادگی بردگان (غلام‌ها و کنیزها) و خسارت دیدگان بدون تقصیر (که مقروض شده‌اند) و در راه خدا (بسط دین خدا و کارهای عمومی) و در راه ماندگان (کسانی که در شهر خود احتیاجی ندارند ولی در سفر به هر علتی پول خود را از دست داده‌اند و در راه درمانده شده‌اند). این‌ها از طرف خدا واجب شده و خدا دانا و حکیم است.» کارها و دستورهایش از روی حکمت یعنی علم و دانش همه جانبه است.



را در این عبادت (بندگی و اطاعت بی چون و چرا) شریک خدا نکنید (و از دستور او بدون چون و چرا اطاعت نکنید) و به پدر و مادر و خویشاوندان و یتیمان و تهیدستان و همسایه خویشاوند و همسایه غریبه و دوست همنشین و در راه ماندگان و بردگان خود نیکی کنید. چون خدا افراد متکبر (خیال‌باف) و فخر فروش را دوست ندارد.»

آیه ۴۱ انفال سوره ۸ میفرماید: «اگر به خدا و آنچه ما روز جدا شدن حق و باطل، در روزی که دو سپاه (مسلمانان و مخالفان) به هم برخورد کردند (جنگ بدر) بر بنده خود نازل کردیم ایمان دارید بدانید که یک پنجم هر چیزی که در جنگ به غنیمت گرفتید اختصاص به خدا و پیغمبر و خویشاوندان و یتیمان و تهیدستان (مساکین) و در راه مانده دارد. خدا قادر به هر کاری است.» هر کاری که بخواهد میتواند بکند. ظاهراً این غنائم مطابق آیه اول همین سوره (سوره انفال) در میدان جنگ از سپاه دشمن باقی مانده که چهار پنجم آن سهم سپاهیان است و یک پنجم آن (یعنی خمس آن) صرف مصارفی که گفته شده میشود، مثل مصرف فیء که تمام آن چون بدون جنگ صورت گرفته صرف این افراد میشود.

آیه ۷ و ۸ نساء سوره ۴ میفرماید: «مردان سهمی از آنچه پدر و مادر و نزدیکان به جای گذاشته‌اند دارند و زن‌ها هم سهمی از آنچه پدر و مادر و نزدیکان به جا گذاشته‌اند دارند، چه کم باشد چه زیاد. سهم تعیین شده. وقتی موقع تقسیم اموال شخص مرده نزدیکان و یتیمان و تهیدستان (مساکین) حاضر شده بودند بهره‌ای به آنها بدهید (روزی آنها کنید) و با خوبی با آنها صحبت کنید.»

آیه ۲۶۸ بقره سوره ۲ میفرماید: «شیطان شما را (در باره خرج کردن در راه خدا) از فقر میترساند (که اگر در راه خدا خرج کنید فقیر میشوید) و شما را بکارهای زشت امر میکند (به شما میگوید از این پول‌ها لذت ببر و کیف کن) در صورتیکه خدا (در مقابل آن) به شما وعده آمرزش و فضل خودش را میدهد. خدا وسعت دهنده دانا است.» میداند چگونه بکار انسان‌ها وسعت دهد. چون مردم افراد خیر و نیکوکار را می‌شناسند.

آیه ۱۱ تا ۱۶ بلد سوره ۹۰ میفرماید: «چرا انسان از گردنه عبور نکرد؟ چه میدانی گردنه چیست؟ گردنه آزاد کردن برده‌ای یا سیر کردن گرسنه‌ای در روز قحطی و گرسنگی است که به یتیمی که از خویشاوندانش می‌باشد یا به مسکین خاک‌نشین غذا بدهد.»

آیه ۸ تا ۱۰ انسان (دهر) سوره ۷۶ میفرماید: «با وجود علاقه به پول و بخاطر علاقه به خدا به تهیدست (مسکین) و یتیم و اسیر غذا میدهند (و میگویند) ما بخاطر رضای خدا به شما غذا میدهیم. و از شما پاداش و سپاس‌گزاری نمی‌خواهیم. ما از عذاب خداوندان در روز خشن و سخت می‌ترسیم.»

آیه ۱۷ تا ۲۰ فجر سوره ۸۹ میفرماید: «این طور نیست (خدا شما را خوار نکرده) بلکه شما به یتیم لطف نمی‌کنید. و یکدیگر را بر سیر کردن تهیدست تشویق نمی‌کنید و ارث و میراث را یکجا می‌خورید و مال را زیاد دوست دارید.» مسلمان نوع‌دوست است و فقیران و تهیدستان را برادر خود میدانند و بفکر بهبود وضع آنها می‌باشد.

## اسراف

اسراف یعنی زیاده‌روی. آیه ۳۱ اعراف سوره ۷ میفرماید: «... بخورید و بنوشید ولی اسراف (زیاده‌روی نکنید) چون خدا افراد مُسرف (زیاده رو) را دوست ندارد.»

آیه ۱۴۱ انعام سوره ۶ میفرماید: خدا انواع درختان میوه را بوجود آورده «از میوه آنها وقتی رسید بخورید... و اسراف (زیاده‌روی) نکنید. چون خدا افرادی را که اسراف (زیاده‌روی) میکنند دوست ندارد.»

آیه ۵۳ زمر سوره ۳۹ میفرماید: «بگو: ای بندگان من که به ضرر خودتان اسراف (زیاده‌روی) کرده‌اید از رحمت خدا ناامید نشوید. چون خدا تمام گناهان را (در صورت توبه کردن و تکرار نکردن آن) می‌بخشد. چون خدا آمرزنده و مهربان است.»

آیه ۳۳ اسراء سوره ۱۷ میفرماید: «انسانی را که خدا جانش را محترم داشته نکشید، مگر اینکه سزاوار کشتن باشد (مرتکب قتل یا فساد شده باشد) کسی که مظلوم (بناحق) کشته شده باشد برای ولیّ او (قصاص کننده او) تسلطی (برای قصاص کردن) قرار داده‌ایم. ولی در کشتن قاتل زیاده‌روی نکند. (کاری به خانواده و دوستان او نداشته باشد) چون او (ولیّ دم) از طرف خدا یاری شده است.» می‌بینیم که اسراف در قتل هم وجود دارد.

آیه ۶۷ فرقان سوره ۲۵ در باره یکی از صفات عباد الرحمن میفرماید: «وقتی اتفاق می‌کند اسراف (زیاده‌روی در انفاق) نمی‌کنند و بخل (خست) هم به خرج نمی‌دهند بلکه حدّ وسط را رعایت می‌کنند.»

آیه ۱۵۰ تا ۱۵۲ شعراء سوره ۲۶ میفرماید: صالح به قومش گفت: «از نافرمانی خدا برحذر باشید (احتراز کنید) و از من اطاعت کنید و از کار افراد زیاده رو (مُسرف) اطاعت نکنید. از کار افراد زیاده رویی که در زمین فساد می‌کنند و اصلاح نمی‌نمایند.»

آیه ۱۲ یونس سوره ۱۰ میفرماید: «وقتی ضرری به انسان برسد دراز کشیده و نشسته و ایستاده (در تمام حالات) ما را به کمک میخواند (دعا میکند) ولی وقتی دعای او را اجابت کردیم (و ضرر را از او برطرف کردیم) به راه خود می‌رود مثل این که برای رفع ضرری که به او رسیده بود ما را به کمک نخوانده بود. برای اسراف کنندگان کارشان این طور زینت داده شده.» در طبیعت آنها وجود دارد.

آیه ۸۳ یونس سوره ۱۰ میفرماید: «فقط یک قبیله از قوم موسی به موسی ایمان آورد، (نسل لاوی) بخاطر ترسی که از مجازات فرعون و درباریان داشتند. چون فرعون در زمین قدرت داشت و از افراد مسرف (زیاده‌رو) بود و مخالفین را به شدت مجازات می‌کرد.» امروزه هم حکومت‌ها مثل فرعون هستند و مردم مثل مردم آن زمان از ترس خود چیزی نمی‌گویند و به وضعی که دارند عادت کرده‌اند و توجه ندارند که اگر دیندار و متحد باشند و بخواهند از کسی غیر از خدا بدون چون و چرا اطاعت نکنند به سادگی میتوانند این وضع را تغییر بدهند و تا مردم طرز فکر خودشان را تغییر ندهند خدا وضع آنها را تغییر نمیدهد و وضع به همین ترتیب ادامه خواهد یافت. ولی اگر مردم دیندار باشند و با مال و جان خود در راه خدا کوشش کنند و متحد باشند و سر مسائل جزئی اختلاف پیدا نکنند و با حکمت و بصیرت مردم را به راه خدا دعوت کنند منتهی پس از ۴۰ سال میتوانند این وضع را تغییر دهند. چون در طی ۴۰ سال ده دوره انتخابات برگزار میشود. اگر در طی این دوره افرادی که میخواهند نماینده مجلس شوند به آنها وعده دروغ بدهند و در دوره بعد از رأی آنها محروم شوند رفته‌رفته این افراد برای اینکه به مجلس راه یابند به قول خود وفا خواهند کرد و از نظرات اصلاحی آنان در مجلس دفاع خواهند کرد و در این دوره تعداد آنها رفته‌رفته زیاد خواهد شد و میتوانند شخصاً نماینده خود را تعیین کنند. چون امروزه با وجود چاپ و فتوکپی و E.Mail و رادیو و تلویزیون و اینترنت متوجه ساختن افراد کار بسیار ساده‌ای خواهد بود ولی شرط اول آن متحد شدن کلیه افراد دیندار که متوجه هدف اصلی دین شده‌اند و کاری به جزئیات ندارند میباشد. چون جزئیات در نظر دین مهم نیست. آیه ۳۱ نساء سوره ۴ و آیه ۶۲ بقره سوره ۲ و آیه ۶۹ و ۴۸ مائده سوره ۵ را نگاه کنید که خداوند میفرماید: «اگر شما از گناهان بزرگی که از آن نهی شده‌اید



خودداری کنید گناهان دیگر شما (یعنی کوچک‌ها و متوسط‌های آنچه در قرآن از آن نهی شده‌اید) را می‌بخشیم (ندیده میگیریم)» و «مسلمانان و یهودیان و مسیحیان و پیروان یحیی، بطور کلی کسانی که بخدا و روز آخرت ایمان داشته باشند و کار درست بکنند پاداششان پیش خدا محفوظ است.» و «برای هر دسته از یهودیان و مسیحیان و مسلمانان خدا آداب و رسومی قرار داده» که ربطی به هدف دین که ساختن دنیای پاکی است که در آن عدالت وجود داشته باشد و حق هیچ کس از بین نرود، ندارد. بالأخره دیر یا زود مردم متوجه خواهند شد که باید دست از تعصبات بیهوده خود بردارند و در باره ساختن یک دنیای پاک متحد خواهند شد و دیگر ترسی از حکومت‌ها نخواهند داشت بلکه حکومت‌ها را خدمتگزار خود خواهند دید چون به تمام آنها حقوق میدهند تا در خدمت مردم باشند نه اینکه بر مردم آقائی و حکومت کنند. آیه ۵۵ نور سوره ۲۴ میفرماید: «خدا به کسانی که ایمان آوردند و کار درست کردند وعده داده است که آنها را جانشین قدرت‌های موجود کند. همانطور که قبلی‌ها را کرده بود، و دینی (قانونی) را که برای آنها پسندیده بود به قدرت برساند و ترسشان را (از قدرت‌های موجود) به اطمینان خاطر تبدیل کند تا فقط از من اطاعت بی چون و چرا بکنند و در اینکار کسی را شریک من نکنند. (در آن زمان) کسانی که کافر شوند (و از افراد اطاعت بی چون و چرا بکنند) فاسق هستند.» فاسق کسی است که از فرمان و نظر خدا اطاعت نمیکند.

میدانیم که مطابق آیه ۸۷ و ۱۲۲ نساء سوره ۴ «کسی از خدا راستگوتر نیست.» و مطابق آیه ۱۱۱ توبه سوره ۹ «چه کسی وفادارتر به عهد خود از خود خدا میباشد؟» و مطابق آیه ۶ روم سوره ۳۰ «خدا برخلاف وعده خود عمل نمیکند.» این وعده خدا دو شرط دارد: یکی ایمان به خدا و ایمان به نتیجه حتمی کار و کوشش خود و دیگری کار درست در مبارزات خود. شرط اتحاد و تفرقه نداشتن در آیه ۱۰۳ و ۱۰۵ آل عمران سوره ۳ وجود دارد که خدا میفرماید: «همگی به قرآن (رشته الهی) بچسبید و تفرقه نداشته باشید.» و «مثل کسانی نباشید که با وجود تمام دلیل‌های روشنی که برای آنها آمد دچار تفرقه و اختلاف شدند.»

تذکر

بذر تخمی است که کشاورزان برای زراعت و برداشت محصول آن در زمین می‌پاشند. تَبذیر یعنی ریخت و پاش. مُبذّر یعنی ریخت ریخت و پاش کننده.

آیه ۲۶ و ۲۷ اسراء سوره ۱۷ میفرماید: «حق خویشاوندان و تهیدستان (مساکین) و در راه مانده را بده و ریخت و پاش نکن. چون ریخت و پاش کنندگان برادران شیطان‌ها هستند و شیطان نسبت به خداوندش ناسپاس (قدرشناس) بود.» چون قدر علمی را که به انسان مطابق آیه ۳۱ تا ۳۳ بقره سوره ۲ داده شده بود شناخت و به ذات خود استناد کرد. چون مطابق آیه ۱۲ اعراف سوره ۷ و آیه ۷۶ ص سوره ۳۸ گفت: «آدم را از خاک (از گِل) آفریدی و مرا از آتش (انرژی).» چون در آن زمان اصطلاح انرژی وجود نداشت و مردم آن را به نام آتش می‌شناختند.

## فخر فروشی

آیه ۲۳ حدید سوره ۵۷ میفرماید: «تا بر آنچه از دست شما رفته تأسفی (حسرتی) نخورید و بخاطر آنچه به شما داده شده شادی نکنید. (خودتان را گم نکنید) خدا انسان خودپسند و فخرفروش را دوست ندارد.» چون هر چه بدست آورده و آنچه از دست داده مطابق قوانین خدا میباشد که در جهان نهاده. هر کاری که در جهان صورت می‌گیرد مطابق قوانینی است که خدا در جهان نهاده که انسان‌ها بسیاری از آنها را شناخته‌اند و این شناخت باعث اکتشافات و اختراعات حیرت‌انگیز بشری شده و قوانین بسیار دیگری در طبیعت وجود دارد که هنوز شناخته نشده و در آینده شناخته میشود.

## افزون (زیاده) طلبی

آیه ۲۰ حدید سوره ۵۷ میفرماید: «بدانید که زندگی دنیا بازی و سرگرمی و زینت و فخرفروشی به هم و افزون‌طلبی در مال و فرزند است ...» می‌بینیم که بیشتر وقتِ رادیوها و تلویزیون‌ها و داستان‌ها صرف سرگرم ساختن انسان‌ها میشود و انسان دنبال سرگرمی می‌گردد تا وقت بیکاری خود را پر کند و اسم آن را تفریح می‌گذارد. چون حوصله انسان از بیکاری سر می‌رود و دنبال کاری می‌گردد که خود را با آن سرگرم کند. کار به انسان نشاط و شادی می‌بخشد.

در آیه ۱۸۸ اعراف سوره ۷ خداوند به پیغمبر میفرماید: «بگو: من مالک نفع و ضرری برای خودم جز آنچه خدا بخواهد نیستم. (چه رسد برای دیگران، برخلاف آنچه مردم بی اطلاع از قرآن بنام دین میگویند) و اگر غیب میدانستم (مثل هر انسانی) نفع بیشتری به دست می آوردم و بدی (ضرری) بمن نمیرسید (در جنگ احد عزیزانم را از دست نمی دادم و پیشانی و دندانم نمی شکست) من فقط هشدار دهنده‌ای (کسی که مردم را از خطری که در پیش دارد برحذر میدارد) و بشارت دهنده‌ای (کسی که به افراد درستکار بشارت نتیجه کارهایشان را میدهد) برای افراد با ایمان هستم.»

آیه ۲۱ جنّ سوره ۷۲ میفرماید: «بگو: من مالک ضرر و هدایتی برای شما نیستم.» برخلاف آنچه بسیاری از دیندارنماها میگویند. چون قرآن را که میگویند کتاب الهی ما است نخوانده‌اند و از آن اطلاعی ندارند. چون دینشان را از پدران بی اطلاع از قرآن خودشان یا از افراد بی اطلاع جامعه خود گرفته‌اند نه از کتاب الهی خود که به آن «کلام الله مجید» می‌گویند.

## راکد گذاشتن سرمایه (کنج ساختن)

گنج سرمایه‌ای است که انسان‌ها زیر خاک مخفی میکردند و آن را در کارهای اجتماعی که باعث ایجاد کار برای بیکاران و زیاد شدن تولیدات و خدمات می‌شد بکار نمی‌انداختند.

آیه ۳۴ و ۳۵ توبه سوره ۹ میفرماید: «ای افرادی که (به رسالت محمد ص و الهی بودن قرآن) ایمان آورده‌اید، عده زیادی از دانشمندان دینی و زاهدان گوشه‌گیر دیرنشین مال مردم را به ناحق میخورند و مردم را از راه خدا (به نام زهد و بی رغبتی به دنیا و با بافتن احادیث) باز میدارند (اینکار در تمام دین‌ها از جمله اسلام وجود دارد و آن را می‌بینیم) و کسانی را که طلا و نقره (پول رایج آن زمان) را راکد میگذارند (گنج میکنند) و آن را در راه خدا خرج نمیکنند به عذاب دردناکی بشارت بده. روزی که در آتش جهنم بر آن طلا و نقره‌ها دمیده میشود (تافته میشود) و با آنها پیشانی و پهلوها و پشت آنها داغ میشود و به آنها گفته میشود: این نتیجه چیزی است که برای خود اندوختید (گنج کردید). نتیجه گنجی را که اندوختید بچشید.»

آیه ۷ و ۸ فرقان سوره ۲۵ میفرماید: «مخالفین گفتند: این چه جور پیغمبری است که غذا میخورد و در کوچه و بازار راه میرود؟ چرا فرشته‌ای با او نازل نشده که با او به مردم هشدار بدهد؟ (آنها را از

خطری که در پیش دارند بر حذر بدارد تا احتیاط لازم را بکنند؟) یا چرا گنجی به او داده نشده؟ (تا احتیاج مالی برای بسط دین نداشته باشد؟) یا باغی داشته باشد که از آن بخورد؟ (و احتیاجی به غذای دیگری نداشته باشد؟) ستمکاران (مخالفتان ستمگر) گفتند: شما فقط از انسانی که سحر شده پیروی میکنید.» می‌بینیم که هر چه از دهانشان بر می‌آمد میگفتند و هر بهانه‌ای که پیدا میکردند میتراشیدند و هر تهمتی که میتوانستند به پیغمبر ص میزدند. مثل مخالفین امروزی که مطالبی سر هم میکنند که نشانه بی اطلاعی آنها از قرآن است و افراد بی اطلاع از قرآن حرف‌های آنها را قبول میکنند.

مثلاً مطابق آیه ۴ و ۵ فرقان سوره ۲۵ «افراد کافر (بی ایمان، که منکر رسالت پیغمبر ص بودند) میگفتند: این قرآن دروغی است که پیغمبر به هم بافته (میگفتند پیغمبر ص قرآن را به هم بافته و به خدا نسبت داده. در صورتیکه روابط ریاضی قرآن نشان میدهد که قرآن کار محمد ص و تمام مردم آن زمان نبوده و نمیتوانسته‌اند چنین محاسباتی بکنند) و گفتند: افراد دیگر در اینکار به او کمک کرده‌اند. سخن آنها ظلم و دروغ است. و گفتند: این داستانهای افسانه‌ای پیشینیان (گذشتگان) است که صبح و شب به او املاء شده (گفته شده) که رونویسی کرده.» توجه ندارند که داستان‌های قرآن یک روانشناسی اجتماعی است و روحیه مردم را نشان میدهد. مردم امروزی را هم می‌بینیم که همین روحیه را دارند و به چیزی که عادت کرده‌اند به سادگی از آن دست بر نمی‌دارند. به قول شاعری:

«سعدی به روزگاران مهری نشسته بر دل بیرون نمیتوان کرد آلا به روزگاران»

زمان لازم است تا مردم از تعصبی که دارند دست بردارند و حقیقت را بپذیرند. چون با عقاید پدران

و اجداد خود بزرگ شده‌اند و به آن عادت کرده‌اند، همانطور که

آیه ۱۷۰ بقره سوره ۲ و آیه ۱۰۴ مائده سوره ۵ و آیه ۲۱ لقمان سوره ۳۱ میفرماید: «وقتی به آنها گفته میشود از آنچه خدا نازل کرده (و شما آن را کتاب الهی و سخن خدا میدانید) پیروی کنید میگویند: نه. ما فقط از آنچه پدرانمان را بر آن یافتیم (عقاید و کارهای پدرانمان) پیروی میکنیم. اگرچه پدرانمان ذره‌ای عقل خود را بکار نبرده باشند (در باره درستی عقاید خود فکر نکرده باشند) و راه درست را نشناخته باشند.» روش مردم امروزی هم همانطور که می‌بینیم همین است و بجای پیروی از کتاب الهی خود از روش پدران و افراد جامعه خود پیروی میکنند.

## \* نتیجه بحث‌های گذشته \*

اگر به بحث توجه به فقرا و مساکین و اسراف و تبذیر و راکد گذاشتن سرمایه و عمل صالح (کار درست) و فخرفروشی و افزون طلبی نگاه کنیم با توجه به ایمان به خدا که شاهد کلیه کارهای انسان‌ها است و از نیت آنها هم خبر دارد و ایمان به روز قیامت که انسان جزای تمام کارهای خود را دقیقاً می‌بیند متوجه می‌شویم که در جامعه اسلامی واقعی همه سعی می‌کنند کارهای خود را به درستی و به بهترین وجه انجام دهند و در نتیجه درآمد زیادی خواهند داشت و بدون اسراف و تبذیر و فخرفروشی و چشم و هم چشمی برای لذت بردن طبیعی از زندگی، زندگی میکنند و مازاد درآمد خود را صرف سرمایه‌گذاری برای ایجاد کار برای بیکاران میکنند تا آنها هم درآمدی داشته باشند و براحته زندگی کنند و نیروی کارشان صرف تولیدات و خدمات عمومی شود و از بین نرود. و در نتیجه تولیدات و خدمات در جامعه افزایش یابد و دسترسی به آنها آسان شود و در نتیجه افزایش آنها قیمت‌ها پایین بیاید و تهیه آنها برای افراد آسان شود و مردم در کمال راحتی و با رضایت خاطر زندگی کنند و دزدی و تجاوز به ناموس دیگران و انحرافات جنسی در اثر ایجاد کار و کسب درآمد برای تأمین مخارج زندگی خانوادگی از بین برود و خیال مردم از وجود اینکارها آسوده شود.

## احتیاجات طبیعی

آیه ۳۸ انعام سوره ۶ میفرماید: «هیچ جنبده‌ای در زمین و هیچ پرنده‌ای که با بال‌های خود در آسمان پرواز میکند نیست مگر اینکه انوعی از موجودات زنده مثل شما هستند. ما در قرآن هیچ مطلبی را فروگذار نکرده‌ایم. همه آنها (می‌میرند و) پیش خداوندشان محشور (جمع) میشوند.»

انسان یکی از جاندارانی است که خدا آفریده به اضافه قدرت فکر کردن و حرف زدن بیشتر. (مطابق آیه ۳۱ تا ۳۳ بقره)

احتیاجات کلیه موجودات زنده عبارت است از احتیاج به هوا و آب و غذا و امنیت و همسر که در انسان احتیاج به پوشاک و مسکن هم به آن اضافه شده، چون حیوانات دیگر پوست و مو و پشم و لاک و

فلس آنها پوشاک آنها است و بیشتر آنها هر جا که پیش آید می‌خواهند و اگر لانه‌ای می‌سازند برای پرورش نوزادان و جوجه‌ها است یا اگر زیر زمین لانه می‌سازند برای نجات از حملات دیگران است.

اما هوا همه جا در اختیار انسان‌ها هست و غذا به قول معروف با یک ساندویچ انرژی از دست رفته انسان تأمین میشود و آب در جایی که انسان زندگی میکند به وفور وجود دارد. چون انسان از ابتدا در کنار رودها زندگی میکرده، اگرچه امروز آب را در شیشه‌ها میکنند و مثل شیر آنها را میفروشند. پوشاک انسان هم امروزه با وجود نخ‌های نایلونی چند سال کار میکند و یک اطاق شش در چهار برای بسیاری از خانواده‌ها کافی است و همه در یک اطاق زندگی میکنند. بطور کلی زندگی طبیعی احتیاجات بسیار محدودی دارد و هر کس با تخصص و تبخّر در یک رشته مورد نیاز جامعه خیلی بیشتر از آن درآمد دارد. ولی باید کار وجود داشته باشد و مورد نیاز جامعه باشد. لذا بیشتر افراد میتوانند با رعایت آنچه دیدیم در این سرمایه‌گذاری اجتماعی شرکت کنند. با توجه به بحث اتحاد و همکاری این سرمایه‌گذاری به راحتی در اجتماع اسلامی عملی میشود.



صبر یعنی حوصله، شکیبائی، بردباری، تolerانس، گشاده دلی، استقامت، از کوره در نرفتن، تحمل کردن، پایداری.

آیه ۱۳۰ طه سوره ۲۰ و ۱۷ ص سوره ۳۸ و آیه ۳۹ ق سوره ۵۰ و آیه ۱۰ مزمل سوره ۷۳ به پیغمبر میفرمایند: «بر آنچه میگویند صبر داشته باش.» حوصله داشته باش. بردبار باش، شکیبا باش، تحمل کن، از کوره در نرو.

آیه ۱۷ ص سوره ۳۸ میفرماید: «بر آنچه میگویند صبر (حوصله، استقامت، پایداری...) داشته باش و در اینکار داود قدرتمند را یادآوری کن، چون او بسیار توبه کننده بود.» چون مطابق باب ۱۵ و ۱۶ کتاب دوم سموئیل، کتاب دهم عهد عتیق مشهور به تورات پسرش آبشالوم علیه او قیام کرد.

به پیغمبر چه میگفتند که خدا به پیغمبر دستور میدهد «بر آنچه میگویند صبر داشته باش.» آیه ۴ تا ۸ همین سوره ص قبل از آن میفرماید: «از اینکه هشدار دهنده‌ای (که آنها را از عاقبت کارهای غلط آنها بر حذر دارد تا از آن احتراز کنند و آن کارها را دیگر انجام ندهند.) برای آنها آمده تعجب کرده‌اند و

افراد بی ایمان گفتند: این مرد (این کسی که ادعای پیغمبری میکند) جادوگر دروغگوئی است. (تهمت جادوگری و دروغگوئی به او زدند تا دیگران را از گوش دادن به سخنان او که وحی الهی بود باز دارند) آیا خدایان را به یک خدا تبدیل میکند؟ این کار عجیبی است. (مگر امکان دارد؟) بزرگانشان راه افتادند و رفتند و به دیگران گفتند: بروید و در عبادت خدایانتان صبر داشته باشید. این چیزی است که از شما خواسته شده (مردم امروزی هم همین حرف را میزنند، حتی وقتی آیات کتاب خودشان را که به آن کلام الله مجید - سخن با شکوه خدا - میگویند به آنها گفته شود) ما چنین حرفهائی (که فقط بنده خدای واحد باشید) را در آئین دیگری نشنیده بودیم. این حرف فقط دروغ است. (در صورتیکه در تمام کیش‌ها و آئین‌ها و دین‌های قبلی پیغمبرانشان به آنها گفتند: فقط خدا را بندگی و اطاعت بدون چون و چرا بکنید. آیه ۵۹ و ۶۵ و ۷۳ و ۸۵ اعراف سوره ۷ و آیه ۵۰ و ۶۱ و ۸۴ هود سوره ۱۱ و آیه ۲۳ و ۳۲ مؤمنون سوره ۲۳ را ببینید.) آیا ذکر (قرآن) از بین ما فقط به او نازل شده؟ (وحی شده؟) آنها از ذکر من (قرآن) در شک هستند (که وحی الهی است، مثل بسیاری از افراد امروزی) چون هنوز عذاب مرا نچشیده‌اند.» دچار عذاب من نشده‌اند.

آیه ۳۵ احقاف سوره ۴۶ میفرماید: «همان طور که پیغمبران با اراده (در مقابل تهمت‌ها و تکذیب‌ها و گفتن اینکه آنها یعنی پیغمبران دروغ میگویند) صبر کردند تو هم صبر (تحمل و بردباری و پایداری) داشته باش و در رسیدن عذاب آنها عجله نداشته باش...» چون مردم به خاطر دلبستگی افراد به عقاید غلط پدران و اجدادشان که پیرو عالم نمایان دین فروش بودند با همه پیغمبران مخالفت می‌کردند.

آیه ۳۴ انعام سوره ۶ میفرماید: «پیغمبران قبل از تو هم مورد انکار قرار گرفتند ولی بر تکذیبی که آنها میکردند (و میگفتند این حرفهائی که آنان میزنند دروغ است) صبر کردند (تحمل کردند، حوصله بخرج دادند، از کوره در نرفتند) و اذیت شدند تا اینکه یاری ما برای آنها آمد. کلمات خدا (قوانینی که خدا در جهان گذاشته) تغییر نمیکند (و روحیه مردم اینطور است و امروزه هم مثل سابق با عقیده‌های مخالف مبارزه می‌کنند) خبر پیغمبران گذشته برای تو آمده است.» چون آیه ۴ همین سوره (سوره انعام) میفرماید: «هیچ آیه‌ای از آیات خداوند آنها برایشان نیامد مگر اینکه از آن روگردان بودند» و آیه ۴۸ و ۴۹ همین سوره (سوره انعام) میفرماید: «ما پیغمبران را فقط برای بشارت دادن (در باره عاقبت کارهای درست) و بر حذر داشتن و هشدار دادن (در باره کارهای غلط مردم) می‌فرستیم (که کارشان آنها را اسیر

دیکتاتوران و فریبکاران زمان خود میکنند) کسانی که ایمان آوردند و کارشان را اصلاح کردند (دیگر کار غلط نکردند) ترسی و غصه‌ای ندارند (هم از دیکتاتوری دیکتاتوران و فریبکاری فریبکاران زمان خود در امانند و هم از عذاب ابدی آخرت) ولی کسانی که منکر آیات ما شدند (و گفتند این حرف‌ها دروغ است) بخاطر اینکه از آیات (و دستورهای) ما پیروی نکردند به آنها عذاب خواهد رسید. «هم عذاب دنیائی و زندگی ناراحت کننده و پر دغدغه و اضطراب هم عذاب آخرت.

آیه ۴۳ شوری (شورا) سوره ۴۲ میفرماید: «بدون تردید کسی که صبر کرد (تحمل کرد، از کوره در نرفت) و اذیت و حرفهای دیگران را بخشید اینکار آنها از کارهایی است که اراده قوی لازم دارد.»

آیه ۹۶ نحل سوره ۱۶ میفرماید: «آنچه نزد شما است (شما دارید) از بین میرود ولی پاداشی که پیش خدا دارید باقی (و جاودانی) است. ما بدون کوچکترین تردیدی پاداش کسانی را که صبر (استقامت و تحمل داشتند و از کوره در نرفتند) خیلی بهتر از کارهایی که میکردند به آنها میدهیم.»

آیه ۷۵ فرقان سوره ۲۵ در باره عباد الرحمن (کسانی که دستورهای خدا را بدون چون و چرا انجام میدهند) میفرماید: «آنها بخاطر صبری که ورزیدند (از کوره در نرفتند و استقامت داشتند) پاداش آنها غرفه (طاق و خانه‌های بهشتی) خواهد بود و با خوش آمد و زنده باد و سلام روبرو میشوند.»

آیه ۴۶ انفال سوره ۸ میفرماید: «از خدا و رسولش اطاعت کنید و کشمکش نکنید. چون سست میشوید و قدرتتان از بین میرود و استقامت (صبر) داشته باشید چون خدا با افراد با استقامت است.»

آیه ۱۰۹ یونس سوره ۱۰ به پیغمبر ص میفرماید: «از آنچه به تو وحی میشود پیروی کن و صبر (استقامت) داشته باش، تا خدا حکم کند. او بهترین حکم کننده است.» پیغمبر مسلمان و تسلیم خدا و دستورها و نظرهای او بود و از آنچه به او وحی میشد پیروی میکرد و حرفی برخلاف قرآن نمی‌زد و کاری برخلاف قرآن نمیکرد.

آیه ۱۱۵ هود سوره ۱۱ میفرماید: «استقامت (صبر) داشته باش چون خدا پاداش نیکوکاران را از بین نمیرد.»

آیه ۱۲۰ آل عمران سوره ۳ میفرماید: «... اگر صبر (استقامت داشته باشید و ناامید نشوید) و تسلط بر نفس داشته باشید نقشه‌های آنها ذره‌ای به شما ضرر نمیزند. خدا به کارهایی که میکنند احاطه دارد.»



چون مخالفان دین که به عقاید پدران و اجداد خود دلبستگی داشتند برای نابودی اسلام نقشه‌ها میکشیدند.

آیه ۵۵ مؤمن (غافر) سوره ۴۰ میفرماید: «صبر (استقامت) داشته باش (ناامید نشو) چون و عده خدا درست است و برای گناهت طلب آمرزش کن و شب و روز با ستایش، خداوندت را (مالک و صاحب اختیار) که به تو میگوید چه کاری بکن و چه کاری نکن را) به بزرگی یاد کن.»

آیه ۵۴ قصص سوره ۲۸ میفرماید: «پاداش آنها (پاداش افراد با ایمان) بعثت صبری که داشتند دوبار داده می‌شود (هم در دنیا و هم در آخرت) آبها بدی را با نیکی پاسخ (جواب) میدهند و از آنچه روزی آنها ساخته‌ایم (در راه خدا یعنی در راه ساختن یک دنیای پاک) انفاق می‌کنند.» چون در دنیا از ترس و دلهره‌ای که از افراد ناپاک دارند نجات پیدا میکنند و در آخرت بهشت جاویدان پاداش آنها است.

## دعا

دعا فقط به درگاه خدا جایز است و بس. در صورتیکه امروزه می‌بینیم در سراسر دنیا مردمی که ادعای دینداری میکنند از مردگانی که پوسیده‌اند کمک می‌خواهند و به درگاه آنها دعا می‌کنند. آیه ۲۰ نحل سوره ۱۶ میفرماید: «کسانی (نه بتهای بیجان) که غیر از خدا به کمک میخوانند چیزی خلق نمیکند و خودشان هم خلق شده‌اند.» آیه ۱۰۶ یونس سوره ۱۰ میفرماید: «غیر از خدا چیزی را که نفعی به تو نمیرساند و ضرری به تو نمیزند به کمک نخوان. اگر اینکار را بکنی از ظالمین هستی.» آیه ۲۱۳ شعراء سوره ۲۶ میفرماید: «با خدا معبود دیگری را به کمک نخوان چون عذاب خواهی شد.» آیه ۸۸ قصص سوره ۲۸ میفرماید: «با خدا معبود دیگری را به کمک نخوان. معبودی غیر از او وجود ندارد...» آیه ۱۸ جن سوره ۷۲ میفرماید: «مسجدها اختصاص به خدا دارد. هیچکس را با خدا به کمک خود نخوانید.» نه اینکه در مسجدها از بردن نام افرادی که در قرآن هستند خودداری کنید و قرآن نخوانید. آیه ۵۶ انعام سوره ۶ میفرماید: پیغمبر ص گفت: «من از عبادت (بندگی کردن) کسانی که غیر از خدا به کمک می‌خوانید نهی شده‌ام.» آیه ۱۷ عنکبوت سوره ۲۹ میفرماید: «... کسانی که غیر از خدا به کمک میخوانید مالک روزی شما نیستند. از خدا روزی بخواهید و او را بندگی (اطاعت بی چون و چرا) بکنید و سپاس نعمت او را بجا آورید. پیش او برگردانده میشوید.» تا به حساب اعمال شما رسیدگی شود. آیه

۱۹۴ اعراف سوره ۷ میفرماید: «کسانی که غیر از خدا به کمک میخوانید بندگانی مثل خود شما هستند (که از خدا کمک میخواستند) اگر راست میگوئید آنها را به کمک بخوانید تا دعای شما را اجابت کنند.» آیه ۶۰ غافر سوره ۴۰ میفرماید: «مرا به کمک بخوانید تا دعای شما را اجابت کنم. کسانی که در عبادت من تکبر میورزند (و دیگران را به کمک میخوانند) با خواری وارد جهنم میشوند.»

علی علیه السلام که شیعیان او را امام اول خود و اهل سنت او را خلیفه چهارم خود می دانند و از خلفای راشدین و صحابی بزرگ پیغمبر که در خانه او بزرگ شده بود و داماد پیغمبر بود در نامه ۳۱ نهج البلاغه به فرزند خود امام حسن سفارش میکند که «بدان کسی که خزائن آسمانها و زمین در دست او است به تو اجازه دعا داده است و ضامن اجابت آن (مطابق آیه ۶۰ سوره غافر) شده است و به تو دستور داده که از او بخواهی تا به تو بدهد و از او طلب رحم کنی تا به تو رحم کند و بین تو و خودش دربان و پرده داری قرار نداده و تو را مجبور نکرده که به دامن کسی پناه ببری تا نزد او برای تو شفاعت کند و اگر کار بدی کردی تو را از توبه (بازگشت از آن عمل و تکرار نکردن آن) منع نکرده.»

## چه نسبت هایی به پیغمبران داده می شود؟ چه حرف ها و تهمت هایی به پیغمبران زده می شود؟ می گفتند: پیغمبر دیوانه است.

آیه ۶ حجر سوره ۱۵ میفرماید: «گفتند: ای کسی که ذکر (قرآن) بر او نازل شده، تو دیوانه ای.» آیه ۲۷ شعراء سوره ۲۶ میفرماید فرعون به اطرفیاناش گفت: «پیغمبری که به سوی شما فرستاده شده حتماً دیوانه است.» این آیه در باره موسی ع است.

آیه ۳۶ و ۳۷ صافات سوره ۳۷ میفرماید: «گفتند: آیا ما خدایان خودمان را بخاطر شاعر دیوانه ای ترک کنیم؟ اینطور نیست بلکه او حقیقت را آورده و پیغمبران قبلی ار تصدیق کرده است.»

سوره ذاریات سوره ۵۱ پس از این که در آیات ۲۴ تا ۳۷ در باره ابراهیم ع صحبت می‌کند آنگاه در آیات ۳۸ و ۳۹ در باره موسی ع میفرماید: «در مورد موسی، او را با دلیل واضح (آشکار و روشن) پیش فرعون فرستادیم ولی او با تمام قدرت از او رو گرداند و گفت: او ساحر یا دیوانه است.» و پس از اینکه در باره قوم عاد و ثمود و قوم نوح صحبت میکند، در آیه ۵۲ ذاریات میفرماید: «اینطور هیچ پیغمبری برای افراد قبلی نیامد مگر اینکه گفتند: او ساحر (جاودگر) یا دیوانه است.»

آیه ۵۱ و ۵۲ قلم سوره ۶۸ میفرماید: «ای پیغمبر، نزدیک است که کفار (افرادی که منکر پیامبری تو هستند) وقتی قرآن را می‌شنوند با چشم (نگاه خشم‌آلود) خود تو را دچار انحراف (و لغزش) بکنند و می‌گویند او دیوانه است. در صورتیکه قرآن فقط تذکری برای همه مردم عالم است.»

آیه ۱۸۴ اعراف سوره ۷ میفرماید: «آیا فکر نکردند که دوست آنها (پیغمبر اسلام ص) دیوانه نیست. او فقط هشدار دهنده آشکار است.»

آیه ۷۰ مؤمنون سوره ۲۳ میفرماید: «یا (منکران رسالت تو) میگویند او دیوانه است (جنون دارد). اینطور نیست بلکه پیغمبر (ص) حقیقت را برای آنها آورده و بیشتر آنها از (شنیدن و قبول) حقیقت بدشان می‌آید.» چون به آنچه از بچگی شنیده‌اند عادت کرده‌اند و فکر نمیکنند ممکن است آنها اشتباه باشد. مثل مردم امروزه جهان که بنام دموکراسی و حقوق بشر فریب خورده‌اند و به آن عادت کرده‌اند و نمیدانند هیچ جای دنیا دموکراسی وجود ندارد و حقوق بشر رعایت نمیشود و هر ملتی از دولت خود انتظار دارد دنیا را به نفع او غارت کند و به شکم او بریزد و صرف لذت جوئی‌های او شود و توجهی به مردم گرسنه افریقا و هند و پاکستان و افغانستان ندارند، حتی به گرسنگان و بی خانمان‌های کشور خود. تا عدالت که خواست تمام دین‌ها است اجرا نشود و تا مردم دیندار واقعی نشوند حقوق مردم و حقوق بشر حرف زیبای تو خالی و بی محتوا است.

مردم امریکا را دیدیم که به نام امنیت ملی و منافع امریکا دچار چه بلائی شدند و مردم دنیا را دچار چه بلائی کردند و با مردم عراق و افغانستان چه کردند و چه میکنند و به نام مبارزه با تروریسم در تمام جهان به تروریسم دامن زدند بطوری که مردم از رفتن به خیابان‌ها میترسند که مبادا بمبی سر راه ایشان منفجر شود و جان آنها را بگیرد یا زخمی شوند. میدانم که در آینده این نوشته به دست افرادی میرسد که از وضع امروز جهان غافلند و تا متوجه نشوند که رفاه بشریت و حفظ حقوق افراد جز در سایه

عدالت که هدف دین است و ایمان به خدا که شاهد و ناظر اعمال انسان‌ها است و ایمان به قیامت و پاداش و مجازات اخروی که انسان جزای اعمال ناروا و پاداش کارهای درست خود را می‌بیند تأمین نمی‌شود و تا مردم دیندار واقعی نباشند و فریب دکانداران دینی و فریبکاران اجتماعی و سیاسی را نخورند، امکان رسیدن به یک دنیای پاک وجود ندارد. آنوقت امید است که حرف مرا بپذیرند. البته اینکار فقط با ترک تعصبات تلقین شده دیندارنماهای دکاندار دین فروش و با بی‌اعتنایی به فریبکاری سیاست بافان بنام وطن و ملت امکان دارد. تا مردم متوجه نشوند که دینداران و فلسفه بافان و سیاست بافان آنها را فریب داده‌اند و فریب می‌دهند و از لاک پیروی از عادت بیرون نیایند این وضع ادامه خواهد داشت. امروزه با استفاده از فتوکپی و چاپ و اینترنت و رادیو و تلفن و تلویزیون که می‌تواند به تمام دنیا برود و به هر زبانی ترجمه شود اینکار بسیار راحت است. به شرط آنکه مردم بخود آیند و متوجه حقایق موجود بشوند و عاقلانه چه نکنفره چه با اتحاد با دیگران کوشش شایسته خود را شروع کنند. امروزه با توجه به روابط ریاضی قرآن که وجود خدا را با تجربه ثابت میکند و رسالت پیغمبر اسلام و سایر پیغمبران و الهی بودن قرآن را نشان می‌دهد، راه انسان‌ها معلوم و ایمان آوردن آنها آسان است. چون نشان می‌دهد که یک آدم بی‌سواد ۱۴ قرن پیش عربستان و تمام مردم آن زمان نمیتوانستند این محاسبات را انجام دهند و امروزه هم با وجود کامپیوتر تمام مردم جهان، نه یکنفر، نمیتوانند در گفتار خود حتی در نوشته‌های خود چنین روابطی را برقرار کنند. فقط شخص باید ایمان پیدا کند که کار او هر قدر کوچک باشد در جهان اثر ابدی دارد و در کار دیگران موثر است و دیر یا زود افراد متوجه حقیقت خواهند شد و متوجه خواهند شد بدون اتحاد تمام دینداران و اصلاح طلبان واقعی ساختن یک دنیای پاک امکان ندارد و بجای تعصب تلقین شده از طرف دکانداران دینی و فریبکاران سیاسی و ایجاد نفرت‌ها و دشمنی‌ها فقط با همکاری در راه اجرای دین و فعالیت در راه برقراری عدالت که هدف همه ادیان است اینکار شدنی است. بالاخره روزی مردم بخود خواهند آمد و متوجه خواهند شد که آلت دست فریبکاران دینی و قدرت طلبان سیاسی شده‌اند و به فکر برقراری عدالت خواهند افتاد و از «یک دسته افکار سست و واهی و بی‌اثر» که بنام دین به آنها تزریق و تلقین شده دست بر خواهند داشت و متوجه خواهند شد که مطابق آیه ۵۳ انفال سوره ۸ و آیه ۱۱ رعد سوره ۱۳ «تا مردم فکر و عمل خود را تغییر ندهند خدا وضع آنها را تغییر نخواهد داد.» چه در جهت منفی چه در جهت مثبت.

## می‌گفتند: پیغمبر ساحر (جادوگر) است.

آیه ۶ صف سوره ۶۱ میفرماید: «وقتی عیسی (ع) برای قوم بنی اسرائیل (یهودیان آن روز و امروز) معجزاتی آورد کفار یهودیان گفتند: اینکارها فقط سحر آشکاری است.» (در سحر بودن آن‌ها هیچگونه شکّی وجود ندارد.) انسان‌ها میتوانند با فکر خود معجزه پیغمبری را رد کنند ولی با توجه به روابط ریاضی قرآن و الهی بودن محاسبات آنها که باعث شگفتی و تصدیق هر انسانی برای درستی آن میشود، هیچ فرد عاقلی نمیتواند منکر اعجاز آن شود، چون قابل بررسی و تجربه هر کسی هست و با کامپیوتر و ماشین حساب میتواند متوجه درستی آن و الهی بودن آن بشود.

آیه ۷ انعام سوره ۶ میفرماید: «اگر کتاب (قرآن) را در کاغذی بر تو نازل کنیم (وحی را کتباً به دست تو بدهیم) که آن را با دست‌هایشان لمس کنند بدون تردید کافران (افرادی که منکر وحی بودن آن میباشند) خواهند گفت: این سحر آشکاری است.» (در سحر آشکار بودن آن جای تردیدی نیست.)

آیه ۷۷ یونس سوره ۱۰ میفرماید: «موسی (به فرعون و بزرگان و اطرافیانش) گفت: آیا وقتی حق برای شما آمد به آن سحر میگوئید؟ در صورتیکه ساحران موفق و رستگار نمیشوند.»

آیه ۷ هود سوره ۱۱ میفرماید: «... اگر به آنها بگوئی: پس از مرگ (برای رسیدن به حساب کارها و دیدن جزا و پاداش آن) دوباره زنده میشوید، کفار (کسانی که به رسالت موسی ایمان نداشتند) حتماً میگویند این سحر آشکاری است.» مگر ممکن است انسان مرده زنده شود؟ ولی توجه ندارند اینکار برای خدائی که اولین بار آنها را زنده کرده و اجزای اتمی و مولکولی و سلولی آن‌ها را گرد هم آورده تا بدن آنها را ساخته کار آسانی است. به قول آیه ۷۹ یس سوره ۳۶ «به آنها بگو: آنها را کسی که اولین بار آنها را زنده کرده (به ذرات بیجان جان داده) زنده میکند. او هر کاری را (از جهت زنده کردن ذرات بیجان) میداند.»

آیه ۱۳ نمل سوره ۲۷ میفرماید: «وقتی آیات روشن کننده حقیقت برای آنها آمد گفتند: این سحر آشکاری است.»

آیه ۴۳ سبا سوره ۳۴ میفرماید: «... وقتی آیات روشن ما بر آنها خوانده شود (افراد بی ایمان) میگویند: این مردی است که میخواهد شما را از دین پدرانتان برگرداند (باز دارد) و گفتند: این دروغی

است که پیغمبر سر هم کرده و به هم بافته، و منکران وقتی حقیقت برای آنها آمد گفتند: این سحر آشکاری است.» (در سحر بودن آن شکی نیست) چون انسان‌ها با فکر ناقص و معلومات غلط خود فکر میکنند و چاره‌ای جز آن ندارند مگر اینکه خواهان حقیقت باشند و توجه داشته باشند که ممکن است معلومات آنها غلط یا ناقص باشد.

آیه ۳۰ زخرف سوره ۴۳ میفرماید: «وقتی حقیقت برای آنها آمد گفتند: این سحر (جادو) است و ما آن را قبول نداریم.» این استدلال افراد است.

آیه ۳ انبیاء سوره ۲۱ میفرماید: «دل‌هایشان سرگرم (افکار خودشان) میباشد. و ستمکاران آهسته در گوش هم گفتند: این فقط بشری مثل شما است. (و راست میگفتند پیغمبران انسانی مثل تمام انسان‌ها بودند. فریبکاران از آنها فوق بشر و نیمه خدا حتی خدا ساختند. تمام غرائز و احتیاجات بشری را داشتند) آیا در صورتیکه می‌بینید دچار سحر (جادو) شده‌اید؟» چطور متوجه نمیشوید که اینها سحر است؟

مطابق آیه ۳۴ شعراء سوره ۲۶ فرعون پس از اینکه معجزات موسی را دید «به بزرگان اطرافش گفت: واقعاً موسی جادوگر زبردست و دانائی است.» انسان‌ها اینطور هستند وقتی متوجه کاری نمیشوند میگویند اینکار سحر (جادو) و چشم‌بندی است.

## می‌گفتند: شاعر است.

آیه ۵ انبیاء سوره ۲۱ میفرماید: «... گفتند اینها خوابهای آشفته و پریشان است، شاید آنها را خودش به هم بافته (مگر میشود دنیائی ساخت که در آن دیکتاتوران بر گرده مردم سواری نکنند؟ و توجه ندارند که با اتحاد و فکر صحیح هر کاری در جهان شدنی است. مثل کمونیست شدن چین و روسیه و جمهوری شدن ایران که به قولی پنجمین ارتش نیرومند جهان را داشت و یا رئیس جمهور شدن اوبامای سیاه پوست که یک قرن پیش آنها را در کافه و رستوران سفیدپوستان راه نمیدادند.) یا او شاعر است. باید آیه‌ای (نشانه‌ای، معجزه‌ای) همانطور که پیغمبران قبلی داشتند برای ما بیاورد.» در صورتیکه معجزات پیغمبران قبلی را توجیه میکردند.

آیه ۲۹ و ۳۰ طور سوره ۵۲ میفرماید: «تو تذکر بده که تو به لطف خداوندت (فرمانفرمایت که به تو میگویند چه کاری بکن و چه کاری نکن) کاهن و دیوانه نیستی. یا میگویند او شاعر است و منتظر مرگ او هستیم.» بزودی خواهد مرد و حرفهایش فراموش میشود.

آیه ۴۱ حاقه سوره ۶۹ میفرماید: «قرآن سخن یک شاعر نیست. کمی از شما ایمان می‌آورید.» ولی همان مقدار کم برای آینده کافی است.

آیه ۲۲۴ تا ۲۲۷ شعراء سوره ۲۶ میفرماید: «فقط گمراهان از شعراء پیروی میکنند. آیا نمی‌بینی (متوجه نمی‌شوی) که آنها در هر وادی سرگردانند و حرف‌هایی می‌زنند که به آن عمل نمی‌کنند. غیر از افرادی از آنان که ایمان آوردند و کار درست کردند....» و اغراق گوئی و مدیحه سرائی نکردند.

## می‌کنند: کاهن است.

کهنات یعنی پیشگوئی، غیب‌گوئی و کاهن کسی است که پیشگوئی و غیب‌گوئی میکند.  
آیه ۲۹ طور سوره ۵۲ میفرماید: «تذکر بده که تو به لطف خداوندت (فرمان‌فرمایت) کاهن و دیوانه نیستی.»

آیه ۴۰ تا ۴۳ حاقه سوره ۶۹ میفرماید: «قرآن سخن فرستاده‌ای بزرگوار است. و سخن شاعر نیست. تعداد کمی ایمان می‌آورید. و سخن کاهن (پیشگو) هم نیست. تعداد کمی متوجه می‌شوید. نزول آن از طرف خداوند جهانیان (فرمان‌فرمای تمام افراد بشر) است.» چون میگفتند محمد ص کاهن است و ادعای غیبگوئی (پیشگوئی) میکند.

## می‌کنند: به او یاد داده‌اند.

آیه ۴۹ هود سوره ۱۱ در باره داستان نوح میفرماید: «این از اخبار غیب است که به تو وحی می‌کنیم. تو و قومت آن را قبلاً نمیدانستید. صبر (حوصله و استقامت) داشته باش. چون عاقبت متعلق به افرادی است که بر تمایلات خود تسلط دارند.»

آیه ۱۰۳ نحل سوره ۱۶ میفرماید: «میدانیم که آنها میگویند (این حرف‌ها را) انسانی به او یاد داده. زبان کسی که آنها به او اشاره میکنند عربی نیست (خارجی است، نسبت به اعراب) در صورتیکه این قرآن به زبان عربی روشن است.»

آیه ۱۴ دخان سوره ۴۴ میفرماید: «سپس از او روگرداندند (قبول نکردند و انکار کردند) و گفتند: او دیوانه‌ای است که این حرف‌ها را به او یاد داده‌اند.»

آیه ۵ فرقان سوره ۲۵ میفرماید: «گفتند: این حرف‌ها داستان‌های افسانه‌ای گذشتگان است که محمد ص خواسته آن را برایش بنویسند و شب و روز بر او خوانده میشود.»

آیه ۴ فرقان سوره ۲۵ میفرماید: «افراد بی ایمان (به رسالت محمد ص) گفتند: این حرف‌ها دروغی است که او به هم بافته و سر هم کرده و دسته دیگری او را بر اینکار کمک کرده‌اند ...» امروزه هم مخالفان همین حرف را میزنند ولی روابط ریاضی قرآن نشان میدهد که نمی‌توانسته قرآن سخن پیغمبر و بافته او و حتی تمام مردم آن زمان باشد. چون مردم این زمان هم با استفاده از کامپیوتر نمی‌توانند مثل آن را در سخنان خود رعایت کنند. در نوشته‌های خود هم همینطور. در صورتی که محمد ص مطابق آیه ۴۸ عنکبوت سوره ۲۹ سواد خواندن و نوشتن نداشت.

## می‌گفتند: افسانه‌پیشیان است.

اساطیر یعنی افسانه‌های خیالی گذشتگان.

آیه ۲۵ انعام سوره ۶ میفرماید: «... افرادی که (به رسالت پیغمبر ص) ایمان نداشتند گفتند: این‌ها داستان‌های افسانه‌ای گذشتگان است.»

آیه ۸۲ و ۸۳ مؤمنون سوره ۲۳ میفرماید: «گفتند: آیا وقتی ما مُردیم و خاک و استخوان شدیم ما دوباره زنده می‌شویم؟ این وعده‌ای است که به ما و پدرانمان قبلاً داده شده. این حرف‌ها داستان‌های خیالی گذشتگان است.»

آیه ۱۵ قلم سوره ۶۸ و آیه ۱۳ مطفین سوره ۸۳ میفرماید: «وقتی آیات ما بر او خوانده می‌شود می‌گوید: این‌ها داستان‌های افسانه‌ای گذشتگان است.»



آیه ۵ فرقان سوره ۲۵ میفرماید: «گفتند: این حرف‌ها داستان‌های افسانه‌ای گذشتگان است که محمد ص خواسته آن را برایش بنویسند و شب و روز بر او خوانده می‌شود.»

آیه ۲۴ نحل سوره ۱۶ میفرماید: «وقتی به آنها گفته شد خداوندتان چه چیزی نازل کرده گفتند: داستان‌های افسانه‌ای گذشتگان را نازل کرده.»

آیه ۳۱ انفال سوره ۸ میفرماید: «وقتی آیات ما بر آنها خوانده شود میگویند: آن را شنیده‌ایم. اگر بخواهیم مثل آن را میگوییم. این‌ها داستان افسانه‌ای گذشتگان است.» در صورتیکه این داستان‌ها روحیه انسان‌ها را نشان میدهد و یک روانکاوی انسانی است. چون تمام اقوام اینکار را میکردند. داستان گذشتگان را در قرآن مطالعه کنید تا متوجه این حقیقت بشوید.

## می‌کنند: دروغگو هستند.

کذب یعنی دروغ. تکذیب یعنی منکر شدن و گفتن اینکه این حرف دروغ است و درست نیست و ما آن را قبول نداریم.

آیه ۱۸۴ آل عمران سوره ۳ میفرماید: «اگر تو را به دروغگویی متهم کردند (چیز تازه‌ای نیست) تمام پیغمبران قبل از تو را هم وقتی دلیل‌های روشن و نوشته‌ها و کتاب‌های روشن (گویا منظور تورات باشد) برای آنها آوردند، تکذیب کردند.»

آیه ۴۱ یونس سوره ۱۰ میفرماید: «اگر تو را به دروغگویی متهم کردند (گفتند تو دروغ می‌گویی. ما حرف‌های تو را باور نمی‌کنیم) بگو: کار من برای من و کار شما برای شما است (هر کس مسئول کارهای خود میباشد) شما از کارهایی که من میکنم بری (برکنار) هستید و من از کارهایی که شما میکنید برکنار هستم.»

آیه ۴۴ مؤمنون سوره ۲۳ میفرماید: «بعد از نوح پی در پی (پشت سر هم) پیغمبرانمان را فرستادیم. هر وقت برای هر امتی رسول آنها می‌آمد او را به دروغگویی متهم میکردند. ما بعضی از آنها را دنبال بعضی نابود کردیم و از آنها فقط داستانی باقی گذاشتیم (که برای دیگران عبرت است) افراد بی‌ایمان از رحمت خدا دور هستند.» آیه ۶۴ اعراف سوره ۷ و آیه ۷۳ یونس سوره ۱۰ و آیه ۱۱۳ نحل سوره ۱۶ و آیه ۴۸ مؤمنون سوره ۲۳ و آیه ۱۳۹ و ۱۸۹ شعراء سوره ۲۶ و آیه ۱۸ عنکبوت سوره ۲۹ و

آیه ۱۴ یس سوره ۳۶ و آیه ۱۲۷ صافات سوره ۳۷ و آیه ۱۴ شمس سوره ۹۱ را بخوانید تا ببینید روحیه تمام افراد در طول تاریخ این بوده.

آیه ۴۸ و ۴۹ انعام سوره ۶ میفرماید: «ما پیغمبرانمان را فقط برای بشارت دادن (به کسانی که کار درست میکنند) و بر حذر داشتن (کسانی که کار غلط میکنند) می‌فرستیم. کسانی که ایمان بیاورند و کارهای خود را اصلاح کنند ترسی ندارند و غصه نمی‌خورند. (حالا غصه خوردن و غم داشتن شعار دینداری شده) کسانی که منکر آیات ما شدند (گفتند این حرف‌ها دروغ است) به دلیل اطاعت نکردن از آن‌ها عذاب به ایشان میرسد.»

امروزه هم در قرن بیست و یکم همین طور است. اگر به مردم بگوئیم در تمام طول عمرشان از نظر دینی و سیاسی به آنها دروغ گفته شده است باور نمی‌کنند و گوینده را به دیوانگی و کم عقلی متهم میکنند. مثل اینکه به آنها بگوئید دموکراسی و مساوات و حقوق بشر و آزادی امروزی که رایج است کلمات فریب دهنده‌ای هستند که در عرف امروزی برای فریب مردم بکار میرود.

## می‌کنند: چرا محمد ص رسول خدا شود؟

آیه ۳۱ زخرف سوره ۴۳ میفرماید: «گفتند: چرا این قرآن بر مردی بزرگ از این دو شهر (مکه و مدینه) نازل نشده؟»

آیه ۸ ص سوره ۳۸ میفرماید: گفتند: «آیا ذکر (تذکر. قرآن) از میان ما بر او (بر محمد ص) نازل شده؟ بلکه آنها از قرآن من در شک هستند...»

آیه ۲۵ قمر سوره ۵۴ میفرماید: گفتند: «آیا ذکر (قرآن. تذکر الهی) از بین ما بر او (بر محمد ص) وحی (القاء) شده؟ نه. او (محمد ص) دروغگوی خودپسندی است.»

آیه ۴۱ و ۴۲ فرقان سوره ۲۵ میفرماید: «وقتی تو را ببینند تو را به باد استهزاء و مسخره میگیرند و میگویند. آیا این همان آدمی است که خدا به رسالت فرستاده؟ نزدیک بود ما را از عبادت خداوندانمان منحرف کند، اگر بر عبادت خودمان در باره آنها استقامت نمی‌ورزیدیم. بزودی وقتی عذاب را ببینند

خواهند دانست چه کسی گمراه است.» آیه ۱۲۴ انعام سوره ۶ میفرماید: «... خدا بهتر میداند چه کسی را پیغمبر سازد ...»

## می‌گفتند: پیغمبران هم بشری مثل ما هستند.

یکی از حرف‌هایی که به پیغمبران می‌زدند و درست هم بود بشر بودن آنها بود.

آیه ۳ انبیاء سوره ۲۱ میفرماید: «دل‌هایشان سرگرم است. ستمکاران (که ندانسته به خود و خانواده خود و تمام افراد بشر در اثر قبول نکردن راهنمایی‌های خدا برای ساختن یک دنیای پاک ستم می‌کنند) آهسته در گوش هم می‌گویند: آیا این (پیغمبر) جز بشری (انسانی) مثل شما است؟ آیا در صورتیکه چشم‌هایتان باز است و می‌بینید دچار سحر شده‌اید؟» و جادو شده‌اید؟

آیه ۳۳ تا ۳۸ مؤمنون سوره ۲۳ در باره نوح میفرماید: «بزرگان قومش که کافر بودند و منکر دیدن آخرت بودند و در زندگی دنیا آنها را بهره‌مند کرده بودیم (و میخواستند از مال خود لذت‌های نامشروع ببرند) گفتند: این نوح انسانی مثل شما است. از آنچه شما می‌خورید می‌خورد (دفع مازاد آن را هم دارد) و از آنچه شما می‌نوشید مینوشد. اگر از آدمی (انسانی) که مثل شما است اطاعت کنید زیان کار هستید. آیا به شما وعده میدهد که وقتی شما مُردید و خاک و استخوان شُدید دو مرتبه زنده میشوید و از گور (قبر) خود در می‌آیید؟ هیهات هیهات. این وعده‌ای که به شما داده می‌شود بعید است و محال. غیر از این زندگی دنیا چیزی نیست. می‌میریم و زنده میشویم و ما دوباره زنده نخواهیم شد. این نوح فقط مردی است که از قول خدا دروغ به هم می‌بافد. ما به حرف‌های او ایمان نمی‌آوریم.» حرفی که بسیاری از افراد امروزی برای آزادی عمل خود در پیروی از دلخواه خود و هر کاری که خواستند بتوانند بکنند می‌زنند. چون دین میگوید انسان مسئول کارهای خود است و از او بازخواست خواهد شد. در نتیجه به بهشت یا به جهنم خواهد رفت ولی انسان که پیرو طبیعت حیوانی خود میباشد می‌خواهد در برآوردن آنچه دلش می‌خواهد آزاد باشد و توجه ندارد که اگر دیگران هم در انجام دلخواه‌های خود آزاد باشند چه بروز او می‌آورند. چون انسان فقط آزادی خود را در برآوردن آنچه دلخواه او است می‌بیند نه برآوردن دلخواه دیگران.

آیه ۲۷ هود سوره ۱۱ میفرماید: «سران کافر قومش گفتند: تو را فقط انسانی مثل خودمان می‌بینیم و پیروان تو را افراد پست کم عقلی می‌بینیم و هیچ برتری برای شما نسبت به خودمان نمی‌بینیم و فکر می‌کنیم شما دروغگوئید.» راست می‌گفتند. پیغمبران هم انسان‌هایی مثل آنها با تمام غرائز و احتیاجات انسانی بودند. غذا می‌خوردند (دفع داشتند. دچار لنت و یبوست می‌شدند) زن و بچه داشتند، مریض میشدند و زخمی و کشته می‌شدند، همانطور که آیه ۱۰ و ۱۱ ابراهیم سوره ۱۴ میفرماید: «پیغمبران به مردم گفتند: آیا در مورد خدا که آفریننده آسمان‌ها و زمین است شکّی وجود دارد؟ او از شما دعوت میکند که گناهان شما را بیاورزد و مرگ شما را تا مدت معینی به عقب بیندازد. آنها گفتند: شما انسانی مثل ما هستید. میخواهید ما را از بندگی (مطیع محض و بدون چون و چرا بودن در مقابل بزرگانمان و بت‌هایمان) آنچه که پدرانمان آنها را بندگی میکردند باز دارید. دلیل روشنی برای ما (در باره رسالت خود و درستی حرف‌هایتان) بیاورید. پیغمبرانشان به آنها گفتند: ما انسانی مثل شما هستیم (با تمام غرائز و احتیاجاتی که شما دارید) ولی خدا بر هر یک از بندگان که بخواهد منت میگذارد (و وظیفه سنگین و پر زحمت رسالت را که با مخالفت شدید مردم روبرو میشود بر عهده آنها میگذارد). ما دلیلی جز آنچه که با اجازه خدا باشد نمیتوانیم برای شما بیاوریم. افراد با ایمان باید به خدا توکل کنند. و چرا ما به خدا توکل نکنیم؟ در صورتیکه خدا راه‌های ما را به ما نشان داده (ما را راهنمایی کرده) و بر اذیت و آزاری که به ما می‌رسانید صبر می‌کنیم. باید توکل کنندگان (در مبارزات خود با مردم نادان) بر خدا توکل کنند.»

آیه ۱۱۰ کهف سوره ۱۸ به پیغمبر ص میفرماید: «بگو: من بشری (انسانی با تمام غرائز و احتیاجات انسانی) مثل شما هستم. به من وحی میشود که معبود شما (کسی که باید بدون چون و چرا در مقابل او احساس و ابراز کوچکی کنید و از دستورهایش پیروی کنید) معبود واحدی است (از هیچکس از جمله از من نباید بدون چون و چرا اطاعت کنید چون من معبود شما نیستم، بلکه خودم بنده او هستم). کسی که امید دیدار خداوندش را دارد (امید دارد برای پس دادن حساب کارهایی که کرده در مقابل خدا قرار بگیرد) باید کار درست بکند و در عبادت (اطاعت بی چون و چرا) از خداوندش کسی را شریک او نسازد.» از هیچکس و هیچ مقام و هیچ سازمانی که برخلاف دستورهای خدا دستور بدهد اطاعت بی چون و چرا نکند. در صورتیکه امروزه در سراسر دنیا در نتیجه نداشتن اتحاد دینداران از

افرادی که در اثر انقلاب یا کودتا یا نظر نمایندگان مجلس بر سر کار آمده‌اند اطاعت بی چون و چرا میکنند. اگر کمی دقت کنید تمام آنها در اثر اتحاد دسته کوچکی از مردم به قدرت رسیده‌اند. اگر افراد با ایمان مطابق آیه ۱۰۳ آل عمران سوره ۳ تفرقه نداشته باشند و خود را مطابق آیه ۳۱ نساء سوره ۴ سرگرم جزئیات نکنند با اتحاد خود به سادگی میتوانند این دیکتاتوران زمان خود را که به نام‌های گوناگون بر مردم حکومت میکنند از مسند خود فرود آورند و دنیائی بسازند که در آن فقط دستورهای خدا، برای ساختن دنیای پاکی که در آن عدالت حکمفرمایی کند، اجرا شود. اینکار با توجه به وجود وسائل ارتباط جمعی امروزی کار بسیار ساده‌ای است. این وسائل عبارتند از چاپ، فتوکپی، کتاب، روزنامه، تلفن، ای‌میل، اینترنت، فیلم، رادیو، تلویزیون و امثال آن و وسائلی که در آینده برای اینکار ساخته میشود. در نتیجه با اتحاد دینداران و اصلاح طلبان واقعی و شرکت در انتخابات میتوانند افرادی را به مجلس بفرستند یا به ریاست جمهوری انتخاب کنند که در راه دلخواه خودشان کوشش کنند و به سادگی وضع اجتماع را تغییر دهند.

## پیغمبران را مسخره می‌کردند.

آیه ۳۶ انبیاء سوره ۲۱ میفرماید: «وقتی افراد کافر (که رسالت تو را قبول ندارند) تو را ببینند مسخرهات می‌کنند و میگویند این همان کسی است که از خدایان شما بدگویی میکند؟ آنها منکر ذکر خداوند رحمان هستند.»

آیه ۳۲ رعد سوره ۱۳ میفرماید: «پیغمبران قبل از تو را مسخره کردند. مدتی به افرادی که (به رسالت آنها) ایمان نداشتند مهلت دادم و بعد آنها را دچار عذاب کردم. عذاب من چگونه بود؟»

آیه ۱۱ حجر سوره ۱۵ و آیه ۷ زخرف سوره ۴۳ میفرماید: «هیچ پیغمبر و رسولی برای آنها نمی‌آمد مگر اینکه او را مسخره میکردند.» چون هر پیغمبری که می‌آمد آنها و پدرانشان را متهم به گمراهی میکرد و منکر خدائی که آنها تصور میکردند میشد و میگفت خدای شما فقط یکی است و

دیگران وجود خارجی ندارند و آنها اسم‌هائی است خودتان و پدران‌تان روی آنها گذاشته‌اید. آیه ۷۱ اعراف  
سوره ۷ و آیه ۴۰ یوسف سوره ۱۲ و آیه ۲۳ نجم سوره ۵۳ را ببینید.

آیه ۳۰ یس سوره ۳۶ میفرماید: «افسوس (حسرت) بر بندگان من. هیچ پیغمبری برای آنها نیامد  
مگر اینکه او را مسخره می‌کردند.»

آیه ۴۱ انبیاء سوره ۲۱ میفرماید: «پیغمبران قبل از تو را هم مسخره کردند و همان عذابی که  
مورد تمسخر آنان قرار می‌گرفت آنها را در بر گرفت.»

## \* علت این

## حرفها\*

---

چون پیغمبران به آنها می‌گفتند: «خودتان و پدران‌تان در گمراهی آشکاری هستید.» آیه ۵۴ انبیاء  
سوره ۲۱.

مسلماناً به آنها بر می‌خورد که به آنها صریحاً گفته شود شما و پدران‌تان در گمراهی آشکاری هستید  
و شما را فریب داده‌اند. چون روحانی‌نمائی که دین را دکان کسب درآمد و تأمین مخارج زندگی خود و  
خانواده خود می‌کردند آنها را فریب داده بودند و آنها را از راه خدا باز میداشتند و منحرف می‌کردند.  
همانطور که آیه ۳۴ توبه میفرماید: «ای افرادی که (به رسالت محمد ص و الهی بودن قرآن) ایمان  
آورده‌اید، عده زیادی از دانشمندان دینی یهود (مثل دانشمند نماهای مسلمان و ادیان دیگر) و زاهدان  
دیرنشین مال مردم را بناحق می‌خورند و مردم را از راه خدا باز میدارند و منحرف می‌کنند ....»

آیه ۷۸ تا ۸۰ بقره سوره ۲ میفرماید: «عده‌ای از آنان (از یهودیان مثل مسلمانان و پیروان ادیان  
دیگر) بیسوادند و از کتاب الهی غیر از آرزوها و تصورات خود چیزی نمی‌دانند و فقط گمان می‌کنند (که  
دینشان در باره فلان مطلب چنین نظری دارد و گرنه اهل مطالعه کتاب دینی خود و دیگران نبوده‌اند و  
نیستند، حتی تحصیل کرده‌های آنها که ده‌ها کتاب درسی و غیر از آن مطالعه کرده‌اند و می‌کنند. تا اگر با  
چیزی بنام دین موافقت یا مخالفت می‌کنند موافقت و مخالفت آنها از روی مطالعه و تحقیق باشد نه

خیالات و تصورات خودشان). بنابراین وای بر کسانی که (از این بی اطلاعی افراد سوءاستفاده میکنند) و با دستهای خود (با فکر و نظر و منظوره‌های خود) کتاب مینویسند و میگویند (این نوشته‌ها) از جانب خدا (و مال دین) است، تا آن را به بهای ناچیزی بفروشند. وای بر آنها از آنچه نوشتند و وای بر آنها از آنچه از این راه بدست می‌آورند. و گفتند: آتش جهنم جز چند روزی به ما نمیرسد. به آنها بگو: آیا تعهدی در این باره از خدا گرفته‌اید؟ اگر تعهد گرفته‌اید خدا بر خلاف تعهد خودش کاری نمیکند یا ندانسته بر خدا تهمت میزنید؟» و از قول خدا میگوئید در صورتیکه میدانید که خدا چنین حرفی نزده و چنین قولی نداده.

آیه ۷۸ تا ۸۰ آل عمران سوره ۳ میفرماید: «عده‌ای از آنها (از اهل کتاب که ادعای دینداری و پیروی از کتاب الهی میکنند) زبان (و سخن) را طوری به کتاب میگردانند که شما خیال کنید آن حرفها از کتاب الهی است در صورتیکه از کتاب الهی نیست، و میگویند این حرفها از جانب خدا است در صورتیکه از جانب خدا نیست. از قول خدا دروغ میگویند (بخدا تهمت میزنند) و خودشان هم این را میدانند (ولی مردم بی اطلاع از کتاب الهی با اعتماد به آنها این حرفها را از کتاب الهی و از جانب خدا می‌دانند و آن را با صداقت کامل ندانسته بنام دین بازگو می‌کنند و پس از چندی دین رسمی اجتماعی می‌شود، در صورتیکه در اصل همه آنها دروغ بوده و مردم را فریب داده‌اند. کتاب الهی با ترجمه به هرزبانی در دست مردم هست و افراد با سواد میتوانند آن را بخوانند. در گذشته مردم بیسواد بودند و نمیتوانستند کتاب الهی خود را بخوانند ولی حالا که اکثریت مردم با سواد هستند چرا؟ چرا کتاب دینی خود را و کتاب دینی دیگران را نمیخوانند تا اگر با چیزی موافقت یا مخالفت میکنند از روی تحقیق و مطالعه و علم و اطلاع باشد و ندانسته حرفهای دیگران را بنام دین بازگو نکنند؟) سزاوار هیچ بشری (انسانی) نیست که خدا به او کتاب و حکم و نبوت (پیغمبری) بدهد، بعد او به مردم بگوید غیر از خدا بنده من باشید. بلکه میگفتند خداپرست (بنده و مطیع بدون چون و چرای خدا) باشید. به دلیل همان کتابی که آن را به دیگران یاد می‌دهید و به دلیل همان کتابی که درس آن را میخوانید. و به شما دستور نمی‌دهد که فرشتگان و پیغمبران را ارباب خود بگیرید (کسانی بگیرند که به شما بگویند چه کاری بکنید و چه کاری نکنید) آیا پس از اینکه شما مسلمان (تسلیم حکم و نظر خدا) شدید شما را به کفر (کافر شدن) دستور میدهد؟» !!! اینکار در اسلام شرک و کفر است و مردم بی اطلاع از کتاب الهی ندانسته از آن پیروی میکنند.

آیه ۶۶ و ۶۷ احزاب سوره ۳۳ میفرماید: «روزی که صورت‌هایشان در آتش جهنم برگردانده میشود میگویند: ای کاش ما از خدا و پیغمبر اطاعت میکردیم (از حرف‌های دیگران اطاعت نمی‌کردیم). و قبلاً گفته بودند خداوندا، ما از آقایان و بزرگانمان پیروی کردیم. آنها ما را گمراه کردند.»

می‌بینیم که اطاعت از آقایان و بزرگان اجتماع دلیل رهائی از آتش جهنم نمی‌شود. چون آنها مطابق آنچه میگویند به خدا تهمت میزنند و دروغ‌هایی بنام دین میگویند و می‌نویسند که ربطی به کتاب الهی ندارد.

آیه ۱۶۵ تا ۱۶۷ بقره سوره ۲ میفرماید: «عده‌ای از مردم افرادی هستند که غیر از خدا مثل و ماندی مثل خدا می‌گیرند و آنها را مثل علاقه‌ای که به خدا دارند دوست می‌دارند. در صورتی که افراد با ایمان شدیدترین علاقه‌ها را به خدا دارند. اگر ستمکاران آن وقتی را ببینند که عذاب می‌بینند متوجه می‌شوند که تمام نیرو مال خدا است و عذاب خدا بسیار شدید است. روزی که پیروی شدگان (بزرگان و رهبران) از پیروی کنندگان کناره‌گیری می‌کنند چون عذاب را دیده‌اند و وسائل دنیائی هم قطع شده (کاری از دست کسی بر نمی‌آید چون آن روز، روز جزا است نه روز عمل) پیروان (کسانی که از آنها پیروی کرده‌اند) میگویند اگر یکبار دیگر (عمر دیگری) داشته باشیم، همانطور که از ما براءت (برکناری) جستند از آنها براءت میجوئیم. (دیگر از حرف‌های آنها اطاعت نمی‌کنیم)، ما اینطور نتیجه کارهای غلط آنها را به آنها نشان میدهیم که باعث حسرت و افسوس خوردن آنها میشود و از آتش جهنم خارج نمیشوند.» می‌بینیم این پیروی‌های جاهلانه که از روی بی‌اطلاعی از کتاب الهی صورت میگیرد انسان را از آتش جهنم برکنار نمی‌کند.

پیروی از عقاید پدران و اجداد هم انسان را نجات نمیدهد. چون میدانیم پدران و اجداد ما، هر چه بیشتر به عقب برگردیم بیسوادتر و بی‌اطلاع‌تر از کتاب الهی بودند و بیشتر تسلیم نظر عالم نماهائی که از کتاب الهی اطلاع نداشتند بودند.

آیه ۱۷۰ بقره سوره ۲ و آیه ۱۰۴ مائده سوره ۵ و آیه ۲۱ لقمان سوره ۳۱ میفرمایند: «وقتی به آنها گفته شود از آنچه خدا نازل کرده پیروی کنید می‌گویند (نه، ما از آن پیروی نمی‌کنیم) بلکه از آنچه پدرانمان را بر آن یافتیم پیروی میکنیم. اگرچه پدرانشان ذره‌ای عقل خود را بکار نبرده باشند و راه صحیح را نشناخته باشند.»



آیه ۲۸ و ۲۹ اعراف سوره ۷ میفرماید: «وقتی کار زشتی می‌کنند می‌گویند پدرانمان را بر اینکار یافتیم (پدرانمان اینکار را میکردند) و خدا ما را به اینکار امر کرده، (چون پدران ما آدم‌های دینداری بودند و نماز و روزه آنها ترک نمی‌شد) بگو: خدا به کارهای زشت امر نمی‌کند. آیا ندانسته از قول خدا (برخلاف خدا) سخن می‌گوئید؟ بگو: خداوند من (فرمان‌فرمای من) به عدالت امر کرده. و اینکه موقع نماز و در هر مسجدی رو به او بیاورید و با اخلاص کامل در حالی که دین را فقط متعلق به او میدانید (و) کسان دیگر را در قانون‌گذاری خدا شریک نمی‌دانید) او را به کمک بخوانید. همانطور که خدا شما را (تک‌تک) ایجاد کرد (تک‌تک) بسوی او برمی‌گردید.»

آیه ۷۸ یونس سوره ۱۰ میفرماید: «به موسی گفتند: آیا آمده‌ای که ما را از آنچه پدرانمان را بر آن یافتیم (عقاید پدرانمان) برگردانید و در زمین بزرگی مال شما باشد. ما به حرفهای شما ایمان نمی‌آوریم.» آیه ۵۲ و ۵۳ انبیاء سوره ۲۱ میفرماید: «وقتی ابراهیم به پدرش و قومش گفت: این مجسمه‌هایی که شما در درگاهشان به عبادت می‌نشینید چه چیزی هستند؟ گفتند: پدرانمان را یافتیم (دیدیم) که آنها را عبادت می‌کردند.»

آیه ۷۰ تا ۷۴ شعراء سوره ۲۶ میفرماید: «وقتی ابراهیم به پدر و قومش گفت: چه چیزی را عبادت (بندگی) می‌کنید؟ گفتند: بت‌هایی را عبادت میکنیم و در درگاهشان برای عبادت ساکن میشویم. ابراهیم گفت: آیا وقتی آنها را به کمک میخوانید دعای شما را می‌شنوند؟ یا نفعی یا ضرری به شما می‌رسانند؟ گفتند: دیدیم که پدرانمان این کار را می‌کردند.»

متأسفانه امروزه هم در قرن بیست و یکم کسانی را به کمک میخوانند که مرده‌اند و صدای آنها را نمی‌شنوند. همانطور که آیه ۱۹۴ و ۱۹۵ اعراف سوره ۷ میفرماید: «کسانی را که غیر از خدا به کمک میخوانید (به درگاهشان دعا میکنید و از آنها برای رفع حاجات خود کمک میخواهید) بندگان مثل شما هستند. اگر راست می‌گویید آنها را به کمک بخوانید تا دعای شما را اجابت کنند (ولی نمی‌کنند). آیا پاهایی دارند که با آن راه روند یا دست‌هایی دارند که با آن کاری بکنند یا چشم‌هایی دارند که با آن ببینند یا گوش‌هایی دارند که با آن بشنوند؟ بگو: شریکان خود را که برای خدا تصور میکنید به کمک بخوانید و هر نقشه‌ای که دارید در باره من بکشید و مهلتی به من ندهید.» ولی حرف پیغمبر را نمی‌پذیرفتند و با تمام قوا با او مخالفت میکردند. مثل افراد امروزی که حتی آیات کتاب الهی خودشان را

وقتی بر آنها بخوانید قبول نمی‌کنند و میگویند آیا شما بهتر میدانید یا دانشمندان ما ؟ باید به ایشان گفت: آیا دانشمندان (یا دانشمندانهای) شما بهتر میدانند یا خدا که چنین حرفی میزند؟

## کتمان: پنهان کردن و به مردم نگفتن حقیقت خیزی

آیه ۱۵۹ تا ۱۶۲ بقره سوره ۲ میفرماید: «کسانی که دلیل‌های روشن و راهنمایی‌هایی را که ما نازل کردیم بعد از اینکه آن را برای مردم در کتاب بیان کردیم پنهان (کتمان) میکنند (به مردم نمی‌گویند) خدا و لعنت کنندگان آنها را لعنت میکنند. (از رحمت خدا دور میسازند. با توجه به این آیه متوجه میشویم که چه بسیار از دانشمندانهای معروف و مشهوری که ملعون از دنیا رفته‌اند و ملعون از دنیا میروند.) مگر افرادی که توبه کردند (از اینکار زشت خود دست برداشتند) و کار غلط خود را اصلاح کردند و حقیقت دین را برای مردم بیان کردند. توبه چنین افرادی را می‌پذیرم. من توبه‌پذیر مهربان هستم. (اگر افراد از پنهان کردن حقایقی که در قرآن به مردم گفته‌ایم دست بردارند خدا توبه آنها را می‌پذیرد.) ولی کسانی که حقایق را پنهان کردند (و به مردم نگفتند) و در حال پنهان کردن این حقایق مردند لعنت خدا (دور بودن از رحمت خدا) و لعنت فرشتگان و تمام مردم بر آنها است. همیشه (تا ابد) در آن لعنت خواهند بود. عذاب آنها تخفیف نمی‌یابد (کم نمی‌شود) و مهلتی به آنها داده نمیشود.» تا نفسی تازه کنند.

آیه ۱۷۴ و ۱۷۵ بقره سوره ۲ میفرماید: «کسانی که کتابی را که خدا نازل کرده پنهان میکنند (به مردم نمی‌گویند) و آن را به قیمت ناچیزی میفروشند افرادی هستند که آتش میخورند و به شکم خود میفرستند (دچار آتش جهنم میشوند) و خدا روز قیامت با آنها صحبت نمیکند و آنها را پاک نمیکند و عذاب دردناکی دارند (عذاب ابدی جهنم). آنها افرادی هستند که گمراهی را به قیمت از دست دادن هدایت و عذاب را به قیمت آمرزش الهی خریدند. چه چیزی آنها را بر قبول آتش جهنم صبور ساخت؟» چه صبری در تحمل آتش جهنم دارند؟

اگر کمی در این آیات دقت کنیم متوجه میشویم چه بسیاری از افراد معروف و مشهوری که با نگفتن حقایق قرآن ملعون از دنیا رفته‌اند و میروند و ملعون هستند، ملعون. و از رحمت خدا دورند و اهل آتش جهنم هستند و همیشه در آن خواهند بود و مهلتی هم به آنها داده نمیشود.